



سخن نخست

غلامرضا عزیزی

ضرورت حفظ اسناد و مدارک به عنوان سوابق اداری و دانش تولیدشده در بدنه حاکمیت از دیرباز (برای مثال بر اساس شواهد باستان‌شناختی و گواهی‌های تاریخی اسناد از دوران هخامنشیان به صورت نظام‌مند نگهداری می‌شده است) مورد توجه بوده و همواره این اسناد مورد استفاده نسل‌های بعد قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد علی‌رغم تحولات پدیدآمده در قرن بیستم و به‌کارگیری اسناد و مدارک تولیدشده در سامانه‌های اتوماسیون اداری و یا منتقل شده (مثلاً از طریق اسکن) به آن و سرعت تبادل اطلاعات و دسترسی آسان به اسناد و مدارک، متأسفانه هنوز آسیب‌های بالقوه این سامانه‌های نوین کم‌اهمیت انگاشته شده و در برخی موارد حتی دیده نمی‌شود.

شاید بهترین برهان برای این سخن، عدم حضور سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (به عنوان تنها مسئول امحای قانونی اوراق مؤسسات و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت، و متولی قانونی نگهداری اسناد راکد واجد ارزش نگهداری دائم) در جلسات مربوط دولت الکترونیکی -از آغاز کار- بوده است.

اسنادی که نهایتاً پس از گذشتن زمان قانونی به سازمان یادشده تحویل داده می‌شود، به عنوان حافظه اداری باید به نسل‌های آتی منتقل شود به گونه‌ای که اسناد کم نشوند؛ گم نشوند؛ از بین نروند؛ و از سوی دیگر نحوه تولید، نگهداری و انتقالشان به گونه‌ای نباشد که محققان آینده را در برابر کوهی از اسناد با فراداده‌های ناقص و ابتر و غیر قابل بازیابی علمی قرار دهد. برای این منظور در اغلب کشورهای توسعه یافته و حتی در برخی کشورهای در حال



توسعه، آرشیوهای ملی از ابتدای کار دولت الکترونیکی، در سطوح گوناگون مشارکت داشته‌اند تا با تدوین و به‌کارگیری استانداردهای ضروری، ضریب از دست رفتن اطلاعات را به کمترین حد قابل‌تصور کاهش دهند.

در بررسی‌های انجام‌گرفته این حقیقت آشکار شده که در سطح کشور، دستورالعمل یکپارچه، فراگیر و منطبق با استانداردهای آرشیوی در مورد به‌کارگیری فراداده‌ها از تولید تا تعیین تکلیف اسناد الکترونیکی وجود ندارد و هر چند شرکت‌های نرم‌افزاری از پروتکل‌هایی که برای نظارت و تعامل سامانه‌های دبیرخانه تدوین شده است استفاده می‌کنند، اما هنوز عدم برداشت حفاظت بلندمدت رقمی به‌منظور تدوین آرشیو ملی رقمی در آن‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. از سوی دیگر در برنامه‌های اسکن اسناد که در مقیاس بسیار عظیم در حال انجام است، این عدم تناسب و یکدستی به‌وضوح مشخص است؛ برای مثال شنیده‌شده بزرگترین پروژه اسکن در کشور که در یکی از قوا انجام شد، فاقد شیوه‌نامه علمی مدون بود. برای انجام این مهم رعایت استانداردهایی برای مراحل تولید اسناد، گردش مکاتبات و اطلاعات و حفاظت و نگهداری از اسناد و مدارک اداری ضروری است. برای انجام این مهم سازمان اسناد و کتابخانه ملی استانداردهای زیر را تدوین کرده است:

استاندارد فراداده‌های ضروری برای تولید، حفظ و نگهداری و تعیین تکلیف اسناد و سوابق اداری؛

استاندارد ملی اسکن.

با عنایت به موارد فوق و با توجه به اینکه خوشبختانه فراداده‌های ضروری مذکور در بند یک به‌طور کامل تدوین شده است، پیشنهاد می‌شود مقدماتی فراهم شود تا در هیئت محترم دولت الزام رعایت این فراداده‌ها به تصویب برسد. کافی است هیئت محترم دولت همه دستگاه‌های تابعه را در یک بازه زمانی مشخص موظف کند که از نرم‌افزارهای اتوماسیون اداری استفاده کنند که این الزامات فراداده‌ای را رعایت کرده باشند. بالتبع سازمان اسناد و کتابخانه ملی هم می‌تواند مرجع تأییدکننده باشد. این کار نه تنها هیچ هزینه‌ای را به دولت تحمیل نمی‌کند بلکه ارزش افزوده بسیار زیادی را در حفظ و پردازش آتی اطلاعات به بار خواهد آورد.



طرح تدوین اصطلاحنامه مواد موزه‌ای

منصوره کشاورز افشار | فریرز خسروی

چکیده

موزه، مؤسسه‌ای دائمی و بدون هدف مادی است که درهای آن به‌روی همگان باز است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. توجه به بازیابی اطلاعات موجود در مواد موجود در موزه‌ها و شناسایی و طبقه‌بندی آن‌ها جهت به‌نمایش گذاشتن و اطلاع‌رسانی دقیق‌تر در سال‌های اخیر، نیاز به استفاده از ابزارهای بازیابی اطلاعات در این حوزه را بیش از پیش محسوس کرده است. با وجود بیش از ۴۳۰ موزه در ایران و مواد موزه‌ای ایرانی متعدد در موزه‌های خارج از ایران، نیاز به کنترل و ارزشیابی اصطلاحات و تعیین حدود موضوعی آن‌ها امری ضروری است. از آن‌جا که اصطلاحنامه یکی از ابزارهای کنترل واژگان و بازیابی اطلاعات است، تدوین اصطلاحنامه‌ای دوزبانه با حفظ پشتوانه انتشاراتی واژگان و تعیین حدود موضوعی آن‌ها پیشنهاد می‌شود. بدین منظور، پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای، مشاهده‌ای، روش طراحی سامانه در تعیین طرح اصطلاحنامه و ساختار آن و مصاحبه با صاحب‌نظران موزه انجام شده است. در این پژوهش، ساختار چهاربازه‌ای مناسبی بر اساس تقسیم‌بندی مارک ایران ارائه و نمونه کوچکی از اصطلاحنامه آثار موزه‌ای تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها

اصطلاحنامه؛ نمایه‌سازی؛ مواد موزه‌ای؛ مواد غیرکتابی؛ موزه؛ کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی.

طرح تدوین اصطلاحنامه مواد موزه‌ای

منصوره کشاورز افشار^۱ | فریرز خسروی^۲

مقدمه

موزه بر اساس تعریف بند سه و چهار اساسنامه شورای بین‌المللی موزه^۳، مؤسسه‌ای دائمی و بدون هدف مادی تعریف شده است که درهای آن به‌روی همگان باز است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. بر اساس تعریف ایکوم، موزه مکان گردآوری، نگهداری، مطالعه، بررسی و به‌نمایش گذاشتن نعمت‌های فرهنگی یا طبیعی به‌منظور آموزش، پژوهش و ارزش‌دادن به این مجموعه‌ها و لذت‌بردن از آن‌هاست (مصطفی‌زادگان، ۱۳۸۰، ص ۵).

یکی از مهم‌ترین وظایف موزه، برقرار کردن ارتباط فرهنگی بازدیدکننده با شیء به‌نمایش درآمده است. در حقیقت باید کوشید تا همان ارتباط و حسی را که بین خالق یک اثر و خود اثر وجود داشته به‌نوعی دیگر به بازدیدکنندگان منتقل کرد که این، امری دور از دسترس نیست.

طبق آماری که مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی ایران در اردیبهشت ۱۳۹۱ اعلام کرده است تعداد موزه‌ها در این کشور ۴۳۰ مورد اعلام شده است. تعداد منابع غیرکتابی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نیز تا پایان سال ۱۳۹۲ حدوداً ۶۸۰ هزار منبع اعلام شده است. با توجه به تعداد بالای موزه و به‌تبع آن مواد موزه‌ای و ورود منابع غیرکتابی به کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، لزوم سازماندهی و طبقه‌بندی مواد موزه‌ای کاملاً احساس می‌شود.

موزه‌ها کارشان را در ابتدا با تهیه فهرستی از مواد خود آغاز کردند. آن‌گاه به‌شکل گسترده‌تر

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. کارشناس بخش منابع غیرکتابی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران،
m-keshavarz@nlai.ir
۲. معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و فناوری سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران،
fa.khosravi@gmail.com
3. ICOM= International Council of Museums



به صورت فهرست موجودی درآمدند. به دلیل افزایش درخواست پژوهشگران، موزه‌داران اقدام به تهیه قواعدی برای توصیف مواد خود کردند، با این حال موزه‌ها هنوز فاقد استانداردهایی برای توصیف مواد خود هستند. اشیاء موزه‌ای، خصوصیات متفاوت با خصوصیات بسته‌های اطلاعاتی در محیط‌های دیگر دارند و این مورد بر توصیف پیشینه‌های ثبت اشیاء موزه‌ای تأثیرگذار است. اشیاء موزه‌ای یگانه‌اند. حتی اگر شیء موزه‌ای یکی از دو قطعه از شیء یگانه باشد، ممکن است منشأ متفاوتی داشته باشد. افزون بر این اطلاعات، درباره اشیاء غالباً طی زمان و با پیداشدن شواهدی دیگر تغییر می‌کند. این احتمال نیز وجود دارد که شیء تقلبی باشد و یا درباره آن به اشتباه قضاوت شده باشد. بنابراین جوامع موزه‌دار، نتوانسته‌اند حتی در داخل خود، درباره آن چه که پیشینه است در توصیف اشیاء به توافق برسند (رنجبر و کریمی‌منصورآباد، ۱۳۸۶، صص ۱۴۳-۱۴۴).

راجع به کار کتابداران در موزه، می‌توان به ثبت اطلاعات اشیاء موزه اشاره کرد که با عنوان مستندسازی، ساماندهی اطلاعات و اشیاء مطرح می‌شود. در این زمینه، هم در جریان ثبت و هم در جریان اطلاع‌رسانی، می‌توان از کتابداران کمک گرفت.

از دیگر اموری که در موزه می‌توان به عهده کتابداران گذاشت، می‌توان به شناسایی منابع برای استخراج اطلاعات مربوط به مستندسازی در بخش تاریخچه و تاریخ و حوزه فنی مربوط به کتاب‌ها و منابع فنی در مورد ثبت اطلاعات مربوط به هنرمند و پدیدآور اشاره کرد.

مسئله مهمی که می‌توان در مورد جایگاه کتابداران و اطلاع‌رسانان در موزه‌ها گفت، کتابخانه‌های تخصصی برای موزه‌هاست. در این کتابخانه‌های تخصصی، در قسمت منابع و گردآوری آن‌ها، در سازماندهی و اطلاع‌رسانی تخصصی، می‌توان از قابلیت‌های کتابداران استفاده کرد. حضور کتابدار می‌تواند، هماهنگی، سازماندهی اشیاء و منابع موزه را با منابع کتابخانه به همراه داشته باشد.

از نکات مشترک کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها، می‌توان به سودبخشی اصطلاحنامه‌ها (تزاروس‌ها) در این مراکز اشاره کرد. اصطلاحنامه به واژگان موضوعی کنترل‌شده‌ای اطلاق می‌شود که اصطلاحات حوزه‌ای خاص را در نظامی مشخص و تعریف‌شده قرار می‌دهد و روابط مفهومی میان آن‌ها را منعکس می‌سازد. اصطلاحنامه از دو نظر کنترل واژگان و زبان موضوعی و تعیین چارچوب مفهومی حائز اهمیت است (رجب‌زاده عصارها و اکثری، ۱۳۸۶، صص ۲۲۳-۲۲۴).

در ایران در چند دهه اخیر، کار واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی بر مبنای متون همانند کشورهای دیگر مورد توجه قرار گرفته و اصطلاحنامه‌های متعددی تنظیم یا ترجمه شده است که نیاز تخصصی بسیاری از مراکز را برطرف می‌سازد. هم‌چنین در مراکزی نیز گروه‌های



تخصصی اصطلاح‌شناسی و اصطلاحنامه‌نویسی ایجاد شده که خود گام مؤثری برای رفع مشکلات اصطلاح‌گزینی است. سیر تحول در علوم مختلف، این فکر را در ذهن محققان اطلاع‌رسانی ایجاد کرد که علاوه بر استفاده از اصطلاحنامه در نمایه‌سازی و ذخیره و بازیابی مدارک، از آن به منظور نشان‌دادن گستره و ساختار سلسله‌مراتب هر علم نیز استفاده کنند و از آن در طبقه‌بندی منابع کتابی و غیرکتابی بهره گیرند (روحی‌دل، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

در حوزه مواد موزه‌ای اصطلاحنامه می‌تواند با در اختیار گذاشتن فهرست منظمی از واژه‌ها، کنترل مترادف‌ها و شبه‌مترادف‌ها، تعیین اصطلاحات مجاز و مشخص کردن حدود معانی اصطلاحات برای ایجاد یک‌دستی و دقت در نمایه‌سازی، انتخاب آسان، صحیح و هماهنگ نمایه‌ها، نظارت مستمر بر واژگان نمایه‌سازی، اطمینان‌بخشیدن به نمایه‌ساز در استفاده مناسب از اصطلاحات و حد و مرز دادن به جایگاه کاربردی آن‌ها را تضمین کند که این زبان نمایه‌ای ساختار، کنترل‌شده و قابل‌استفاده در نظام نمایه‌سازی پس‌همار است. این اصطلاحنامه وسیله ذخیره و بازیابی اطلاعات در این حوزه است و بهره‌گیری از رایانه از طریق فراهم‌آوردن زبان منطقی و نظام‌مند برای موضوع و یا علم موردنظر را فراهم می‌کند. همچنین با ارائه اصطلاحات استاندارد، ارتباط میان نمایه‌ساز و استفاده‌کنندگان و ایجاد هماهنگی میان آن‌ها در ذخیره و بازیابی اطلاعات و به‌کارگیری مفاهیم معین را برقرار خواهد کرد و در آخر به‌عنوان ابزار مرجع برای تعیین حدود موضوع مورد پژوهش به محققان و دانش‌پژوهانی که در این رشته به پژوهش و تهیه پایان‌نامه می‌پردازند، کمک خواهد کرد.

کتابداران می‌توانند با گردآوری دقیق اطلاعات درباره اشیاء موزه، ارزش آن را برای علوم مختلف و دیدگاه‌های گوناگون تسهیل کنند. چه‌بسا اشیائی که از لحاظ تاریخی کم‌ارزش‌تر از زمانی هستند که با دیدگاهی از سایر علوم به آن‌ها نگریسته می‌شود. برای این کار، کتابداران خواهند توانست از مهارت‌های خود در زمینه کسب اطلاعات از مجاری گوناگون و ارتباط‌های بین کتابخانه‌ای بهره بگیرند (رجب‌زاده عصارها و اکثری، ۱۳۸۶، صص ۲۲۳-۲۲۴).

اصطلاحنامه هنر و معماری^۱، احتمالاً شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین این واژگان‌هاست و برای توصیف متون، تصاویر و اشیاء، برای آثار در مورد هنر و آثار هنری به کار می‌رود. برای مثال، کتابخانه ملی هنر، اصطلاحنامه هنر و معماری را نه تنها برای سرعنوان‌های موضوعی برای کتاب‌ها، بلکه به‌عنوان منبعی از اصطلاح‌ها برای توصیف فیزیکی و منشاء و برای گونه، استفاده می‌کند. این اصطلاحنامه، توسط تعداد زیادی از کتابخانه‌های موزه‌ها، هم برای توصیف اشیاء و هم برای فهرست‌نویسی کتاب‌ها به کار می‌رود؛ همچنین برای دیگر قالب‌ها، نظیر اسلایدها مناسب است.

دیگر واژگان بزرگ طراحی‌شده برای قالب‌های دیداری^۲، اصطلاحنامه مواد گرافیکی^۳

1. AAT: Art & Architecture Thesaurus
2. Visual format
3. Thesaurus for Graphic Materials (TGM)



است که توسط کتابخانه کنگره، برای فهرست‌نویسی موضوعی تصاویر در کنگره تولید شد. اصطلاحنامه مواد گرافیکی، که به‌ویژه، برای مجموعه چاپ‌ها^۱ و عکس‌های کتابخانه کنگره در نظر گرفته شده است، گسترشی^۲ بسیار مناسب از سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه‌ی کنگره^۳ برای کتابخانه‌هایی است که قبلاً از این نظام استفاده می‌کرده‌اند. توصیف‌گرهای اصطلاحنامه‌ای مواد گرافیکی، به ساده‌تر بودن نسبت به سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره تمایل دارد و برای اخص‌گرایی^۴ زمان ما، تدارک گسترده‌ای دیده است.

استیلیانی^۵ و همکارانش در پژوهشی با عنوان «موزه‌های مجازی»، به بررسی برخی مسائل مربوط به موزه‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که موزه‌ها به رقمی‌سازی مجموعه‌های خود، به‌منظور حفظ میراث فرهنگی و نیز دسترس‌پذیری محتوای اطلاعاتی خود، به شیوه‌های جذاب برای سطح گسترده‌ای از مردم تمایل دارند. آن‌ها، ظهور فناوری‌هایی مانند وی‌آر، ای‌آر، و وب^۳ را برای ایجاد نمایشگاه‌های موزه مجازی در محیط موزه‌ها (از طریق کیوسک‌های اطلاعاتی) و شبکه جهانی وب فرصتی تلقی می‌کنند (استیلیانی، ۲۰۰۹).

در پژوهشی با عنوان «سیر تحول و تکامل نگرش به مجموعه آثار موزه‌ای در گذر زمان» آثار موزه‌ای و تغییر و تحول آن بررسی شده است. پژوهشگر به روش کتابخانه‌ای و میدانی، به این نتیجه رسیده است که مواد نگهداری‌شده در موزه طی سال‌های مختلف دچار افت و خیز و تحولات فراوانی شده است (نوروزی، ۱۳۹۰).

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شیوه‌های سازماندهی، ذخیره و بازیابی اطلاعات در موزه‌های مجازی ایران» شیوه‌های مدیریت اطلاعات (سازماندهی، ذخیره و بازیابی) در موزه‌های مجازی ایران بررسی شده است. روش پژوهش، پیمایشی توصیفی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه پژوهش، شامل کلیه موزه‌های مجازی است که زیر نظر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فعالیت می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۹۴/۴۴ درصد از موزه‌ها از نرم‌افزار جام استفاده می‌کنند و آثار فلزی (۵۵/۵۵ درصد)، بیشترین شیء موزه‌ای موجود در موزه‌های مجازی موردبررسی است. در ۴۴/۴ درصد از موزه‌ها، ارتباط بین اشیاء موزه‌ای وجود ندارد و نرم‌افزار مورد استفاده، از نظر سازماندهی اطلاعات، ضعیف است و باید موردبازنگری قرار گیرد. همچنین، یافته‌ها نشان داد نرم‌افزار، در زمینه ذخیره و بازیابی، وضعیت بهتری دارد؛ ولی باز هم لازم است قابلیت‌هایی به آن اضافه شود. همچنین، یافته‌ها نشان داد که در ۹۴/۴۴ درصد از جامعه مورد مطالعه، ذخیره و بازیابی براساس زبان کنترل‌شده و اصطلاحنامه صورت می‌گیرد. نتایج پژوهش حاکی از این است که موزه‌های مجازی، ضمن استفاده از یک نرم‌افزار واحد برای مدیریت اطلاعات و ارتباط بیشتر با یکدیگر، لازم است برای ارتقای قابلیت‌های نرم‌افزار از همکاری متخصصان فناوری اطلاعات، در کنار متخصصان آرشیو

1. Collections of prints
2. Extension
3. Library of Congress Subject Headings
4. Specification
5. Styliani



و موزه، بهره گیرند (نوشین فرد، ۱۳۸۹).

در کتابی با عنوان «آرشیو، کتابخانه، موزه، وجوه اشتراک و افتراق» مقالات هشتمین همایش سراسری انجمن علمی دانشجویی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهرا (س) که در سال ۱۳۸۶ برگزار شده، گردآوری شده است. هدف از انتشار کتاب این گونه بیان شده است که خوانندگان این اثر قادر خواهند بود تا با مطالعه مجموعه مقالات ارائه شده، به شناخت عمیق‌تری از زمینه‌های مشترک همکاری میان سه نهاد کتابخانه، آرشیو و موزه دست یافته و با این شناخت، بستر مناسب‌تری برای دسترسی به اطلاعات مناسب و سریع که در این نهادهای دانش مستقر شده، برای آنان فراهم آید. سازماندهی اطلاعات آرشیو و موزه‌ها، نقش و جایگاه کتابداران در موزه‌ها، مقایسه خدمات آرشیو و کتابخانه‌ها و آرشیو رقمی از جمله مباحث بارزی است که اغلب مقالات این کتاب به آن پرداخته‌اند (رضایی شریف‌آبادی، ۱۳۸۸).

در مقاله‌ای با عنوان «سازماندهی اطلاعات در کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها» آمده است که در بسیاری از محیط‌ها، گرایش به سمت سازماندهی اطلاعات به گونه‌ای است تا اطلاعات، برای اهداف مختلفی قابل‌بازایی باشند و بتوان آن‌ها را برای آیندگان محفوظ داشت. محیط‌هایی چون کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها نیز از این امر مستثنا نیستند. در این مقاله که به صورت پیمایش کتابخانه‌ای تهیه شده، ابتدا تاریخچه کوتاهی از سازماندهی اطلاعات در این سه محیط آورده شده، آن‌گاه به بررسی سازماندهی اطلاعات و لزوم این کار در هر یک از این محیط‌ها پرداخته شده است. سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های سازماندهی اطلاعات میان آن‌ها بیان شده و راهکارهایی برای سازماندهی هر چه بهتر اطلاعات ارائه می‌شود (رنجبر، ۱۳۸۶). در پژوهشی با موضوع «طرح تدوین ساختار اصطلاحنامه ادبیات کودکان و نوجوانان» به روش سندی و طراحی سامانه حدود موضوعات اصطلاحنامه ادبیات کودکان و نوجوانان تعیین و در نتیجه کار نمونه‌ای برای طراحی اصطلاحنامه پیشنهاد داده شده است (زارعی، ۱۳۸۶). بر این اساس با توجه به عدم وجود اطلاعات مکتوب و گاهی عنوان در اکثر مواد موزه‌ای و نبود اصطلاحنامه‌ای برای بیان گستره، طبقه‌بندی و ساختار سلسله‌مراتبی آن ضرورت ارائه طرحی برای تدوین اصطلاحنامه مواد موزه‌ای احساس شد، با این هدف که در ذخیره و بازایی منابع اطلاعاتی موزه‌ها و کتابخانه‌ها مورد استفاده دست‌اندرکاران برای تدوین اصطلاحنامه‌ای در این زمینه قرار گیرد.

جامعه آماری شامل مواد نگهداری شده در موزه‌های ملک و ایران باستان، مواد موزه‌ای مربوط به ایران که در موزه لوور پاریس^۱ نگهداری می‌شود و پایان‌نامه‌های باستان‌شناسی (نگهداری شده در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)^۲ است.

پاسخ به پرسش‌های زیر از اهداف این پژوهش است:

1. Louvre.fr

2. Opac.nlai.ir



۱. آیا کمیت اصطلاحات موجود در حوزه مواد موزه‌ای ضرورت تدوین اصطلاحنامه مواد موزه‌ای را ایجاب می‌کند؟
۲. پشتوانه انتشاراتی چنین اصطلاحنامه‌ای چیست؟
۳. ساختار اصطلاحنامه مواد موزه‌ای چگونه است؟

روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای، مشاهده‌ای، روش طراحی سامانه در تعیین طرح اصطلاحنامه و ساختار آن و مصاحبه با صاحب‌نظران موزه است. بر این اساس ابتدا با استفاده از روش قیاسی ساختار کلی اصطلاحنامه تعیین و سپس ساختار جزئی آن طراحی شده است و یک شبکه مفهومی، اصطلاحات این حوزه را در نظامی خاص مشخص و روابط مفهومی میان آن‌ها را منعکس کرده است.

یافته‌ها

مارک ایران قالبی است برای ذخیره، بازیابی و تبادل اطلاعات که بر مبنای آی.اس.بی.دی.ها و با درنظر گرفتن ویژگی‌های فهرست‌نویسی فارسی توسط کمیته ملی مارک ایران طراحی شده است. بر اساس تقسیم‌بندی این کمیته، منابع اطلاعاتی موجود در کتابخانه ملی به سیزده گروه تقسیم شده است. این سیزده گروه شامل: مواد نوشتاری چاپی، مواد نوشتاری خطی، نت‌های موسیقی چاپ‌شده، نت‌های موسیقی دست‌نوشته، منابع نقشه‌ای چاپی، منابع نقشه‌ای دست‌نوشته، مواد نمایشی پروژکتوری و ویدئویی (فیلم‌های سینمایی، نوارهای فیلم، اسلاید، ترانسپرنسی‌ها و ضبط‌های ویدئویی)، منابع شنیداری غیرموسیقایی، منابع شنیداری موسیقایی، گرافیک‌های دوبعدی (عکس‌ها، تصاویر، طرح‌ها و ...)، منابع الکترونیکی، چندرسانه‌ای‌ها و اشیاء سه‌بعدی (آثار هنری یا رونوشت اشیاء عتیقه) است که تقریباً تمامی منابع چاپی و غیرچاپی را در بر می‌گیرد (کمیته ملی مارک ایران، ۱۳۸۱).

بر این اساس، جهت تعیین حدود موضوعی اصطلاحنامه مواد موزه‌ای با توجه به تقسیم‌بندی مارک ایران و بررسی مواد موجود در موزه‌های ایران می‌توان این تقسیم‌بندی را کامل کرد. برای مثال بقایای موجودات، سایت‌ها و مکان‌های تاریخی در این تقسیم‌بندی دیده نمی‌شود. پس از بررسی مواد موزه‌ای موجود، شاخه‌های اصلی اصطلاحنامه مواد موزه‌ای به‌صورت زیر پیشنهاد شده است:

- مواد نوشتاری چاپی (استانداردها، بروشورها، بریده‌های جراید، پایان‌نامه‌ها، تقویم‌ها، جزوه‌ها، خبرنامه‌ها، راهنماها، طرح‌های پژوهشی، فیلم‌نامه‌ها، گزارش‌ها، نت‌های موسیقی



چاپ‌شده، نمایش‌نامه‌ها)

- مواد نوشتاری خطی (کتاب‌های چاپ سربی، کتاب‌های چاپ سنگی، کتاب‌های خطی، مرقعات، نت‌های موسیقی دست‌نوشته)
 - منابع نقشه‌ای (اطلس‌ها، نقشه‌ها، نقشه‌های معماری)
 - مواد نمایشی پروژکتوری و ویدئویی (اسلایدها، فیلم‌ها، ریزفیلم‌ها، ریزفیش‌ها، نگاتیوها، حلقه‌های ویدئویی، لوح‌های ویدئویی، کارتریج‌های ویدئویی، کاست‌های ویدئویی)
 - منابع شنیداری (صفحه‌های صوتی، لوح‌های فشرده، نوارهای حلقه، نوارهای کارتریج، کاست‌های صوتی)
 - گرافیک‌های دوبعدی (آرم‌ها، اعلامیه‌ها، برچسب‌ها، پازل‌ها، پاکت‌ها، پوسترها، تمبرها، خوشنویسی‌ها، رسم‌های فنی، طرح‌های قالی، عکس‌ها، کارت‌ها، کاریکاتورها، کلیشه‌ها، کتاکت‌ها، لوحه‌های آموزشی، نقاشی‌های بازتکثیر، نقشه‌های فنی، نمودارها)
 - منابع الکترونیکی (لوح‌های فشرده، دیسک‌ها، فایل‌های رایانه‌ای)
 - چندرسانه‌ای‌ها (مجموعه‌ها)
 - اشیاء سه‌بعدی (پرچم‌ها، پوشاک، ابزار و وسایل، مجسمه‌ها، زیورها، سکه‌ها، ظرف‌ها، کره‌های جغرافیایی، مدل‌ها، منسوجات، مواد نوشتاری سه‌بعدی، مهرها)
 - بقایای موجودات (بقایای انسان‌ها، بقایای جمادات، بقایای حیوان‌ها، بقایای گیاهان و بذرها)
 - سایت و مکان (بناهای تاریخی، خانه‌های مشاهیر)
- در ساخت یک اصطلاحنامه باید توجه داشت که چه ویژگی‌هایی اصطلاحنامه را به‌بهترین شکل در خدمت نظام اطلاعاتی قرار می‌دهد و موجب پویایی نظام اطلاعاتی می‌شود. در تدوین اصطلاحنامه مواد موزه‌ای باید به موارد زیر توجه کرد:
- مقوله‌بندی موضوعی حوزه مواد موزه‌ای، گزینش واژگان خام، معیارهای انتخاب اصطلاح.
 - پالایش واژگان خام، ارزشیابی اصطلاح، شکل اصطلاحنامه، ساختار اصطلاحات.
 - روابط اساسی در اصطلاحنامه، نمایش اصطلاحات و روابط آن‌ها، ویرایش اصطلاحنامه.
 - مدیریت اصطلاحنامه، کاربرد رایانه در ایجاد اصطلاحنامه الکترونیکی.
- در نمونه پیشنهادی اصطلاحنامه مواد موزه‌ای، بیست واژه انتخاب شده که ساختار درختی و گردشی آن به زبان فارسی، ساختار الفبایی آن به زبان فارسی (به‌همراه معادل انگلیسی نمایه مرجع) و واژه‌نامه انگلیسی به فارسی است. در این پژوهش به‌دلیل این‌که اصل مقاله به زبان انگلیسی منتشر خواهد شد، ساختار الفبایی، درختی و گردشی این نمایه‌ها به زبان انگلیسی نیز ذکر شده است.

ساختار درختی^۱:

*** ظرف‌های آهنی	*** اشیاء سه‌بعدی
*** ظرف‌های پایه‌دار	*** ظرف‌ها
*** ظرف‌های چندقلو	*** بشقاب‌ها
*** ظرف‌های سربی	*** بطری‌ها
*** ظرف‌های سفالی	*** جام‌ها
*** ظرف‌های شیشه‌ای	*** چنگال‌ها
*** ظرف‌های فیبری	*** خمره‌ها
*** ظرف‌های گلی	*** دسته‌ظرف‌ها
*** ظرف‌های مفرغی	*** ریتون‌ها
*** ظرف‌های نقره	*** سطل‌ها
	*** سینی‌ها

ساختار الفبایی:

	جام‌ها
ظرف‌ها	اع
ریتون‌ها	او
ظرف‌های پایه‌دار	
لیوان‌ها	
Chalices	ان
	خمره‌ها
ظرف‌ها	اع
خمره‌ها	او
Vats	ان
	دسته‌ظرف‌ها
ظرف‌ها	اع
Vessels handle	ان

1. tree structure



ریتون‌ها

تکوک

بج

جام‌های شاخی

ظرف‌های جانورسان

ظرف‌ها

اع

جام‌ها

او

لیوان‌ها

Rhytons

ان

ظرف‌ها

ظروف

بج

اشیاء سه‌بعدی

اع

بشقاب‌ها

اخ

بطری‌ها

جام‌ها

چنگال‌ها

خمره‌ها

دسته‌ظرف‌ها

ریتون‌ها

سطل‌ها

سینی‌ها

طشت‌ها

ظرف‌های آهنی

ظرف‌های پایه‌دار

ظرف‌های چندقلو

ظرف‌های سربی

ظرف‌های سفالی

ظرف‌های سنگی

ظرف‌های شیشه‌ای

ظرف‌های صدفی



ظرف‌های قیری
 ظرف‌های گلی
 ظرف‌های لاجوردی
 ظرف‌های مرمری
 ظرف‌های مفرغی
 ظرف‌های نقره
 فنجان‌ها
 قاشق‌ها
 قمقمه‌ها
 کاسه‌ها
 کوزه‌ها
 لیوان‌ها
 ملاقه‌ها
 هاون‌ها
 Pottery

ان

ظرف‌های پایه‌بلند

بک

ظرف‌های پایه‌دار

ظرف‌های پایه‌دار

بج

ظرف‌های پایه‌بلند

اع

ظرف‌ها

او

جام‌ها

لیوان‌ها

ان

Vessel leggy

ظرف‌های جانورسان

بک

ریتون‌ها

ظرف‌های چندقلو

بج	ظرف‌های مرتبط
اع	ظرف‌ها
اخ	کاسه‌های چندقلو
	کوزه‌های چندقلو
ان	Multiple vessels

ظرف‌های قیری

اع	ظرف‌ها
ان	Bitumen vessels

ظرف‌های مرتبط

بک	ظرف‌های چندقلو
----	----------------

نمایه گردشی^۱:

ظرف‌های	پایه‌دار
	تکوک
	جام‌ها
	جام‌های شاخی
ظرف‌های	جانورسان
ظرف‌های	چندقلو
	خمره‌ها
	دسته
	ظرف‌ها
	ریتون‌ها
	شاخی
جام‌های	ظرف‌ها
دسته	ظرف‌های پایه‌دار
	جانورسان
	چندقلو
	نقره

1. Permuted structure



واژه‌نامه انگلیسی به فارسی:

Bitumen vessels	ظرف‌های قیری
Bottles	بطری‌ها
Bronze vessels	ظرف‌های مفرغی
Buckets	سطل‌ها
Ceramic vessels	ظرف‌های سفالی
Chalices	جام‌ها
Forks	چنگال‌ها
Glassy vessels	ظرف‌های شیشه‌ای
Iron vessels	ظرف‌های آهنی
Lead vessels	ظرف‌های سربی
Multiple vessels	ظرف‌های چندقلو
Plates	بشقاب‌ها
Pottery	ظرف‌ها
Rhytons	ریتون‌ها
Silver vessels	ظرف‌های نقره
Terra- cotta vessels	ظرف‌های گلی
Trays	سینی‌ها
Vats	خمره‌ها
Vessel handle	دسته ظرف‌ها
Vessel leggy	ظرف‌های پایه‌دار

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهند که امکان تدوین اصطلاحنامه مواد موزه‌ای با توجه به تمهیدات برقراری ارتباطات سلسله‌مراتبی و مترادف‌های نظام وجود دارد، ضرورت تدوین آن با توجه به کمیت بالای موزه‌ها در ایران (۴۳۰ موزه)، تعداد بالای منابع اطلاعاتی همچون نشریات و کتاب‌هایی با موضوع موزه و مواد موزه‌ای و راه یافتن مواد موزه‌ای به نام مواد غیر کتابی به عنوان محمل‌های اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی غیرقابل انکار است. پشتوانه انتشاراتی چنین اصطلاحنامه‌ای در ابتدا منابع کتابی و غیرکتابی موجود در کتابخانه ملی ایران و در گام بعد مواد موزه‌ای موجود در موزه‌های داخلی و خارجی است. تقسیم‌بندی منابع اطلاعاتی مارک ایران که بر اساس منابع متنوع بخش منابع غیرکتابی کتابخانه ملی ایران است می‌تواند ساختار و الگوی جامعی برای ساختار ابتدایی این اصطلاحنامه ارائه دهد. در نهایت موارد زیر به عنوان پیشنهاد مطرح می‌شود:

- اصطلاحنامه‌های مدرن باید چندزبانه باشند تا دسترسی به منابع اطلاعاتی در زبان‌های گوناگون را امکان‌پذیر سازند و برای آسان‌سازی ارتباط فرهنگی در جامعه اطلاعاتی که به‌طور فزاینده‌ای جهانی شده است، کارآمد باشند.



- بهترین شیوه تدوین اصطلاحنامه استفاده از شیوه‌های قیاسی و استقرایی در کنار یکدیگر است. چون در این حالت هم چارچوب اولیه تدوین اصطلاحنامه وجود دارد و هم این که اصطلاحات جدید و روزآمد وارد مجموعه اصطلاحات اصطلاحنامه خواهد شد.
- اصطلاحنامه‌ها باید به درک کاربر کمک کنند و برای افزایش جامعیت و مانعیت در جریان بازبایی اطلاعات لازم است که با تعاریف، یادداشت‌های دامنه و حتی توضیحات کوتاه دایره‌المعارف‌گونه همراه باشند.
- برای کنترل اصطلاحات در اصطلاحنامه باید در نظر داشت که اصطلاحات برای تحقق معنای خاصی آگاهانه محدود می‌شوند. برخلاف فرهنگ لغات که ممکن است یک اصطلاح با تعداد زیادی از تعاریف، کاربردهای رایج را منعکس کند، هر اصطلاح در اصطلاحنامه اغلب با یک مفهوم واحد ارائه می‌شود که به‌بهترین شکل نیاز نظام نمایه‌سازی را مرتفع می‌کند. همچنین ساختار اصطلاحنامه، به‌ویژه روابط سلسله‌مراتبی آن، تعیین‌کننده معنی یک اصطلاح است. اگر به‌وسیله این رابطه، معنی به اندازه کافی واضح نباشد استفاده از یادداشت دامنه ضروری است. یادداشت دامنه، معنی انتخاب‌شده را بیان و دیگر معانی، که ممکن است ذهن کاربر را منحرف سازد به نوعی حذف می‌کند. وقتی یک مفهوم با استفاده از دو یا چند مترادف قابل‌بیان باشد یکی از اصطلاحات معمولاً به‌عنوان توصیف‌گر انتخاب می‌شود و همواره در نمایه‌سازی به کار می‌رود. برای افزایش نقاط دسترسی کاربر، ایجاد نظام ارجاعی قوی بین توصیف‌گرها و غیرتوصیف‌گرها در اصطلاحنامه ضروری است.
- شیوه‌نامه ضبط اصطلاحات به‌صورت مکتوب، در مقدمه و یا متنی جداگانه ارائه شود، تا مسیر حرکت و اتخاذ تصمیمات در طول زمان برای افراد مشخص باشد. هر اصطلاحنامه باید دارای یک قسمت آموزشی برای کاربرد اصطلاحنامه در نمایه‌سازی یا جستجو باشد. حضور این بخش موجب می‌شود که از اصطلاحنامه بدون نیاز به منابع جانبی در مواقع لزوم بتوان استفاده کرد.
- توجه به نکات دستوری یکی از اولین مسائل در انتخاب توصیف‌گرهاست. انتخاب یک شکل از شکل‌های دستوری مختلف برای اصطلاح نکته قابل‌توجهی است.
- یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در تدوین و استفاده از اصطلاحنامه باید به آن توجه کرد سطح پیش‌همارایی است. سطح پیش‌همارایی را می‌توان میزان ترکیب اصطلاحات توسط اصطلاحنامه یا میزان انتخاب اصطلاحات مرکب به‌عنوان توصیف‌گر در اصطلاحنامه پیش از کاربرد آن در نمایه‌سازی یا جستجو دانست.
- این که یک اصطلاحنامه تا چه اندازه پیش از استفاده کاربر اقدام به همارایی اصطلاحات کند،



تعیین‌کننده میزان پیش‌همارایی است. براساس هر اصطلاحنامه و راهبرد تدوین‌کنندگان آن، درجه پیش‌همارایی متفاوت است. پیش‌همارایی از به‌وجود آمدن ترکیب‌های دور از موضوع اصلی و ریزش کاذب جلوگیری می‌کند و در نتیجه مانعیت را در بازیابی اطلاعات افزایش می‌دهد.

- از بین گروهی از مترادف‌ها یا شبه‌مترادف‌ها، اصطلاحی را باید برگزید که:

۱. از نظر مفهوم موضوعی غلط نباشد؛
 ۲. به زبان طبیعی باشد نه به‌صورت جابه‌جا شده؛
 ۳. مصطلح و متداول در بین جامعه استفاده‌کننده باشد؛
 ۴. مفهوم موردنظر را بهتر برساند؛
 ۵. ترجیحاً ریشه فارسی داشته باشد؛
 ۶. زیبا باشد؛
 ۷. حتی‌المقدور کوتاه و ساده باشد.
- برای نام سازمان‌ها، اشخاص و مکان‌های جغرافیایی و دوره‌های تاریخی در این اصطلاحنامه، می‌توان از اصطلاحنامه فرهنگی فارسی (اصفا) و یا سرعنوان‌های موضوعی فارسی استفاده کرد.

- برای رفع مشکلات زبان فارسی:

۱. انتخاب مناسب سرعنوان‌های موضوعی؛
۲. استمداد از علم اصطلاح‌شناسی: توجه به اصطلاحات و اصطلاح‌سازی، نیز با توجه به ضرورت روزآمدبودن واژگان علمی و تخصصی و لزوم کنترل ورود اصطلاحات بیگانه امری است که ما را ناگزیر به استمداد از علم اصطلاح‌شناسی می‌کند.
۳. تعریف استاندارد برای مفاهیم و رسم‌الخط فارسی: استاندارد که انتخاب کلمات را که بر مفاهیم متنوعی دلالت دارد، منحصر به فرد کند و مؤلفان را ترغیب به انتخاب گونه‌زبانی مناسب، برای تضمین کیفیت و ارتباط و انتقال مؤثر پیام و موظف به حفظ سلامت زبان و رعایت استانداردهای آن به‌عنوان یک وظیفه رسانه‌ای کند. ایجاد چنین استاندارد به‌عهده «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و با هماهنگی انجمن‌ها و شوراهای علمی در ایران است.

۴. استفاده از توصیف‌گر مفرد و جمع در نمایه‌سازی.
 ۵. استفاده از یک واسط جستجوی فارسی برای رفع چالش‌ها.
- رعایت اصول عامل‌بندی^۱ با توجه به تأثیرات آن که شامل:



۱. کاهش شمار اصطلاحات مرجح یا توصیف‌گرها در اصطلاحنامه؛
 ۲. افزایش شمار کلیدواژه‌ها به‌منظور دسترس‌پذیر ساختن اطلاعات برای استفاده‌کنندگان و نمایه‌سازان؛
 ۳. کاهش مانعیت از طریق بازیابی اطلاعات غیرمرتبط؛
 ۴. افزایش جامعیت در دسترس‌پذیر ساختن اسناد و مدارک؛
 ۵. افزایش سطح انعطاف‌پذیری از طریق تجزیه توصیف‌گرهای مرکب؛
 ۶. کاهش حجم اصطلاحنامه از طریق عامل‌بندی اصطلاحات مرکب؛
 ۷. تحقق سهولت برای همارایی کلیدواژه‌ها در کاربرد جبر بولی در مرحله بازیابی اطلاعات.
- برای افزایش کارایی اصطلاحنامه و به‌دنبال نظامی که اصطلاحنامه برای آن طراحی شده‌است، توجه به روزآمدسازی اصطلاحنامه با توجه به تغییرات منابع و مدارک پایگاه و تغییرات زمینه تخصصی اصطلاحنامه ضروری است.
 - پیشنهاد انتشاراتی برای واژه‌های مورد استناد در اصطلاحنامه بسیار مهم است.
 - گزینش بهترین نرم‌افزار برای الکترونیکی کردن این اصطلاحنامه با استفاده از تجربیات فراوان اصطلاحنامه‌های اصفاء، پزشکی رها دوست و فنی و مهندسی ایرانداک و ... لازم و ضروری است.
 - پیشنهاد می‌شود تدوین این اصطلاحنامه با همکاری کتابداران متخصص در حوزه نمایه‌سازی و فهرست‌نویسی، کارشناسان و متخصصان موزه، متخصصان زبان‌شناسی از فرهنگستان زبان و ادب فارسی و کارشناسان و متخصصان رایانه و مدیریت اطلاعات به‌عهده گیرند.

منابع

- امیرحسینی، مازیار؛ محبی، رویا (۱۳۸۸). ارزیابی نسبت عامل‌بندی در توصیف‌گرهای اصطلاحنامه‌های اصفاء و علوم اسلامی: رویکرد کمی به تحلیل سطح پیش‌همارایی. فصلنامه کتاب، ۷۹، صص ۷۵-۹۸.
- بابایی، نرگس (۱۳۸۴). اصطلاحنامه. فصلنامه کتاب، ۶۴، صص ۳۳-۴۲.
- بروتن، وندا. ضرورت‌های ساختاری اصطلاحنامه. ترجمه: نرگس زندی‌روان (۱۳۸۸)، تهران: چاپار، کتابخانه رایانه‌ای، انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران.
- چهرمی‌یکتا، روشنگر (۱۳۸۱)، ظروف سفالی مرتبط (چندقلو) پیش از تاریخ ایران (هزاره دوم و اول ق.م). پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- خسروی، فریبرز (۱۳۸۹). اصطلاحنامه: مسائل و راهکارها. مقاله ارائه‌شده به فرهنگستان علوم تاجیکستان، بازیابی در ۲۳ مرداد ۱۳۹۱، از <http://fkhosravi.com/?p=۷۵۱>.



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (۱۳۷۶). اصطلاحنامه فلسفه اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات.

رجب‌زاده‌عصارها، امیرحسین؛ اکثری، ملیحه (۱۳۸۶). نقش و جایگاه کتابداران و اطلاع‌رسانان در موزه. در مجموعه مقالات آرشیو، کتابخانه و موزه: وجوه افتراق و اشتراک. صص ۲۱۹-۲۲۹.

رضایی‌شریف‌آبادی، سعید؛ نیکومنظری، نگین (۱۳۸۸). آرشیو، کتابخانه و موزه: وجوه اشتراک و افتراق. تهران: نشر کتابدار.

رنجبر، محبوبه؛ کریمی‌منصورآباد، الهام (۱۳۸۶). سازماندهی اطلاعات در کتابخانه‌ها، آرشیوها و موزه‌ها، در مجموعه مقالات آرشیو، کتابخانه و موزه: وجوه افتراق و اشتراک، صص ۱۳۹-۱۴۶.

روحی‌دل، الهه (۱۳۸۵). طرح تدوین اصطلاحنامه نسخه‌شناسی در ایران. مجله کتابداری، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۷۵-۹۴.

رهادوست، فاطمه (۱۳۷۰). تدوین سرعنوان‌های موضوعی پزشکی فارسی: گامی در جهت یکدست‌سازی واژگان پزشکی فارسی. فصلنامه کتاب، (۴-۱)، صص ۵۰-۷۵.

زارعی، کتایون (۱۳۸۶). طرح تدوین اصطلاحنامه ادبیات کودکان و نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد کتابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: فرهنگ معاصر.

شیرانی، فریده (۱۳۸۲). مقایسه فرم ظروف سفالی پایه‌دار نیمه اول هزاره یکم پیش از میلاد در محوطه‌های تاریخی شمال، شمال غرب و فلات مرکزی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

طاوسی، ماهیار (۱۳۸۱). بررسی و مطالعه ظروف فلزی عصر هخامنشی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

طهرانی‌پور، وحید (۱۳۸۶). بررسی وجوه افتراق و اشتراک کتابداری، آرشیوداری، موزه‌داری، و آرشیوداری دیداری و شنیداری. در مجموعه مقالات آرشیو، کتابخانه و موزه: وجوه افتراق و اشتراک، صص ۶۷-۸۲.

کریمی، مهروش (۱۳۸۱). ظروف قیری ایلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

کشاوری‌افشار، منصوره (۱۳۹۲). طرح تدوین اصطلاحنامه مواد موزه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات همدان.

کمیته ملی مارک ایران (۱۳۸۱). مارک ایران. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

محمدی، فخرالسادات؛ علیدوستی، سیروس (۱۳۸۶). فرایند تدوین اصطلاحنامه. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.

مصطفی‌زادگان، رضا (۱۳۸۰). سیر تحول تعریف موزه در اساسنامه‌های ایکوم از ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۱ (۱۳۳۰ تا



Aitchison, J. (1969). *Thesaurofacet: a thesaurus & faceted classification for engineering & related subjects*. Leicester: English electric co. Ltd.

Austin, Derek & Dale, Peter (1981). *Guidelines for the establishment and development of monolingual thesauri*. Paris: General Information programme and UNISIST, Unesco.

allmuseums.com

getty.edu

khabaronline.ir

louvre.fr

opac.nlai.ir



بررسی تحلیلی کارکردپذیری استاندارد تبادل داده توصیف آرشیو رمزگذاری شده EAD برای توصیف محتوایی منابع آرشیوی در آرشیو ملی ایران

فرزانه بهارلو

■ چکیده

اساسی‌ترین دلیل نگهداری منابع چاپی و رقمی در آرشیو ملی، ثبت آن‌ها به‌عنوان شناسنامه ملی است که هویت یک ملت را نمایان می‌سازد. استانداردها در طول زمان برای تأمین نظامی مؤثر و منسجم برای آرشیوها و آرشیوداران تدوین شده‌اند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تحلیلی کارکردپذیری استاندارد تبادل داده توصیف آرشیو رمزگذاری‌شده برای توصیف محتوایی منابع آرشیوی در آرشیو ملی ایران است. بهره‌گیری از استانداردهای نوین گامی مهم برای ایجاد دسترسی جهانی به آرشیو است. برای انجام این پژوهش از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. داده‌های موردنیاز شامل فراداده‌های موجود در استاندارد آرشیو رمزگذاری‌شده و شیوه‌نامه تنظیم و توصیف آرشیو ملی است. بررسی فراداده‌های موردنظر و مقایسه آن‌ها، گام بعدی این پژوهش است. این پژوهش نشان می‌دهد استفاده از استانداردهای محتوایی مناسب و همسو با استاندارد موردبررسی، تأثیر به‌سزایی در ایجاد افزایش دسترسی کاربران به آرشیو دارد.

کلیدواژه‌ها

استاندارد توصیف آرشیو رمزگذاری‌شده؛ شیوه‌نامه تنظیم و توصیف آرشیو ملی ایران؛ استاندارد توصیف آرشیو بین‌المللی عام؛ فراداده توصیفی.



بررسی تحلیلی کارکردپذیری استاندارد تبادل داده توصیف آرشیو رمزگذاری شده EAD برای توصیف محتوایی منابع آرشیوی در آرشیو ملی ایران

فرزانه بهارلو^۱

مقدمه

آرشیو دربردارندهٔ پیشینه فعالیت‌هایی است که سازمان‌ها و نهادهای کشوری انجام می‌دهند. این پیشینه‌ها در گذشته فقط قالب چاپی داشتند ولی امروزه گسترش منابع وبی و اتوماسیون‌های اداری موجب گسترش اسناد الکترونیکی شده است. بنابراین، امروزه آرشیو، اسناد رقمی و چاپی را با اهداف اداری-قانونی و فرهنگی-تاریخی نگه‌داری می‌کند. اساسی‌ترین دلیل نگه‌داری این منابع، ثبت آن‌ها به‌عنوان شناسنامه ملی است که هویت یک ملت را نمایان می‌سازد. استانداردها در طول زمان برای تأمین نظامی مؤثر و منسجم برای آرشیوها و آرشیوداران توسعه تدوین شده‌اند (عادلی اسفنجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۶). توصیف منابع در جهت دسترسی بهتر از وظایف آرشیو و آرشیودار است.

استاندارد، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و معیارهاست که در طی آن فرایند تهیه یک محصول یا نحوه اجرایی عملکرد را به نحو کامل شرح داده که توسط یک سازمان معتبر ملی یا بین‌المللی تأیید و امضاء شده است. استاندارد یک توافق حرفه‌ای، توانا و مولد در تبادل اطلاعات، قابل استفاده در صورت کهنه‌شدن فناوری است (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۲۱). استانداردهای توصیفی از مهم‌ترین ابزارهایی است که آرشیوداران برای توصیف منابع آرشیوی از آن‌ها بهره می‌گیرند. استانداردهای توصیف آرشیوی با تأکید بر برقراری پیوند بین تنظیم و توصیف و با هدف «اطمینان از تولید توصیف منطقی و روشن، تسهیل بازیابی و تبادل اطلاعات، کمک به اشتراک اطلاعات معتبر و یکپارچه‌سازی توصیف‌های مختلف در نظام

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد
مطالعات آرشیوی دانشگاه الزهراء،
f.baharlou@student.
alzahra.ac.ir

اطلاعاتی واحد» ایجاد شده است. استاندارد ساختار داده^۱، استاندارد ارزش داده^۲، استاندارد مبادله داده^۳ و استاندارد محتوای داده^۴ از جمله استانداردهای توصیف آرشیوی هستند (کوکبی، رضایی شریف‌آبادی و اصنافی، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

استاندارد ساختار داده، فرمت، قالب و محیط سازمان‌دهی شده را نشان می‌دهد. استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی (عمومی)^۵ از این نوع استاندارد است. اولین ویرایش از استاندارد جدید بین‌المللی توصیف آرشیو در ۱۹۹۱ توسط ایکا^۶ منتشر شد (غفوری، رضایی شریف‌آبادی و عزیزی، ۱۳۹۴، ص ۳۹).

استاندارد تبادل داده، امکان انتقال و مبادله ساختار داده یا داده‌های منفردی-که تحت استاندارد ساختار داده کددار شده‌اند-فراهم می‌کند. به‌وسیله این استانداردها، اطلاعات را می‌توان به رایانه منتقل کرد. استاندارد فراداده‌ای آرشیو کدگذاری شده (ای.ای.دی)^۷ نیز از جمله این نوع استانداردهاست که در سال ۱۹۹۶ توسط دفتر توسعه شبکه و استانداردهای مارک کتابخانه کنگره برای جامعه آرشیو‌داران آمریکا تهیه شده است (کوکبی، رضایی شریف‌آبادی و اصنافی، ۱۳۹۱، ص ۴۷).

استاندارد فراداده‌ای موجب بهبود کیفیت خدمات سامانه‌های اطلاعاتی و تسهیل تبادل اطلاعات می‌شود. این استانداردها شامل داده‌هایی است که اطلاعات کتابشناختی، شکل ظاهری، خصوصیات فیزیکی، ساختار فنی و محتوای موضوعی یک منبع یا شیء اطلاعاتی را توصیف می‌کند. استاندارد فراداده‌ای آرشیو کدگذاری شده، معبرهایی به درون و برون استاندارد توصیف آرشیوی بین‌المللی عام دارد (صمیعی، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

تاکنون درباره استاندارد توصیف آرشیوی رمزگذاری شده در ایران پژوهشی صورت نگرفته است. اما پژوهش‌هایی درباره استانداردهای آرشیوی صورت گرفته که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود: امیررضا اصنافی، مرتضی کوکبی و سعید رضایی شریف‌آبادی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی عناصر ایساد با فیلدهای یونی‌مارک، مارک ایران و مارک ۲۱» بیان داشت دستنامه یونی مارک و مارک ایران منابع آرشیوی را به‌صورت مجزا و به‌عنوان یک واحد در نظر گرفته است.

مژده ملکی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «امکان‌سنجی ذخیره و بازیابی اسناد الکترونیکی در آرشیو ملی ایران» ارتقا تجهیزات و مهارت متخصصان را در آرشیو ملی ایران لازم دانسته است.

مرضیه جهانشاهی (۱۳۹۱) طی پژوهشی با عنوان «کارکردپذیری استاندارد توصیف و دسترسی به منابع (ار.دی.ای) در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی» نشان داد کاربرگه فهرست‌نویسی اسناد تاریخی مجلس شورای اسلامی بیشتر به بحث سیستمی و

1. Data Structure Standard
2. Data Value Standard
3. Data Interchange Standards
4. Data Content Standard
5. General International Standard Archival Description (ISAD G)
6. International Council Archive (ICA)
7. EAD

تحلیلی (موضوع) توجه داشته و از عناصر توصیفی آن بسیار کمتر استفاده شده است. فائزه سادات طباطبایی و اکرم احمدیان (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «کاربرد استاندارد محتوایی (دی.ای.سی.اس) در توصیف و سازماندهی اسناد آرشیوهای رقمی» نشان داده‌اند استفاده از استانداردها موجب یکپارچگی و هماهنگی توصیف محتوا می‌شود.

فاطمه اسفندیاری، زهره میرحسینی و اشرف السادات بزرگی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «فهرست‌نویسی اسناد آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بر اساس استاندارد بین‌المللی تنظیم و توصیف آرشیوی (ایساد)» نشان دادند استاندارد بودن شیوه توصیف منجر به بازیابی بهتر اسناد مرتبط شده است.

سیدمهدی طاهری (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی تحلیل کارکردپذیری استاندارد توصیف و دسترسی منابع (RDA) برای توصیف و سازماندهی مواد آرشیوی» نشان داد این استاندارد موجب هم‌گرایی توصیف مواد آرشیوی می‌شود.

معصومه انصاری (۱۳۸۸) در «بررسی استانداردهای جهانی اسناد الکترونیکی و تهیه پیش‌نویس استانداردهای اسناد الکترونیکی برای آرشیو ملی» نشان داد که استاندارد ایزو ۱۵۴۸۹ اولین و ضروری‌ترین استاندارد در زمینه مدیریت اسناد الکترونیکی است.

در خارج از کشور:

جیمز پ. اسکر^۱ و انا م. فریس^۲ (۲۰۱۲) در «Collection-Level Surveys for Special Collections: Coalescing Descriptors Across Standards» نشان داده‌اند بررسی عناصر استانداردها بهترین روش برای دستیابی به شیوه مناسب فهرست‌نویسی مجموعه‌ها است. مایکل راش^۳ (۲۰۱۴) در «Descriptive Standards: International Context and new Direction» تاریخچه و رابطه استاندارد توصیف آرشیوی رمزگذاری شده را با سایر استانداردها به تصویر کشیده است.

ربکا^۴ و دیگران (۲۰۱۱) در مقاله ارائه شده در کنفرانس علم اطلاعات و دانش‌شناسی با عنوان «Archives Standard: EAD, DACS and Mark» تفاوت‌های عناصر موجود در سه استاندارد را بیان می‌کند.

آرشیو ملی ایران برای توصیف منابع آرشیوی از استاندارد توصیف آرشیوی بین‌المللی عام بهره می‌گیرد. اداره کل تنظیم و پردازش اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برای توصیف اسناد در سطح پرونده، عناصر کاربرگ‌های توصیف اسناد (کاغذی و الکترونیکی) را جهت تطابق با این استاندارد، گزینش و بومی‌سازی کرده است (اسفندیاری، بزرگی و میرحسینی، ۱۳۹۰، ص ۸). استفاده از استاندارد فراداده‌ای که منطبق با شیوه نامه توصیف موجود باشد را می‌توان به عنوان گام بعدی برای دسترسی بیشتر به منابع آرشیوی، تبادل اطلاعات و

1. James P. Ascher

2. Anna M. Ferris

3. Rush, Micheal

4. Rebeca



خودکارسازی فرایند آرشیو در آرشیو ملی دانست. همان‌طور که اشاره شد، استاندارد فراداده‌ای آرشیو کدگذاری‌شده و شیوه‌نامه تنظیم و توصیف آرشیو ملی ایران بر اساس استاندارد توصیف آرشیوی بین‌المللی عام ایجاد شده است. بنابراین در پژوهش حاضر کارکرد استاندارد فراداده‌ای آرشیو کدگذاری‌شده در آرشیو ملی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش پیش‌رو به‌شیوه توصیفی پیمایشی صورت گرفته است. داده‌های پژوهش شامل اطلاعات و عناصر موجود استاندارد فراداده‌ای آرشیو کدگذاری‌شده و شیوه‌نامه تنظیم و توصیف آرشیو ملی ایران است.

استاندارد توصیف آرشیوی رمزگذاری شده EAD

توسعه اینترنت و لزوم ایجاد آرشیو رقمی موجب شد استاندارد تبادل داده در جهت حفاظت رقمی داده‌های توصیفی، «استاندارد توصیف آرشیوی رمزگذاری‌شده» در سال ۱۹۹۶ برای حفاظت داده‌های توصیفی استاندارد توصیف بین‌المللی عام و بر اساس طرح کدگذاری گسترش‌پذیر (ایکس.ام.ال)^۱ توسط دفتر توسعه شبکه و استانداردهای مارک کتابخانه گنره آمریکا منتشر شود (دورانتی و فرانکس، ۲۰۱۵، ص ۵۹).

هدف اصلی این استاندارد، شناسه‌گذاری محتوای ابزارهای بازیابی اطلاعات (فهرست‌ها، نمایه‌ها و راهنماها) برای دسترسی به اشیاء آرشیوی و مخازن نسخه‌های خطی در محیط شبکه‌ای است. این استاندارد امکان توصیف دقیق و جامع محتوا و ساختار معنایی مجموعه‌های اشیاء آرشیوی را میسر می‌سازد. همچنین، موجب استانداردسازی اطلاعات مجموعه‌های آرشیوی ذخیره‌شده در ابزارهای بازیابی اطلاعات می‌شود. به عبارت دیگر، پیشینه‌های تولیدشده بر اساس این استاندارد، به دلیل استفاده از بستر نحوی و ساختار مناسب، تبادل اطلاعات میان نظام‌های آرشیوی را بهبود می‌بخشند. این استاندارد، پرکاربردترین فراداده توصیفی در بافت آرشیوی به‌شمار می‌رود و با دارا بودن ویژگی‌های مناسب، قابلیت میان‌کنش‌پذیری با دیگر استانداردهای بافت فرهنگی را دارد (طاهری، ۱۳۹۱، ص ۶۰).

این استاندارد توسط انگلستان در ۱۹۹۷ و کره ۲۰۱۱ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. استاندارد توصیف آرشیو رمزگذاری‌شده اگرچه برای منابع رقمی طراحی نشده است ولی برای توصیف فراداده‌های مجموعه‌های رقمی و آنالوگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازگاری با اصول آرشیوی و استانداردهای مرتبط از ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. از کاربردهای آن هم می‌توان توصیف مجموعه آرشیوی، توصیف راهبری فضاهای اطلاعاتی سلسله‌مراتبی و پیچیده، رمزگذاری راهنماهای بازیابی آرشیوی را برشمرد. این استاندارد در سه سطح و ۲۶۶ عنصر داده‌ای تعریف شده است (صمعی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲).

1. XML



استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی عام (ISAD(G) و آرشیو ملی

اولین مجموعه از استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی عام در ۱۹۹۴ توسط شورای جهانی آرشیو^۱ منتشر شد. این استاندارد یک راهنمای کلی برای آماده‌سازی و توصیف منابع آرشیوی است (کوکبی، رضایی شریف‌آبادی و اصنافی، ۱۳۹۱، ص ۴۶). یکی از ویژگی‌های استانداردهای توصیفی، احترام به اصل و کلیت منابع توصیف شده است. یعنی استاندارد با حفظ کلیت به توصیف آن می‌پردازد و صرف‌نظر از ماهیت طبیعی و حجم و اندازه و شکل، به‌صورت نامحدود ساختار توصیفی آرشیو را بیان می‌کند. با این حال این استاندارد فرمت‌های خروجی یا دیگر عناصر ارائه‌شده مثل کاتالوگ‌ها، لیست‌ها و ... را توصیف نمی‌کند. این استاندارد دارای ۲۶ عنصر داده‌ای در ۷ سطح توصیف است (غفوری، رضایی شریف‌آبادی و عزیزی، ۱۳۹۴، ص ۴۶).

تنظیم و توصیف اسناد را در آرشیو ملی ایران، می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: مرحله اول، قبل از آذر ماه ۱۳۷۰ که در آن، فرایندها به‌صورت دستی انجام می‌شده است. مرحله دوم بعد از آذر ماه ۱۳۷۰ است که از سامانه ماشینی استفاده شده است. در سال ۱۳۸۰، فرایندهای تنظیم و توصیف در آرشیو ملی ایران، به‌سمت استانداردسازی و استفاده از تجارب بین‌المللی پیش رفت. در نهایت، کاربرگه‌ای که در سال ۱۳۸۷ در آرشیو ملی ایران طراحی شده است، دقیقاً منطبق بر عناصر استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی است. در واقع، روند بهره‌گیری و انطباق عناصر توصیفی با این استاندارد، در همان سال به اوج رسید. برای استفاده از این کاربرگه‌ها، شیوه‌نامه تنظیم و توصیف اسناد را «مدیریت طبقه‌بندی و نمایه‌سازی اسناد - گروه تدوین اصطلاحات» منتشر کرد. این شیوه‌نامه، در سه بخش تدوین شده بود: بخش اول، شامل ۱۸ بند که ضمن ارائه اطلاعاتی در مورد تنظیم و توصیف، مراحل تنظیم و توصیف را در آرشیو ملی ایران بیان کرد. بخش دوم با عنوان «کدها و عناوین فیلدهای کاربرگه تنظیم و توصیف اسناد بر اساس استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی دارای مثال‌ها و نمونه‌هایی از اسناد موجود در آرشیو ملی ایران در زیر هر کدام از عناصر است. بخش سوم، راهنمای تکمیل کاربرگه توصیف اسناد است که به‌ترتیب وجود عناصر در کاربرگه، به‌معرفی آن‌ها پرداخته و در انتها مثال‌هایی نیز ارائه کرده است (عادلی اسفنجانی، رضایی شریف‌آبادی و خسروی، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

عناصر موجود در شیوه‌نامه توصیف آرشیو ملی ایران و استاندارد توصیف آرشیو رمزگذاری‌شده در جدول ۱ آورده شده است. عناصر مشابه با اعداد یکسان مشخص شده‌اند.



جدول ۱- مقایسه فراداده‌های موجود در شیوه‌نامه توصیف آرشیو ملی و استاندارد
توصیف آرشیو رمزگذاری شده

EAD	عنصر توصیفی	کد مورد نظر		عنصر توصیفی	ISAD(G) (براساس شیوه نامه)		
مستندسازی eadheader	شناسه بازایی	۱	۱	شماره بازایی	ناحیه شناسایی		
	عنوان	۲	۲	عنوان			
	تاریخ	۳	۳	تاریخ			
	روش‌های ارزشیابی	۱۱	۴	سطح توصیف			
	اندازه	۵	۵	تعداد/ حجم نوع رسانه			
	درهم‌کرد مجموعه زمانی	۷	۶	نام تولیدکننده	سابقه و زمینه		
	تاریخ تولید	؟	۷	تاریخچه اداری/ شرح حال			
	گردآورنده/ تولیدکننده	۶	۸	سابقه آرشیوی			
	سایر مجموعه رکوردها	۵	۹	منبع مستقیم دریافت یا انتقال سند			
توصیف کتابشناختی frontmatter	عنوان	۲	۱۰	دامنه و محتوا	ساختار و محتوا		
	اسامی	۶	۱۱	ارزشیابی، امحا و برنامه زمان‌بندی تعیین تکلیف			
	موضوع	؟	۱۲	گسترش‌های آتی	دسترسی		
			۱۳	شیوه تنظیم			
	فهرست راهنما	۱۸	۱۴	شرایط دسترسی‌پذیری			
			۱۵	شرایط تکثیر			
			۱۶	زبان/ خط			
توصیف آرشیوی archdesc	یادداشت	۲۳	۱۷	ویژگی‌های ظاهری و نیازهای فنی	منابع مرتبط		
	تاریخچه	۸	۱۸	فهرست راهنما			
	زبان	۱۶	۱۹	محل نگهداری اصل سند			
	شرایط دسترسی	۱۴	۲۰	محل نگهداری تصویر سند			
	ارزشیابی دوره‌ای	۱۱	۲۱	اسناد مرتبط			
	خطامشی ارزشیابی	۱۱	۲۲	یادداشت انتشار			
	تاریخ نگهداری	۲۵	۲۳	یادداشت		یادداشت	
	منبع دریافت سند	۹	۲۴	یادداشت آرشیودار	کنترل توصیفی		
	موضوع	؟					
	سازمان آرشیوی	؟					
	محل	؟					
	شرایط دسترسی	۱۴					
	سطح توصیف	۴					
	اسناد مرتبط	۳۱					
	وضعیت توصیف	۳۴					
	مجموعه مرتبط	۳۱				۲۵	تاریخ توصیف
	انتشارات مرتبط	۳۲					
	شرایط تکثیر	۱۵					
	ناشر یا توزیع کننده	۳۲					
	یادداشت عمومی	۳۳					
	شیوه تنظیم	۱۳					
	استناد ارجاعی	؟					
	انتخاب، ارزیابی و امحا	۱۱					



بحث و نتیجه‌گیری

ارتباط استاندارد مورد بررسی و استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی عام و از سوی دیگر ارتباط استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی عام و شیوه‌نامه تنظیم و توصیف آرشیو ملی ایران موجب شد تا کارکردپذیری استاندارد تبادل داده توصیف آرشیو رمزگذاری شده در تنظیم و توصیف منابع آرشیوی آرشیو ملی ایران بررسی شود.

در بررسی فراداده‌های موجود در شیوه‌نامه فهرست‌نویسی آرشیو ملی ایران و استاندارد آرشیو رمزگذاری شده، وجود فراداده‌هایی چون استناد ارجاعی، محل، موضوع و سازمان آرشیوی نقطه تمایز و برتری استاندارد مذکور است. همچنین ارتباط چند فراداده با یک فراداده از شیوه‌نامه، نشان از گستردگی مفهوم فراداده در شیوه‌نامه دارد. این امر علاوه بر ارائه فراداده‌ها با مفاهیم مختلف موجب سردرگمی آرشیودار می‌شود و در نهایت دسترسی کاربران را مختل می‌کند.

استاندارد مذکور با ایجاد عناصر توصیف چند سطحی، بازیاگرهای جامعی را برای بازایی منابع آرشیوی ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که شیوه‌نامه ایران فقط یک سطح توصیف را در نظر می‌گیرد که موجب عدم موفقیت کاربران در امر جستجو می‌شود.

وجود فراداده‌های تکراری در استاندارد مورد بررسی، موجب توصیف همه‌جانبه منبع آرشیوی می‌شود و آرشیودار با هر نگاهی به منبع آرشیوی می‌تواند آن را همه‌جانبه توصیف کند که دسترسی بیشتر کاربران از نتایج این امر است.^۱

استفاده از استانداردهای محتوایی همسو با استاندارد مورد بررسی هم‌چون استاندارد محتوایی توصیف آرشیوی امریکا که بتواند فراداده‌های استاندارد آرشیو رمزگذاری شده را به‌درستی برای آرشیوداران تبیین کند از جمله اقداماتی است که موجب افزایش دسترسی و کاهش سردرگمی آرشیوداران می‌شود.

با توجه به آنچه در پیشینه پژوهش ذکر شد، روند تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو ملی ایران رو به پیشرفت است. معرفی و استفاده از استانداردهای جدید برای تنظیم و توصیف منابع آرشیوی و طراحی نرم‌افزار ملی آرشیوی بر اساس آن‌ها می‌تواند گام مهمی در تبادل اطلاعات آرشیوی با جهان باشد.

منابع

- اسفندیاری، فاطمه؛ میرحسینی، زهره و بزرگی، اشرف‌السادات (۱۳۹۰). فهرست‌نویسی اسناد آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بر اساس استاندارد بین‌المللی تنظیم و توصیف آرشیوی (ایساد). گنجینه اسناد (۸۸)، صص ۱۱۸-۱۳۴.

1. DACS



انصاری، معصومه (۱۳۸۸). بررسی استانداردهای جهانی اسناد الکترونیکی و تهیه پیش‌نویس اسناد الکترونیکی برای آرشیو ملی ایران. تهران: دانشگاه الزهرا.

جهانشاهی، مرضیه (۱۳۹۱). کارکردپذیری استاندارد توصیف و دسترسی به منبع (آر.دی.ای.) در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. تهران: دانشگاه الزهرا.

صمیمی، میترا (۱۳۹۴). استانداردهای ذخیره و حفاظت در کتابخانه دیجیتال. تهران: کتابدار.

طاهری، سیدمهدی (۱۳۹۱). کاربرد فراداده در بافت آرشیوی جدید: ضرورت‌ها و کارکردهای حرفه‌ای. گنجینه اسناد (۸۸)، صص ۱۲۶-۱۴۳.

طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۹). بررسی تحلیلی کاربردپذیری استاندارد توصیف و دسترسی منابع RDA برای توصیف و سازماندهی مواد آرشیوی. گنجینه اسناد (۸۰)، صص ۸۰-۹۴.

طباطبائی امیری، فاطمه‌سادات و احمدیان، اکرم (۱۳۹۰). کاربرد استاندارد محتوایی دی ای سی اس در توصیف محتوایی مواد آرشیوی ملی ایران. گنجینه اسناد (۸۳)، صص ۹۸-۱۱۳.

عادلی اسفنجانی، معصومه (۱۳۸۹). بررسی وضعیت تنظیم و توصیف اسناد آرشیوی در معاونت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تاکنون و ارائه راهکارهایی در جهت بهبود آن. تهران: دانشگاه الزهرا.

عادلی اسفنجانی، معصومه؛ رضایی شریف‌آبادی، سعید و خسروی، فریبرز (۱۳۸۹). مهمترین عناصر توصیف آرشیوی از دید صاحب‌نظران حوزه آرشیو. گنجینه اسناد (۷۹)، صص ۱۴۸-۱۶۵.

غفوری، معصومه؛ رضایی شریف‌آبادی، سعید و عزیزی، غلامرضا (۱۳۹۴). کدگذاری اسناد آرشیوی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

گوکبی، مرتضی؛ رضایی شریف‌آبادی، سعید و اصنافی، امیررضا (۱۳۹۱). درآمدی بر مفاهیم، استانداردها و نرم‌افزارهای آرشیوی. تهران: چاپار.

ملکی، مؤده (۱۳۹۲). امکان‌سنجی ذخیره و بازیابی اسناد الکترونیکی در آرشیو ملی ایران. تهران: دانشگاه الزهرا.

Ascher, J., & Ferris, A. (2012). Collection-Level Surveys for Special collections: Coalescing Descriptors Across Standards. *The Journal of Academic Librarianship*, 33-41.

Franks, P. & Doranti, L. (2015). *Encyclopedia of Archival Science*. Canada, Archival Description, Rowman & Littlefield.

Rush, M. (2009-2011). *The collection of Descriptive Standards*. www.slidshare.net, Amrica.ppt

WATRY, P. (2000). *Delivering the Goods: Constructing a Next-Generation*



Information Retrieval System for Distribution of EAD Finding Aids. Archives
and Museum Informatics, 243-253.



القاب زنان در عصر قاجار (با تکیه بر اسناد آرشیو ملی)

مهستی ابوزرجمهری

■ چکیده

مطالعه تاریخ معاصر ایران بدون داشتن شناخت نسبی از القاب، عملی است ناممکن زیرا از دیرباز اعطای لقب به اشخاص مهم اعم از رجال حکومتی، امراء، درباریان، شاهزادگان، روحانیون، دیوانیان و برخی گروه‌های دیگر عملی مرسوم بوده است و در صورتی که محققان و پژوهشگران تاریخ دارای این شناخت کافی نباشند به خطا خواهند افتاد، زیرا بسیاری رجالی که در طول حیات خود لقب‌های متفاوتی را دارا بوده‌اند که در هر مقطعی از زمان در افواه بدان لقب شناخته می‌شدند. آن‌ها در همان دوره، نامه‌های خود را با لقب جدید مهر و امضاء می‌کرده‌اند. از آنجاکه نیمی از افراد جامعه را زنان تشکیل داده و می‌دهند و نیز کند و کاو در اسناد تاریخی بیانگر این مسئله است که زنان صاحب‌لقب هم کم نبوده‌اند، لازم به نظر می‌رسد که با کاوشی در بین اسناد موجود، این القاب شناسایی شوند و زنان صاحب‌لقب و نسبت آنان مشخص شود که به چه خانواده‌ای تعلق داشته و دارای چه مرتبه‌ای از پایگاه اجتماعی بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها

زنان؛ لقب؛ شاهزادگان؛ درباریان.

القاب زنان در عصر قاجار (با تکیه بر اسناد آرشیو ملی)

مهرستی ابوزر جمهری^۱

مقدمه

مطالعه و پژوهش در هر زمینه‌ای نیاز به ابزارآلاتی دارد که به‌نوعی الفبای آن علم محسوب می‌شود. پژوهش در علم تاریخ هم از این قاعده مستثنی نیست. بحث القاب و مطالعه آن نیز ابزاری است بسیار مهم برای تحقیقات تاریخی زیرا شاید بتوان قدمت آن را به عهد باستان نسبت داد. معمولاً دریافت‌کنندگان لقب، افراد سرشناسی بوده‌اند که بنا به هر دلیلی از جانب شخص شاه یا برخی زمامداران یا حتی عالمان دینی مفتخر به دریافت لقب می‌شده‌اند. به گفتهٔ عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من: «ایرانیان در دوره‌های باستان لقب‌های شغلی مانند: سپهبد، سپهدار، سپهسالار، دیوان‌دار، بارسالار و پرده‌دار داشته‌اند» (مستوفی، ۱۳۷۱، ص ۴۳۹). احمد اشرف نیز در مقاله «لقب و عنوان» که در کتاب «در زمینه ایران‌شناسی» گردآوری چنگیز پهلوان به چاپ رسیده است این‌طور می‌گوید: «شاید بتوان ایرانیان را در این کار سرآمد ملل و اقوام دیگر دانست. لقب و عنوان برای تمیز و تعیین مقام و منزلت و مرتبه اجتماعی رجال و بزرگان و اعیان و اشراف به کار می‌رفت» (پهلوان، ۱۳۶۸، ص ۲۷۶). بنا به گفته مهدی قمی‌نژاد در مقدمهٔ کتاب «القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین‌الضرب»، نخستین لقب اعطاشده در عهد قاجار مربوط است به لقب «اعتمادالدوله» که آغا محمدخان قاجار به «حاجی ابراهیم خان کلانتر» صدر اعظم خویش اعطا کرد (قمی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۹). در زمان فتحعلی‌شاه و محمدشاه نیز سنت اعطای القاب وجود داشت و در عهد ناصرالدین‌شاه

۱. کارشناس ارشد تاریخ،
کارشناس برنامه‌ریزی و بررسی
اسناد و مدارک کشور، گروه
مستندسازی، سازمان اسناد
و کتابخانه ملی ایران.

به اوج خود رسید. گاه شخص در طول حیات خویش یک لقب و گاه دارای القاب بسیاری بود. به عنوان مثال می توان به اسدالله معتضدی فرزند اصلاخان اشاره کرد. وی در طول حیات خود مشاغل متعددی را عهده دار بوده است: والی کرمان، فرمانده قشون آذربایجان، پیشکار و جانشین عبدالحسین میرزا فرمانفرما و فرمانده لشکر کرمان. وی ملقب به القاب: بهجت الملک، سالار معتضد، سردار معتضد و معتضد الملک بوده است و البته می توان «میرپنجه» و «امیر تومان» را نیز که به نوعی متضمن شغل وی بوده و به عنوان لقب نیز برای او کاربرد داشته است به القاب قبلی اضافه کرد. در عهد ناصرالدین شاه برای دریافت لقب ابتدا پیشکشی تقدیم می شد و از طرف شاه نیز فرمانی برای اعطای لقب صادر می گشت اما این شیوه در عهد مظفری تغییر یافت و به گفته مهدی قمی نژاد در مقدمه کتاب «القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین الضرب»، هرج و مرج آن دوره موضوع صدور فرمان را از بین برد و به دستخط تنها هم لقب داده می شد. با انقراض سلسله قاجاریه در سال ۱۳۰۴ خورشیدی و قانون لغو القاب، این سنت دیرینه از بین رفت و ایرانیان موظف به داشتن نام خانوادگی شدند. بسیاری از صاحبان القاب، نام خانوادگی خود را از لقب سابق خود گرفتند که مثال بالا به همین مورد نیز دلالت دارد. برای شناخت این القاب و صاحبان آن ها منابعی وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود. کتاب تاریخ منتظم ناصری نوشته محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات و دارالترجمه همایونی در عهد ناصری است که در ۳ مجلد به رشته تحریر درآمده است، یکی از منابع مهم در این زمینه است. اعتمادالسلطنه به ذکر هم زمان وقایع در آسیا، اروپا و آمریکا می پردازد و در ذکر وقایع ایران که به تفکیک سال بدان پرداخته است، اطلاعات بسیار مفیدی از جزئیات اعطای القاب به اشخاص و لقب سابق شخص به دست می دهد. جلد سوم این کتاب از این حیث بسیار پر بار است. به عنوان مثال می توان به توضیح وقایع سال ۱۲۷۸ ق مطابق با سنه ۱۸۶۱ مسیحی اشاره کرد که این گونه آورده است: «نواب والا فرهاد میرزا به اعطای نشان تمثال همایون مباحی و ملقب به معتمدالدوله گردیدند. میرزا هاشم خان تحویلدار صرف جیب مبارک به لقب امین خلوت ملقب گردید» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ص ۱۸۳۹). اعتمادالسلطنه فقط ضمن معرفی «اسامی بنات خاقان مغفور» از دختران فتحعلی شاه با لقب آن ها یاد می کند و در سایر بخش های کتاب نیز سخنی از زنان صاحب لقب به میان نمی آورد. دوره ۶ جلدی «شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری» تألیف مهدی بامداد، از دیگر منابع معتبری است که هم چنان که از نامش پیداست به معرفی تعداد بسیاری از شخصیت های قرون یاد شده پرداخته است و بنا به گفته خود در پیشگفتار جلد اول، مجموعه یادداشت های وی به ۱۰ جلد می رسد اما به علت ابتلا به بیماری فقط ۶ جلد از این مجموعه را منتشر می کند. شیوه بامداد در معرفی رجال با نام کوچک آن هاست که ضمن معرفی آنان



به القاب افراد نیز اشاره می‌کند. کریم سلیمانی نیز در کتاب خود تحت عنوان «القاب رجال دوره قاجاریه» ۱۵۵۵ لقب مربوط به ۱۲۳۹ نفر را به اختصار آورده است و به‌گفته ایرج افشار در یادداشت ابتدایی کتاب: «این تعداد به تصور من یک صدم از خرمن القابی است که در عصر قاجاری مرسوم بوده است». منبع دیگری که می‌تواند به‌عنوان منبع شناخت القاب از آن نام برد، کتاب «القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین‌الضرب» است که تدوین‌کننده آن مهدی قمی‌نژاد در مقدمه، نگاهی دارد بر تاریخچه لقب در بین ایرانیان و اعراب، سپس به چگونگی القاب در عهد صفویه پرداخته و پس از آن به قاجار رسیده است. در این کتاب نیز که می‌توان آن را مجملی از کتاب ۶ جلدی بامداد دانست، عمدتاً به مردان صاحب‌لقب پرداخته شده است و بعضاً تعداد خیلی زنان صاحب‌لقب که اغلب شامل همسران، دختران و خواهران شاه هستند، معرفی شده‌اند.

به جرأت می‌توان ادعا کرد تا کنون کتابی که منحصرأ به معرفی زنان صاحب‌لقب پرداخته باشد تألیف نشده است و انگیزه نگارنده هم از نوشتن این مطالب، ضرورتی است که در این مورد احساس می‌شد.

هنگام مطالعه تاریخ قاجار با تعداد بی‌شماری از القاب و عناوین مواجه می‌شویم که عمدتاً از ترکیب یک واژه با پسوندهای: ملک، ممالک، سلطان، سلطنه و دوله تشکیل شده‌اند. از جمله القابی که با پسوند «ملک» ساخته شده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد: معززالملک، اعتبارالملک، معتمدالملک و مؤتمن‌الملک. البته تعدادی از القاب ساخته‌شده با این پسوند نیز وجود دارند که از فراوانی کم‌تری برخوردار بوده‌اند یا کم‌تر مشاهده شده‌اند مثل: تمدن‌الملک، دوام‌الملک، حیات‌الملک، افصح‌الملک و حامدالملک.

نوع دیگری از القاب دارای پسوند «ممالک» بوده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: مستشارالممالک، مستوفی‌الممالک، مشیرالممالک، حکیم‌الممالک و نصیرالممالک. در این مورد نیز برخی از القاب کمتر مشاهده شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به مسعودالممالک و فتح‌الممالک اشاره کرد.

بخش دیگری از القاب با پسوند «دوله» ترکیب شده‌اند که به‌عنوان مثال می‌توان این موارد را نام برد: منظم‌الدوله، شجاع‌الدوله، احتشام‌الدوله و منصورالدوله. برخی از القاب ترکیب‌شده با این پسوند، کم‌تر به چشم خورده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان این موارد را نام برد: بازالدوله، مجیدالدوله، مستغیث‌الدوله، مؤلف‌الدوله، یمن‌الدوله، مبین‌الدوله و مغیث‌الدوله.

- القابی که از ترکیب یک کلمه با پسوند «سلطان» ساخته شده‌اند: علاءالسلطان، سعیدالسلطان، مخاطب‌السلطان، مدیرالسلطان. در این دسته از القاب نیز برخی کم‌تر به چشم می‌خورند از جمله: شجاع‌السلطان، عون‌السلطان، تمجیدالسلطان و فتح‌السلطان.

- دسته دیگری از القاب با ترکیب «سلطنه» ساخته شده‌اند و برخی از آن‌ها عبارتند از: برهان‌السلطنه، مکرم‌السلطنه و مدحت‌السلطنه. برخی از القاب این دسته نیز کم‌تر به چشم خورده‌اند از جمله: انتخاب‌السلطنه، نجدالسلطنه و مبین‌السلطنه.
 - البته القاب نظامی نیز خود دارای ساختار متفاوتی از سایر القاب بوده‌اند و با ترکیب واژه‌ای به نظام تشکیل می‌شده‌اند که به‌عنوان مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: شجاع نظام، سالار نظام، نظام لشکر، صولت نظام، امیرنظام، امین نظام، یمین نظام، مقتدر نظام و غیره.
 - برخی القاب بین زنان و مردان مشترک بوده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به «خازن‌الدوله» اشاره کرد که یکی علیرضا خان خازن‌الدوله پسر محمدعلی خان امین‌السلطنه است و دیگری گلبدن خانم گرجی همسر چهل و یکم فتح‌علی‌شاه قاجار؛ یا لقب «فخرالدوله» که هم اشرف‌الملوک دختر مظفرالدین‌شاه دارای این لقب بوده است و هم میرزا سید رحیم خان حکیم‌باشی طبیب حرمسرای شاهی و نیز محمدحسین خان مروی عزالدین‌لو پسر بیرامعلی خان حاکم مرو. اما موضوع در خور توجه این است که صاحبان این القاب اغلب مردان هستند و کم‌تر به القاب زنانه و یا به‌بیان‌دیگر، زنان صاحب‌لقب پرداخته شده است و اگر هم پرداخته شده است، این زنان صرفاً همسران شاه، مادران شاه، خواهران و دختران شاه و یا به‌طور کلی زنان خاندان سلطنتی بوده‌اند. همین مسئله نگارنده را بر آن داشت تا به تحقیق در این زمینه بپردازد زیرا به هر حال زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده و می‌دهند. این که زنان صاحب‌لقب چه کسانی بوده‌اند؟ به چه خاندانی تعلق داشته‌اند؟ با چه خاندانی وصلت کرده‌اند؟ چه زمانی و چگونه به‌این القاب ملقب شده‌اند و سؤالات بسیار دیگری در این زمینه موجب شد تا کند و کاوی در اسناد موجود صورت پذیرد بلکه چهره زنانی که قرن‌هاست نامشان در دل تاریخ مدفون است کم‌کم رخ بنمایاند و نقاطی ناگفته از تاریخ گویا شود.
- شاید بتوان زنان صاحب‌لقب را در این دسته‌بندی قرار داد:
- (الف) زنان دربار که خود شامل: مادران، خواهران، دختران و همسران شاه به‌علاوه تعدادی از خوانندگان و نوازندگان دربار می‌شده است و شاهزاده خانم‌هایی که درجه دوم و سوم و بیش از آن بوده و در دربار زندگی می‌کرده‌اند.
- (ب) زنان غیردربار که عمدتاً شاهزاده خانم‌هایی هستند که با ازدواج به عقد سایر شاهزادگان، امرا، حکام و روحانیون طراز اول در می‌آمده‌اند. اینان اغلب دارای لقب هستند و دخترانشان نیز همین‌طور. زنان غیرشاهزاده‌ای که به عقد ازدواج والیان و صاحب‌منصبان و دولتمردان در می‌آمده‌اند نیز اکثراً دارای لقب هستند.



ج) همسران شاهزادگان، حکام و دولتمردان؛

د) سادات که به دلیل سیده بودن، دارای القاب خاص سادات بوده‌اند.

این پژوهش کندوکاوی است که در اسناد موجود در آرشیو ملی صورت گرفته و مقطع تاریخی آن نیز عصر قاجار و اوایل پهلوی است. بدون شک زنان صاحب‌لقب چه در بین شاهزادگان و چه سادات بیش از این‌ها هستند و شناسایی آنان همتی مضاعف را می‌طلبد. اکنون به معرفی تعدادی از این زنان پرداخته می‌شود. برخی از زنان معرفی شده در اسناد، نام کوچک ندارند، نه بدین معنا که دارای لقب صرف هستند بلکه ذکر نام کوچکشان نرفته است که در این صورت به معرفی لقب آن‌ها اکتفا شده است. قابل ذکر است که در این مقاله به برخی از زنان معروف عهد قاجار مثل انیس‌الدوله یا فخرالدوله پرداخته نشده است و در آینده بدان‌ها پرداخته خواهد شد زیرا هدف در این پژوهش آن است که به زنان صاحب‌لقبی که از معروفیت کمتری برخوردارند یا اغلب نامی از آن‌ها در منابع به چشم نمی‌خورد، معرفی شوند. برخی دارای نام کوچک، نسبت خانوادگی و سجع مهر هستند که حتی المقدور با همه این مشخصات معرفی شده‌اند. در پایان نیز تعدادی از اسناد موجود در آرشیو در این رابطه ضمیمه شده است.

۱. احتجاب السلطنه، خدیجه بی‌بی: دختر عبدالله بیک کشکولی، همسر صولت‌الدوله قشقایی.

۲. احترام‌الدوله، خرم بهارخانم: دختر فتح‌علی شاه قاجار، همسر فتح‌علی خان صاحب‌دیوان.

۳. احترام‌السادات، عذرا: دختر میرزاسید تقی خان، از طایفه میرزا نصرالله دبیرالملک.

۴. احترام‌السلطنه، زهرا: یا زهرا سلطان، دختر محمدشاه قاجار و اقل بیگه سالور، خواهر ناتنی ناصرالدین شاه.

۵. احترام‌السلطنه، تاجی خانم: دختر جلال‌الدین میرزا محتشم‌الدوله^۱.

۶. اخترالدوله: احتمالاً لقب است، دختر ناصرالدین شاه، همسر غلامعلی خان سردار محترم «ملیچک»^۲.

۷. اخترالسلطنه، اسم کوچک یافت نشد: دختر اوکتای قآن میرزا، همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه (در یکی از وبگاه‌های اینترنتی نوشته خواهر اوکتای قآن میرزا).

۸. اخترالملوک: دختر محمدهاشم خان، همسر میرزاسید مصطفی خان دکتر، از طایفه حاجی خازن‌الملک، سجع مهر: اخترالملوک ۱۳۲۶ق.

۹. ارفع‌السلطنه، مینو: (مینو سالور)، دختر فریدون میرزا افخم‌الدوله.

۱۰. اشرف‌السلطنه، شمس‌الملوک: (شمس‌الملوک صدیقی) دختر عبدالله خان، مالک قریه‌ای در اردبیل، سجع مهر: اشرف‌السلطنه ۱۳۳۴ق.

۱۱. اعظم‌السلطنه، نوش‌آفرین: دختر میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان^۳، همسر دوستعلی خان

۱. جلال‌الدین میرزا محتشم‌الدوله:

متوفای ۱۳۳۰ق. وی فرزند امامقلی میرزا

عمادالدوله است و نبیره فتح‌علی‌شاه

محسوب می‌شود. او در زمان حیات

خود مدتی حاکم نهاوند و مدتی نیز

رئیس‌التجار کرمانشاه بود.

۲. غلامعلی‌خان سردارمحترم: متولد حدود

۱۲۹۶ق و متوفای ۱۳۱۸خورشیدی.

۳. غلامعلی‌خان معروف به ملیچک و

ملقب به سردارمحترم، ناصرالسلطان و

عزیزالسلطان، برادرزاده امینه اقدس یکی

از زنان سوگلی ناصرالدین‌شاه بود.

۴. میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان:

۱۲۷۵ - ۱۳۲۵ق. دارای القاب

صاحب‌جمع و اتابک اعظم، فرزند

آقا ابراهیم امین‌السلطان است که

مشاغل متعددی را در اختیار داشته از

جمله: متصدی بیوتات سلطنتی، انبار

غله، ضرابخانه، وزارت گمرک و خزانه،

وزارت دربار و صدارت عظمی. او در

دوره سلطنت ۳ تن از شاهان قاجار

یعنی ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و

محمدعلی‌شاه را مدد اعظم بود.



معیر الممالک^۱.

۱۲. افتخار اعظم، رفیعہ: (رفیعی، رفیعہ)، دختر میرزا شفیع ساعدالملک^۲، همسر ابوالفتح خان ساعدالملک.

۱۳. افتخارالدوله، آسیه (آسیه افتخارالدوله مظفری) احتمالا دختر مظفرالدین شاه.

۱۴. افتخارالدوله، بانوی عظمی، کسرائیل خانم: دختر ناصرالدین شاه قاجار، همسر ابوالفتح خان صارم الدوله^۳.

۱۵. افتخارالسلطنه، افتخارالملوک: همسر شاهزاده جلال الدین میرزا محتشم الدوله

۱۶. افخم السلطنه، عالیہ آغا (احتمالاً از خانواده امیر کلالی و سالار شوکت خراسان).

۱۷. افسرالملوک، دختر محمد هاشم خان، همسر نصرالله خان سالار همایون، از طایفه حاجی خازن الملک.

۱۸. افسرالملوک، فاطمه: دختر عبدالمحمد میرزا ملقب به شاهزاده دارا^۴، همسر میرزا محمدخان امجدالسلطان.

۱۹. اقتدارالملوک، فاطمه: دختر میرزا عبدالله خان امیر پنجه، سجع مهر: فاطمه، ورثه محمد اقبال الملک^۵.

۲۰. اقدس الدوله، مریم: دختر علیرضا خان عضدالملک^۶.

۲۱. اقدس السلطنه، نوش خانم: دختر مظفرالدین شاه قاجار، همسر محمد حسن میرزا عین السلطان^۷، همسر مهین الملک فریدنی.

۲۲. اقلیم الملوک، دختر محمد هاشم خان، همسر معین النیابه، از طایفه صاحب اختیار، سجع مهر: اقلیم الملوک ۱۳۲۶ ق.

۲۳. اکرام الدوله بدون اسم کوچک: صبیہ ملک آرا.

۲۴. اکرم السلطنه: دختر محمد علی خان صدر الممالک^۸، مادر عیدالصمد میرزا دارا.

۲۵. ام الخاقان، تاج الملوک: دختر عزت الدوله و میرزا اتقی خان امیر کبیر، همسر مظفرالدین شاه، همسر میرزا ابراهیم معتمد السلطنه^۹، همسر علی خان نصیر السلطنه.

۲۶. امیرزاده خانم: عذراخانم ملقب به امیرزاده خانم، دختر شاهزاده نیرالدوله، همسر جلیل الدوله، سجع مهر: امیرزاده خانم ۱۳۲۵ ق.

۲۷. انور الدوله: دختر خان بابا عین السلطنه.

۲۸. انور السلطنه، بدون اسم کوچک، دختر سلطان عبدالحمید میرزا فرمانفرما^{۱۰}.

۲۹. ایران الدوله، فصل بهار خانم: دختر سلطان حسین میرزا نیرالدوله^{۱۱}، همسر میرزا محمد مازندرانی، همسر مصطفی قلی خان حاجب الدوله، شاعر، نقاش، نوازنده، متخلص به جنت.

۳۰. ایران الدوله، گلین: دختر سلطان حسین میرزا نیرالدوله و شمس السلطنه، همسر مصطفی

۱. دوستعلی خان معیرالممالک: ۱۲۵۲ - ۱۳۴۵، ملقب به اعتصام السلطنه، پسر دوست محمد خان معیرالممالک و عصمت الدوله دختر ناصرالدین شاه است. در عهد مظفرالدین شاه وزیر مخازن عسگری شد ولی پس از مدتی برای تحصیل به اروپا رفت و تبدیل به یکی از نقاشان چیره دست شد.

۲. میرزا شفیع ساعدالملک: پسر میرزا رفیع خان مؤمن از سادات طباطبایی تبریز است. میرزا شفیع منصب بیگلربیگی تبریز را بر عهده داشت. وی پدر سردار مخم و سردار ساعد است.

۳. ابوالفتح خان صارم الدوله: متولد حدود ۱۲۴۶ ق و متوفای ۱۳۰۵ ق، پسر محمد حسن خان سردار معروف به خان بابا خان سردار ایروانی. مادرش ماه رخسار خانم فخرالدوله دختر عباس میرزا نایب السلطنه بود. بنا به قولی توسط ظل السلطان مجبور به نوشیدن قهوه مسموم شد.

۴. عبدالمحمد میرزا کشیکچی باشی ملقب به شاهزاده دارا: وی در سال ۱۳۰۷ ق حکومت هشت رود را در اختیار داشته است.

۵. محمد اقبال الملک: پسر میرزا بابای حکیم باشی و داماد میرزا آقاخان نوری است که به منصب استیفا برقرار شد. نیابت سفارت ایران در لندن، نایب الحکومگی بوشهر، حکومت کردستان و یزد و نیز عضویت در دارالشوری برای دولتی از سایر مشاغل اوست.

۶. علیرضا خان عضدالملک: ۱۳۲۸-۱۳۲۸ ق، پسر موسی خان، دایی ناصرالدین شاه است. وی ابتدا غلام بچه دربار محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و بعدها به سمت پیشخدمت خاصه شاه برقرار شد. در زمان حیات خود وزیر عدلیه بود و مدتی نیز حکومت طبرستان را بر عهده داشت و پس از آن صدراعظم دربار احمد شاه شد.

۷. محمد حسن میرزا عین السلطان پسر مغرور میرزا موقی الدوله است. وی دارای منصب خوانسالاری مظفرالدین شاه بود و در سال ۱۳۱۴ ق حکومت کاشان را نیز بر عهده داشته است.

قلی خان امیر معظم.

۳۱. آفاق السلطنه، بدون اسم کوچک: دختر امیرالامراء.

۳۲. بانوی قدسیه، زینب: دختر محمدتقی خان دبیرالدوله^۱، سجع مهر: بانوی قدسیه.

۳۳. بدر السلطنه: بدون اسم کوچک، همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه.

۳۴. بدیع‌الدوله (نواب بدیع‌الدوله) دختر عندلیب‌الدوله، سجع مهر: بدیع‌الدوله ۱۳۱۲ق.

۳۵. بهاءالملوک، فاطمه: دختر عبدالعزیز میرزا بهاءالسلطان و خجسته خانم دخترشاهزاده اکبرمیرزا.

۳۶. تاج‌الدوله، خجسته: دختر سیف‌الله میرزا قاجار، همسر ناصرالدین شاه.

۳۷. تاج‌الدوله، طاووس خانم: همسر فتحعلی شاه قاجار، ادیب، شاعر، خطاط.

۳۸. جلیل السلطنه، سکینه: دختر میرزا هدایت‌الله وزیردفت، همسر سلمان خان تاجرباشی.

۳۹. حضرت علیا، سرور السلطنه: دختر فیروزمیرزا نصرت‌الدوله^۲، همسر مظفرالدین شاه قاجار.

۴۰. خانم خانم‌ها، صدیقه: مدیر مدرسه عصمتیه تهران، سجع مهر: صدیقه خانم خانمها ۱۲۹۸ش.

۴۱. خانم‌شاهزاده، فاطمه: دختر حاجی رحیم خان خازن‌الملک، همسر هاشم خان، سجع مهر: خانم‌شاهزاده.

۴۲. دره‌الدوله (فاطمه عزیزی) دختر اخترالدوله دختر ناصرالدین شاه و غلامعلی خان عزیزالسلطان.

۴۳. دفت‌الملوک، آمنه: (آمنه دفت‌ری): دختر میرزا هدایت‌الله وزیردفت^۳ و ملک تاج نجم‌السلطنه.

۴۴. رفعت‌السلطنه، شمس‌الهدای (نام خانوادگی: امیراصلائی) مالک قریه خنداب خمسه.

۴۵. زینت‌السلطنه: بدون اسم کوچک، دختر حسن خان سالار، همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه.

۴۶. سرورالملوک، معصومه: دختر مظفرالدین شاه قاجار.

۴۷. شرافت‌السلطنه، موچول خانم: دختر حاجی رحیم خان خازن‌الملک^۴، همسر احتشام‌السلطنه/ خواهر پاشاخان صارم الممالک.

۴۸. شکوه‌الدوله، ملک‌الملوک: دختر مظفرالدین شاه، همسر سید ابوالقاسم امام جمعه، همسر حبیب‌الله خان موقرالسلطنه.

۴۹. شکوه‌السلطنه، احتمالاً لقب است: دختر فتح‌الله میرزا شعاع‌السلطنه^۵، همسر ناصرالدین شاه قاجار و مادر مظفرالدین شاه.

۵۰. شمس‌السلطنه، طلعت: دختر محمدخان نراقی، همسر میرزا احمدخان نراقی، خواهر غلامحسین خان معاون‌الممالک امینیان^۶.

۵۱. شمس‌السلطنه، فاطمه: دختر خان بابا خان سردار^۷.

۵۲. شمس‌السلطنه: مهرافروزخانم، دختر سلطان حسین میرزا نیرالدوله^۸، سجع مهر:

۸. محمدعلی خان صدرالممالک: متوفای

۱۳۱۹ق، ملقب به صدر دیوانخانه، پسر محمدحسین عضدالملک است. وی تولیت آستان قدس رضوی را بر عهده داشت. میرزا شفیع صدرالممالک پسر اوست.

۹. میرزاابراهیم خان معتمدالسلطنه: متوفای ۱۳۳۷ق، فرزند میرزامحمد قوام‌الدوله آشتیانی است. مدتی مستوفی آذربایجان بود. نمایندگی مجلس شورای ملی، عضویت دارالشورای کبرای دولتی و پیشکاری ملک منصورمیرزا شعاع‌السلطنه در فارس را بر عهده داشت.

۱۰. سلطان عبدالحمیدمیرزا فرمانفرما: متوفای ۱۳۰۹ق، ملقب به ناصرالدوله، پسر فیروزمیرزانصرت‌الدوله است. وی والی کرمان و بلوچستان بود.

۱۱. سلطان حسین میرزا نیرالدوله: متولد ۱۲۶۲ یا ۱۲۶۳ق. و متوفای ۱۳۳۶ق. است. وی در ابتدا از غلام‌بچه‌های اندرون دربار ناصرالدین شاه به حساب می‌آمد و بعدها حاکم نیشابور شد. وی هم‌چنین از همراهان ناصرالدین شاه در سفرهای اروپا بود و پس از آن حکومت سبزوار را نیز که ضمیمه نیشابور شده بود به دست آورد. چند سال هم حاکم خراسان و تهران بود.

۱. سید محمدتقی خان دبیرالدوله، پسر سید مصطفی وکیل لشکر است. وی نیز لشکرنویس بود و از اعضای دارالشورای کبرای دولتی به حساب می‌آمد.

۲. محمدحسن میرزا عین‌السلطان پسر مغرور میرزا موثق‌الدوله است. وی دارای منصب خوانسالاری مظفرالدین شاه بود و در سال ۱۳۱۴ق حکومت کاشان را نیز بر عهده داشته است.

۳. میرزاهدایت‌الله وزیر دفت: متوفای ۱۳۱۰ق، پسر میرزا حسین آشتیانی است و پدر میرزااحسین وزیر دفت و دکتر محمد مصدق است. وی چندین سال وزیر لشکر بود و پس از آن ریاست دفت استیفا و سرانجام وزارت مالیه را بر عهده دار شد.

۴. محمدرحیم خان خازن‌الملک: ۱۲۳۱- ۱۳۱۱ق.، ابتدا از نوکران دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه بود و در ابتدای پادشاهی ناصرالدین شاه به سمت داروگی دفت‌خانه منصوب شد.



۵. فتح‌الله میرزا شعاع‌السلطنه: ۱۲۲۶-۱۲۸۶ق، پسر فتح‌علی‌شاه قاجار است که مدتی حکومت زنجان را برعهده داشته است.

۶. غلامحسین امینیان: ملقب به معاون الجمالک، فرزند محمد خان نراقی است. وی رئیس تلگرافخانه بود و نیز واقف بازار شمس‌السلطنه در نراق.

۷. خان‌بابا خان سردار: متوفای ۱۲۷۱ق، محمدحسن خان سردار ایروانی معروف به ساری اصلا و خان‌بابا خان سردار، پسر محمدخان قاجار ایروانی است. وی رئیس غلامان دربار فتح‌علی‌شاه بود و نیز حکومت یزد، کرمان، بلوچستان، ایروان و آذربایجان را داشته است.

۱. سلطان حسین میرزا نیرالدوله: معروف به شاهزاده پیشخدمت و دارای منصب امیرتومان. متوفای ۱۳۰۵ق، وی نوه فتح‌علی‌شاه قاجار است که ابتدا از غلام‌بچه‌های اندرون دربار ناصرالدین‌شاه محسوب می‌شد و سپس ترقی کرد و پیشخدمت حضور همایون شد. در مدت زندگی حکومت نیشابور، سروایت، سبزوار و تهران را داشت. وی از همراهان ناصرالدین‌شاه در سفر فرنگ بود.

۲. مرتضی قلی‌خان وکیل‌الملک: متوفای ۱۲۹۶ق، پسر محمد اسماعیل وکیل‌الملک نوری است. وی سرهنگ فوج ملایر و فوج کرمان بود. مدتی نیز حکومت کرمان و بلوچستان را در اختیار داشت. مرتضی قلی خان، شوهر اول نجم‌السلطنه مادر دکتر محمد مصدق است.

۳. کیومرث میرزا عمیدالدوله: فرزند قهرمان میرزا و نوه عباس میرزا نایب‌السلطنه است. وی در زمان حیات خود حکومت شاهرود و کرمان را در دست داشته است.

۴. مسعودمیرزا ظل‌السلطان: ۱۲۶۶-۱۳۳۶ق، ملقب به یمین‌الدوله، پسر ناصرالدین‌شاه است که در زمان حیات خود بر بخش‌های بسیاری از کشور حکومت می‌کرد. مازندران، فارس و اصفهان از جمله مناطقی بود که سال‌های بسیاری تحت حکومت وی قرار داشت.

۵. حسین خان سپهسالار: ۱۲۴۳-۱۲۹۸ق، ملقب به مشیرالدوله، سپهسالار اعظم پسر میرزا نبی خان امیر دیوان قزوینی است و

شمس‌السلطنه ۱۳۱۶ق.

۵۳. شوکت‌الدوله، زرین‌تاج: دختر مرتضی قلی وکیل‌الملک^۱ و نجم‌السلطنه مادر دکتر مصدق، همسر عباسقلی خان سهم‌الملک بیات اراکی.
۵۴. شوکت‌الدوله، فاطمه (معتضد منجمی، فاطمه): دختر میرزا جعفر مستوفی، همسر میرزا مهدی معتضد‌الممالک.
۵۵. صباح‌السلطنه، طاهره: دختر میرزا احمدخان وزیر «وزیری»، از خاندان محمدرضا خان سالارحشمت.
۵۶. ضیاء‌السلطنه، شاه بیگم قاجار: دختر فتح‌علی‌شاه قاجار.
۵۷. طلعت‌السلطنه، سکینه: با مظفرالدین‌شاه قاجار بستگی دارد.
۵۸. عز‌السلطنه، خدیجه: دختر ناصرالدین‌شاه قاجار، همسر غلامحسین اصلانی ملقب به احتشام‌الملک.
۵۹. عزت‌الملوک، رقیه خانم: دختر حاج علی اکبر تاجر طهرانی، همسر حسنعلی خان مجیر همایون عضو وزارت معارف، سجع مهر: رقیه عزت‌الملوک.
۶۰. عزیزالدوله، شمس‌الملوک: دختر کیومرث میرزا عمیدالدوله^۲، همسر محمدمیرزا ملک آرا.
۶۱. عشرت‌السادات، فاطمه.
۶۲. عفت‌الحاجیه، آسیه «آسیه سلطان»: دختر حاجی محمدباقرخان بیگلربیگی قاجار، از نوادگان فتح‌علی‌شاه قاجار، سجع مهر: عفت‌الحاجیه ۱۳۲۳ق.
۶۳. عفت‌الدوله، بدون نام: دختر امیرالامراء.
۶۴. عفت‌الدوله، زهرا (فامیلی: سرشار ایران، زهرا): دختر مستوفی نظام، همسر سید حسین وثوق دفتر.
۶۵. عفت‌الدوله، نصرت خانم: اطلاعاتی در سند نداشت.
۶۶. عفت‌السلطنه، بدون نام کوچک: دختر رضاقلی بیگ غلام پیشخدمت شاهزاده بهمن میرزا، همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه، مادر مسعودمیرزا ظل‌السلطان^۳.
۶۷. عندلیب‌الدوله، بدون اسم کوچک: خواننده دربار ناصرالدین‌شاه.
۶۸. فخرالدوله، فخرجهان خانم: دختر فتح‌علی‌شاه و فاطمه خانم مشهور با «سنبل باجی».
۶۹. فخرالسادات، کبری: دختر میرزا سید تقی خان، از طایفه میرزاانصرالله دبیرالملک.
۷۰. قمرالدوله، حورالعین: (حوری سالور)، دختر قهرمان میرزا عین‌السلطنه.
۷۱. قمرالسلطنه، ماه تابان خانم: دختر فتح‌علی‌شاه، همسر میرزااحسین خان سپهسالار^۴.
۷۲. قمرالسلطنه، ملکه خانم: دختر مظفرالدین‌شاه قاجار، همسر غلامرضا خان احتشام‌الدوله^۵.
۷۳. کوب‌السلطنه.



۷۴. لقاء السلطنة، گوهر: مادر غلامحسین بشارت السلطنة، سجع مهر: گوهر لقاء السلطنة.
۷۵. مبتهجه الدولة، گوهر (گوهر ملک): دختر حسام السلطنة و عزت الملوك ملقب به اشرف السلطنة، همسر مجلل الدولة.
۷۶. محبوب السلطنة، بالاخانم: همسر صیغه ای ناصرالدین شاه، سجع مهر: محبوب السلطنة.
۷۷. محترم الحاجیه، زهرا سلطان: دختر محمدحسن خان دوانلو، سجع مهر: زهرا سلطان.
۷۸. محترم السلطنة، محترمه (امجدی، محترمه): دختر عبدالله خان سردار امجد نوری^۱، همسر علیقلی خان امیراسعد^۲، سجع مهر: محترم السلطنة ۱۳۲۶ق.
۷۹. مسرور السلطنة، فاطمه: دختر موقر السلطنة.
۸۰. مطهر الدولة، گیلان: (مفتاح، گیلان)، دختر سمیع.
۸۱. معظم السلطنة، موچول خانم: دختر میرزا علی اصغر خان امین السلطان، همسر علیرضا خان خازن الدولة.
۸۲. مفتخر السلطنة (که در سند آمده: حضرت علیه عالیه) بدون ذکر نام کوچک.
۸۳. مفتخر السلطنة.
۸۴. مفرح الدولة، زرین تاج: دختر شاهزاده جلال الدین میرزا محتشم الدولة.
۸۵. مفرح الدولة، سلمی: دختر حسنعلی خان امیرنظام^۳، همسر عبدالله خان سردار حشمت^۴.
۸۶. مفرح الدولة: دختر حاج صدرا لاشراف لاریجانی، همسر نعمت الله مدیر السلطنة نظام الملک^۵.
۸۷. مفرح السلطنة، زرین کلاه: دختر اعتماد الممالک، همسر علی خان امیر الامراء^۶.
۸۸. مکرم السلطنة (مکرمه السلطنة): دختر فرمانفرما، همسر یمین الدولة، سجع مهر: مکرمه السلطنة فرمان فرما.
۸۹. مکرمه السلطنة: دختر فرمانفرما.
۹۰. منتخب السلطنة، کوکب: دختر سلطان محمد میرزا.
۹۱. منظر السلطنة، فاطمه: دختر سلطان محمد میرزا.
۹۲. منیر الدولة، قمر: دختر سلطان محمد میرزا، همسر ابوالفتح میرزا سالار الدولة.
۹۳. مهر الملوك، بتول، دختر غلامحسین خان.
۹۴. مهین الدولة: بدون اسم کوچک، همسر مظفرالدین شاه.
۹۵. ندیم السلطنة: بدون اسم کوچک، همسر صیغه ای ناصرالدین شاه.
۹۶. نزهت الدولة، تاج خانم: دختر احمدخان ساعدالملک^۷، همسر حسینقلی خان نظام الدولة^۸، همسر سردار عشایر.
۹۷. نور السلطنة: دختر مظفرالدین شاه قاجار.
۹۸. نیر قدسیه، ویکتوریا خانم: دختر پرویز میرزا نیر الدولة^۹، همسر رحیم خان خازن الملک.



۶. علی امیرالامراء: میرزا علی خان امیرالامراء پدر میرزا لطفعلی خان امیرالبراهیمی معروف به «اعتضاد دیوان» صاحب امتیاز جریده «مردان کار» است. میرزا علی در طول حیات خود مدت‌ها ریاست دادگستری فارس، ریاست دادگستری آذربایجان و ریاست اداره ثبت اصفهان را برعهده داشت.

۷. احمد خان ساعدالملک: متولد ۱۲۵۴ق، پسر میرزاتقی خان امیرکبیر از همسر اولش، دارای منصب سرتیپی بود و ریاست قشون آذربایجان را برعهده داشت.

۸. حسینقلی خان نظام‌الدوله: متوفای ۱۳۳۶ق، حسینقلی خان بیگلربیگی یا حاجی نظام‌الدوله پسر حاجی فتحعلی خان دنبلی از رجال سرشناس و متمول آذربایجان و داماد احمدخان ساعدالملک پسر میرزاتقی خان امیرکبیراست. وی مدتی به ریاست امور تجارت تبریز منصوب شد و پس از فوت پدرش به جای او بیگلربیگی تبریز شد و پس از آن به حکومت مرند منصوب شد. ریاست انجمن ایالتی تبریز نیز با وی بود که در سال ۱۳۲۹ق از این سمت کناره‌گیری کرد.

۹. پرویزمیرزا نیرالدوله: متوفای ۱۳۰۵ق، پسر فتحعلی شاه قاجار است که اغلب حاکم نیشابور و ترشیز یعنی کاشمر کنونی بود.

۹۹. نیرالملوک، بالاخانم: دختر حاجی رحیم خازن‌الملک، همسر محمدهاشم خان، سجع مهر: نیرالملوک.

۱۰۰. والی‌زاده، هما: دختر خسروخان اردلان والی کردستان، همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه.

۱۰۱. وجیه‌السلطنه: (احتمالاً دخترشاهزاده رکن‌الدوله)، همسر ناصرالدین‌شاه قاجار، سجع مهر: وجیه‌السلطنه ۱۳۱۹ق.

۱۰۲. وقارالسلطنه، بدون اسم کوچک: همسر اعتبارالسلطان.

۱۰۳. وقارالسلطنه، خدیجه: همسر ناصرالدین‌شاه قاجار، مادر شرف‌السلطنه.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که منبع مستقلی در مورد القاب زنان و زنان صاحب‌لقب نوشته نشده است و هر آنچه تا به حال در زمینه القاب به رشته تحریر درآمده است به مردان صاحب‌لقب اختصاص دارد، ضرورت تحقیق پیرامون این مسئله به‌خوبی احساس می‌شد و به‌همین دلیل جستجو در اسناد برای شناسایی این گروه از جامعه آغاز شد. پژوهش حاضر که تکیه آن بر اسناد است می‌تواند زمینه‌ای باشد برای علاقه‌مندان به مسائل زنان در موضوعاتی از قبیل جایگاه اجتماعی زنان، ازدواج و مسائلی از این قبیل، زیرا در سال‌های اخیر زنان محور بسیاری از مطالعات اجتماعی قرار گرفته‌اند.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. تهران: انتشارات دنیای کتاب. ج ۳.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۶۸). در زمینه ایران‌شناسی، برگرفته از مقاله لقب و عنوان. تهران: انتشارات به‌نگار.
- قمی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۸). القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین‌الضرب. تهران: انتشارات ثریا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: انتشارات زوار.

ج ۱.



[illegible]

سید محمد علی خان

عین نفعانیه ارض خرد شده در دهم می گشت من ایله برابر است حق
 هفتصد و ده جاب صرام اکت افور خود را عجب نکر
 و در آنرا هر دلی که اکت ارضی خود کالت می نماید حقش را برتر
 و بهر قدر برتر و کسر دانیست و نسبت حقوق دوازده ساله را
 در دوازده سال نفعانیه دوازده ساله و ده ساله چهار ساله
 عین نفعانیه ارض خرد شده در دهم می گشت من ایله برابر است حق
 خود را عجب نکر و در آنرا هر دلی که اکت ارضی خود کالت می نماید حقش را برتر
 و بهر قدر برتر و کسر دانیست و نسبت حقوق دوازده ساله را
 در دوازده سال نفعانیه دوازده ساله و ده ساله چهار ساله
 عین نفعانیه ارض خرد شده در دهم می گشت من ایله برابر است حق
 خود را عجب نکر و در آنرا هر دلی که اکت ارضی خود کالت می نماید حقش را برتر
 و بهر قدر برتر و کسر دانیست و نسبت حقوق دوازده ساله را
 در دوازده سال نفعانیه دوازده ساله و ده ساله چهار ساله



یا لایق

ساکما، شماره بازیابی: ۴۸۹۷۴/۲۴۰. و کالت نامه بالا خانم نیرالملوک به برادرش صارم الممالک در
 خصوص حقوق دیوانی خود.



اسناد فارسی گرجستان (قرن شانزده تا هجده میلادی): ابعادی از بررسی زبان‌شناختی

هلن گیوناشویلی و تامار ابولادزه
مترجم: محبوبه سادات بیدگلی

■ چکیده

مخازن آرشیوی گرجستان در بردارنده مجموعه‌هایی ارزشمند از اسناد تاریخی است که روابط متقابل ایران و گرجستان را طی قرون شانزده تا هجده میلادی (ده تا دوازده هجری) نشان می‌دهد. زبان، واژگان، معناشناسی، سبک و عبارت‌پردازی این اسناد به‌وضوح توسعه ادبیات‌زبانی را در یک منطقه مشترک فرهنگی نشان می‌دهد. این مقاله به ارزیابی سندی می‌پردازد که توسط شاه‌عباس دوم در سال ۱۶۵۸ میلادی صادر شده و درخصوص اعطای تیول به‌پاپونا تسیت شویلی نماینده عمارت شاهزاده کارتلاست.

کلیدواژه‌ها

اسناد تاریخی فارسی؛ گرجستان؛ ایران صفوی؛ تأثیر زبان‌شناختی؛
تیول؛ آزنا اور^۱.

فصلنامه آرشیو ملی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۶، صص ۵۲-۵۹

اسناد فارسی گرجستان (قرن شانزده تا هجده میلادی): ابعادی از بررسی زبان‌شناختی^۱

هلن گیوناشویلی و تamar ابولادزه | مترجم: محبوبه سادات بیدگلی^۲

مقدمه

گرجستان برحسب موقعیت جغرافیایی خود برای چندین قرن، منطقه مواجهه بین ملل شرقی و غربی بوده است. در قرن شانزدهم و هفدهم پس از سقوط قسطنطنیه و بازسازی بنیادین روابط میان آسیا و اروپا، گرجستان به‌طور کامل تحت‌تأثیر امپراطوری‌های ایران و عثمانی قرار گرفت. در این دوره تاریخی پیچیده، هم ایران و هم گرجستان با اتفاقات ایالتی و سیاسی جدید مواجه شدند. صفویان، دولت قدرتمند قزلباش را روی ویرانه‌های دولت ترکمانان بنا نهادند و چندین امیرنشین مستقل در سرزمین فعلی گرجستان پدید آمد: کارتلی و کاختی در گرجستان شرقی، پادشاهی امرتی در گرجستان غربی و امیرنشین سامتسخه-ساتباگو^۳ در جنوب. براساس معاهده صلح آماسیه در ۱۵۵۵ میلادی، شرق کشور و بخش شرقی سامتسخه به ایران و غرب و سرزمین‌های جنوبی آن به عثمانی واگذار شد.

روابط ایران و گرجستان از قرون شانزده تا هجده در منابع فارسی و فارسی-گرگی این دوره قابل‌مشاهده است. مرکز ملی نسخ‌خطی گرجستان و آرشیو ملی وزارت دادگستری، مجموعه‌های ارزشمند اسنادی را نگهداری می‌کنند که به‌طور مشخص وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرق گرجستان از جمله تلاش گرگی‌ها را در حفظ هویت و سیستم تمامیت ارضی ایشان منعکس می‌کند. این اسناد، نشان‌دهنده روابط فرهنگی و زبان‌شناختی گرجستان و ایران است. ۵۱۱ مورد از این مجموعه‌ها در مرکز ملی نسخ‌خطی، ۱۲۳۷ مورد در آرشیو ملی وزارت دادگستری و ۴ مورد در موزه هنری امیران شویلی^۴ گرجستان

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از: Brill, journal of persian studies 5, (2012), pp.35-42

۲. کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

3. samtskhe-satabago

4. amiranshvili



نگهداری می‌شوند. منشأ این اسناد مؤسسات اداری قفقاز و خریدهای غیردولتی است. اسناد مرکز ملی نسخ‌خطی اغلب از موزه تاریخ و قوم‌شناسی بدین‌جا منتقل شده‌اند. این اسناد شامل فرمان‌های فارسی (واگذاری‌ها)، احکام، کتابچه‌های هدیه و خرید و عریضه به شاهان ایران و فرمانروایان گرجی که به اسلام گرویده بودند و تصمیمات ایشان است. در بین آن‌ها به‌وفور اسناد معاملات تجاری، قراردادها، رسیدهای تجاری و مالیاتی و عقدنامه‌های ازدواج وجود دارد. اسناد مزبور متناسب به گرجستان و دیگر مناطق قفقاز و مربوط به زمین‌داران گرجی، کاتولیک‌ها، حکام ارمنی و فرمانداران داغستان بوده و منبع ارزشمندی برای مطالعه روابط تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره اخیر گرجستان فئودال و ایران صفوی فراهم می‌آورند. اسنادی که توضیح داد شد، از نقطه‌نظر تاریخ هنر نیز اهمیت زیادی دارند؛ به‌طوری‌که نقاشی‌های باز یافته آن‌ها، هنر به‌کار رفته در نسخ‌خطی این دوره را نمایان می‌سازد. اسناد تاریخی که در مخازن آرشیوی گرجستان نگهداری می‌شود، ادبیات فاخری دارد. بخش زیادی از فرمان‌های فارسی و احکام مرکز ملی نسخ‌خطی و آرشیو ملی وزارت دادگستری توسط م. خوبوا^۱ و پوتوریدزه^۲، م. تودوا^۳ و ن. دوندوا^۴ منتشر شده‌اند؛ بیش از ۸۰ سند منتشر نشده نیز هنوز باقی مانده‌اند. لازم است تحقیقات میان رشته‌ای عمیقی صورت بگیرد تا ما را قادر سازد که موضوعات را در یک چشم‌انداز گسترده‌تر، با تأکید بر جنبه‌های مهم ارتباطات پارسی-گرجی مطرح کنیم.

ما علاقه‌مندیم به جنبه‌های مطالعه‌نشده زبان ساختاری اسنادی بپردازیم که تا به حال فقط در زمینه موضوعات اداری و زمین‌داری توسط محققان گرجی م. خوبوا، و. پوتوریدزه، ا. دولیدزه^۵، ن. بردزنی شویلی^۶، آ. اوچه شویلی^۷ و. گاباشویلی^۸، د. کاتاسیتازه^۹، ک. کوتسیا^{۱۰}، م. تودوا و ت. اباشیدزه^{۱۱} مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در مجموع این اسناد به تجزیه و تحلیل‌های تخصصی نیاز دارند و ما باید روی آن‌ها تحقیقات نظام‌مندی انجام دهیم. در حال حاضر ما به بررسی یک سند قرن هفدهم میلادی (یازده هجری) می‌پردازیم که با نام شاه‌عباس دوم (۶۶-۱۶۴۲ میلادی) و واخانگ پنجم شاهنواز (۱۶۵۸-۱۶۷۶ م.)، جانشین رستم‌خان فرمانروای کارتلی در ارتباط است.

این زمان یکی از دوره‌های بسیار جالب و پیچیده در تاریخ سیاسی و فرهنگی گرجستان است. دوره «تجدید حیات گرجستان» که پس از فرمانروایی مغول در قرن شانزده میلادی آغاز شد. با چنین انگیزه مهمی از حرکت فرهنگی در ادبیات و تاریخ‌نگاری، میهن‌پرستی به‌وقوع می‌پیوندد. علی‌رغم بار سیاسی ضد گرجی اسناد فارسی و فارسی-گرجی، آن‌ها می‌توانند به‌عنوان بخش مهمی از تجدید حیات در نظر گرفته شوند. این اسناد، ستیز فرمانداران گرجی را برای حفظ تمامیت ارضی گرجستان نشان داده و بیانگر درجاتی از اسقلال طلبی هستند.

1. m.khubua
2. v. puturidze
3. m.todua
4. n.dundua
5. I. Dolize
6. N.Berdzenishvili
7. A. Vacheishvili
8. V. Gabashvili
9. D. katsitadze
10. K. kutsia
11. T.Abashidze

سند فارسی با نام pd7 (به تصویر پیوست مراجعه کنید) که در مرکز ملی نسخ خطی نگه‌داری می‌شود، توسط شاه‌عباس دوم در سال ۱۶۵۸ م. صادر شد. این سند درخصوص برقراری تیول^۱ برای پاپونا تسیت شویلی (بابونه سیسی اعلی در متن سند)^۲، نماینده عمارت شاهزاده کارتیل مشهور است.^۳ در سال ۱۶۳۲ م. شاه صفی این تیول را برای کیخسرو برادر پاپونا برقرار کرد. شاه‌عباس دوم در سال ۱۶۵۸ م. به شاهنواز دستور داد املاک را برای این خانواده مجدداً برقرار کند. مهر فارسی شاهنواز برای تأیید مجدد این تیول در انتهای سند اضافه شده است. سند را وزیر اعتمادالدوله تسجیل کرده و دو مهر تأیید نیز در صفحه دیگر وجود دارد. سند به طرز استادانه‌ای با گل و برگ‌های طلایی تزئین شده است. متن دارای تذهیب طلایی است و با مرکب سیاه و سرخ نوشته شده است. مهری با سجع شاه‌عباس دوم و دوازده امام درون یک گل روزت (نیلوفر) قرار گرفته که از طلای خالص ساخته شده است.

سند به‌عنوان فرمان واگذاری ایالت، یک رابطه ارباب رعیتی سه‌سطحی را به‌شکل توزیع سلسله‌مراتبی حقوق اثبات می‌کند. شاه (ارباب) به والی کارتلی (وکیل، مأمور) فرمان می‌دهد و در نهایت تیول را به یک نجیب‌زاده اعطا می‌کند. ساختار متن مانند متون سیاسی قرون میانه به‌طور کلی دارای عناصر متنی ثابتی است که به موضوعات مشخص تقسیم می‌شود.

همان‌طور که در بالا گفته شد، سند درباره واگذاری رسمی املاک فتودالی است (مأمولی^۴). در اسناد فارسی مأمولی گرجی با تیول ترکی-فارسی در ارتباط است. این شکلی از مالکیت زمین ایرانی است که توسط شاه یا فرمانروایان محلی به رعایای خراجگذار در ازای خدمات اشخاص نظامی و غیرنظامی بخشیده می‌شد. وضعیت مزبور به‌معنی مالکیت موروثی نبود؛ برعکس مأمولی نوع عمده‌ای از زمین‌داری گرجی بود. در سیستم گرجی به‌دست‌آوردن تیول فقط در قالب مأمولی بود. این موضوع سازگاری تأسیسات قزلباش را با سازمان فتودالیت گرجی نشان می‌دهد. سازگاری که با نظم اجتماعی-اقتصادی ایالت گرجستان شکل یافته بود (Gabashvili, 71; puturidze, I, p. 89).

مطالعه زبان‌شناختی اسناد تاریخی فارسی از جذابیت‌های خاص پدیده نفوذ واژگانی در حوزه اصطلاح‌شناسی اجتماعی است. این پدیده، به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی و روابط سیاسی-فرهنگی به‌وقوع پیوست.

1. fief

۲. مترجم

۳. برای ترجمه فارسی مراجعه کنید به puturidze, I, 73-75 ; khubua.

12, :

4. mamuli

5. aznāvar

6. aznauri

ما علاقه‌مندیم، نمونه‌ای از تأثیر زبان‌شناختی را با توجه به جزئیات در سند مورد بحث به آزمون بگذاریم؛ واژه ازناور^۵، برابر با ازناوری^۶ گرجی (قهرمان) با معانی شجاع، پهلوان، دلاور و قهرمان از گرجستان به ایران وام داده شد (انوری، ۳۴۸، ص ۱). اگرچه کلمه ازناور در نوشته‌های اسکندر بن منشی (۱۵۶۰-۱۶۳۳ م.) مستنداً دارای مفهوم اجتماعی است (انوری، ۳۴۸، ص ۱) : «عظما و ازناوران در قلعه‌ها متحسن شده بودند».



واژه آزنا اُوری در منابع متقدم گرجی نیز وجود دارد. این کلمه برای اولین بار در اثر تاریخ انبیاء قرن پنجم میلادی کشیش یاکوب تسورتاولی^۱، تحت عنوان شهادت شوشانیکقدیس به کار رفته است. بر طبق گفته او، در اواخر قرن پنجم میلادی کارتلی توسط وارسکن پیتیاخس^۲ اداره می‌شد که با شوشانیک دختر واردن مامی کونیان^۳ فرماندار ارمنستان ازدواج کرد. به دلایل سیاسی، وارسکن به دین زرتشتی گرایش داشت اما همسرش با وی به مخالفت برخاست و در نتیجه کشته شد. در این اثر ما اطلاعات جالبی را در خصوص وضعیت واقعی کارتلی به همراه ردیفی از لغات جالب (با azat و zepur مقایسه شود) و در میان آن‌ها آزنا اُوری (نجیب) می‌یابیم. در متون گرجی، آزنا اُوری به معنی «آزاد» و نماینده طبقه بالای اجتماعی است (مقایسه شود با [āzāt] فارسی میانه).

متون گرجی دربردارنده شواهدی از رتبه‌بندی ازناوران (نجبا) در این دوره است. در میان آن‌ها طبقه ممتاز «ازناوران بزرگ» قابل تشخیص است. اجازه دهید این واژه را در این عبارات بررسی کنیم: «و همان طور که او به مرزهای گرجستان نزدیک می‌شد، سرزمین هرتی، برای او پیش آمد که به نجبا (آزنا اُورنی) و پسرانشان دسترسی یابد». «آن‌جا بانوان و زنان خاص، مردم محترم و عموم آمدند»^۴ (Tsuraveli, 1938, 5, 42, tr. Long, pp. 46, 56). پس از آن در برخی متون مذهبی قدیمی به خوبی متون تاریخی شواهدی وجود دارد که آزنا اُورنی تحت لوای ساسانیان ازناور^۵ زرتشتی فارسی میانه به معنی «نجیب‌زاده» به گرجستان آمده است (Machenzie, p. 16). محققان گرجی آزنا اُور و شکل ارمنی آن azniu به معنی «نجیب، بزرگوار» (مقایسه شود با azn ارمنی به معنی «خویشاوند، قوم، نسل») را به عنوان اینکه از آزنا^۶ ایرانی آمده باشد، در نظر می‌گیرند. جایی که ā به پیشوند است و znā به معنی «شناختن» (Andronikashvili, 1, 218-11; Chkheidze, 3-4, p. 168). معنی znāā در نظر آنان باید «مشهور، خوب و قهرمان» باشد (مقایسه شود با znatnyi, znat روسی (Fasmer, 2, p. 100)).

ه. و. بیلی^۸ اشکال گرجی و ارمنی آن را برگرفته از آزنا^۹ ایرانی به معنی «دارای اصالت» در نظر می‌گیرد، جایی که ریشه zan-:zn- به معنی «متولد» است (مقایسه شود با ā-ysna ختنی «متولد خانه بزرگ، نجیب»، مقایسه شود با sna اوستایی). بر طبق گفته او، کلمه «آزناور»^{۱۰} برای طبقه آزنا^{۱۱} وازه مهمی بود. این واژه گرجی هم‌چنین وارد زبان‌های اوستی، سوانی (aznavir) و ارمنی (aznavor) شد (Bailey, p. 17). آن را با نام مردانه Aznag، به گواهی متون سوانی، برگرفته از aznāka سکایی، به معنی «غریبه، خارجی» و <aznag- znā- اوستی به معنی «دشمن، خارجی، مهمان» مقایسه کنید (Abaev, 1, 227; Andronikashvili, 1980, p. 37). در فارسی نو، دیگر این واژه استفاده نشد و در موارد خاص به عنوان کلمه‌ای که از گرجی وام گرفته شده باشد، ظهور پیدا کرد.

1. jacob Tsuraveli
2. varskan pitiaxsh
3. varden mamikonian
4. msgavsad misve saxisa aznaurni did-didni de zepurni dedani, aznaurni da uazoni softisa kartlisani movides
5. [āznāwar|wɪ' zn'
6. aznā
۷. مقایسه شود با āznā<Ir
8. zana «خویشاوند، قوم، نسل» (javakhishvili, 1, p. 191)
8. H. W. Bailey
9. aznābara



در فارسی نو، مارعیت^۱ به معنی «زارع» و «والی»^۲ را داریم. در ایران قرن هفدهم میلادی چهار والی در عربستان، لرستان، گرجستان و کردستان وجود داشت. مناطق شرق گرجستان - کارتلی، کاختی و تفلیس - به عنوان ولایت تعیین شد که تحت تسلط ایران بود. واژه والی با همان معنی در اسناد گرجی و فارسی - گرجی به کار رفته است. در متون گرجی ما عموماً با واژگان دیگری برخورد می‌کنیم که دارای معانی اجتماعی - اداری هستند: بتیلی^۳ (باطل فارسی عربی) به معنی «خنثی، باطل»؛ باراً^۴ (بهره فارسی) «نوعی مالیات»؛ گورد زاکالی^۵ به معنی «پیشکار، مباشر» و دَمَقْ^۶ (تمغا، تمکا ترکی) به معنی «مهر، مالیات اجناس تجاری». جالب است که نمونه‌های ورود واژگان از این دست در متون فارسی نیز وجود دارند؛ مانند: ماماساخلی^۷ > ماماساخلیس^۸ گرجی به معنی «بزرگ خاندان» (Puturidze, 252, 443)؛ تَوْدُ^۹ > تَاوْد-ی^{۱۰} گرجی به معنی «نجیب زاده» (Puturidze, pp. 147-463)؛ مَوْرَوُ^{۱۱}، مَوْرَوُ^{۱۲} > مَوْرَوُی^{۱۳} گرجی به معنی «حاکم» (Puturidze, 83, p. 52).

سند فارسی مورد بحث در سبک، اصطلاح‌شناسی و شیوه بیان، مشابه فرمان‌های رسمی است. شروع متن شامل نیایش، یاد نیاکان و طغرای «فرمان همایون شد» است. سپس به یک شیوه متعالی اما با سبک تجاری گونه اشاره شده است: «رفت پناه پاپونا تسیت شویلی»^{۱۴} و اجدادش»، کسانی که این تیول متعلق به آنان بوده است.

در متن سند، رستم‌خان و صفی‌خان با القابی ستوده شده‌اند که در سازمان اداری ایران به کار می‌رفت و در انتها از شاهنواز درخواست شده است؛ کسی که بر طبق فرمان شاه باید تعلق تیول را به پاپونا تسیت شویلی تأیید می‌کرد. وختنگ پنجم شاهنواز «عمده الخوانین الکرام»، «والی الایاله و الجلاله و الاقبال گرجستان»، «شجاعا للسلطنه» خودش هم حکم صادر می‌کرد^{۱۵}.

سند فارسی pdf 7 از منظر ساختاری و زبان‌شناختی یک نمونه واقعی از فعالیت‌های اداری ایران در این دوره است. نوع و هویت سند با هدف صدور آن مشخص می‌شود. هم‌چنین گرایش‌های زبان‌شناختی این دوره و واقعیات سیاسی و فرهنگی در آن به هم گره خورده است.

1. ra'iyat
2. vāli
3. batil-i
4. bara
5. gordzakal-i < gorcakal (ارمنی)
6. damgha
7. māmāsākhli
8. mamasaxlis
9. tāvād
10. tavād-i
11. mowrāv
12. māvrāv
13. mourav-i

۱۴. پاپونه سیسی اغلی در متن

فارسی سند

۱۵. به عنوان مثال سند فارسی شماره

۱۶۵۹ (pdf 128) در مرکز ملی

نسخ خطی که در آن شاهنواز چهل

تومان تبریزی مقرر برای کیخسرو پدر

پاپونه سیسی اغلی برقرار کرده است

(سند منتشر نشده است).



پیوست

فرمان شاه عباس دوم^۱:

هو

الملک الله

جد بزرگوارم طاب ثراه

[مهر: بنده شاه ولایت عباس ثانی]

فرمان همایون شد آنکه چون رفعت پناه بابونه بیک ولد کیخسرو بیک سیسی اغلی سواد حکم اشرف که بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۶۲ صادر کشته ابراز نمود خلاصه مضمون آنکه پروانچه نواب کیتی ستان فردوس مکانی عز اصدار یافته که موازی پنج خانوار ازناور و پنجاه خانوار رعیت از جمله ازناوران و رعایاء الکاء کارتیل که قبل ازین بیارسدان سیسی اغلی تعلق داشته بکیخسرو بیک سیسی اغلی شفقت شده بقید آنکه ازناوران و رعایا الکاء مزبور خود را بزبدۀ الاشباه مومی الیه متعلق دانسته از سخن و صلاح حسابی او بیرون نرفته رعایت و مراقبت او را لازم دانند و حکام کرام ذوی احترام ولایت گرجستان حسب المسطور مقرر دانسته بخلاف حکم و حساب مدخل در جماعت مزبوره نمایند و استدعاء امضاء همیون نموده بوده‌اند و مقرر فرموده بوده‌ایم که مرحوم رستم خان والی گرجستان حکم نواب کیتی ستان فردوس مکانی را من اوله الی آخره بامضاء نواب همایون ماممضی و منفذ داند و درینولا استدعاء امضاء نواب همایون ما بعهدۀ عالیجاه والی حال گرجستان نمود بنابراین مقرر فرمودیم که سلطنت و جلالت پناه حشمت و بسالت دستکاه ابهت و نصف انتباه عالیجاه خلف السلاطین العظام عمدۀ الخوانین الکرام شجاعا للسلطنه و الایاله والجلاله و الاقبال شاه نواز خان والی گرجستان حسب المسطور مقرر دانسته حکم مزبور را من اوله الی آخره بامضاء نواب کامیاب همایون ما ممضی و منفذ داند و از آنقرار عملنماید درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۰۶۹

ظهر سند:

از قرار نوشته(؟) وزارت و اقبال پناه عظمت و اجلال دستگاه عالیجاه مخلص بالانتباه عمده مقربان درگاه اعتمادالدوله العلیه و العالیه و الخاقانیه برضمن پروانچه سابق که نزد صاحب پروانچه است. محمد رسول الله

۱. این سند از جمله فرامینی است که ولادیمیر پوتوریدزه در سال ۱۹۶۱ م در کتاب خود «اسناد تاریخی ایران در کتابخانه انستیتوی آکادمی علوم گرجستان» گردآوری و منتشر کرده است:

Persidskie istoricheskie dokumnti v Knigokhranilishakh gruzi; Acta et Diplomata Historica Persice Scripta. Kiniga I, Vipusk 1, ed. V. Puturidz., Akademia Naouk Grouznskoy SSR, Tbilis Sumptibus Academiae scieniarum Georgiae.

در بازخوانی متن سند از ترجمه فارسی آن در مقاله «اسناد تاریخی ایران در کتابخانه انستیتوی تاریخ آکادمی علوم گرجستان» نوشته محمدحسین مرعشی و فاطمه مرعشی، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۱۳۹، آذر ۱۳۸۸: صص ۸۵-۹۷؛ که به معرفی اثر فوق پرداخته نیز بهره گرفته شده است (مترجم).

اسنادی از دکتر علی اکبر سیاسی

فاطمه قاضیها

■ چکیده

در این مقاله ضمن اشاره‌ای مختصر به زندگی و زمانه استاد علی اکبر سیاسی، اسنادی در خصوص این استاد معرفی و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. نگارنده مقاله که افتخار شاگردی استاد را داشته، اکنون به این نتیجه رسیده است که در پس آن چهره با وقار و بخشنده حاضر در کلاس درس، طی سال‌های قبل از آن‌چه بر استاد گذشته، چه راه‌های مسدودی را گشوده، چه مبارزات و کشمکش‌هایی را در رابطه با دولتمردان طراز اول، از سر گذرانده تا به اهداف والای خود که همانا فراهم آوردن محیط علمی و فرهنگی برای تربیت و پرورش پزشک و معلم و حقوقدان و غیره برای کشور باشد، نایل آید و در راه نیل به این هدف از هیچ‌گونه تلاش و ایستادگی در برابر موانع دریغ نورزیده است. از جمله مواردی که مقاله به آن اشاره شده است نقش دکتر سیاسی در بنیاد نهادن اصول روان‌شناسی جدید در ایران، تبدیل دانشگاه تهران به مؤسسه‌ای مستقل و دور از اعمال نفوذ مقامات و تهیه لایحه قانون تربیت معلم و افتخاراتی است که وی برای کشور کسب کرد.

کلیدواژه‌ها

علی اکبر سیاسی؛ دانشگاه تهران؛ تعلیم و تربیت جدید؛ اصول روانشناسی؛ قانون تربیت معلم.

اسنادی از دکتر علی اکبر سیاسی

فاطمه قاضیها^{۱*}

مقدمه

نگارنده افتخار این را داشته است که در سال ۱۳۵۴ شاگرد استاد علی اکبر سیاسی بوده و از محضرشان کسب فیض نموده‌ام، دقیقاً به یاد دارم که چهار واحد روان‌شناسی شخصیت در دو ترم پیاپی توفیق اینجانب از شاگردی ایشان بود. آنچه که از آن بزرگوار در پس این همه سال، فراموش نشده، سعه صدر فوق العاده ایشان نسبت به دانشجویان بود و این مهم در طرز سلوک و نحوه تدریس و مورد سؤال قراردادن دانشجویان کاملاً آشکار بود، اینک که جهت تهیه این مقاله به بررسی و تفحص در زندگی نامه استاد پرداختم، دریافتم که در پس آن چهره با وقار و بخشنده حاضر در کلاس درس، طی سال‌های قبل از آن چه بر استاد گذشته، چه راه‌های مسدودی را گشوده، چه مبارزات و کشمکش‌هایی را در رابطه با دولتمردان طراز اول، از سر گذرانده تا به اهداف والای خود که همانا فراهم آوردن محیط علمی و فرهنگی برای تربیت و پرورش پزشک و معلم و حقوقدان و غیره برای کشور باشد، نایل آید و در راه نیل به این هدف از هیچ گونه تلاش و ایستادگی در برابر موانع دریغ نورزید.

تولد استاد در زمان سلطنت ناصرالدین شاه و در شهر تهران روی داد (سال ۱۲۷۴ هـ. ش. برابر با ۱۳۱۲ هـ. ق. و یک سال قبل از ترور ناصرالدین شاه). تحصیلات خود را در مدارس خرد و سلطانی آغاز کرد. بعد از طی تحصیلات مقدماتی در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، وارد مدرسه عالی علوم سیاسی شد و در ۱۲۹۰ هـ. ش. برابر با ۱۳۲۹ هـ. ق. در هفده سالگی و در زمان سلطنت احمدشاه به اتفاق نوزده نفر دیگر برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام و در پاریس در

۱. پژوهشگر تاریخ ایران.



رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی به تحصیل پرداخت. ولی تحصیلاتش به دکتری نرسیده بود که شعله جنگ اول جهانی مشتعل و دولت محصلان اعزامی را به ایران فراخواند، بنابراین در ۱۲۹۶ ه.ش. برابر با ۱۳۳۵ ه.ق. و در اوج جنگ به ایران بازگشت و سمت استادی مدرسه دارالفنون را دارا شد که در این سمت تا زمانی که مجدداً به اروپا اعزام شد باقی بود. قریب دو سال نیز سمت مشاور حقوقی و مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران را عهده‌دار بود. ولی هنگامی که دولت ایران به فرمان رضاشاه با دولت فرانسه قطع رابطه کرد، از آن کار استعفا کرد. در سال ۱۳۰۰ ه.ش. با افرادی نظیر اسمعیل مرآت و مشرف نفیسی و جمعی دیگر «انجمن ایران جوان» را تأسیس کرد و در مجمع به اتفاق آرا به ریاست انجمن انتخاب شد. لذا با فعالیت‌هایی که انجمن انجام داد توانست برای خود درآمدی کسب کند و پس از چندی روزنامه «ایران جوان» را منتشر سازد.

وی در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ ه.ش. یعنی در زمان سلطنت رضاشاه مجدداً برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ دانشنامه دکترا در رشته روان‌شناسی از دانشگاه سوربن شد. دکتر سیاسی پس از بازگشت به ایران، در ۱۳۱۰ ه.ش. به سمت ریاست تعلیمات عالی وزارت فرهنگ منصوب شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس روان‌شناسی و فلسفه پرداخت. با تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ ه.ش.، به عنوان استاد روان‌شناسی در دانشکده ادبیات مشغول تدریس شد. در ۱۳۲۱ ه.ش. یعنی در دومین سال سلطنت محمدرضا پهلوی به ریاست دانشکده ادبیات رسید و در مرداد همان سال در کابینه احمد قوام به سمت وزارت فرهنگ منصوب شد. در همین سمت، دانشگاه تهران را که زیر نظر وزارت فرهنگ اداره می‌شد، به صورت نهادی مستقل از این وزارتخانه درآورد و در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۱ ه.ش. استقلال دانشگاه را از آن وزارتخانه اعلام کرد. استاد خود در خاطراتش در این رابطه چنین نقل می‌کند:

«کوشش‌های پیگیر و پایداری من سرانجام دانشگاه را مؤسسه‌ای کرده بود کاملاً مستقل و دور از هرگونه اعمال نفوذ مقامات مختلف، دولت‌ها، نمایندگان مجلس و حتی شاه از این واقعیت رضایت نداشتند، به هیچ تقاضا، توصیه، خواهش و تمنا و حتی هیچ امری که مخالف با مقررات دانشگاه بود، ترتیب‌اثر نمی‌دادم، پشتیبان من عموم دانشگاهیان، استادان، دانشجویان و کارمندان بودند، پس آن دستگاه بزرگ علمی هم مورد احترام بود و هم برای مقاماتی موجب نگرانی و هراس! پس برای اینکه این حصار حصین، یا به گفته بعضی از وکلا پشت تریبون مجلس (این دولت در دولت)، شکستی بردارد لازم بود رئیس آن برکنار شود...».

باید توجه داشت که موضوع استقلال دانشگاه تهران جدا از تأسیس آن است زیرا تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۱۳ و به همت والای یحیی خان اعتمادالدوله و تلاش کم‌نظیر علی اصغر حکمت به بار نشست، البته ناگفته نماند که زحمات دکتر سیاسی که در آن زمان رئیس تعلیمات



عالیه بود و همچنین دکتر محمود حسابی و دکتر عیسی صدیق و چند نفر دیگر در تأسیس دانشگاه مثمرر بود. چنانچه پیش‌نویس قانون تأسیس دانشگاه تهران را دکتر علی‌اکبر سیاسی همراه با محمدعلی فروغی، غلامحسین رهنما و عیسی صدیق در کمیسیون ویژه اداره تعلیمات عالییه وزارت فرهنگ تهیه و تنظیم کردند. این قانون در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ در زمانی که علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ بود در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و بر اساس آن دانشگاه تهران از ۶ دانشکده «پزشکی»، «حقوق»، «فنی»، «معقول و منقول»، «ادبیات»، و «علوم انسانی» تشکیل شد.

به هر روی، آن‌طور که خود دکتر سیاسی نقل می‌کند با ابراز تمایل شاه بسیاری از مقامات سعی داشتند که دانشگاه تهران بدون دکتر سیاسی و نظرات سازنده‌اش مدیریت شود. پس از ماجرای سوءقصد به شاه در دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷ ه.ش، دکتر سیاسی در مقابل درخواست شاه مبنی بر اخراج برخی از اساتید از دانشگاه ایستادگی کرد پس فشار عوامل شاه در داخل و خارج دانشگاه علیه دکتر سیاسی شدت گرفت، به‌طوری که خود استاد در خاطراتش نقل می‌کند، حتی در زمان حکومت ملی هم، دکتر مصدق برای اینکه دانشگاه را مطابق سیاست خود پیش ببرد و به آن جنبه سیاسی بدهد عزم بر حذف دکتر سیاسی از ریاست دانشگاه با هدف جایگزینی یکی از اعوان خود، نظیر دکتر معظمی، دکتر سیدعلی شایگان و یا دکتر سنجابی را داشته است، در این راستا از طریق سفیر هند در ایران از دکتر سیاسی دعوت می‌شود که منصب سفیرکبری ایران در هند را پذیرفته و به دهلی برود، ولی دکتر سیاسی با اعلام عدم موافقت خود، تعهد و وظایفش در قبال دانشگاه را دلیل رد این پیشنهاد عنوان می‌کند.

علی‌رغم این اقدامات در زمان دکتر مصدق شورای دانشگاه مرکب از ۲۲ نفر تشکیل و دکتر سیاسی با ۱۹ رأی در مقابل رقیبش که سه رأی داشته برای چهارمین دوره به ریاست دانشگاه انتخاب می‌شود. دکتر سیاسی، در واقعه حمله خون‌بار نظامیان شاه در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به دانشکده فنی و بیرون کشیدن سه تن از دانشجویان از سر کلاس درس و به‌شهادت رساندن آنان در سرسرای دانشکده، در کنار استادان و دانشجویان ایستاد و آن عملیات وحشیانه و هتک حرمت دانشگاه را محکوم کرد. اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت شاه به ایران محمدرضا شاه توسط دولت کودتا از او می‌خواهد که عده‌ای از استادان از قبیل دکتر معظمی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، دکتر سنجابی دکتر محمد قریب و ... را اخراج کند. دکتر سیاسی ترمد می‌کند و شاه از طریق وضع قانونی جدید که بر اساس آن «هیچ رئیس دانشگاهی نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی به این سمت برگزیده شود» دکتر سیاسی را که چهار دوره در این سمت بود، برکنار و به‌جای او دکتر اقبال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار می‌شود (سال ۱۳۳۳). ولی ریاست وی بر دانشکده ادبیات همچنان باقی می‌ماند. چنان که خود در خاطراتش

می‌نویسد: «برکناری من از ریاست دانشگاه مانع نبود از اینکه ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی را که از سال ۱۳۲۱ عهده‌دار بودم، تا زمانی که بخواهم و شورای استادان به من رأی بدهند ادامه دهم».

در رابطه با عزل وی از ریاست دانشگاه سندی در دست است، تحت عنوان «بیانیه گروه فرهنگیان و دانشجویان» که پس از اینکه در بالای بیانیه عبارت «دکتر سیاسی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های فرهنگی ایران و جزو گرانبهارترین مفاخر ماست» درج شده، در متن اعلامیه به خدمات وی پرداخته و اعتراض جامعه فرهنگی را اعلام می‌دارد. اسناد، مؤید این نکته‌اند که شورای دانشگاه در دوره‌های بعد نیز دکتر سیاسی را نامزد ریاست کرده و رأی کمی هم نیاورده ولی احتمالاً با تبانی‌هایی، دیگری انتخاب شده است.

دکتر سیاسی سه بار به ترتیب در سال ۱۳۲۱ در کابینه احمد قوام، در سال ۱۳۲۲ در کابینه علی سهیلی و در سال ۱۳۲۶-۱۳۲۷ ه.ش. در کابینه ابراهیم حکیمی، به وزارت فرهنگ منصوب شد، در سال ۱۳۲۸ نیز در کابینه ساعد، وزیر امور خارجه شد. همچنین وی مجموعاً مدت دوازده سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود (۱۳۲۱-۱۳۳۳).

دکتر سیاسی یک سال بعد از به دست آوردن استقلال دانشگاه در سال ۱۳۲۲ قانون تعلیمات عمومی اجباری و مجانی را از مجلس سیزدهم گذراند. مطلب اصلی این قانون شانزده ماده‌ای عبارت از این بود که «تعلیمات عمومی اجباری و مجانی بوده و مهم‌ترین مسائل درسی آموزشی از لحاظ جا و مکان، روش تدریس، حقوق معلمین و ... در متن این قانون است. دکتر سیاسی در مصاحبه‌ای که پنج سال بعد از تصویب این قانون انجام داده قید کرده است که تعمیم تعلیمات ابتدایی اساسی‌ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما باید صورت بگیرد و تا این اقدام اساسی به عمل نیامده، ترقی واقعی در هیچ‌یک از شئون کشور مبنای صحیحی نخواهد داشت و مخصوصاً حکومت دموکراسی در این کشور از حدود لفظ خارج نشده و معنا و مفهوم پیدا نخواهد کرد.

از دیگر فعالیت‌های علمی فرهنگی دکتر سیاسی عضویت در انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو بود که پس از انقضای ریاست سیدحسن تقی‌زاده، عهده‌داری ریاست این انجمن به دکتر سیاسی واگذار شد. بعضی از اعضای فعال این انجمن افراد صاحب‌نامی بودند از قبیل: دکتر عیسی صدیق، دکتر یحیی مهدوی، دکتر غلامحسین صدیقی، استاد سیدعبدالله انوار، دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر امیرحسین آریان‌پور، دکتر احسان نراقی و ... از دیگر اقدامات مهم دکتر سیاسی، تهیه لایحه قانون تربیت معلم است. خود در خاطراتش نقل می‌کند که در زمانی که علی‌اصغر حکمت وزیر معارف و دکتر سیاسی رئیس تعلیمات عالیه بود، در ابتدا این سمت را به امید برآورده شدن بعضی از آرزوهایی که درباره فرهنگ کشور



داشته پذیرفت. پس در مدتی کوتاه لایحه قانونی تربیت معلم را تهیه و با حمایت وزیر معارف به تصویب مجلس سیزدهم می‌رساند، سپس چنین شرح می‌دهد: «این قانون بدون سروصدا انقلابی عظیم در فرهنگ ایران ایجاد کرد، معلم شدن شرایطی پیدا کرد و تکلیف حقوق و مزایا و ارتقای معلمین را قانون معین می‌کرد، ضمناً اصطلاحات تازه فارسی قانوناً رسمیت یافتند، از آن جمله هستند دبستان به جای مدرسه ابتدائی...».

علی‌رغم فعالیت‌های اجرایی و فرهنگی ارزشمندی که در پیشین مذکور شد، دکتر سیاسی کار اصلی و اساسی خود را در زندگی تعلیم و تحقیق و نوشتن و خواندن می‌داند و متذکر می‌شود که مشاغل سیاسی و اداری و فعالیت‌های اجتماعی هرگز از کار اصلی وی نکاسته است. سپس توضیح می‌دهد که چگونه در سال ۱۳۰۴ که علامه دهخدا رئیس مدرسه علوم سیاسی بوده میرزا علی‌اکبر سیاسی که هنوز دکتر نشده بود برای او راجع به اینکه در مراکز علمی غرب علم النفس از فلسفه جدا شده و به عنوان یک درس مستقل تدریس می‌شود و مسائلی مانند آن، به شرح نکات لازم در این رابطه می‌پردازد، چنانچه دهخدا کنجکاو شده و پس از دریافت مطالب لازم، به او پیشنهاد می‌کند که به تدریس این درس در مدرسه علوم سیاسی بپردازد. پس از قبول، در جلسه‌ای برای علم النفس جدید نام جدید «روان شناسی» برگزیده و تدریس آن آغاز می‌شود؛ بر این منوال اولین کتاب روان شناسی با عنوان «علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت» در سال ۱۳۱۷ انتشار می‌یابد.

و چنین شد که دکتر سیاسی اصول روان شناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد و «بنیانگذار و پدر روان شناسی جدید در ایران» نامیده شد. آثار متعددی از وی باقی مانده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «علم النفس یا روان شناسی از نظر تربیت»، «اصول روان شناسی»، «علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان شناسی جدید»، «علم اخلاق»، «مبانی فلسفه»، «منطق و فلسفه»، «هوش و خرد»، «روان شناسی شخصیت» یا «مکاتب روان شناسی»، «روان شناسی جنایی»، «روان شناسی پرورشی» و «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و نگارش مقالات متعدد برای جراید و نشریات اشاره کرد.

او در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی درباره شرح حال و زندگی خود تحت عنوان «گزارش یک زندگی» نوشت که جلد اول آن در ۱۳۸۸ ه.ش. منتشر شد. دکتر سیاسی در زمان ناصرالدین شاه پا به عرصه وجود نهاد و پس از گذران عمر پُر بار خویش در دوران سلطنت شش پادشاه از دو دودمان قاجار و پهلوی به مدت ۱۲ سال نیز جمهوری اسلامی را تجربه کرد. در اواخر سال ۱۳۶۸ ه.ش. به ایران بازگشت و در سال ۱۳۶۹ در موطن خود، تهران درگذشت و به حضرت دوست پیوست. روحش شاد.



چون جهت معرفی اسناد مربوط به دکترسیاسی اشاره به افتخاراتی که وی برای کشور کسب کرد، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، مطالب مذکور در فوق به‌صورت بسیار اجمالی تهیه و در آن فقط به اهم فعالیت‌های دکتر سیاسی آن هم به‌طور خلاصه پرداخته شد. لذا در زیر متن بازنویسی‌شده اسناد به‌ترتیب تاریخ سند و شماره‌ای که در این مقاله به آنها داده شده درج و نهایتاً تصویر برخی اسناد از نظر مطالعه‌کنندگان گرامی می‌گذرد.

اسناد

سند شماره ۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
سواد ابلاغ نمرة ۱۷۰۰۴ مورخه ۲۸/۷/۷۷ واو
[موضوع سند]: برنامه کلاس و تدریس و حقوق دکتر سیاسی در دارالفنون در سال ۱۳۰۷
[متن سند]:
آقای میرزا علی‌اکبرخان سیاسی:
در تکمیل ابلاغ نمرة ۱۰۳۳۲ مورخ ۱/۶/۷۷ اشعار میدارد دو ساعت فلسفه کلاس ۶ و شش ساعت فلسفه کلاس چهارم و یک ساعت ترجمه کلاس پنجم سیکل ادبی به‌عهده جناب‌عالی تفویض و در ازای نه ساعت دروس مذکور ماهی نود تومان حقوق از اعتبار مدرسه دارالفنون دریافت خواهید داشت.
[دستور در حاشیه]: آقای رهنما ۲۹/۷/۷۷
سواد ابلاغ فوق برای اطلاع خاطر ریاست محترم محاسبات ارسال می‌شود.

سند شماره ۲

[موضوع سند]: نامه‌ای است از طرف دانشگاه تهران به وزارت معارف در مورد بودجه سال آینده دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و درخواست تسهیلاتی در رابطه با دانشجویان این دانشکده و ارجاع این درخواست از طرف وزیر معارف به دکتر سیاسی که در آن زمان رئیس تعلیمات عالی وزارت معارف بوده است.
وزارت معارف - دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات - دانشکده علوم - دانشسرای عالی، به‌تاریخ ۹ بهمن ۱۳۱۴
[متن سند]:
مقام وزارت معارف
چون دستور داده شده بود، که بودجه سال تحصیلی آینده دانشسرای عالی و دانشکده‌های



علوم و ادبیات را تهیه نماید، اینک به‌ضمیمه این نامه در سه ورقه تقدیم و نکات ذیل خاطر نشان می‌شود:

۱- به‌طوری که مکرر عرض کرده، محصلین باهوش و استعداد که جزئی بضاعت برای تهیه لباس و خوراک خود داشته باشند به دانشکده‌های طب و حقوق و فنی می‌روند و کمتر رغبتی به معلمی دارند. کسانی که به دانشسرای عالی می‌آیند یا بی‌استعداد و یا باهوش متوسط هستند و یا با استعداد و بی‌بضاعت. امتحانات چند ساله‌ای که در زمان تصدی بنده از کلیه محصلین شده، این مسئله را به ثبوت رسانده و موجب شده است که هر سال در بودجه پیشنهادی مبلغ کمک خرج تحصیل را اضافه نماید، و متأسفانه چون به این امر توجه نشده، قسمت عمده زحماتی که کشیده می‌شود به‌هدر می‌رود، و مالیه دولت صرف تربیت عده‌ای می‌شود که بآمال خدمات مهم نخواهند کرد و از روی اضطراب در امتحانات پذیرفته می‌شوند. به عقیده بنده مهم‌ترین قدمی که برای اصلاح دانشسرای عالی می‌توان برداشت این است که یا داوطلبان دبیری را شبانه‌روزی کرد، یا لااقل به شصت نفر ماهی پانزده تومان کمک خرج داد.

۲- چون این مؤسسه دائماً در حال نشو و نماست، احتیاجات آن، به عضو جدید و معلم و کتاب و آزمایشگاه روز به روز در تزايد است، مبالغی که در این بودجه پیش‌بینی شده حداقل است از آنچه رؤسای مربوط تقاضا کرده‌اند.

۳- چون تمرین محصلین در دبستان و دبیرستان علمیه شروع شده و باید امور آن در تحت‌انتظام در آید و مدارس مرکز نیز باید اصلاح شود، جزئی اعتبار برای این کار منظور شده است. چنانچه در نزدیکی عمارت دانشسرای مقدماتی بتوان یک باب دبستان ساخت و در صورت امکان دبیرستان علمیه را نیز به عمارت دانشسرای مقدماتی انتقال داد، سه مؤسسه (دبستان - دبیرستان - دانشسرای مقدماتی) برای تمرین در یک نقطه جمع شده و تسهیلات زیاد برای انجام وظائف فراهم خواهد شد.

۴- بالاخره نکته‌ای که همواره خاطرنشان کرده و اکنون نیز یادآور می‌شود مسئله امور مالی و تهیه ملزومات و احتیاجات دانشسرای عالی است. با تربیتی که فعلاً داده شده، صریحاً، عرض می‌کند که موفقیت و پیشرفت غیرممکن است و اوقات گرانیهای عده زیادی باید صرف کارهای بسیار کوچک شود و عمر استاد و محصل تلف گردد و نتیجه مطلوب از تمام زحماتی که کشیده می‌شود گرفته نشود. این است که پیشنهاد می‌کند فکر اساسی در این قسمت بفرمایند و در صورت امکان وسایل استقلال مالی را فراهم نمایند تا بتوان به آتیه امیدوار بود و برای نیل به کمال مطلوب کوشش کرد. امضا:

[دستور وزارت معارف در حاشیه سند]: فوری است اداره تعلیمات عالی ۱۱/۱۱

سند شماره ۳

وزارت فرهنگ

فهرست اسامی آقایان مدیران کل و رؤسای ادارات پایتخت و استادان و دانشیاران دانشگاه.

[همکاران و جامعه انسانی اطراف دکتر سیاسی درسال ۱۳۱۷ ه.ش]

۱. جناب آقای دکتر ولی الله نصر - مدیرکل وزارت فرهنگ و رئیس دانشکده ادبیات و علوم دانشسرای عالی.

۲. جناب آقای محمد وحید - مدیرکل وزارت فرهنگ.

۳. جناب آقای اشرف اشرف - مدیرکل وزارت فرهنگ.

۴. جناب آقای هادی حائری - مدیرکل وزارت فرهنگ.

۵. جناب آقای محمد برزین - مدیرکل اداره بیمارستان‌ها.

۶. جناب آقای احمد سعیدی - بازرس عالی وزارت.

۷. آقای رضا فهیمی - بازرس عالی وزارت.

۸. آقای محمد ملکزاده - بازرس عالی وزارت.

۹. جناب آقای دکتر امیر اعلم - استاد و رئیس تالار کالبد شکافی.

۱۰. جناب آقای غلامحسین رهنما - استاد و رئیس دانشکده فنی.

۱۱. جناب آقای ابوالحسن فروغی - استاد دانشکده ادبیات.

۱۲. جناب آقای محمد تدین - استاد دانشسرای عالی.

۱۳. جناب آقای مسعود کیهان - استاد دانشسرای عالی.

۱۴. آقای عبدالعظیم قریب - استاد دانشسرای عالی.

۱۵. آقای علی اکبر دهخدا - رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی.

۱۶. آقای پرفسور ابرلین - استاد و رئیس دانشکده پزشکی.

۱۷. آقای پرفسور برتران - استاد ادبیات زبان فرانسه دانشسرای عالی.

۱۸. آقای دکتر لئو کوخ - استاد دانشکده فنی.

۱۹. آقای آندره گدار - مدیرکل اداره باستان شناسی.

۲۰. آقای سعید نفیسی - استاد دانشسرای عالی.

۲۱. آقای دکتر علی فرهمندی - رئیس اداره کل نگارش.

۲۲. آقای حسن فروغی - رئیس اداره اوقاف.

۲۳. آقای اسکندر پاسدار - رئیس اداره حسابداری.

۲۴. آقای حسین فرهودی - رئیس دفتر وزارت.

۲۵. آقای حبیب الله مظفری - رئیس دبیرخانه شورای عالی فرهنگ.



۲۶. آقای محمد یزدانفر - رئیس اداره بازرسی.
۲۷. آقای مهدی ایرانی - رئیس اداره آموزش شهرستان‌ها.
۲۸. آقای دکتر شمس‌الدین جزایری - رئیس اداره آموزش پایتخت.
۲۹. آقای دکتر امانت‌الله روشن زائر - رئیس اداره امتحانات و برنامه‌ها.
۳۰. آقای سرگرد غلامحسین مین‌باشیان - رئیس اداره موسیقی کشور.
۳۱. آقای ابوالقاسم شکرایی - کفیل اداره تربیت بدنی و پیشاهنگی.
۳۲. آقای رضا مزینی - رئیس اداره کارگزینی.
۳۳. آقای دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی - رئیس اداره آموزش عالی.
۳۴. آقای حبیب‌الله صحیحی - رئیس اداره دانشسراها.
۳۵. آقای فتحعلی خواجه نوریان - مدیر آمار اداره کل نگارش.
۳۶. آقای تاج‌الدین امامزاده - بازرس عالی وزارت.
۳۷. آقای تقی طائر - بازرس عالی وزارت.
۳۸. آقای عبدالله رهنما - بازرس وزارت.
۳۹. آقای دکتر عبدالمجید آهی - استاد دانشکده پزشکی.
۴۰. جناب آقای دکتر علی فلاتی - استاد دانشکده پزشکی.
۴۱. آقای دکتر حسین معتمد - استاد دانشکده پزشکی.
۴۲. آقای دکتر قاسم قاسم‌زاده - استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۴۳. آقای دکتر محمدقلی شمس - استاد دانشکده پزشکی.
۴۴. آقای دکتر جواد شیبانی - استاد دانشکده پزشکی و بازرس کل اداره بیمارستان‌ها.
۴۵. آقای دکتر علی‌اکبر سیاسی - استاد دانشسرای عالی.
۴۶. آقای دکتر رضا زاره شفق - استاد دانشسرای عالی.
۴۷. آقای عباس اقبال آشتیانی - استاد دانشسرای عالی.
۴۸. جناب آقای محمد مظاهر - استاد دانشکده حقوق.
۴۹. آقای علی نقی وزیری - استاد دانشکده ادبیات.
۵۰. آقای دکتر محسن سیاح - استاد دانشکده دندانسازی.
۵۱. آقای دکتر محمد حسین ادیب - استاد دانشکده پزشکی.
۵۲. آقای دکتر محمود حسابی - دانشسرای عالی.
۵۳. آقای بدیع‌الزمان فروزانفر - دانشسرای عالی.
۵۴. آقای حسین گل‌گلاب - دانشکده پزشکی.
۵۵. آقای دکتر علی شایگان - استاد و معاون دانشکده حقوق و علوم سیاسی.



۵۶. آقای دکتر عبدالله شیبانی - استاد و معاون دانشسرای عالی.
۵۷. آقای مهندس عبدالله ریاضی - معاون دانشکده فنی.
۵۸. آقای اسدالله بیژن - استاد دانشسرای عالی.
۵۹. آقای دکتر جهانشاه صالح - استاد دانشکده پزشکی.
۶۰. آقای دکتر آرامائیس وارطانی - استاد دانشکده پزشکی.
۶۱. آقای تقی فاطمی - استاد دانشسرای عالی.
۶۲. آقای ابراهیم پورداد - استاد دانشکده ادبیات.
۶۳. آقای علی پاشا صالح - ناظر امور اداره کل نگارش.
۶۴. آقای اسمعیل امیرخیزی - رئیس دبیرستان دارالفنون.
۶۵. آقای محمد میرفخرائی - رئیس دانشسرای پسران.
۶۶. آقای محمد شمس‌آوری - رئیس دبیرستان شرف.
۶۷. آقای علی اشرف ممتاز - رئیس دانشسرای دختران.
۶۸. آقای محمد رحیم ادیب - رئیس دبیرستان پهلوی.
۶۹. آقای دکتر محمود مهران -
۷۰. آقای دکتر عنایت‌الله فرزاد - پزشک شفاخانه آموزشگاه‌ها.
۷۱. آقای دکتر محمد مجلل - استاد دانشکده پزشکی.
۷۲. آقای دکتر هاشم هنجن - استاد دانشکده پزشکی.
۷۳. آقای دکتر ابراهیم نعمت‌الهی - معاون دانشکده پزشکی.
۷۴. آقای یوسف میر - رئیس بخش جراحی بیمارستان وزیری.
۷۵. آقای محمد حسابی - رئیس پرتوشناسی بیمارستان سینا.
۷۶. آقای ابوالقاسم شیخ‌الاسلامی - رئیس بیمارستان شماره ۲.
۷۷. آقای مهدی آذر - رئیس بخش پزشکی بیمارستان شماره ۲.
۷۸. آقای غلامحسین مصدق - رئیس بخش بیماری‌های زنان در بیمارستان گوهرشاد.

سند شماره ۴

[به تاریخ فروردین ۱۳۲۷]

[موضوع]: متن مصاحبه با دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت در مورد قانون تعلیمات اجباری

مجانی.

[متن سند]: مصاحبه با جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی [وزیر فرهنگ]

تعمیم تعلیمات ابتدائی اساسی ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما باید صورت



گیرد ...

س - عقیده جناب عالی در باره اجرای قانون تعلیمات اجباری چیست؟ آیا قانون اخیر شما برای اجرای کار کافیست یا خیر؟ در صورت کافی نبودن، برای اجرای این کار چه تصمیماتی در آتیه اتخاذ خواهید کرد؟ و چه مشکلاتی در راه اجرای این قانون به عقیده شما وجود دارد؟

ج - عقیده خود را در باره تعلیمات اجباری از بیست و پنج سال پیش به این طرف مکرر گفته و نوشته‌ام و مخصوصاً هنگام تقدیم لایحه آموزش و پرورش اجباری مجانی در سال ۱۳۲۱ به مجلس سیزدهم و در مدت هفت ماهی که برای به تصویب رساندن آن صرف کردم در این باب چه در مجلس و چه به وسیله جراید و رادیو توضیحات کافی داده‌ام خلاصه این است که:

تعمیم تعلیمات ابتدائی اساسی‌ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما باید صورت بگیرد و تا این اقدام اساسی به عمل نیامده ترقی واقعی در هیچ‌یک از شئون کشور مبنای صحیحی نخواهد داشت و مخصوصاً حکومت دموکراسی در این مملکت از حدود لفظ خارج شده و حقیقت و معنی پیدا نخواهد کرد.

برای رفع مشکلاتی که در این راه هست (ساختن مدرسه و تربیت معلم به قدر کافی) پیش‌بینی‌های لازم در قانون آموزش و پرورش اجباری مصوب مرداد ۱۳۲۲ و قانون متمم آن (که فعلاً در مجلس است) شده است و هرگاه بیست درصد از بودجه کل کشور [۱] به وزارت فرهنگ بدهند، در عرض کمتر از ده سال تمام، دبستان‌ها و تمام معلمین که برای عمومی و اجباری کردن تعلیمات ابتدائی لازم است، تهیه خواهد شد و در مدتی کوتاه زدودن لکه ننگ بی سوادی از دامان ملت ایران میسر خواهد گردید.

س - اگر مدارس تخصصی از قبیل آموزشگاه‌های صنعتی و فلاحی در نقاط مختلف کشور، به خصوص در نواحی فلاحی و صنعتی ایجاد گردد نتایج آن برای جامعه ایرانی بهتر از آموزشگاه‌های کنونی نخواهد بود؟

ج - نه تنها بهتر خواهد بود بلکه لازم و واجب است و به اعتقاد من اگر در این اقدام بیش از این تأخیر شود نتایج وخیم برای جامعه ایرانی خواهد داشت. ماده اول قانون متمم آموزش و پرورش که این جانب دو ماه پیش تقدیم مجلس شورای ملی کردم، با توجه به این موضوع اساسی تنظیم گردیده است، آن ماده که ضمناً تعمیم تعلیمات ابتدائی را تضمین می‌کند این است:

ماده اول: از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ده سال وزارت فرهنگ مکلف است همه ساله لااقل چهار پنجم (۴-۵) بودجه خود را برای باسواد کردن مردم کشور و اجرای قانون آموزش و پرورش اجباری مجانی مصوب ۶ مرداد ۱۳۲۲ و تأسیس آموزشگاه‌های فنی و



حرفه‌ای تخصص دهد.

در ماده دوم همین قانون پیش‌بینی شده است که مدارس حرفه‌ای مجانی خواهد بود.

س - عقیده جناب‌عالی در خصوص برنامه فعلی مدارس به‌خصوص دبیرستان‌ها چیست؟

ج - برنامه خالی از نقص نیست و باید مورد تجدیدنظر واقع شود ولی در این باب دو نکته را نباید از نظر دور داشت، یکی اینکه تجدیدنظر باید از طرف متخصصین درجه اول و معلمین با تجربه از روی نهایت دقت صورت گیرد و پس از آن لااقل یک دوره کامل مورد آزمایش واقع شود یعنی هر سال یا دو سال یک مرتبه آن را تغییر ندهند.

دیگر اینکه در تربیت معلمین باید دقت بیشتری مبذول گردد زیرا بهترین برنامه در دست معلمین نامناسب به بدترین وجه اجرا خواهد شد و برعکس معلمین خوب می‌توانند در عمل نقایص بدترین برنامه‌ها را برطرف سازند یا جبران کنند:

س - عقیده جناب‌عالی در باره استقلال فرهنگ چیست؟ اگر وزارت فرهنگ نیز مانند دانشگاه مستقل شده و با روی کار آمدن هر دولتی نقشه معینی را دنبال نماید پیشرفت کار آن بهتر نخواهد بود؟

ج - قانون اساسی و مقررات قانونی دیگر اجازه نمی‌دهد که وزارت فرهنگ مانند دانشگاه مستقل شود ولی برای تأمین ثبات سازمان فرهنگ و جلوگیری از اینکه با تغییر دولت‌ها و وزیر فرهنگ اصلاحات و نقشه‌های فرهنگی و برنامه مدارس دستخوش تغییر واقع شود، راه‌های دیگری هست که اهم آنها تقویت شورای عالی فرهنگ است که باید نظارت عالیه و دقیق بر تمام اقدامات فرهنگی و بر اجرای قوانین و مقررات داشته باشد، از این‌رو لایحه قانونی جدیدی برای شورای عالی فرهنگ تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی گردید.

سند شماره ۵

[موضوع سند]: نامه رئیس دانشگاه (دکتر سیاسی) به وزیر فرهنگ در مورد حمله منجر به جرح عده‌ای به دانشگاه. تاریخ ۱۳۳۰/۱۹/۹، دانشگاه تهران
[متن سند]:

فوری

جناب آقای وزیر فرهنگ

ساعت ۱۰/۵ صبح امروز موقعی که کلاس‌های دانشسرای عالی دایر و استادان مشغول تدریس بوده‌اند، ناگهان جمع کثیری به آنجا هجوم آورده و در دنبال آنها چند پاسبان و عده دیگری سنگ و چوب در دست نیز وارد می‌شوند و در نتیجه در و پنجره و اثاثیه یکی دو اطاق شکسته شده و چند تن از دانشجویان و افرادی که برای نام‌نویسی آمده بودند و همچنین



دوتن از کارمندان دفتری دانشسرا مورد ضرب و جرح واقع می‌شوند. لازم دید این پیش‌آمد قابل‌تأسف را بدین وسیله برای استحضار خاطر عالی گزارش دهد.

رئیس دانشگاه- دکتر سیاسی- امضا

[در حاشیه]: به عرض برسد، بایگانی شود ۱۳۳۰/۹/۱۶

سند شماره ۶

دانشگاه تهران، تاریخ ۲۱/۴/۳۲

[موضوع سند]: نامه دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تهران در مورد رسیدگی به وضعیت

معلمین دانشگاه تبریز و ...

[متن سند]:

وزارت فرهنگ

در جواب نامه شماره ۱۶۶۶۵ مورخ ۱۷ تیرماه ۱۳۳۲، به استحضار خاطر محترم می‌رساند که به انتخاب شورای دانشگاه تهران آقایان دکتر محمدحسین ادیب استاد دانشکده پزشکی و دکتر بینا استاد و معاون دانشکده ادبیات برای عضویت کمیسیون مقرر در لایحه قانونی رسیدگی به وضع معلمین دانشگاه تبریز و دانشکده‌های پزشکی شهرستان‌ها معرفی می‌شوند، آقای احمد بیرشک رئیس اداره کارگزینی دانشگاه نیز مطابق لایحه مذکور عضو کمیسیون خواهد بود.

خواهشمند است دستور فرمائید تاریخ انعقاد کمیسیون را مستقیماً به اطلاع آقایان مذکور برسانند.

رئیس دانشگاه [تهران]- دکتر سیاسی

رونوشت برای اقدام مقتضی به اداره کارگزینی ابلاغ می‌شود.

رونوشت به اداره تعلیمات عالیّه ارسال می‌گردد.

سند شماره ۷

[موضوع سند]: بیانیه دانشجویان و فرهنگیان در حمایت از دکترسیاسی پس از برکناری

وی در سال ۱۳۳۲

[متن سند]:

بیانیه گروه فرهنگیان و دانشجویان

دکترسیاسی از بزرگترین شخصیت‌های فرهنگی ایران و جزو گرانبهاترین مفاخر ماست،

ما گروه فرهنگیان و دانشجویان با انتشار این اعلامیه، نه تنها به مردم ایران، بلکه به تمام



دنیا، مراتب تنفر و انزجار شدید خود را راجع به اهانت دو سه نفر از وکلای معلوم الحال مجلس ایران، نسبت به رئیس محترم دانشگاه ابراز داشته، با صدائی که از قلب با ایمان و وجدان تابناک ما برمی‌خیزد فریاد می‌زنیم، آنها که مایلند با عوام فریبی و تظاهر به دین برای شخصیت‌های مجعول و رنگ‌دار خود تحصیل وجاهتی کنند، باید بدانند این عوام‌فریبی‌های قرون وسطائی مانند اسلحه سرد و ناچیز است که قرن‌ها پیش مورد استفاده دول مقتدر برای تهدید مستعمرات خویش بوده است و امروز در ایران، آن هم در مرکز ثقل مملکت، بین جوامع متشکل دانشگاهی و میان دانشجویان وظیفه‌شناس و فداکار دانشکده‌ها به کار نمی‌آید!

این آقایان خیال می‌کنند مذهب مقدس اسلام هم مثل سایر امور، فقط انحصاری می‌باشد که در راه آن سنگ تظاهر و ریا بر سینه می‌زنند و در پس پرده آن کار دیگر می‌کنند. دکتر سیاسی خود تربیت شده خانواده مسلمان و مذهبی است و همواره به مبادی دینی با نظر احترام می‌نگرد، منتها تظاهر به مذهب و دین‌فروشی را در خور خود نمی‌داند، چنانچه همه می‌دانند، سازمان اسلامی دانشجویان، با اجازه و تشویق ایشان، به فعالیت‌های مذهبی و نشر حقایق دینی پرداخته است.

دکتر سیاسی دانشمند محبوبی که درحین تکلم با شاگردان خود رنگ به رنگ می‌شود، با شرافت و آبروی خود که یکی از نقاط اتکای او است و می‌توان حیا و نجابت او را یکی از پله‌های نردبان ارتقای او دانست، هیچگاه لفظاً با خائنین به فرهنگ و دانشگاه و مملکت نمی‌ستیزد و پرخاشجویی دو سه نفر اراذل و بی‌سر و پا را با لبخند تمسخر پاسخ می‌دهد. دو سه نفر وکیل از دانش بی‌خبری که رشد اجتماعی افراد جوان این مملکت را مانع ترقیات ظاهری و سوءاستفاده‌های مقامی خود تشخیص داده‌اند مایلند با ساز کردن این نغمه‌های شوم از حس فعالیت اجتماعی، فداکاری، و وظیفه‌شناسی، ابراز فکر و اظهار عقیده و سایر عواملی که معرف شخصیت منیع دانشجویان است، با ایجاد موانع و مشکلات محدودکننده‌ای جلوگیری نمایند. لذا با نقشه‌هایی پلید که از مغزهای پوک و بی‌سواد خود تراوش کرده، تصمیم دارند با دانشگاه و شرافت دانشجویان ایران بازی کنند، ولی باید بدانند اگر دکتر سیاسی از اهانت شخصی خود صرف‌نظر کند دانشجویان و فرهنگیان علاقمند به دانش و رشد فکری حاضر نخواهند بود دانشگاه تبدیل به یک محیط جمود فکر و اختناق عقیده‌ای گردد.

وکلای بی‌موکل و هرزه‌درائی که سخنان استاد دانشمند و رئیس دانشگاه را هنگام ایراد سخنرانی قطع کردند نتوانستند صدای او را که پی‌درپی این جمله را تکرار می‌کرد (استقلال دانشگاه باید محفوظ بماند و به دانشجویان عقیده‌ای نمی‌توان تحمیل نمود) قطع نمایند.

دکتر سیاسی با توسل به این و آن و تملق و چاپلوسی به مقام منبع ریاست دانشگاه نرسیده، بلکه از بین استادان مبرزی که هر کدام برای اداره تمام سازمان‌های وسیع فرهنگی شایسته‌اند



انتخاب شده و این حسن انتخاب مورد توجه و قبول عموم دانشگاهیان و فرهنگیان است. دکتر سیاسی مستظهر به نیروی متراکم فرهنگیان زحمت کش و دانشجویان غیور و فداکار است. دکتر سیاسی در عین حالی که از دانشمندان معروف و بنام این مملکت است مثل نورسیده‌ها و نورچشمی‌های امروز که گوششان به دستور عوامل مؤثر در انتخابات آنها آشناست، به هیچ وجه جز صلاح مملکت و ملت و تنویر افکار عمومی به غیر از فداکاری در راه اشاعه علم و هنر قدمی بر نداشته، شب و روز خود را در این راه وقف نموده است و در هر قدم هزاران بار جوانب کار را با نهایت حزم و احتیاط مراقبت کرده است.

دکتر سیاسی اولین و مؤثرترین قدم‌ها را برای تعلیمات اجباری در ایران برداشته است و از مجموع مطالعات علمی خود با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران، لایحه تعلیمات اجباری را تنظیم و برای نخستین بار در ایران به مجلس تقدیم و در راه تصویب آن فداکاری‌ها نموده است.

و باز دکتر سیاسی اولین کسی است که برای استقلال دانشگاه تصمیم خود را به موقع تصویب و اجرا گذارده.

شخصیت دکتر سیاسی ضامن اجرای آزادی فکر و عقیده دانشجویان است، چگونه ممکن است دانشجویان به کسی که حیات معنوی آنان را تضمین کرده وفادار نباشند.

ما به مسئولین امور، به کسانی که ناظر آن جنایت‌های ابلهانه مزدوران متظاهر بوده‌اند، به کسانی که مأمور برقراری نظم این مملکت‌اند اعلام می‌کنیم، تا رفع اهانت از مقام شامخ استاد بزرگوار و ریاست محبوب دانشگاه نشود، به هیچ وجه از پای نخواهیم نشست و تصمیمات جدی‌تری اتخاذ خواهیم نمود.

ضمناً به طوری که شنیده‌ایم، به قدری این موضوع موجبات تأثر ایشان را فراهم نموده است که بلادرنگ از مقام وزارت استعفا داده‌اند.

ما کوشش داریم که حتماً استعفای ایشان مورد موافقت قرار نگرفته و چنان که اشاره کردیم انتظار داریم هیئت دولت و نمایندگان محترم و عموم علاقمندان فرهنگ کشور در رفع نگرانی و تأثر ایشان اقدام عاجل فرمایند.

استعفای دکتر سیاسی تنها به علت تأثر شدید او از این قضایا بوده و ما با کمال بی‌صبری عدم موافقت با استعفا و بازگشت ایشان را در رأس وزارت فرهنگ خواستاریم.

گروه دانشجویان و فرهنگیان

سند شماره ۸

وزارت فرهنگ، تاریخ ۲۷/۱/۳۶

[موضوع سند]: نامه وزیر فرهنگ به دفتر مخصوص شاه در مورد انتخاب رئیس دانشگاه تهران و معرفی سه نامزد که یکی از آنها حذف دکتروسیاسی بود.
[متن سند]:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

شورای دانشگاه در پانصد و سی و نهمین جلسه خود به تاریخ ۳۶/۱/۲۶ طبق تبصره ۱۷ قانون ترمیم حقوق فرهنگیان آقایان زیر را برای ریاست دانشگاه نامزد نموده‌اند:

- جناب آقای دکتر منوچهر اقبال با ۳۰ رأی.
 - جناب آقای دکتر احمد فرهاد با ۲۹ رأی.
 - جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی با ۲۶ رأی.
- اینک متمنی است مراتب را به عرض پیشگاه مبارک ملوکانه برسانید که در صورت اقتضای رأی مبارک شاهانه فرمان همایونی به نام آقای دکتر احمد فرهاد صادر گردد.
- وزیر فرهنگ - دکتر مهران

سند شماره ۹

به تاریخ ۳۶/۹/۲۲، دانشگاه تهران

[موضوع سند]: ابقای دکتر سیاسی در سمت ریاست دانشکده ادبیات.
[متن سند]:

وزارت فرهنگ

چون جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی در یکصد و شصت و ششمین جلسه مورخ نوزدهم آذر ۱۳۳۶ شورای دانشکده ادبیات مجدداً به اتفاق آرا به ریاست دانشکده مزبور انتخاب گردیده‌اند، حکم انتصاب ایشان برای امضا ارسال می‌گردد.

رئیس دانشگاه - دکتر فرهاد

سند شماره ۱۰

تاریخ ۳۶/۱/۲۷، دانشگاه تهران

[متن سند]:

جناب آقای وزیر فرهنگ

شورای دانشگاه در پانصد و سی و نهمین جلسه خود مورخ ۱۳۳۶/۶/۲۱ به انتخاب سه نفر



از استادان که باید از میان آنان رئیس دانشگاه انتخاب گردد مبادرت نموده و اینک نتیجه را به شرح زیر به استحضار خاطر عالی می‌رساند:

جناب آقای دکتر منوچهر اقبال ۳۰ رأی، آقای دکتر احمد فرهاد ۲۹ رأی، جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی ۲۶ رأی.

معاون دانشگاه مسعود کیهان [امضا]

سند شماره ۱۱

کمیسیون ملی تربیتی و علمی و فرهنگی
ملل متحد (یونسکو)
تهران خیابان موزه تاریخ ۴۲/۱۱/۱۱
[موضوع سند]: ابقای ریاست علی اصغر حکمت در کمیسیون ملی یونسکو و همچنین
اعضای این کمیسیون از جمله دکتر سیاسی.
[متن سند]:
وزارت فرهنگ

نظر به اینکه دوران ریاست، جناب آقای علی اصغر حکمت و عضویت عده‌ای از اعضای محترم کمیسیون ملی یونسکو به سر آمده بود، کمیسیون ملی یونسکو در ایران ضمن تجلیل از خدمات و راهنمایی‌های جناب آقای حکمت در یکصدمین جلسه خود، با حضور نمایندگان وزارت خارجه و وزارت فرهنگ مورخ ۸/۱۱/۱۳۴۲ به موجب ماده اساسنامه کمیسیون ملی یونسکو، ایشان را به اتفاق آراء بار دیگر به سمت رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران انتخاب کرد.

جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی - آقای دکتر عبدالله شیبانی - جناب آقای دکتر متین‌دفتری - آقای دکتر حسین پیرنیا - آقای علی‌پاشا صالح نیز بر طبق ماده ۶ اساسنامه مجدداً به عضویت کمیسیون ملی در ایران انتخاب شدند.
مراتب محض استحضار بدین وسیله اعلام گردید.
نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا [امضا]

سند شماره ۱۲

[موضوع سند]: دستخط دکتر سیاسی و تقاضای رسیدگی به تظلم یکی از شاگردان.
[متن سند]:
حضرت استاد معظم



یکی از شاگردهای خانم همشیره حامل عریضه که در امتحانات شش ساله حاضر شده، از قرار مسموع نسبت به مشارالیه‌ها بی‌اعتدالی شده است. با جنبه عدل و انصافی که در آن وجود محترم موجود است، مقتضی است مقرر فرمایند به نمرات شاگرد مذکور رسیدگی شده، چنانچه حقیقتاً بی‌اعتدالی شده رفع ظلم فرمایند. در خاتمه موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

شاگرد شما علی اکبر سیاسی.

Commission Nationale Iranienne
pour
F.U.N.E.S.C.O.
Avenue du Musée - Téhéran

Notre Réf:
Votre Réf:
Annexe :
Date :

کمیسیون ملی تربیتی و علمی و فرهنگی
ملی (یونسکو)

تهران خیابان موزه
تاریخ: ۱۳۶۴
شماره: ۱۵۸۱۳
ضمیمه:

وزارت فرهنگ

نظر باینکه دوران ریاست جناب آقای علی اصغر حکمت و عضویت عدای از اعضای محترم کمیسیون ملی یونسکو سرآمد بود کمیسیون ملی یونسکو در ایران ضمن تجلیل از خدمات و راهنمایی‌های جناب آقای حکمت در یکصد و پنجاهمین جلسه خود با حضور نمایندگان وزارت خارجه و وزارت فرهنگ مورخ ۱۳۴۲/۱۱/۸ بموجب ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون ملی یونسکو اینان را با اتفاق آراء بار دیگر به سمت رئیس کمیسیون ملی یونسکو ایران انتخاب کرد.

جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی - آقای دکتر عبداله شیبانی - جناب آقای دکتر متین دفتری - آقای دکتر حسین پورنیا - آقای علی پاشا صالح نیز بر طبق ماده ۱۶ اساسنامه مجدداً به عضویت کمیسیون ملی یونسکو در ایران انتخاب شدند.

مراتب محضاً متحضر این وسیله اعلام گردید.

نائب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران - دکتر نبی الله صفا

۱۹/۵

حضرت استاد معظم ^{بصفت} یکی از دانش گران خانم انجمن ^{استاد} حاضر
 که در امتحانات شش ساله حاضر شده از قور مصوع نسبت به ^{استاد} الهام
 شده است با جنبه عدل و انصافی که در آن وجه محترم مرصع ^{است} آینه
 مسقر است مکرر فرمایند به عزات خانم دین گور ^{استاد} رسیده
 حقیقتاً به استه ای شده باشد رنج ظلم فرمایند در خانه مریه
 مفتخره احکامات فائده رانده بهیه اردشاه ^{استاد} علی سیکر

تاریخ ۹ شهریور ماه ۱۳۱۴ شماره ۱۸۱۴ ضمیمه شماره ۱۶۵

مقام وزارت معارف

۱۱۳۰
چشم زخم و درد شده بر که بواسطه این تپش بخیزد و در کمال غم و اندوه است و در وقت خواب و بیداری و در هر حال که باشد

[illegible][illegible][illegible]

۴- چنانکه این که مجرده فخران که در این درگاه رسیده اند و در خدمت صاحب دین کوی کعبه
شده و در عرض گفته که در خدمت خیرین است و اوقات گزینی بدهد و این حرف که این بزرگوار که چنانچه
تف کرد و چنانچه بطلب از تمام نعمات که می شود گرفته شود - اینست که چنانچه گفته اند که بهای این نعمت نپذیرند و در صورت امکان بپای
پای را و چنانچه گفته است بر آن بسته اند و در این راه نیز که بطلب از این که

دکتر سیاسی از بزرگترین شخصیت‌های

فرهنگی ایران و جزو گرانبیا ترین مفاخر ملی ماست

ما گروه فرهنگیان و دانشجویان با انتشار این اعلامیه نه تنها ب مردم ایران بلکه بتمام دنیا مراتب تشرف و انزجار شدید خود را راجع به اهانت دوسه قسّر از وکلای معلوم الحال مجلس ایران نسبت برئیس محترم دانشگاه اراز داشته باصداتی که از قلب با ایمان و وجدان تابناک ما برمیخیزد فریاد میزنیم آنها که ما باینده باعوام قریبی و تظاهر بدین برای شخصیت‌های میمور و رنگدار خود تحصیل وجهتی کنند باید بداند این عوام قریبی های قرون وسطایی مانند اسلحه سرد و ناچیز است که قریبیش مهود استفاده ذول مقتدر بوی تهدید مستورات خویش بوده است و امروز در ایران آیم در مرکز قلّ ملک بین جوامع متشکل دانشگاهی و میان دانشجویان و طلیفه شناس و نه کارداران شکسته ها بکار نی آید!

این آفایان خیال می کنند مذهب مقدس اسلام هم مثل سایر امور فقط انحصاری میباشد که در راه آن سنک تظاهر و ربا برسته میزنند و در پی برده آن کار دیگر میکنند .

دکتر سیاسی خود تربیت شده خانواده مسلمان و مذهبی است و هیواره بیبادی دینی با نظر احترام میگرد متنها تظاهر بدمه و دین فروشی را در خور خود نی داند چنانچه همه می دانند سازمان اسلامی دانشجویان با اجازه و تشویق ایشان بفالیت های مذهبی و نشر حقایق دینی پرداخته است دکتر سیاسی دانشمند محبوبی که در حین تکلم باشا گردان خود رنگ برنگ می شود با شرافت و آسروی خود که یکی از نقاط اتکالی اوست و میتوان حیا و نجابت او را یکی از به های نردبان ارتقای اودانست هیچگاه لفظا را خائنین فرهنگ و دانشگاه و ملک ننی ستیزد و بر خاشجوی دوسه نفر ار اذل و بی سرو پا را با لبخند تسخر پاسخ میدهد .

دوسه نفر وکیل از دانش یهبریکه

رشد اجتماعی افراد جوان این ملک را مانع ترقیات ظاهری و سوء استفاده های مفای خود تشخیص داده اند ما باینده با ساز کردن این تنه های شوم از حس فعالیت اجتماعی، فداکاری و وظیفه شناسی، ابراز فکر و اظهار عقیده و سایر عواملی که معرف شخصیت منبع دانشجویانست با ایجاد موانع و مشکلات معهوده کنند، ای جاو گیری نمایند . لذا با فته های بلید که از منزهای بوک و پیوآذ خود تراوش کرده تصمیم دارند با دانشگاه و شرافت دانشجویان ایران بازی کنند ولی باید بداند اگر دکتر سیاسی از اهانت شخصی خود صر ننگر کند دانشجویان و فرهنگیان علاقت به دانش ورشد فکری حاضر نخواهند بود دانشگاه تبدیل بیک محیط جهود فکرو اختان عقیده ای گردد .

وکلای بی موکل و هرزه درایتیکه سخنان استاد دانشمند و رئیس دانشگاه را هنگام ایراد سخنرانی قطع کردند نتوانسته صدای او را که بی دری این جمله را بکار میگرد (استقلال دانشگاه باید محفوظ بماند و به دانشجویان عقیده ای نمیتوانان تحمیل نمود قطع نمایند .

دکتر سیاسی با توسل باین و آن و تلقی و چاپلوسی بتمام منبر با ست دانشگاه رسیده بلکه از بین استادان میرزی که هر کدام برای اداره تمام سازمانهای وسیع فرهنگی شایسته اند انتخاب شده و این حسن انتخاب مورد توجه و قبول عموم دانشگاهیان و فرهنگیان است .

دکتر سیاسی هسته شهر بنیروی
متر اکیم فرهنگیان زحمت کش و
دانشجویان غیور و فداکار است *

دکتر سیاسی در بین حالیکه از دانشندان معروف و بنام این ملک است مثل نورسیده ها و نورچشی های امروز که گوششان بدستور عوامل موثر در انتخابات آنها آشناست بهیچوجه جز صلاح ملک و ملت و تنویر افکار عمومی پیر از فداکاری در راه اشاعه علم و هنر فکری بر نداشته شب و روز خود را در انزواء وقف نموده است و

در هر قدم هزاران بار جواب کار را با نهایت حزم و احتیاط مراقبت کرده است .

دکتر سیاسی اولین و مؤثرترین قدمها را برای تعلیبات اجباری در ایران برداشته و از مجموع مطالعات علمی خود با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران لایحه تعلیبات اجباری را تنظیم و در راه تصویب آن فدا کاریا نموده است.

و باز دکتر سیاسی اولین کسی است که برای استقلال دانشگاه تصمیم خود را به موقع تصویب و اجرا کرده

شخصیت دکتر سیاسی ضامن
اجرای آزادی فکر و عقیده
دانشجویان است چگونه ممکن
است دانشجویان بکسی که حیات
معنوی آنان را تضمین کرده و فادار
باشد

ما پستولین امور بکسانی که ناظر آن جنبشهای ابلهانه مزدوران مظاهر بوده اند بکسانی که مامور برقراری نظم اجتماع این ملک اند اعلام میکنیم تارفع اهانت از مقام شامخ استاد بزرگوار و ریاست محبوب دانشگاه نشود بهیچوجه از باقی نفوذهای شست و تهیبات جدید تری انتقاد خواهیم نمود

ضمناً بطوریکه شنیده ایم بقدری این موضوع موجبات تأثر ایشان را فراهم نموده است که بلا درنگ از مقام وزارت استفا داده اند

ما گوش داریم که حتماً استغای ایشان مورد موافقت قرار گرفته و چنانکه اشاره کردیم انتظار داریم هیئت دولت و نمایندگان محترم و عموم علاقتندان فرهنگ کشور در رفع نگرانی و تأثر ایشان اقدام عاجل فرمایند.

استغای دکتر سیاسی تنها بملت ناثر شده او از این قضایا بوده و ما با کمال یصبری عدم موافقت با استثناء و بازگشت ایشان را در راس وزارت فرهنگ خواستاریم .

گروه دانشجویان و فرهنگیان



بیضاء نخستین روزنامه بروجرد و لرستان

محمد گودرزی

■ چکیده

روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران زمانی به‌راه افتاد که از پیدایش آن در اروپا حدود دو سده می‌گذشت. این تأخیر بلند زمانی، در ولایات ایران بیشتر بود. روزنامه بیضاء نخستین روزنامه در بروجرد و لرستان است که در سال ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۲۸۸ ه.ش. و به‌روش ژلاتینی تکثیر و منتشر شده است. با آنکه خبر انتشار بیضاء را محمد صدر هاشمی به‌نقل از هفته‌نامه‌های زاینده‌رود و انجمن اصفهان در کتابش، تاریخ جراید و مجلات ایران در سال ۱۳۲۷ ه.ش. منتشر کرده بود، به‌دلیل در دست‌نبودن حتی یک نسخه از این روزنامه هیچ آگاهی دقیقی درباره آن وجود نداشت و حتی تصور بر آن بود که حاج عباسعلی تاجر روناسی اصفهانی آن را تأسیس کرده است. در زمستان ۱۳۹۳ کارشناسان میراث‌فرهنگی بروجرد به‌شکل اتفاقی به دو نسخه از بیضاء دست یافتند. این اتفاق می‌تواند نویدبخش این موضوع باشد که در آینده نیز نسخه‌هایی از این کهن‌ترین روزنامه محلی لرستان به‌دست آید. اگرچه یکی از این دو نسخه به‌کلی از بین رفته و سطور آن قابل‌خواندن نبود، نسخه دیگر که شماره ششم روزنامه است و در دوشنبه ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ه.ق. / ۲۱ آذر ۱۲۸۸ منتشر شده است، آگاهی‌های مهمی از این روزنامه به‌دست می‌دهد. بر این مبنا بیضاء روزنامه‌ای آزاد و عام‌المنفعه بوده و به درج اخبار و اطلاعات مهم روز و نشر مشروح مذاکرات و خبرهای انجمن ولایتی بروجرد اقدام می‌کرده است. مؤسس بیضاء شاهزاده مؤید خاقان، رئیس وقت عدلیه بروجرد و مدیر آن، میرزا محمد حسن بودند، اسامی که در حال حاضر اطلاع‌چندانی درباره آن‌ها در دست ما نیست.

کلیدواژه‌ها

روزنامه؛ بیضاء؛ بروجرد؛ انجمن.



بیضاء نخستین روزنامه بروجرد و لرستان

محمد گودرزی^۱

مقدمه

روزنامه به شکل امروزی و از پی آن، روزنامه‌نگاری را ایرانیان، بسان بسیاری از دیگر مظاهر تمدنی جدید از مردم مغرب‌زمین آموختند و در ایران گسترش دادند. روزنامه مشهور میرزا صالح شیرازی موسوم به کاغذ اخبار را نخستین روزنامه فارسی‌زبان چاپ داخل ایران دانسته‌اند که شماره اول آن در ۲۵ محرم ۱۲۵۳ ه.ق. (۱۲۱۵ ه.ش. / ۱۸۳۷ م.) انتشار یافت و در مجموع بیش از چند شماره، آن هم به شکل نامنظم و با فاصله زمانی طولانی منتشر نشد (محبوبی اردکاین، ۱۳۵۳، ص ۲۲۳). با انتشار اولین شماره از روزنامه دولتی وقایع اتفاقیه در پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ه.ق. (۱۲۲۹ ه.ش. / ۱۸۵۱ م.) روزنامه‌نگاری فارسی به شکل پایدار بنیان گذاشته شد. این پدیده جدید در ایران در شرایطی پا گرفت که از پیدایش روزنامه در اروپا در آغاز قرن هفدهم میلادی، دو سده گذشته بود. در سال ۱۲۳۴ ه.ق. / ۱۸۱۹ م. زمانی که میرزا صالح شیرازی در لندن فن چاپ را می‌آموخت، بیش از دو هزار نفر در افزون از ۱۰۰ چاپخانه در آن شهر اشتغال داشتند (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۴). هم‌زمان، شمارگان روزنامه‌های منتشره در انگلستان از رقم ۲۵ میلیون در سال گذشت و از هر نسخه روزنامه «چهار پول» مالیات گرفته می‌شد که بسان «چشمه‌ای» بود که بدون اینکه به کسی زبانی رساند «مبالغ لاتعد و لاتحصی» را به خزانه پادشاه سرازیر می‌کرد (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۲۹۲). احتمالاً وجود چنین دیدگاه انتفاعی که روزنامه‌ها را منبع مطمئنی برای پرداخت مالیات به دولت می‌دانست در برانگیختن حکومتگران قاجار برای تأسیس روزنامه در ایران تأثیرگذار بوده است. هم‌زمان با

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی.

نخستین سال‌های انتشار هفته‌نامه وقایع اتفاقیه در ایران، در سال ۱۸۵۵ م. در کشور انگلستان به‌واسطه معاف‌شدن جراید از پرداخت مالیات، شمارگان مطبوعات از ۳۹ میلیون نسخه در سال یک‌باره به ۱۲۲ میلیون نسخه رسید (صالحیار، ۱۳۵۵، ص ۲۲). با این وصف پیدایش روزنامه و بنیان روزنامه‌نگاری دولتی و استبدادی در ایران با آغاز عصر روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و انتشار روزنامه‌هایی با تیراژهای سرسام‌آور میلیونی هم‌زمان شد. سوای تأخیر بلند زمانی پیدایش روزنامه در ایران نسبت به غرب، به‌نظر می‌رسد که تکوین روزنامه‌نگاری ایرانی در مقایسه با سیر آن در مغرب‌زمین، پیشرفت چندانی به‌سوی حرفه‌ای‌شدن نداشته است. بررسی مطبوعات غیردولتی در ۵۰ سال نخست عمر آن در ایران، این نظر را تأیید می‌کند که روزنامه‌نگاران ایرانی بیش از آنکه با مفهوم واقعی ژورنالیسم آشنا باشند، از آن به‌عنوان ابزاری برای انجام مبارزات سیاسی و اجتماعی بهره برده‌اند و هر چند هدف‌های والایی را دنبال کرده‌اند، با روزنامه‌نگاری حرفه‌ای میانه‌ای نداشته‌اند (صالحیار، ۱۳۵۵، ص ۱۱۳). پیدایش روزنامه در ولایات ایران با تأخیر بیشتری همراه بود. نخستین روزنامه ولایتی در ایران با عنوان روزنامه ملتی مملکت محروسه آذربایجان در تبریز و در سال ۱۲۷۵ ه.ق. تأسیس شد (قاسمی، ۱۳۷۹، ص ۶۱) و پس از آن، در شیراز، اصفهان و دیگر شهرهای ایران روزنامه‌های محلی به‌تدریج به‌وجود آمد. این تأخیر در بروجرد و لرستان، طولانی‌تر هم شد و با وجود برخی زمینه‌ها، از انتشار روزنامه محلی تا پیش از فتح تهران و برکناری محمدعلی‌شاه از سلطنت گزارشی در دست نیست.

تا آنجا که می‌دانیم، پژوهشگرانی که درباره تاریخ مطبوعات و فعالیت‌های مطبوعاتی در بروجرد و لرستان مطالبی نوشته‌اند، بیضاء را نخستین روزنامه منتشره در بروجرد و لرستان دانسته‌اند، جریده‌ای که در اواخر سال ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۲۸۸ ه.ش. با چاپ ژلاتینی منتشر شده است. خبر انتشار بیضاء را نخستین‌بار محمد صدرهاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران از دو خبر منتشره در روزنامه‌های زاینده رود و انجمن اصفهان نقل کرده است (صدرهاشمی، ۱۳۶۴، ص ۴۳) و پژوهشگران بعدی، به نقل، تفصیل و نقد آن مطالب پرداخته‌اند^۱ و چون نسخه‌ای از این روزنامه به‌دست نیامده بود، آگاهی تازه‌ای درباره آن ارائه ندادند. از این‌رو پرسش‌های بی‌پاسخ در این باره همچنان خودنمایی می‌کند: مؤسس، مدیر و گردانندگان بیضاء چه کسانی بودند؟ مشی فکری و روش سیاسی نخستین روزنامه بروجرد کدام بود؟ انتشار بیضاء تا چه زمانی ادامه یافته است؟ نشر بیضاء چه تأثیری در اوضاع سیاسی، اجتماعی بروجرد داشته است؟

هرچند ارائه پاسخ قانع‌کننده به این پرسش‌ها تا یافت‌شدن شماره‌های بیشتر و دوره‌ای کامل از بیضاء و نیز انتشار اسناد و مدارکی جدید درباره آن به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، نگارنده

۱. این مقالات به‌ترتیب تاریخ انتشار عبارتند از:

- قاسمی، سیدفرید، «تاریخچه مطبوعات لرستان»، فصلنامه رسانه، سال دوم، شماره ۸، تهران، زمستان ۱۳۷۰، ص ۴۸
- گودرزی، محمد، «از بیضاء تا پیغام، مروری کوتاه بر تاریخچه مطبوعات بروجرد»، در هفته‌نامه پیغام بروجرد، شماره‌های صفر تا سه، مهر ۱۳۷۹.
- مقدس جعفری، محمدحسن، «مروری گذرا بر نشریات محلی بروجرد»، فصلنامه صدای زاگرس، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۱.
- عزیزی، غلامرضا، «سخنی در خصوص فعالیت‌های مطبوعاتی در بروجرد»، فصلنامه صدای زاگرس، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۲۵.
- گودرزی، محمد، «بیضاء روزنامه‌ای که هرگز منتشر نشد»، فصلنامه راستان، شماره ۷، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۴۳.
- نوروزی، بهروز، «نقدی بر مقاله بیضاء روزنامه‌ای که هرگز منتشر نشد»، فصلنامه راستان، سال چهارم، شماره ۹، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۵.
- بهرامی، روح‌اله و گودرزی، محمد، تاجر روناسی و نخستین روزنامه منتشره در لرستان، فصلنامه تاریخ ایران و اسلام، مجله علمی تخصصی گروه تاریخ دانشگاه لرستان، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۴۶.

کوشیده است با نگاهی گذرا به اوضاع سیاسی، اجتماعی ایران در زمان انتشار بیضاء، نقل و نقد خبرهای انتشار این روزنامه و بازخوانی نسخه منحصربه‌فردی از بیضاء که در روزهای پایانی سال ۱۳۹۳ در میان اسناد و اوراق موجود در خانه مغیث‌الاسلام طباطبایی توسط کارشناسان اداره میراث‌فرهنگی بروجرد به‌دست آمده است برخی ابهامات درباره این نخستین روزنامه محلی لرستان را روشن سازد.

زمان نشر بیضاء

سال ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۲۸۸ ه.ش. سالی پر حادثه و سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران است. این سال با اوج‌گیری دوباره موج آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی هم‌زمان است. محمدعلی شاه، که پیش از این در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ه.ق. / ۲ تیر ۱۲۸۷ ه.ش. مجلس شورای ملی را به توپ بست و بساط مشروطیت نوپا را برچید (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۷)، در برابر صفوف به‌هم‌فشرده مجاهدان مشروطه‌طلب آذربایجانی، اصفهانی و گیلانی تاب ایستادگی نیاورد و با سقوط تهران، مجبور شد که در ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق. / ۲۵ تیر ۱۲۸۸ ه.ش. به باغ سفارت روسیه در محله زرگنده تهران پناهنده شود (کسروی، ۱۳۵۷، ص ۶۰). فاتحان تهران او را رسماً از سلطنت برکنار کردند و فرزندش، احمد میرزای خردسال را به پادشاهی برگزیدند (بروان، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷). دگرباره نظام حکومتی سلطنت مشروطه بر کشور حاکم شد. با فروپاشی حکومت استبدادی محمدعلی شاه، آن گروه از مدیران روزنامه‌ها و جراید که به‌دلیل اختناق حاکم از شهرهای خود گریخته بودند، بازگشتند و به نشر روزنامه پرداختند (صدرهاشمی، ۱۳۶۴-۱۳۶۳ ص ۲۵). حاکمیت دوباره مشروطیت، زمینه را برای پیدایش حزب‌ها و گروه‌های سیاسی به‌گونه‌ای رسمی فراهم کرد. این حزب‌ها و گروه‌ها می‌کوشیدند تا با راه‌اندازی یک یا چند روزنامه، اندیشه‌ها و آرمان‌های سیاسی خود را منتشر سازند (بهار، ۱۳۷۱، ص ۱۰). از طرفی، انتخابات دومین دوره مجلس شورای ملی در پیش بود و روزنامه‌های مشروطه‌طلب، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار رسانه‌ای آن دوران وظیفه خود می‌دیدند که در طرفداری از مجلس و نظام مشروطیت، دانش سیاسی مردم را افزایش دهند و آن‌ها را به شرکت در انتخابات مجلس تشویق کند. همچنین، افشاگری درباره جنایات حکومت محمدعلی شاه، به‌ویژه خبر شکنجه و قتل روزنامه‌نگاران مشهوری چون میرزا جهانگیرخان شیرازی، مدیر روزنامه صور اسرافیل و سلطان‌العلمای خراسانی، مدیر روزنامه روح‌القدس احساسات مردمی را در حمایت از روزنامه‌نگاران مشروطه‌خواه برانگیخته بود (کهن، ۱۳۶۲، ص ۵۱۳). بازار فعالیت‌های مطبوعاتی گرمی و رونق خاصی گرفته بود. در این میان، رقابت حزب‌ها و گروه‌های سیاسی، پدیده‌ای که برای نخستین بار در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران رخ می‌نمود، به این گرمی بازار

می‌افزود. این دوره، که تا بیش از سه سال بعد، یعنی پایان عمر مجلس دوم ادامه داشت از مهم‌ترین و درخشان‌ترین دوره‌های فعالیت‌های مطبوعاتی در ایران است. در این دوره ده‌ها نشریه در تهران و دیگر شهرها به راه افتاد. درست در چنین فضایی، روزنامه بیضاء در بروجرد بنیاد نهاده شد.

اخبار انتشار بیضاء

خبر انتشار بیضاء را صدرهاشمی از دو خبر منتشره در هفته‌نامه‌های زاینده‌رود و انجمن اصفهان نقل کرده است. این دو روزنامه، که هم‌زمان در اصفهان منتشر می‌شدند، از جراید مهم عصر مشروطیت بودند و در نشر افکار آزادی‌خواهی و نوگرایی، تلاشی فراوان داشتند. انجمن اصفهان به مدیریت سراج‌الدین صدرجبل عاملی‌موسوی در سال ۱۳۲۴ ه.ق. تأسیس شد و ارگان رسمی انجمن ایالتی اصفهان بود و مشروح مذاکرات آن را منتشر می‌کرد (صدرعاشمی، ۱۳۶۴-۱۳۶۳، ص ۲۸۸). هفته‌نامه زاینده‌رود به مدیریت معین‌الاسلام خوانساری در محرم سال ۱۳۲۷ ه.ق. تأسیس شد (صدرعاشمی، ۱۳۶۴-۱۳۶۳، ص ۱). بیشتر سرمقاله‌های این هفته‌نامه، پیرامون نظام مشروطه و نهضت اصلاح‌طلبی بود و چاپ کارتونها و کاریکاتورهای انتقادی زیبا، ظاهری جذاب‌تر به آن می‌داد. زاینده‌رود نسبت به هفته‌نامه انجمن اصفهان رویکردی خبری‌تر داشت. شاید به همین دلیل، صدرهاشمی، به‌رغم تأخیر زمانی، خبر روزنامه زاینده‌رود را درباره انتشار بیضاء پیش از خبر روزنامه انجمن اصفهان آورده است:

از قرار خبرنگار ما از بروجرد، جریده به نام بیضاء در بروجرد با ژلاتین طبع و نشر می‌شود و چون نشر معارف کاملاً به وجود مطبعه موقوف است، جناب آعباسعلی تاجر رُناسی اصفهانی محض خدمت به معارف در مقام برآمده که یک مطبعه باسمه^۱ به آنجا بیاورند و از اصفهان از عالی‌جاه آقا میرزا حسین مدیر مطبعه فرهنگ خواسته‌اند که یک مطبعه به بروجرد برده، مشارالیه مطبعه را مهیا نموده به جهت تعلیم و آموختن صنعت طباعی همراه می‌رود و چندی در آنجا اقامت خواهد نمود. ما هم در مرغوبی آن مطبعه سفارش و تأکید بسیار نموده‌ایم و امیدواریم دارالطباعة صحیحی در آنجا مرتب شده، عالم مطبوعات را رونقی تازه حاصل آید (زاینده‌رود، ۱۳۲۷، ص ۳).

از این خبر چهار نکته مهم به دست می‌آید:

- ۱- در اواخر سال ۱۳۲۷ ه.ق. جریده بیضاء در بروجرد منتشر شده است.
- ۲- چگونگی چاپ و تکثیر این جریده، ژلاتینی بوده است.
- ۳- بروجرد تا این زمان فاقد چاپخانه سربی یا سنگی بوده است.
- ۴- عباسعلی روناسی اصفهانی، با همکاری مدیر چاپخانه فرهنگ در اصفهان، قصد تهیه

۱. باسمه: چاپ، طبع. لغت نامه دهخدا.

ماشین چاپ و بردن آن به بروجرد برای تأسیس یک چاپخانه را داشته است. صدرهاشمی پیش از نقل خبر روزنامه انجمن اصفهان، از راه اندازی چاپخانه مذکور و این که روزنامه بیضاء بالاخره به چاپخانه برده شد یا نه، اظهار بی اطلاعی کرده و روشن کردن این موضوع را بر عهده «آیندگان» گذاشته است (صدرهاشمی، ۱۳۶۴-۱۳۶۳، ص ۴۳). خبر روزنامه انجمن اصفهان، که صدرهاشمی فقط بخش نخست آن را نقل کرده، با تأیید نکات یاد شده، آگاهی‌های بیشتری از بیضاء داده است:

الحمدلله در این هفته از معارف پروری اهالی بروجرد امیدواری حاصل [شد] که با عدم تهیة اسباب، جریده به اسم (بیضاء) به چاپ (جلاتین) منطبق گردیده و ملاحظه شد. تبریک می‌گوییم و از اولیای امور استدعا داریم که عطف توجهی به طرف بروجرد نمایند^۱ و پریشانی‌های آن حدود را به سامان رسانند و خیلی به موقع است در هر بلدی کلیتاً به اسم اعانه، ولی به طریق صحیح وجوهی فراهم آورده برای دفع و رفع دشمن [استفاده کنند] که بزودی اصلاح مفاسد بشود و اهالی مرفه الحال شوند. موقعیت دارد که در هر جایی به این سیره حسنه رفتار نمایند. چنانچه احکام حجج اسلام عتبات عالیات^۲ در این مورد لاتحصی است و متون جرید به خوبی خاطر نشان می‌نماید که امروز بر هر فردی از افراد حتی المقدور لازم است که اعانه به این اساس مقدس نمایند و اگر کوتاهی نمایند از اسلامیت مهجور خواهد بود. و از بیداری اهالی بروجرد خیلی امیدواری حاصل شد. معلوم است هر جا در اول امر، آن محذورات و مشکلات پیش می‌آید نباید ملول شد، امورات عالم تدریجی الحصول است و عن قریب بیضاء تمدن در تمام آن حدود بتابد و مفاسد بزودی اصلاح شود (انجمن اصفهان، ۱۳۲۷، ص ۳).

انجمن اصفهان در شماره بعدی، طی مقاله‌ای جالب، اعلانی از بیضاء را نقل کرده است که تا پیش از به دست آمدن نسخه بیضاء، تنها بخش باقی‌مانده از این روزنامه شمرده می‌شد:

کنون چه بایدمان ای حکیم دانشور به غیر علم نداریم چاره دیگر

علم است راه نجات، علم است راه ترقی، و خیلی اهمیت دارد که برای اطفال یتیم بینوا که در کوچه‌ها سرگردان و پریشانند، چه از پسران و چه دختران، تشکیل این گونه مدارس برای خدا و نوع پرستی داده شود و دو سه کسب هم در آنجا آنها را بیاموزند و کارخانه قالی بافی که کسب شریفی است در آنجا زده که پس از فراغ از تحصیل هم ساعتی به کسب مشغول دارند ... مثل آن که در جریده بیضاء بروجرد مرقوم شده: «(اعلان) چند نفر از تجار وطن پرست نوع دوست برای جمع آوری اطفال فقرا که آنها را از گدایی و دیوگی از دکان‌ها بیاندازند در صدد شرکت قالی بافی بر آمده‌اند. بلیت آنها ورقی بیست و پنج تومان، هر کس از آقایان و تجار و غیره [که بخواهند] من باب وطن پرستی اطفال ایتم را محضاً لله از فلاکت گدایی برهانند

۱. نقل قول صدرهاشمی در اینجا به پایان می‌رسد. نظر به اهمیت موضوع، ادامه خبر از هفته‌نامه انجمن اصفهان نقل شده است.
۲. اشاره نویسنده به مراجع بزرگ شیعه ساکن در نجف اشرف یعنی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا محمد حسین نائینی است. «با به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی و آغاز دوره استبداد صغیر، این علمای ایرانی مقیم عراق بودند که به خاطر دوری از ایران توانستند نهضت مشروطیت و آزادی خواهی را با فعالیتی خستگی‌ناپذیر ادامه دهند. علما بر ضد محمد علی شاه و متحدین بیگانه او برخاستند، زیرا آنان را دشمن اسلام و کشتن ایرانیان مسلمان به شمار می‌آوردند.» (حائری، ۱۳۶۰، ص ۱۰۹).

به اداره بیضاء اطلاع فرموده بلیت خود را که ضمانت چند نفر از تاجران را داراست بعد از دادن تنخواه دریافت فرمایند.»

الحق خوب خدمتی است این خدمت مخصوصاً در مدارس اصفهان ما هم امروزه لازم است. چنانچه در خود اصفهان امروزه دستگاه قالی‌بافی‌های معتبر دارد که انشاءالله در نمرات آتیه صورت تعداد آنها و مؤسسين آنها نگاهشته می‌شود (انجمن اصفهان، ۱۳۲۷، ص ۳).
احتمال انتشار بیضاء پیش از سال ۱۳۲۷ ه.ق. و فتح تهران در ۲۵ تیر ۱۲۸۸ و سقوط سلطنت محمدعلی‌شاه بسیار بعید می‌نماید. فضای آکنده از ترس و وحشتی که بر اثر رفتار خشونت‌آمیز حاکم وقت بروجرد، امیرافخم بر شهرسایه افکنده بود تقریباً امکان هرگونه فعالیت آشکار در طرفداری از نظام مشروطیت و مشروطه‌طلبان را سلب کرده بود. حتی به دستور شخص محمدعلی‌شاه، سید جمال واعظ اصفهانی^۱ را پس از گرفتارشدن در همدان برای مجازات‌کردن به بروجرد منتقل کردند و به امیرافخم سپردند (یغمایی، ۱۳۵۷، ص ۵۷).

تاجر روناسی و بیضاء

تاجر روناسی از بازرگانان اصفهانی بود که از جوانی با هم‌پیشه‌گان خود در بروجرد داد و ستد داشت. گسترش تجارت و ارتباط کاری با بروجردی‌ها او را به بروجرد و سکونت در آن علاقه‌مند ساخت. تاجر در طول سال‌های متمادی اقامت در بروجرد و به‌موازات کار تجارت، املاک زراعی گسترده‌ای در روستاهای تابعه و اطراف شهر خریداری کرد و به‌زودی، به یکی از بانفوذترین چهره‌های شهر تبدیل شد. هنوز هم، با گذشت بیش از نیم قرن از فوت او، نام حاج عباسعلی اصفهانی زبازند پیران شهر است. آنچه از او به‌خاطرهای مانده است، از اقتدار، شهامت، سخنوری، روشن‌بینی و شخصیت برجسته اجتماعی او نشانی می‌دهد. مشهور است که پیشه‌وران، کاسبان و بازرگانان، خواست‌های خود از مسئولین شهر را توسط حاج عباسعلی بیان می‌کردند و غالباً به نتیجه دلخواه می‌رسیدند. با این همه، به‌نظر می‌رسد که بیشترین شهرت حاجی در موضوعی بود که به‌گاه لزوم، به جانبداری از توده مردم در برابر جریان‌های قدرتمند و حاکم‌بر شهر اتخاذ می‌کرد. همین روحیه ستم‌ستیزی، سبب شد که در سال‌های دهه بیست به عضویت در انجمن شهر و ریاست آن انتخاب شود و غالباً، نقش سخنگو و راهبر فعالان اجتماعی را بر عهده گیرد (بهرامی، ۱۳۸۸، صص ۱۴۶-۱۴۸).

نیت و تلاش تاجر روناسی برای آوردن چاپخانه سربی به بروجرد این تصور اشتباه را ایجاد کرده بود که او مؤسس بیضاء است. اما به استناد تنها نسخه موجود از بیضاء، مؤسس آن شاهزاده مؤیدخاقان رئیس وقت عدلیه بروجرد و مدیر آن میرزا محمدحسن بوده‌اند. با این وصف می‌توان احتمال داد که نقش تاجر روناسی در انتشار بیضاء بیشتر به‌عنوان یک

۱. «سیدجمال موسوی مشهور به واعظ اصفهانی، در شهر همدان به دنیا آمد، در اصفهان رشد و نمو یافت و در ردیف مهم‌ترین خطیبان زمان قرار گرفت. به دنبال تشکیل انجمن مخفی «ترقی» و نشر رساله «رؤیای صادقه» در نقد رفتار مسعودمیرزا ظل‌السلطان حاکم اصفهان، از آنجا گریخت و به تهران رفت و با محافل مشروطه‌خواهان ارتباط نزدیک یافت. ظاهراً نخستین بار توسط او، عامه مردم با مفاهیمی چون «قانون» و «آزادی» آشنا شدند و هم او بود که لفظ «مشروطیت» را از فراز منبر بر زبان توده جاری ساخت. با به توپ بسته شدن مجلس، از تهران متواری شد. در همدان توسط مأموران دولتی گرفتار آمد و چون حاکم همدان به قتلش رضایت نداد، به فرمان محمدعلی‌شاه به بروجرد انتقال یافت و در زندان این شهر به شکل فجیعی کشته شد. مزار سیدجمال واعظ اصفهانی در محوطه شهرداری بروجرد قرار دارد.» (کودرزی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۷-۲۰۳).



۱. من برای اولین بار در دوران دانشجویی در مقطع کارشناسی به نام روزنامه بیضاء برخورد کردم. همان زمان، تابستان ۱۳۶۵ موضوع را با دوست دانشمند و فاضلم، زنده یاد حاج آقاعلی حجتی در میان گذاشتم. ایشان بلافاصله ما را از آقای محمدعلی اصفهانیان، که با یکدیگر باجناب بودند جویا شد. مرحوم اصفهانیان، که از بستگان و خویشان نزدیک تاجر روناسی بود با وجود بهره‌مندی از حافظه بسیار خوب، گفت که تصمیم تاجر برای تهیه اسباب چاپ از اصفهان و انتشار روزنامه بیضاء تحت شرایط خاص سیاسی آن زمان گرفته شد و حاجی به آوردن دستگاه چاپ موصوف به بروجرد موفق نشد و پس از آن نیز موضوع را پی‌گیری نکرد.

۲. در این گزارش واژه «حکومت» به شخص حاکم ولایت بروجرد و لرستان نیز اشاره دارد. ۳. در ماجرای به توپ بستن مجلس شورای ملی، فوج سربازان سیلاخوری که به همین منظور از بروجرد به تهران اعزام شده بودند در آزار و اذیت عموم مردم و حتی غارت و چپاول خانه‌های مشروطه‌خواهان شدت عمل نشان دادند و خاطره‌ای بسیار بد در آذهنان ساکنان تهران برجا گذاشتند. برای نمونه به: دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۲، صص ۳۴۵-۳۱۷ مراجعه کنید.

۴. «در نظام قبیله‌ای لرها «مال» مفهومی فراتر از طایفه داشت و دیگر گروه‌ها و تیره‌های مرتبط و متحد با یک طایفه را هم در بر می‌گرفت. به عنوان مثال، طایفه سبزعلی، شامل تیره‌هایی چون زارعلی، الله‌مراد، مؤمه، صادق و عبدالرضا بود و مال سبزعلی، افزون بر تیره‌های یاد شده، تیره‌های دیگری مانند بلور، سیاهپوش و سیزیوند را هم شامل می‌شد که به‌رغم نداشتن پیوند نسبی، در شمار متحدان طایفه سبزعلی قرار داشتند. مال سبزعلی زیر مجموعه ایل بزرگ بیرانوند بود اما با شیخ‌علی‌خان، مشهور به شیخه از خوانین اصلی و بنام ایل بیرانوند میانه خوبی نداشتند. ظاهراً نسبت دادن ریاست اشرار مال سبزعلی به شیخ‌علی‌خان از عدم آگاهی مخبر روزنامه انجمن اصفهان نسبت به روابط طایفه‌ای لرها ناشی شده است». به نقل از دوست عزیزم دکتر فیروز آزادی، پژوهشگر تاریخ لرستان در گفتگو با نگارنده به تاریخ ۲ تیر ۱۳۹۱.

پشتیبان ثروتمند و بانفوذ مطرح بوده است. از قرائن پیداست که تاجر روناسی در این زمان، از سال‌های جوانی فاصله چندانی نگرفته و به‌تازگی به بروجرد کوچ کرده بود. تردید نیست که او با بازرگانان اصفهان ارتباط کاری داشته و هم از طریق آن‌ها با محافل مشروطه‌خواه این شهر در تماس بوده است. گرایش تاجر به مشروطه‌خواهان، به واسطه جایگاه طبقاتی و علایق صنفی او امری بدیهی می‌نمود. بنابراین شاید بتوان گفت که تاجر روناسی تحت‌تأثیر اوضاع سیاسی حاکم‌بر جامعه و شیوع تب مشروطه‌خواهی، بر آن بوده است تا به یاری دوستان با نفوذ اصفهانی خود به‌ویژه، ارباب جراید، ماشین چاپی خریداری کند و به بروجرد برود و به‌وسیله آن رونقی به نشر بیضاء دهد، اقدامی که به انجام نرسید.^۱ به‌نظر می‌رسد که اوضاع پریشان و آشفته بروجرد در آن سال‌ها، مانع مهمی بر سر راه سرمایه‌گذاری برای فعالیت فرهنگی مستمر و پایدار بوده است. در گزارش بسیار مهمی از انجمن اصفهان که هم‌زمان با نشر خبر انتشار بیضاء به چاپ رسیده است، نمایی از این اوضاع آشفته تصویر شده است. این گزارش، منظور از «پیشانی‌ها» و «مفاسدی» که باید با «توجه اولیای امور» و «جمع‌آوری اعانه به طریق صحیح اصلاح شود» در خبر مربوط به انتشار بیضاء را روشن می‌سازد. جالب آن است که خبر نوید بخش نشر بیضاء از پی این گزارش نسبتاً تلخ و نگران‌کننده درج شده است:

اخبارات بروجرد - چنانکه خبر به اداره [روزنامه] رسیده، وضع بدبختی بروجرد با حکومتی که در اینجا آمده است این است که به ملاحظه خیالات واهی خود حکومت جلیله^۲، رئیس فوج سیلاخوری [را] که از همه [نوع] خدمات و خسارات و نهب اموال و قتل نفوس در طهران نموده^۳ در بروجرد نائب‌الحکومه قرار داده است. با وجود آن که در دولت مشروطه نائب‌الحکومه صحیح نیست، نمی‌دانم به چه ملاحظه این کار کرده‌اند و حال آن که الوار با این نائب‌الحکومه همدست می‌باشند، [از] آنچه غارت می‌شود سهمی [هم] برای ایشان می‌آورند. چند روز قبل شیخ‌علی‌خان رئیس اشرار مال سبزعلی^۴ که اقلای یک کروار مال مردم [را] غارت کرده [و] چهار صد، پانصد نفر از مسلمانان شهری و دهاتی را مقتول نموده، به شهر آوردند و این شخص محترم^۵ [!] به نوعی دسیسه و وسیله در میان آورد که حکومت او را مخلع و مرخص فرمود [و] از شهر بیرون آمد و مشغول غارت گردید. به عبارت آخری این دفعه اذن صریح گرفت و تاکنون به قتل و غارت دهات مشغول است. چنانچه روز قبل [روستاهای] زارم و قرآسو در یک فرسخی شهر [را] بکلی غارت کردند. چند نفر مجاهد - حال آنکه نباید به این اسم خود را مصدر این حرکات نمایند - وارد بروجرد شده کمیتة به اسم ستارخان تشکیل داده، خیال داشته‌اند که شبانه [!] به اسم اعانه از مردم پول بگیرند. روز قبل با چند نفر از اجزای حکومت به انجمن محترم ولایتی بروجرد آمدند. یکی از آنها صمصام‌السلطان که سال قبل در شیراز بود می‌باشد، تمام مسلح با قطارهای فشنگ. چند نفر تجار در آنجا بوده بنای تندى با

آنها گذارده و صورتی نوشته بودند از چهل، پنجاه نفر تجار و غیره که بالغ بر چهار هزار تومان می‌شد به اسم این که به حکومت قرض بدهند تا در صدد علاج الوار برآیند و الا کار از پیش نمی‌رود. اعضای انجمن هم به ملاحظه ظهور فساد ساکت بودند، [هر چه] ماده ۹۱، ۹۳، ۹۴ نظامنامه^۱ را قرائت کردند که بدون اجازه مجلس [شورای ملی] مقتدر این کار صحیح نیست، مفید نیفتاد. لذا برای رفع فتنه، تصویب نمودند، مشغول گرفتن هستند تا بعد چه شود. امروز صبح حکومت، عده‌ای سوار برای جلوگیری [از شرارت‌های] طایفه مال سبزعلی فرستادند. خود حکومت هم بعد از ظهر با سوار رفتند، عصر مراجعت نموده، معلوم شد دو نفر از طرف حکومت و چهار نفر از الوار با دو رأس اسب کشته شده. فردا باز هم خیال جنگ دارند، خداوند انشاءالله اصلاح فرماید (انجمن اصفهان، ۱۳۲۷، ص ۳).

نسخه تازه یاب بیضاء

در اواخر زمستان سال ۱۳۹۳ کارشناسان سازمان میراث فرهنگی بروجرد، زمانی که به بررسی بخشی از اسناد و مدارک باقی‌مانده در خانه تاریخی مغیث‌الاسلام طباطبایی، واقع در کوی صوفیان مشغول بودند، به دو نسخه از روزنامه بیضاء دست یافتند. یکی از آن دو، فقط یک برگ است که بخش بالای آن، شامل عنوان و دیگر مشخصات روزنامه از بین رفته و جوهر بخش باقی‌مانده نیز کم رنگ‌تر از آن است که مطالب آن خوانده شود و نسخه دوم تقریباً سالم است. به صلاح‌دید آقای یارمحمدی، رئیس میراث‌فرهنگی بروجرد موضوع یافت‌شدن نسخه‌ای از بیضاء به آقای ارجمندی، رئیس وقت اداره ارشاد اسلامی اطلاع داده شد و با کمک کارشناسان هر دو اداره، تصاویری با کیفیت از آن نسخه سالم تهیه شد. نسخه‌ای از تصاویر مذکور در مرداد ماه ۱۳۹۵ در اختیار من گذاشته شد. با آن که تصاویر تهیه‌شده از کیفیتی بالا برخوردارند، پاک‌شدن یا کم‌رنگ‌شدن جوهر برخی از عبارات روزنامه، مانع از خواندن تمامی متن می‌شد. از این رو دوست عزیزم، آقای مهندس عبدالرضا برق‌دهنده با استفاده از نرم‌افزار فتوشاپ تغییراتی در کیفیت تصاویر ایجاد کرد تا بهتر خوانده شوند. به‌رغم این، برخی از کلمات و عبارات متن روزنامه همچنان ناخوانده ماند.

نسخه تازه یاب بیضاء ششمین شماره آن است که در روز دوشنبه ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ه.ق/ ۲۱ آذر ۱۲۸۸ در دو برگ به‌هم‌پیوسته (چهار صفحه پشت و رو) به‌روش ژلاتینی با جوهر آبی رنگ مایل به بنفش چاپ و منتشر شده است. قطع روزنامه کمی بزرگ‌تر از ورق A۴ در اندازه‌های ۳۵ × ۲۲ سانتی‌متر است. لوگو (عنوان) و مشخصات اصلی روزنامه در کادری مستطیل‌شکل در بالای صفحه اول طراحی شده است. عنوان روزنامه، بیضاء است که با خط نسخی زیبا و درشت بر قسمت میانی نقش بسته است. بالای عنوان، جمله «بسم‌الله الرحمن

۱. اصول ۹۱ تا ۹۳ متمم قانون اساسی مشروطیت به چگونگی انتخاب و وظایف اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی مربوط بود. برابر اصول ۹۴ تا ۹۶ هیچ‌گونه مالیاتی بر شهروندان برقرار نمی‌شد مگر آن که توسط اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی تصویب می‌شد و در قالب «قانون» از سوی دولت به حاکمان ایالات و ولایات ابلاغ می‌گردید. شجعی، زهر، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی. تهران: سخن، چاپ اول ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵۹ (بخش ضمیمه، متمم قانون اساسی مشروطیت).



الرَّحِيم» به خط نسخ و ریزتر از عنوان روزنامه نوشته شده است. زیر عنوان، عبارت «تاریخ یوم دوشنبه ۲۹ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۷» به خط شکسته به چشم می‌خورد. در طرف راست عنوان روزنامه، مشخصات اصلی روزنامه در چهار ستون به شرح زیر درج شده است:

- عنوان مراسلات (اداره بیضاء)
- مؤسس (شاهزاده مؤیدخاقان رئیس عدلیه)
- مدیر [ناخوانا] (میرزا محمدحسن)
- عجالتاً هفته‌ای دو نمره توزیع می‌شود

قیمت اشتراک سالانه در بروجرد ۱۵ قران و سایر ولایات ۲۰ قران بوده که در ستون سمت چپ عنوان روزنامه نوشته شده است. در آخرین سطر ستون سمت چپ آمده است: «لوايح مفیده با امضاء راقم درج می‌شود». در پایین کادر عنوان روزنامه، این جمله دیده می‌شود: «روزنامه آزاد عام‌المنفعه از اخبار و اطلاع و مذاکرات انجمن محترم سخن می‌راند و مقصودی جز اطلاع عموم ندارد». با آن که کادر لوگوی روزنامه از متن اصلی جدا شده، در بالای این کادر و نیز طرفین عنوان بیضاء جمالتی به خطی شکسته و نامنظم نوشته شده که به زیبایی لوگوی روزنامه آسیب رسانده است. این جملات، توضیحات مدیر روزنامه در باره وجود نقص فنی در تکثیر و نشر شماره پنجم است:

چقدر در نبودن اسباب [چاپ] باید تأسف خورد که در نمره قبلی بکلی عبارات متغیر گشته [ناخوانا] برای ترتیب نمرات، مدیر متعهد است نمره (۵) را مجدداً طبع نموده تقدیم دارد [امضاء] میرزا محمد حسن.

صفحات بیضاء دو ستونی است و بالای هر صفحه، شماره آن و شماره روزنامه درج شده است. این روزنامه، مانند بیشتر جراید آن عصر فاقد تیتربندی است. اندازه عنوان مطالب، هم‌سان عبارات متن است با این تفاوت که میان علامت (()) و وسط ستون نوشته شده‌اند. عنوان‌ها به خط نسخ و متن، با خط شکسته تحریری کاملاً خوانا است که بر اثر تاخوردگی صفحات و نیز گذشت زمان، جوهر بسیاری از کلمه‌ها و حتی جمله‌ها، کمرنگ یا پاک شده و خواندن قسمت‌هایی از متن، دشوار یا غیرممکن شده است. متن روزنامه، مانند دیگر متون آن زمان، نشانه‌هایی چون (۰) ویرگول، (:) دونقطه و (.) نقطه پایانی جمله ندارد و جملات با کمی فاصله از یکدیگر مشخص شده‌اند. روزنامه فاقد هرگونه تصویر و طرح گرافیکی است. با توجه به تاریخ انتشار شماره ششم بیضاء در ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ه.ق. / ۲۱ آذر ۱۲۸۸ ه.ش. و به استناد عبارت «عجالتاً هفته‌ای دو نمره توزیع می‌شود» می‌توان گفت که اگر نشر بیضاء تا شماره ششم مرتب و منظم بوده باشد نخستین شماره آن در اوایل آذر ۱۲۸۸ منتشر شده است. از طرفی، خبر تأسیس و نشر بیضاء در دو روزنامه زاینده‌رود و انجمن اصفهان به ترتیب در ۱۸ و



۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ یعنی نزدیک به یک ماه بعد از نشر شماره ششم بیضاء منتشر شده است. بیضاء به روش چاپ ژلاتینی^۱ تکثیر و منتشر می‌شد. این روش ساده بود و با وسایل اولیه چاپ، یعنی مقدار کمی حروف و یک نور کچک ژلاتینی انجام می‌شد (میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸، ص ۸۷). در این روش تکه‌های ژلاتینی را که از سر ماهی، گلیسرین، قند، آب و آمونیاک درست می‌کردند، در دیگ‌های مخصوص حرارت می‌دادند. این ژلاتین‌ها پس از آن که آب می‌شد در قالب‌های مخصوص نور که میله‌های نور در آن تعبیه شده بود، ریخته می‌شد. آنگاه زمانی که ژلاتین سرد و محکم می‌شد، آن را از قالب در می‌آوردند و برای چاپ استفاده می‌کردند. این نوردها را نوردهای ژلاتینی می‌نامیدند. هرچند استفاده از روش چاپ ژلاتینی برای بسیاری فراهم بود و سرمایه و وسایل زیادی نمی‌خواست، این اشکال را داشت که اثر جوهر بر روی کاغذ در مقایسه با چاپ سربی ماندگاری زیادی نداشت و به مرور رنگ می‌باخت. در دو سه سال آخر سلطنت مظفرالدین شاه و در آغاز مشروطیت، که هنوز روزنامه در ایران گسترش نیافته بود، یکی از وسایل نشر افکار آزادی‌خواهان و مخالفت با حکومت استبدادی و رجال درباری نشر شب‌نامه‌های خطی با چاپ ژلاتینی بود. این کار به‌خصوص در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ه.ق. / ۱۲۸۴ و ۱۲۸۵ ه.ش.، یعنی سال‌های اوج نهضت مشروطه‌خواهی در ایران به اندازه‌ای در تهران و شهرستان‌ها رواج داشت که هر کس با شخص دیگری دشمنی داشت، علیه او شب‌نامه ژلاتینی منتشر می‌کرد (میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸، صص ۸۷-۹۲). استفاده از روش چاپ ژلاتینی در سال‌های بعد از ۱۳۲۴ ه.ق. / ۱۲۸۵ ه.ش. تقریباً منسوخ شد و بیشتر روزنامه‌ها با چاپ سربی و بعضاً چاپ سنگی، که قدیمی‌تر بود منتشر می‌شدند. با این حال، روش تکثیر ژلاتینی برای آن دسته از روزنامه‌هایی که غیرعلنی بودند و یا مانند بیضاء، در شهرهایی منتشر می‌شدند که چاپخانه نداشتند ادامه یافت. از جمله این روزنامه‌ها می‌توان به اتفاق در اراک اشاره کرد که در سال ۱۳۲۶ ه.ق. منتشر شده است (صدرهاشمی، ۱۳۶۳-۱۳۶۴، ص ۵۳). جالب آن است که این روزنامه وضعیتی مانند بیضاء دارد، نسخه‌ای از آن یافت نشده و خبر نشر آن از مندرجات روزنامه دیگری نقل شده است.

روشن نیست که نشر بیضاء تا چه زمانی ادامه داشته و یا چه تعداد شماره از آن منتشر شده است. هرچند نبودن دستگاه چاپ و نیز وجود برخی مشکلات فنی که در راه تکثیر بیضاء قرار داشته و مدیر روزنامه نیز در شماره ششم به آن اشاره کرده است، احتمال ادامه نشر این روزنامه برای زمانی طولانی را ضعیف کرده است.

از مؤسس و مدیر روزنامه بیضاء در حال حاضر اطلاع چندانی در دست نیست. این اندازه روشن است که مؤید خاقان از شاهزادگان قاجار بوده و در سال ۱۳۲۷ ه.ق. ریاست عدلیه بروجرد و لرستان را بر عهده داشته و چون اوضاع منطقه را آشفته و نابسامان می‌دیده، از انتصابش به

۱. بی‌توجهی نگارنده به روش تکثیر ژلاتینی و تفاوت آن با چاپ سنگی و سربی باعث شد که در نوشتاری با عنوان «بیضاء روزنامه‌ای که هرگز منتشر نشد» که در بهار سال ۱۳۸۷ در شماره هفتم فصلنامه راستان منتشر شد، انتشار این روزنامه را به‌کلی مردود بدانم. هرچند نگارنده به‌زودی به‌روش غیرعلمی و دور از منطق پژوهش آن نوشته آگاهی یافت، اما تذکر به‌جای پژوهشگر پرتلاش و همشهری ساکن در اصفهان، بهروز نوروزی، در نقدی که بر آن نوشتار غیرعلمی نوشتند و در شماره ۹ فصلنامه راستان منتشر کردند، واکاوی و مطالعه دقیق موضوع را سبب شد.

این سمت راضی نبوده و قصد کناره‌جویی داشته است. به‌رغم این، با مشروطه‌خواهان بروجرد ارتباط و همکاری داشته و مورد توجه خاص اعضای انجمن ولایتی بوده است. تأسیس روزنامه بیضاء آشکارترین فعالیت شاهزاده مؤید خاقان در طرفداری از نظام نوپای مشروطیت و تلاش برای اصلاح امور منطقه بوده است. او در سال ۱۳۳۰ ه.ق. ریاست تشکیلات عدلیه در اراک و ثلاث (ملایر، نهاوند و تویسرکان) را بر عهده گرفت.^۱

بیضاء و انجمن ولایتی بروجرد

تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی یا به تعبیر امروزی، شوراهای اسلامی شهرها و استان‌ها از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطیت بوده است. در واقع این یکی از آرزوهای بزرگ فعالان سیاسی آن زمان بود که بتوانند از خودکامگی و قدرت نامحدود حکام ایالات و ولایات بکاهند و به‌نوعی عموم اهالی را در اداره امور شهرهای خود سهیم سازند. در ۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۶، قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی مشتمل بر ۱۲۲ ماده، به تصویب نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی رسید. در این قانون شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، شروط شرکت در انتخابات، قوانین نظارتی، شیوه رأی‌گیری، مشخصات صندوق رأی‌گیری، نحوه رای‌شکایت از تخلفات، شرح وظایف، شیوه تشکیل جلسات و بودجه این نهاد به تفصیل بیان شده بود (مجموعه مصوبات چهار دوره قانونگذاری، صص ۶۷-۸۵). در مقایسه با شوراهای اسلامی شهر، انجمن‌های ایالتی و ولایتی از اختیارات مهم‌تر و گسترده‌تری برخوردار بودند تا آنجا که می‌توانستند به تمامی شکایاتی که از شخص حاکم ایالت یا ولایت می‌شد، رسیدگی کنند و برای رفتار خلاف قانون، به او اخطار دهند و حتی در این‌باره مستقیماً با اولیای دولت مکاتبه کنند (مجموعه مصوبات چهار دوره قانونگذاری، صص ۶۷-۸۵). مجموعه وظایف و اختیارات انجمن‌های ایالتی و ولایتی به آن‌ها این توانایی را می‌داد که به‌سان مجلس یا پارلمان محلی بر تمامی امور اقتصادی و اجتماعی حوزه فعالیت خود نظارت داشته باشند. برابر ماده ۸۰ و ۸۱ قانون یادشده، انجمن‌های ایالتی و ولایتی موظف بودند که در مهلت ۴۸ ساعت نسخه‌ای از صورتجلسه مذاکرات خود را برای آگاهی عموم در اختیار روزنامه‌ها بگذارند، متقابلاً روزنامه‌ها نیز وظیفه داشتند در صورت ابراز هرگونه نظر در خصوص مذاکرات انجمن، بخش مربوط را منتشر نمایند «والا مجازات می‌شدند» (مجموعه مصوبات چهار دوره قانونگذاری، صص ۶۷-۸۵). از پی تصویب این قانون، انجمن‌های ایالتی و ولایتی یکی پس از دیگری شکل گرفتند^۲ و به‌زودی به اصلی‌ترین کانون توجهات اهالی تبدیل شدند. نشر اخبار و مذاکرات انجمن‌ها در روزنامه‌ها، این توجه را دوچندان کرده بود. حتی در برخی ولایات روزنامه‌هایی مختص انجمن‌ها تأسیس شد؛ انجمن تبریز، انجمن اصفهان، انجمن ملی ولایتی گیلان و انجمن

۱. به‌نقل از آقای سید نادر نبوی طباطبایی، نویسنده و پژوهشگر بروجردی در گفتگو با نگارنده.
۲. پیش از تصویب این قانون و به شکل غیررسمی، مجلس ملی محلی یا «انجمن» در شهر تبریز پدید آمده و اداره امور را در دست گرفته بود. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر، چاپ چهاردهم ۱۳۴۳، ص ۱۸۳.



ولایتی یزد سخنگوی انجمن‌های این مناطق بودند و مشروح مذاکرات آن‌ها را منتشر می‌کردند (صدرعاشمی، ۱۳۶۴-۱۳۶۳، صص ۲۸۶-۲۸۹). دو روزنامه نخست پس از به توپ بسته‌شدن مجلس همچنان به نشر خود ادامه دادند و زبان حال مشروطه‌خواهانی باقی ماندند که در برابر نظام استبدادی مقاومت می‌کردند (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶، ص ۱۲۰).

به استناد مجموعه اسناد موجود در خانه تاریخی حاج افتخارالاسلام، هم‌زمان با خیزش موج مشروطه‌خواهی در کشور، انجمن بروجرد مرکب از سران مشروطه‌خواه این شهر برپا شده بود و در جهت پیشبرد اهداف نهضت مشروطیت فعالیت می‌کرد. ظاهراً با تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اردیبهشت ۱۳۲۶ همین انجمن یا مجلس ملی محلی، با تغییراتی به‌عنوان انجمن ولایتی بروجرد به‌گونه رسمی آغاز به کار کرده است. روشن است که ریاست این دوره از انجمن ولایتی بروجرد را سید فخرالدین نبوی طباطبایی مشهور به حاج افتخارالاسلام و ملقب به صدرالعلماء از بزرگان سلسله سادات طباطبایی برعهده داشته است.^۱ طرفداری صدرالعلماء از نظام نوپای مشروطیت و فعالیتش در انجمن ولایتی سبب شد که پس از به توپ بستن مجلس، مدتی از شهر تبعید شود.^۲

دومین دوره انجمن ولایتی بروجرد پس از سقوط سلطنت محمدعلی شاه برپا شد. صفحه نخست و ستون اول از صفحه دوم شماره ششم بیضاء به درج مشروح مذاکرات جلسه انجمن ولایتی بروجرد در روز یکشنبه ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ه.ق. اختصاص یافته است. از متن این مذاکرات برمی‌آید که در تاریخ یاد شده، زمان زیادی از تشکیل انجمن ولایتی بروجرد نگذشته زیرا تعیین مکان و محل انجمن، یکی از سه موضوعی است که در دستور جلسه قرار داشته است. هم‌چنین نام پنج نفر از شش عضو اصلی انجمن ولایتی بروجرد مشخص شده است: حاج افتخارالاسلام، مغیث‌الاسلام، صارم‌الممالک، حاجی اسداله و شیخ‌الاسلام.^۳ از این جمع، سید فخرالدین نبوی طباطبایی صدرالعلماء مشهور به حاج افتخارالاسلام (۱۲۸۲-۱۳۵۰ ه.ق.) و سید یعقوب مغیثی طباطبایی ملقب به مغیث‌الاسلام، مشهور به حاج آقا مغیث (۱۲۵۷-۱۳۳۶ ه.ق.)^۴ از ملاکین معروف و چهره‌های متنفذ و فعال در امور سیاسی و اجتماعی شهر بروجرد در اواخر دوره قاجار و اوایل عصر پهلوی شناخته‌ترند. خانه‌های بزرگ و اعیانی این دو شخصیت مشهور سلسله سادات طباطبایی در کوی صوفیان بروجرد در شمار خانه‌های تاریخی مورد حفاظت سازمان میراث‌فرهنگی ثبت شده‌اند، هم‌چنین اداره میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بروجرد در بخش بیرونی خانه حاج افتخارالاسلام مستقر است.

دو موضوع مهم دیگری که در دستور مذاکرات این نوبت از نشست‌های انجمن قرار داشته انتخاب نمایندگان بروجرد در دومین دوره مجلس شورای ملی و مسأله ناتوانی قوای حکومتی در برخورد با اشرار بوده است. ظاهراً موضوع اخیر با توجه به ناامنی‌های گسترده‌ای

۱. شماری از مکاتبات انجمن ولایتی بروجرد با مشروطه‌خواهان دیگر شهرها در مجموعه اسناد خانه تاریخی حاج افتخارالاسلام وجود دارد.

۲. این مطلب را آقای سید نادر نبوی طباطبایی با توجه به اسنادی که در اختیار دارند، برای نگارنده نقل کردند.

۳. طبق مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تعداد نمایندگان انجمن ولایتی شش نفر بود و از هر یک از بلوکات و توابع ولایتی، یک نفر انتخاب و به آن فرستاده می‌شد. مجموعه مصوبات چهار دوره قانونگذاری، ص ۸۴.

۴. ارقام مربوط به زمان زندگی این دو را آقای سید نادر نبوی طباطبایی در اختیار گذاشتند.

که برخی طوایف یاغی و غارتگر در روستاهای اطراف شهر ایجاد کرده بودند، مهم‌ترین دغدغه اعضای انجمن بوده است. در این میان، شایعه استعفای شخص حاکم که می‌توانست میدان را برای ترک‌تازی دسته‌های یاغی بازتر کند آشکارا بر نگرانی اعضای انجمن افزوده بود. البته این همه ماجرا نبود؛ همراه با ناامنی گسترده و شرارت سرکشان و غارتگران، فرصت‌طلبان و سوداگران نیز از ضعف قوای حکومتی و فضای آشفته منطقه سود خود را می‌جستند و با احتکار و گرانفروشی، زندگی را بر عموم اهالی سخت کرده بودند. این برداشت از لابه‌لای دیگر مطالب منتشره در فقط نسخه در دست بیضاء قابل فهم است. با این وصف می‌توان گفت که گردانندگان بیضاء فعالیت روزنامه‌نگاری را نه یک حرفه، که حرکتی در جهت اصلاح اوضاع آشفته اجتماعی و اقتصادی بروجرد و مناطق تابع آن میدانستند و احتمالاً در این جهت، همکار و همیار انجمن ولایتی بروجرد شناخته می‌شدند.

بازخوانی نسخه یافت‌شده بیضاء

[صفحه اول، ستون اول] دو ساعت [و] نیم به غروب مانده روز یکشنبه ۲۸ [ذیقعه] انجمن رسمی شد. در باب وضع ولایت^۱ و محل انجمن مذاکره در میان آمد.

آقای حاجی افتخارالاسلام [:] انجمن نباید بدون هیچ باشد. باید امروز سه مطلب، مطرح [و] مذاکره شود. یکی محل صحیحی برای انجمن [مشخص شود] که مرکزی معین داشته باشد و مُبل و اثاث^۲ آن را هم می‌بایست تهیه کرد. (ثانیاً) ناگزیریم که زودتر وکیل خود را روانه مجلس^۳ مقدس نماییم، که [نکند] بواسطه نرفتن وکیل سرشکسته گردیم.

(ثالثاً) ایالت جلیله^۴ که عصر یوم جمعه هیئت وکلای عظام^۵ را احضار و دعوت به دیوانخانه نموده بودند، مقصودشان این بود که از من به هیچ وجه کار[ی] ساخته نیست و استعفا داده‌ام، خود شماها که مبعوثین ملت بروجرد هستید، فکری نمایید.

حاجی اسدالله [:] غرض ایالت جلیله از این فرمایش استعفا نیست بلکه از عدم پول است. اگر وجهی برایشان تهیه شود، پیشرفت دارند. خوب است از تهران، برای پاره‌ای تنظیمات معاونی بخواهند.

صارم‌الممالک [:] پریشب به ایالت جلیله عرض شد که میفرمایید کارها پیشرفت ندارد، پس تاکنون اقدامی که شده معاون و مشاور داشته‌اند[؟] از زمان انعقاد انجمن ولایتی، مشاوره به انجمن میفرمایند، این مشاوره قانونی نیست[؟] ماها ملت بروجرد امید [ناخوانا] حکومت است، می‌خواهیم بعد از خرابی [ناخوانا] [صفحه اول، ستون دوم] از انجمن رأی می‌خواهند که انجمن بنویسد فلان طایفه [ناخوانا] آن نوشته را سند قرار دهند شاید از پیش

۱. منظور ولایت بروجرد است که در آن زمان شامل شهر بروجرد و بلوک‌های سیلاخورعلیا به مرکزیت اشرینان، سیلاخور سفلی به مرکزیت چالانچولان، جاپلق (ازنا) و بُرُود (الیکودرز) می‌شد.

۲. در اصل: اساسیه.

۳. دومین دوره مجلس شورای ملی مورد نظر است.

۴. در این نوشتار «ایالت جلیله» و «حکومت» به شخص حاکم بروجرد و لرستان هم اشاره دارد.

۵. وکیل در این متن به نمایندة عضو انجمن شهر هم اشاره دارد.



نبرند تقصیر به انجمن دارد و [ناخوانا]

حاجی افتخارالاسلام[:] ایالت صراحتاً می‌گوید «کلیتاً قدرت در من نیست که از عهده برآیم، هرچه صلاح خودتان و مملکت است بکنید» پس باید به طهران اطلاع داد و کسب تکلیف بکنیم.

شیخ الاسلام[:] خوب است حکومت چیزی در این باب بنویسند.

حاجی اسدالله[:] ابداً همچو نوشته [ای] نخواهند داد خودشان می‌گویند استعفا داده‌ام.

صارم الممالک[:] ماها که از مخابرات ایشان اطلاع نداریم [ناخوانا]^۱ می‌فرمایند استعفا داده‌ام.

حاجی افتخارالاسلام[:] در باب تلگراف طهران چه باید کرد و باید نوشت[؟] بدون استعلاام از این که استعفا کرده‌اند، صحیح نیست چیزی نوشته شود. پس به خود ایشان لایحه نوشته شود و جداً جواب بخواهیم. (رأی دادند)

لایحه به این مضمون نوشته شد[:]
خدمت ذی‌ملاطفت حضرت اشرف اسعد امجد والا
ایالت حکومت [ناخوانا]^۲ امروز از قرار اطلاع از سیلاخور، الوار مال سبزعلی به دهات مالیات [وضع] می‌کنند. دو روز قبل که وکلا شرفیاب بودند صراحت فرمودید که من کاری از پیشم نمی‌رود و شماها را برای این مطلب خواسته بودم که بگویم آنچه را صلاح حال خودتان و مملکت و ملت می‌دانید رفتار نمایید. بنا بود که لایحه در این باب امروز به انجمن مرقوم فرمایید لذا مزاحمت می‌شود و ملت امروز هجوم آورده‌اند و علاج می‌خواهند. مسئول امنیت [صفحه دوم، ستون اول] هم شخص حضرت والا هستید. وظیفه انجمن هم غیر از خواستن امنیت چیز دیگر [خط خوردگی] بر حضرت والا ندارد. آنچه تکلیف است مرقوم فرموده که جواب ملت داده شود ز چه [ناخوانا] است. ایام [ناخوانا] (انجمن ولایتی)

در باب وکیل طهران مذاکره شد[:]

حاجی افتخارالاسلام[:] اگر رأی بدهید آقای سید حسین مدیرالاسلام بروجردی^۳ که از هر جهت سزاوار است به وکالت منتخب شود.

[ناخوانا]^۴ ایشان بسیار خوب هستند و جناب عنایت‌الملک هم به ایشان متفق باشند بهتر است.

در باب آقای سید حسین [ناخوانا] و جناب عنایت‌الملک قرار بر این شد که رئیس [ناخوانا] ایشان را ملاقات نمایند. ولی محض اطمینان از مجلس مقدس که سینه ماضیه مدیرالاسلام و [ناخوانا] اتهامی نسبت به ایشان داده بودند، قرار شد که تلگرافی [از] حضرت اجل آقای مستشارالدوله رئیس مجلس [استعلام] نمایند که اگر آقا سیدحسین مدیرالاسلام پذیرفته است، اعتبارنامه برای ایشان [ناخوانا] و عنایت‌الملک هم متفق به ایشان به وکالت از طرف عموم

۱. احتمالاً: چگونه

۲. احتمالاً: بروجرد

۳. سید حسین بروجردی یکی از ۳۲ نماینده پیشه‌وران تهران در اولین دوره مجلس شورای ملی بود. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر، چاپ چهاردهم ۱۳۶۳، ص ۱۶۸ احتمالاً پیشنهاد انتخاب دوباره او بر اساس این سابقه بوده است.

۴. ظاهراً نام یکی دیگر از اعضای انجمن است که سخن حاجی افتخارالاسلام را تأیید کرده است.

ملت بروجرد منتخب شوند.

[ناخوانا] مسئله محل انجمن، متفق‌الرأی منزل خواجه محمد باقر، معین [و] صیغه خوانده شد. [ناخوانا] انشاءالله تعالی مرکز انجمن در آنجا قرار خواهد گرفت.

چند ورقه عکس سوار و سرباز ساخلو^۱ بروجرد که از ۲۲ [ذیقعه] مشغول سان^۲ بودند آوردند، ملاحظه شد.

آقای حاجی مغیث‌الاسلام [:] تمام این زحمات برای این است که قشون^۳ مرتب شود و قشون مرتب نمی‌شود مگر به دادن حقوق آنها. اگر حقوق نرسد مثمر فائده و منتج به نتیجه نخواهد بود. پس اول می‌باید تدارک وجه برای آنها نمود، بعد از آنها خدمت خواست.

درد بالای درد

از آنجایی که دو سال است ملت بدبخت بروجرد در فشار الوار [صفحه دوم، ستون دوم] و مبتلای به غارت و صدمات فوق طاقه بودند، بالاتر از این خسارت و صدمه متصور نیست که کار همه ملت بروجرد درهم، بدبختانه اهالی اینجا نه کسبی نه زندگی، همه مفلوک و پریشان حال، ویلان و سرگردان، [تنها] دلخوشی که داشتند فراوانی نان و [ناخوانا] ارزانی گوشت، با [وجود] این صدمات، بیچاره کاسب به عسرت تهیه نان و گوشتی می‌نمود و از [ناخوانا].^۴ حالا چشم ما روشن [ناخوانا] به چوبدارها وجه داده، می‌روند به مسلخ، گوسفندی که روزی ملت فلک‌زده بیچاره بروجرد است [را] به اضعاف^۵ متصاعد^۶ می‌خرند. سابقاً مرسوم بود [که] چوبدار از بختیاری و اطراف، گوسفند خریده و می‌آوردند بعضی را بروجرد می‌فروختند و برخی را به طهران می‌بردند. حالا بدبختی به اینجا ما را کشانده که تجار مملکت ما برعکس سایر ولایات در صدد خرابی مملکت و بدتر از این، در هلاکت ملت می‌کوشند. شماها که از قصابخانه گوسفند می‌فرستید می‌خرند، با این وضع مملکت، قصاب هم این روز را از خدا می‌خواهد که بهانه [ناخوانا] عذر موجه برای او فراهم شود، اگر گوشت را از سیصد دیناری که حالا [ناخوانا]^۷ یک دفعه ده شاهی^۸ بگوید، کی جواب آنها را می‌دهند. ای تجاری که حرص جلوی چشم شما را گرفته، به احوال فقرای مملکت بنگرید، کاسب فقیر بدبختی که از صبح تا غروب ده شاهی به زحمت زیاد فراهم می‌تواند بیاورد، چه طور عندالله جواب می‌دهید. که برای گوسفندی سه عباسی^۹ حق‌العمل را حتی به هزار گونه نفرین [ناخوانا]^{۱۰}. شماها در ناز و نعمت مستغرق، چه باک که فقرا چه می‌گذرانند. فردای قیامت جواب این مسلمانان را چه خواهید داد. باز هم چشم ما روشن، شنیده‌ایم که برای گندم و نان هم [ناخوانا] پیدا شده که نان را می‌خرند [صفحه سوم، ستون اول] و می‌آورند بازار به مسلمانان می‌فروشند. زنده باشیم بالاتر و بهتر از اینها خواهیم دید[!] تمام اینها نیست مگر بدبختی ما.

۱. پادگان، سربازخانه

۲. بازدید کردن صفوف سربازان

۳. سپاه، نیروی نظامی، ارتش.

۴. ظاهراً عبارتی چهار کلمه‌ای

ناخواناست.

۵. دو برابر کردن.

۶. فزاینده.

۷. دو کلمه ناخواناست.

۸. واحد پول ایران در آن زمان قران بود،

هر یک قران برابر بیست شاهی و هر

شاهی برابر ۵۰ دینار ارزش داشت.

۹. هر عباسی برابر چهار شاهی یا

۲۰۰ دینار ارزش داشت. ظاهراً قیمت

گوسفند از سیصد دینار به حدود ۶۰۰

دینار افزایش یافته بود.

۱۰. دو کلمه ناخواناست.



انجمن محترم تازه منعقد [شده است] این مطالب هم قانوناً وظیفه انجمن نیست. نظمیه^۱ و بلدیه^۲ نداریم، به خلاف قانون اگر رفتاری شود- و اینطور کارها پیش می‌آید- به که ملتجی و به کدام اداره پناهنده شویم[؟] تعجب در این است که ملت بروجرد را به نظر [مردم] سایر بُلدان^۳ طور دیگری و وحشی قلمداد کرده‌اند. به دقت و تعمق نظر که ملحوظ گردد، ملت بروجرد دوچار بعضی محذورات و پاره‌ای اشکالات است. روزی به یک نوع [گرفتاری] مبتلا [هستند]. قسمی به بروجرد بدبختی احاطه کرده مثل [ناخوانا] ایالت جلیله را با این حس فطرت و صفای عقیدت، فریب می‌دهند و به نظر کار را سخت نشان می‌دهند. الوار به پای خود می‌آیند[ناخوانا]^۴ به نظر چنان جلوه می‌دهند که اگر نگاه کج به آنها بشود زمین و زمان متزلزل و کوهها متدکدک خواهد شد.^۵ خداوند را قسم می‌دهم به حرمت صدیقه طاهره علیهماالسلام که قلوب بزرگان ما را به فقرای ما مهربان و درصدد اصلاح اموراتمان برآیند. (بقیه دارد)

قابل توجه وکلای محترم دامت تأییداتهم، مکتوب شهری

خدمت جناب مدیر دامت تأییداته، این مختصر عریضه صادقانه را که زبان حال ملت بروجرد است چنانچه مقتضی بدانید برای تذکر خاطر مودت مظاهر آقایان وکلای محترم انجمن مقدس ولایتی دامت تأییداتهم، در جریده فریده (بیضاء) درج فرمایید حضور مبارک آقایان وکلای محترم انجمن مقدس دامت تأییداتهم و توفیقاتهم العالی. [صفحه سوم، ستون دوم] با کمال احترام به عرض تهنیت و تبریک انعقاد انجمن مقدس دامت بقاء، که مایه فوز و سعادت ملت است مبادرت نموده و دوام عمر و ازدیاد شوکت آن بزرگواران را از درگاه حضرت ذوالجلال مسئلت می‌نماید. امیدواریم هرچه زودتر با کمال اتحاد و یک‌جهتی تشکیل ادارات ایالتی و ولایتی را از بندگان^۶ ایالت جلیله، که خودشان یکی از رجال مجرب وطن‌پرست قانون‌دوست هستند بخواهند، که در موقع معینی با حضور آقایان علمای اعلام و اعیان و تجار و اشراف و غیرهم بطور رسمی به انجمن مقدس معرفی فرمایند، که افراد ملت ملجاء تظلمات عمومی خود را که به هر اداره‌ای راجع است، دانسته و بعدها اسباب مزاحمت و تضییع اوقات شریف انجمن محترم را فراهم نیاورند. ادارات هم تکالیف و وظایف خود را دانسته، مداخله به امور سایر ادارات نکنند و هر یک خود را مسئول کار و خدمات راجعه به خود بدانند، که هرگاه رئیس یا یکی از اجزاء برحسب ضرورت تغییر کند، تفاوتی به حال اداره نداشته باشد و دفاتر هر اداره که محل امانت و اسرار ملت است، همیشه محفوظ باشد. مثلاً اگر یکی از اجزاء به موجب قانون تغییر کند، عوض او را شخص حاکم که رئیس کل است، به انجمن مقدس معرفی می‌کند و اگر رئیس تغییر کند از طرف وزارت جلیله داخله معرفی می‌شود. یعنی همان حکم او مُعرف اوست. (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل) خادم وطن، میرزا هادی کرمانشاهی مستخدم پُست خرم‌آباد

۱. شهربانی، نیروی انتظامی.

۲. شهرداری

۳. دیگر ولایت‌ها

۴. سه کلمه ناخواناست

۵. کوه‌ها فرو خواهند ریخت

۶. هر سه مورد نقطه‌چین مربوط

به اصل متن است



بیضاء

خدا را هزار هزار بار شکر می‌نماییم که از این لوايح بی‌غرض [ناخوانا]^۱ [صفحه چهارم، ستون اول] به اداره بیضاء می‌رسد که درج شود و عموم ملت تکلیف کنونی خود را به کمال آزادی و جد و جهد از انجمن مقدس درخواست نمایند. ولی چه عرض کنم بعضی از ما ملت از اسم روزنامه بدمان می‌آید و متنفر می‌شویم. دیگر نمی‌دانند به قول ابوالفضل بیهقی «هیچ نوشته‌ای نیست که به خواندن نیرزد» تقصیر هم ندارند. تاجر یا کاسب یک ساعت وقت را از شغل خود منفک نمی‌شود که روزنامه بخواند و فی‌الجمله به حال مملکت بصیر و خبیر گردد و ببیند و کلاهی مقدس ما چه قسم من باب پیشرفت مقاصد ملت در سؤال و جوابند. ملاحظه نماید که در ولایت چطور در صدد بعضی خیال‌ها هستند. به خیالات واهی می‌گویند [که] شخص، خود را به این کارها نباید مشغول نماید و و و و و

بقیه از مقاله قبل صنعت از [ناخوانا]^۲

عرض شد که طفل اگر تا حد رشد و بلوغ تحصیل روزه [ناخوانا] قرآن و فارسی و خط و مسائل تقلیدیه و حرفت و صنعت ننماید در ریعان جوانی، که هزارگونه خیالات او را دوچار می‌شود چطور [ناخوانا]^۳ تحصیل نموده خود را در زمره دانشمندان و عقلا قلمداد نماید و به مدارج عالیہ تمدن و ترقی برساند[؟] مشهور است «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر»^۴ پس خوب است که اطفال خود را به تحصیل علم وادار نموده چون علانیه و آشکار است [که] مردم عوام چه قدر افسوس می‌خورند از این که سواد و خط ندارند. ملاحظه حال بعد اطفال خود را فرموده، آنها را تشویق به درس و تحصیل و اتحاد، که مایه بسی ترقیات است نمایند. به دقت نظر به حال حالیه وطن [ناخوانا] و خود را بنماییم که [ناخوانا]^۵ ترین احوال در زیر فشار دول متحابه [صفحه چهارم، ستون دوم] هستیم، زندگی ما و مردن ما محتاج به آنها باشد [ناخوانا].^۶ تا وقت است دست به دست داده بلکه خود را از این مهلکه نجات دهیم. مگر نه ازمنه سابق، متاع ما به ولایات می‌رفته، مگر نه همین چیت کارخانجات بروجرد بود که شنیده‌ایم در ولایات بعیده به [ناخوانا]^۷ به غالب نقاط ایران و خارجه می‌رفته. از بس از بی‌علمی هوای نفسانیه تقلب کردیم و به عوض کتیرا، آرد گندم به کار بردیم، به کلی واخورده و استادان آنها [ناخوانا] و عاقبت به بدترین احوال رسیدیم. از بی‌دانشی و بی‌علمی اینطور شد [ناخوانا] صنعت‌های حالیه را هم مشغول تقلب شده‌اند. کم‌کم این [ناخوانا] که به چهل پنجاه منزل راه باید برود، یکشبه و [ناخوانا]^۸

۱. احتمالاً: خیرخواهانه

۲. دو کلمه ناخواناست

۳. احتمالاً: می‌تواند

۴. برگرفته از حدیث منسوب به پیامبر

(ص): «مثل الذی یتعلم العلم فی صغره

کالنقش علی الحجر و مثل الذی یتعلم

العلم فی کبره کالذی یکتب علی الماء؛

حکایت کسی که در کوچکی علم آموزد

چون نقش بر سنگ است، حکایت کسی

که در بزرگی علم آموزد چون کسی است

که بر آب نویسد.

۵. دو کلمه ناخواناست

۶. سه کلمه ناخواناست

۷. بقیه جمله به دلیل تاخوردگی صفحه

و پاک شدن جوهر، خوانده نشد

۸. بقیه جمله به دلیل تاخوردگی صفحه

و پاک شدن جوهر، خوانده نشد



بقیه از [ناخوانا] به قول عوام و [ناخوانا]

در شماره دو عرض کردیم که به نظر عوام همچو متصور است که ثروت فقط داشتن مال اندوخته از زر و سیم و عمار و خانه و مایحتاج است. چه بسا در همین شهر اشخاصی متمول صاحب مکت بودند که اولاد آنها بواسطه نداشتن علم و هنر، چنان محتاج و فقیر شده‌اند که به گدایی افتاده‌اند. پس علم ثروت است و ثروت علم. چه، بواسطه علم و دانش [است که] گنجهای مخزونه مکتونه از شکم زمین ظاهر می‌شود و طلا و نقره بر سطح زمین جاری می‌گردد. با تعلیم تجزیه مرکبات و ترکیب بسایط و ترتیب منسوجات و خواص معدنیات، ثروتی بی‌نیامت حاصل و پیدا و ظاهر و هویدا خواهد شد. و از برای علم [ناخوانا]^۱ متصور نیست. به ثمره علم آهن از سنگ [ناخوانا]^۲ می‌نماید (بقیه دارد)

منابع

الف) اسناد و روزنامه‌ها

مجموعه اسناد موجود در خانه تاریخی حاج افتخارالاسلام در کوی صوفیان بروجرد.
انجمن اصفهان، سال سوم، ۱۳۲۷ ه.ق. موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان.
بیضاء، تک نسخه موجود در اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان بروجرد.
زاینده‌رود، سال اول، ۱۳۲۷ ه.ق. موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان.

ب) کتب چاپی

بروان، ادوارد (۱۳۸۰)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی. تهران: کویر، چاپ دوم.
بهار، محمد تقی (ملک‌الشعراء) (۱۳۷۱)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ۲ جلد. تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم.
حائری، عبدالهادی (۱۳۶۰)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی، ۴ جلد. تهران: عطار و فردوس، چاپ پنجم.
شجعی، زهرا (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی. ۴ جلد. تهران: سخن، چاپ اول.
صالحیار، غلامحسین (۱۳۵۵)، چشم‌انداز جهانی و ویژگی‌های ایرانی مطبوعات، تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی. چاپ اول.
صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳-۱۳۶۴)، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ جلد. اصفهان: کمال، چاپ دوم.
قاسمی، سید فرید (۱۳۷۹)، تاریخ روزنامه‌نگاری ایران (مجموعه مقالات، ۲ جلد. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

۱. سه کلمه ناخواناست

۲. بقیه عبارت که ظاهراً هفت کلمه است، به دلیل پاک‌شدن جوهر ناخواناست.



کسروی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر، چاپ چهاردهم.
کسروی، احمد (۱۳۵۷)، تاریخ هیجده ساله آذربایجان یا سرنوشت گردان دلیران. ۲ جلد. تهران: امیرکبیر، چاپ نهم.

کهن، گوئل (۱۳۶۲)، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. ۲ جلد، تهران: آگاه، چاپ اول.
مجموعه مصوبات چهار دوره قانونگذاری. بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۳)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، چاپ اول.

محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶)، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: بعثت، چاپ اول.
میرزا صالح شیرازی (۱۳۶۲)، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، به کوشش همایون شهیدی. تهران: راه نو، چاپ اول.

میرزای گلپایگانی، حسین (۱۳۷۸)، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی)، به کوشش مرضیه مرآت‌نیا، تهران: نشر گلبن، چاپ اول.
یغمایی، اقبال (۱۳۵۷)، شهید راه آزادی سیدجمال واعظ اصفهانی. تهران: توس، چاپ اول.

ج) مقالات

بهرامی، روح‌اله و گودرزی، محمد، تاجر روناسی (۱۳۸۸). نخستین روزنامه در بروجرد در تاریخ ایران و اسلام، مجله علمی تخصصی گروه تاریخ دانشگاه لرستان. سال سوم، شماره پنجم.
عزیزی، غلامرضا (۱۳۸۳)، «سخنی در خصوص فعالیت‌های مطبوعاتی در بروجرد»، فصلنامه صدای زاگرس، شماره ۵ و ۶.

قاسمی، سیدفرید (۱۳۷۰)، «تاریخچه مطبوعات لرستان»، فصلنامه رسانه، سال دوم، شماره ۸، تهران.
گودرزی، محمد (۱۳۷۹)، «از بیضاء تا پیغام، مروری کوتاه بر تاریخچه مطبوعات بروجرد» در هفته‌نامه پیغام بروجرد، شماره‌های صفر تا سه.

گودرزی، محمد (۱۳۸۷)، «بیضاء روزنامه‌ای که هرگز منتشر نشد» فصلنامه راستان، شماره ۷.
مقدس جعفری، محمدحسن (۱۳۸۱)، «مروری گذرا بر نشریات محلی بروجرد»، فصلنامه صدای زاگرس، سال اول، شماره ۲.

نوروزی، بهروز (۱۳۸۸)، نقدی بر مقاله بیضاء روزنامه‌ای که هرگز منتشر نشد (مقاله) در راستان، فصلنامه تحلیلی، اطلاع‌رسانی و پژوهشی در حوزه مطالعات علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۹.



اسناد ملی و آسیب‌های پیش‌روی آن

نادعلی صادق‌یان

■ چکیده

روز اسناد ملی، بهانه‌ای بود تا بار دیگر ضمن بازبینی عملکرد اسناد ملی کشور در طول یک‌سال، کاستی‌ها و کمبودهای احتمالی را برطرف سازیم و آسیب‌های فرا روی اسناد ملی را مرتفع کنیم تا بتوانیم مسیری هموار برای ارتقای آن فراهم آوریم. شاید این‌گونه بهتر بتوانیم در برابر آیندگان پاسخگو باشیم و میراث معنوی کشور را به سلامت به‌دست فرزندان این سرزمین برگهر بسپاریم.

کلیدواژه‌ها

اسناد ملی؛ شورای اسناد ملی؛ ساماندهی؛ ارزشیابی؛ آسیب‌ها.

اسناد ملی و آسیب‌های پیش‌روی آن

نادعلی صادقیان^۱

مقدمه

روش‌های نگهداری، پردازش، دسترسی آسان و انتقال اطلاعات، اسناد و مدارک در ایران از دیرباز با اندکی تغییر رواج داشته و این موضوع برای مسئولان و اندیشمندان همواره مهم و اساسی بوده است؛ همچنان‌که ملاحظه می‌شود، امروزه پیشرفته‌ترین و ظریف‌ترین ابزارهای بشرساز را ابزارهای دسترسی به اطلاعات و لوازم الکترونیکی تشکیل می‌دهند که به‌همین‌منظور ساخته شده‌اند. در ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۴۹ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران با هدف دسترسی به اسناد و مدارک، سامان‌بخشیدن به وضعیت بایگانی‌ها و اسناد دولتی و تعیین تکلیف اسناد راکد و اوراق زائد دستگاه‌های اداری کشور به تصویب نهایی مجلسین رسید.^۲ سپس سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، در ۶ آذر ۱۳۸۱ ادغام و «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» بر اساس مصوبه شورای عالی اداری تشکیل شد. در پی این ادغام، سازمان اسناد ملی به «معاونت اسناد ملی» تغییر نام داد.^۳ هم‌اینک این مجموعه با میلیون‌ها برگ سند ارزشمند تاریخی، مهم‌ترین پایگاه خدمات‌رسانی و حفاظت از هویت ملی کشور را تشکیل می‌دهد. درحال حاضر، میلیون‌ها برگ اسناد با ارزش در معاونت اسناد ملی و مدیریت‌های استانی و مناطق نگهداری می‌شوند که تعدادی از این اسناد به شیوه‌های سنتی و برخی نیز به‌صورت رایانه‌ای به پژوهشگران عرضه می‌شود. بر اساس قانون، کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، موظف‌اند کلیه اسناد و پرونده‌های راکد خود را- که احتیاجی به نگهداری آن‌ها

۱. رئیس اداره هماهنگی امور اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، vakechalsadeghian@yahoo.com

۲. سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۷۴). آشنایی با سازمان اسناد ملی ایران، فصلنامه گنجینه اسناد، سال پنجم، بهار و تابستان، ص ۱۰ و نیز بنگرید به: قانون مصوب ۱۳۴۹ سازمان اسناد ملی ایران و مقررات بعدی آن.

۳. <http://www.nlai.ir/Portals/10/files/pdf/ghanoon91.pdf>



در سازمان مربوط نیست- برای نگهداری موقت، به سازمان اسناد ملی ایران بسپارند و چنانچه مدت چهل سال از تاریخ تهیه و تنظیم سند گذشته باشد، انتقال آن‌ها به صورت دائم انجام خواهد گرفت. وزارت دفاع، از شمول مقررات این قانون مستثنا شده است. امحای اوراق زائد ارتش نیز با اطلاع این سازمان، به تشخیص هیئت صلاحیتداری واگذار شده است. قانون، با تفکیک اسناد دارای ارزش نگهداری دائم از اوراق زائد، وظیفه تشخیص این مهم را به شورای اسناد ملی، مرکب از شخصیت‌های برجسته حقوقی همچون وزیران امور خارجه، فرهنگ و آموزش عالی (علوم، تحقیقات و فناوری کنونی)، دادستان کل کشور، دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی (در حال حاضر، معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)، دادستان دیوان محاسبات و دو نفر شخصیت حقیقی متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران به پیشنهاد وزیر علوم و تصویب شورای وزیران سپرده است که علاوه بر تشخیص اوراق زائد قابل امحا از اسناد واجد ارزش نگهداری، وظایف مهمی چون تصویب آئین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به بررسی و نقل و انتقال پرونده‌های راکد و اسناد ملی، تنظیم و نگهداری اسناد ملی و نحوه دسترسی عمومی به آن‌ها، ضوابط مورد عمل دستگاه‌های دولتی در تنظیم، ضبط و نگهداری اسناد و تدوین تعرفه‌های ارائه خدمات اسنادی را بر عهده دارد¹. شایان ذکر است، شورای آرشیوی به عنوان مرجع ذیصلاح، جهت تعیین ارزش‌های اسناد و صدور مجوز امحای اوراق زائد در کلیه آرشیوهای معتبر جهان به عنوان رکن مهم پذیرفته شده است؛ اما ترکیب اعضای شورای آرشیوی و وظایف آن در کشورهای مختلف، متفاوت است و به تشکیلات دولت و سایر قوانین حاکم بر آن کشور بستگی دارد. اسناد ملی هدیه نسل‌های پیشین به نسل‌های بعدی است و میزان توجه به آن‌ها بیانگر شاخص تمدن هر کشور و فرهیختگی ملت‌هاست. هم‌اکنون وجود انبوه اسناد و مدارک در دستگاه‌ها و نحوه بررسی و نقل و انتقال پرونده‌ها و سوابق و تعیین ارزش‌های اسناد و صدور مجوز امحای اوراق زائد، تنظیم، نگهداری، حفاظت، دستیابی آسان، تدوین مقررات مربوط به اسناد محرمانه و نیز ذخیره‌سازی، محافظت و امکان دسترسی به اسناد الکترونیکی، از مهم‌ترین چالش‌های مرکز اسناد ملی کشور محسوب می‌شود. اسناد و مدارک که به صورت الکترونیکی و فیزیکی و در قالب کاغذ، ایجاد و نگهداری می‌شوند و روز به روز بر تعداد و حجم آن‌ها افزوده می‌شود، عملاً هزینه‌های هنگفتی را برای نگهداری و مدیریت خود به سازمان‌ها تحمیل می‌کنند؛ ضمن آنکه دستیابی به موقع و صحیح به اطلاعات آن‌ها دشوارتر و غیرممکن‌تر می‌شود. بررسی عملکرد مسئولان سازمان، از یک سو نشان‌دهنده کارنامه‌ای درخشان است که حاصل آن، اسناد ملی ایران با غنای ده‌ها میلیون برگ سند با ارزش تاریخی است که برگ‌برگ آن، نشان هویت ملی ما تلقی می‌شود. از سوی دیگر این کارنامه، یادآور وظیفه سنگین این سازمان و آسیب‌های پیش‌روی آن در انجام وظایف قانونی

1. <http://www.nlai.ir/Portals/10/files/pdf/ghanoon91.pdf>



خود است؛ آسیب‌هایی که رفع آن‌ها به‌تنهایی از عهده این سازمان خارج است و همدلی و همراهی دیگر دستگاه‌ها و مدیران اجرایی کشور و گسترش فرهنگ عمومی را در توجه به اسناد ملی می‌طلبد.

آسیب‌های پیش‌روی اسناد ملی:

برخی از آسیب‌های پیش‌روی اسناد ملی و راهکارهای پیشگیری از آن‌ها، به قرار زیر است:

۱. همکاری نکردن پاره‌ای از دستگاه‌ها با سازمان در زمینه نگاه‌داری و تعیین تکلیف اسناد، مستثنا دانستن دستگاه از شمول قانون، بی‌توجهی برخی از مدیران به اهمیت اسناد ملی و ضرورت حفظ و انتقال سندها به آرشیو ملی و گاه، امحای بدون مجوز اوراق اداری توسط کارشناسان یا نگاه‌داری نادرست اسناد در برخی از دستگاه‌ها، از مهم‌ترین آسیب‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی در خلال این سال‌ها بوده که با وجود قوانین صریح و صدور چندین بخشنامه و دستورالعمل، این‌گونه بی‌مهری‌ها، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به پیکره اسناد ملی وارد ساخته است. اگرچه رفته‌رفته شاهد گسترش همکاری و تعامل بیش از پیش دستگاه‌ها هستیم، ولی همچنان همکاری فراگیر دستگاه‌ها در راستای وظایف سازمان، عملی نشده است؛ از آنجاکه مسئولیت تطبیق اوراق امحایی با ردیف‌های مصوب شورای اسناد ملی به‌عهده دستگاه است، لذا برای تمکین تمامی دستگاه‌ها و اعمال نظارت بیشتر سازمان بر امحای اوراق زائد و انتقال اسناد واجد ارزش، لازم است که گروه‌های کارشناسی مجرب ارزشیابی در اجرای دستورالعمل‌های مربوط، ارزشیابی اولیه را انجام داده و برای اوراق موضوع جداول زمانی عمومی و اختصاصی مانند دفاتر اندیکاتور، قبوض آب و برق، قبوض پستی و ... که امحایی‌بودن آن‌ها صددرصد می‌باشد، با رعایت کلیه مقررات امحای اوراق و شرایط تعیین‌شده از طرف شورای اسناد ملی و تهیه صورتجلسات مربوط، به یکی از کارخانه‌های مقواسازی طرف قرارداد سازمان ارسال کنند. در مورد اسناد و اوراقی که ارزشیابی آن‌ها نیاز به بررسی و صرف وقت کارشناسی بیشتر دارد، لازم است ضمن تهیه صورتجلسات کلی از دستگاه صاحب سند خواسته شود تا اسناد مذکور بسته‌بندی و به سالن ارزشیابی اسناد سازمان ارسال شود. در آنجا کارشناسان با دقت تمام نسبت به ارزشیابی، تفکیک و تهیه فهرست انتقال اقدام کنند.

۲. براساس قانون تمامی اسناد کشور باید فقط در سازمان اسناد و کتابخانه ملی نگاه‌داری و ساماندهی شود. باید اصل این اسناد در سازمان اسناد و کتابخانه ملی باشد و اگر دستگاه‌ها به آن‌ها نیاز دارند، می‌توانند آن‌ها را اسکن کنند. ایجاد و گسترش مراکز اسنادی موازی در دستگاه‌ها به‌جای انتقال اسناد به آرشیو ملی، به حبس میلیون‌ها برگ سند در دستگاه‌های



مختلف انجامیده که بایستی به سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتقل می‌شد تا کار ساماندهی، تنظیم و اطلاع‌رسانی یکپارچه آن‌ها به انجام می‌رسید. این موضوع، نه تنها به جایگاه اسناد ملی کشور آسیب می‌رساند، بلکه موجب اختلال در پردازش، بازیابی اطلاعات و دسترسی آسان پژوهشگران و علاقه‌مندان اسناد می‌شود و سردرگمی آن‌ها را در جستجو و یافتن اسناد مورد نظر، در پی خواهد داشت.

۳. آسیب دیگر وجود میلیون‌ها برگ سند تاریخی و با ارزش در نزد مردم است که به دلایل گوناگون در دوره‌های مختلف، سر از آرشیوهای خصوصی و منازل اشخاص در آورده است و غالباً به دلیل شرایط نامناسب نگهداری یا جابه‌جایی و دست‌به‌دست شدن در میان افراد، شرایط مطلوبی ندارند. محیطی که اسناد در آن بایگانی می‌شوند، نقش مهمی در حفظ و نگهداری آن‌ها دارد. دما، رطوبت نسبی، نور، خلوص و گردش هوا از عوامل تعیین‌کننده در محیط نگهداری اسناد هستند. اگر اسناد طبق استاندارد صحیحی نگهداری نشوند، عدم تأمین هر یک از این شرایط باعث بروز صدمات جبران‌ناپذیری به اسناد می‌شود. باید به هر شکل از ایجاد نوسان در میزان دما و رطوبت نسبی جلوگیری کرد. زیرا در طول روز، دمای بیرون دائماً در حال تغییر است. دستگاه تهویه هوا می‌تواند به کنترل دما و رطوبت محیط کمک کند. حتی‌الامکان باید از راکد شدن هوا پرهیز کرد، زیرا رکود هوا زمینه رشد کپک را فراهم می‌کند.

۴. انجام پژوهش با انگیزه کسب درآمد و شتابزدگی در انجام پروژه‌های تحقیقی اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی، فقدان رویکردهای علمی در آثار پژوهشی، مسئله محور نبودن، کم‌مایگی و ناستواری پژوهش‌ها و بررسی‌های عالمانه و دانشگاهی در حوزه مطالعات اسنادی، توسعه رشته‌های دانشگاهی نامتناسب، ضعف در تربیت نیروهای متخصص در این حوزه و ناکافی بودن کتاب و مقاله علمی از یک سو، کم‌توجهی به نقش مهم و مؤثر مراجعه به اصل سند در مطالعات اسنادی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و تاریخی که چون بیماری جانفرسا، فضای پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی را به شدت آلوده کرده است؛ تا جایی که گاه ارزش مطالعات اسنادی به رونویسی از منابع دست‌چندم و کم‌ارزش تنزل یافته است. برای شکل‌گیری جایگاه واقعی اسناد ملی، نیازمند توجه جدی‌تر ریاست محترم سازمان و مسئولان اجرائی کشور هستیم تا فرصتی را برای بالا بردن سطح آگاهی عمومی درباره اسناد و وظایف و اهمیت آن، در سازمان و رسانه‌های عمومی کشور فراهم آورند و از ضعف عمده اسناد ملی در سطح کشور که ناشی از بی‌اطلاعی و دست‌کم، کم‌اطلاعی عمومی نسبت به آرشیو و اهمیت آن است، بکاهند و مراکز علمی-پژوهشی کشور به مطالعات اسنادی و جایگاه مطالعات



آرشیوی در بسترسازی این‌دسته از پژوهش‌ها همت گمارند^۱.

۵. آسیب دیگر، کم‌رنگ بودن نقش و اهمیت اسناد ملی در فرهنگ عمومی، توجه به حفظ و نگهداری اسناد ملی، مطالعه، بهره‌برداری و اطلاع‌رسانی دربارهٔ این اسناد، با هدف بهره‌مندی از تجارب تاریخی نسل‌های پیشین، ضرورتی جدی است که در این ایام کم‌تر به آن پرداخته شده است. اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های عمومی خصوصاً رسانه ملی، با ساخت برنامه‌های مستند، آموزشی، نمایشی و ...، برپایی نشست‌های مختلف، تولید و توزیع نشریات اسنادی و بازدید از آرشیو ملی، در رفع این نقیصه، مؤثر خواهد بود.

۶. نحوه تولید، نگهداری و ارائه اسناد الکترونیکی، آسیب مهم دیگری است. مراکز آرشیو ملی در دنیا، سالیان زیادی است که اسناد تاریخی، آثار هنری، روزنامه‌ها، عکس‌ها و سایر منابع آرشیوی را حفظ کرده‌اند. اما، امروزه با ظهور اسناد الکترونیکی کار آن‌ها نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌تر و حساس‌تر شده است زیرا حجم قابل‌ملاحظه‌ای از فعالیت‌های افراد و مؤسسات به شکل رقمی تولید می‌شوند. با توجه به این موضوع باید در روش‌های سستی نگهداری نیز، تجدیدنظر کرد. از جمله اینکه باید بدانیم کدام گروه از اطلاعات را ذخیره کنیم و این ذخیره‌سازی چگونه انجام شود و دستورالعمل آن چیست؟ در این راستا با توجه به سرعت روزافزون توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و گسترش اتوماسیون نامه‌نگاری اداری، اهمیت حفظ، نگهداری و آرشیو صحیح اسناد و انتقال آن‌ها به آرشیو ملی و ارائه اسناد به مراجعان، فرا راه آینده سازمان اسناد و کتابخانه ملی است. باید با ایجاد زیرساخت‌های لازم، عقب‌افتادگی بزرگ در حوزه اسناد الکترونیکی جبران شود تا دیگر خسارتی بزرگ در حوزه اسناد کشور اتفاق نیفتد^۲.

۷. همان اندازه که توسعه اسناد الکترونیکی در تسهیل حفظ و انتقال اسناد و حتی تنظیم و پردازش و دسترسی اسناد کمک می‌کند، نبود استاندارد علمی و برنامه‌ریزی صحیح دربارهٔ نحوهٔ ایجاد و ساماندهی اسناد الکترونیکی و شیوهٔ انتقال این اسناد، ممکن است به نابودی ناگهانی انبوهی از سندهای ملی بیانجامد. این مهم، توجه دستگاه‌های دولتی و برنامه‌ریزی و نظارت دقیق سازمان اسناد و کتابخانه ملی را می‌طلبد تا با تدوین آیین‌نامه‌ها و ضوابط اجرایی و تنظیم برنامه جامع اسناد ملی و همچنین الزام دستگاه‌ها به رعایت معیارهای مربوط به ایجاد، حفظ و انتقال اسناد ملی در تهیهٔ نرم‌افزار اتوماسیون استاندارد، هم در تسهیل دولت الکترونیک مؤثر باشند و هم در ایفای وظیفهٔ اساسی خود، در حفظ، تنظیم و انتقال اسناد الکترونیکی بکوشند.

1. <http://dowran.ir/show.php?id=200028351>
2. <http://dowran.ir/show.php?id=200028351>

۸. برخی افراد هنوز با مفاهیمی همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی و سند ملی آشنا نیستند و این سازمان را با دیگر ادارات اشتباه می‌گیرند. مردم باید خود به فرهنگ جامعه خود



احترام بگذارند. باید در حفظ و نگهداری اسناد ملی بکوشند و این در حالی است که برخی افراد از تحویل اسناد به سازمان اسناد و کتابخانه ملی که محلی مناسب برای نگهداری اسناد است، سر باز می‌زنند.

۹. براساس مصوبه شورای اسناد ملی کشور، دریافت مجوز جهت امحای اوراق زائد برای همه دستگاه‌ها ضروری است و هیچ دستگاهی بدون اخذ این مجوز حق امحای اوراق خود را ندارد. اوراقی که بر اساس قانون و مقررات سازمان امحایی شناخته می‌شوند، طبق مقررات و دستورالعمل‌های موجود، به کارخانه‌های تخمیر اوراق طرف قرارداد سازمان تحویل می‌شوند. درحالی‌که، این رویه کماکان در برخی دستگاه‌ها رعایت نمی‌شود. صورتجلسه اوراق امحایی در هر شرایطی باید به تأیید اداره کل شناسایی و فراهم‌آوری اسناد ملی رسیده باشد و معاونت اسناد و مدیران استانی باید نماینده خود را به‌منظور تحویل اوراق کتباً به دستگاه استانی معرفی کنند.

۱۰. بخشی از تاریخ ملی ما در سینه و ذهن افراد وجود دارد که سازمان اسناد و کتابخانه ملی با پروژه تاریخ شفاهی و مصاحبه با افراد مؤثر در تاریخ کشور سعی در ثبت آن‌ها دارد. متأسفانه این وظیفه نیز بیشتر سلیقه‌ای و غیرعلمی انجام می‌پذیرد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پایگاه اصلی دسترسی و حفاظت از هویت ملی ایران است. تغییر نگرش از «نگهداری» منابع اطلاعاتی به «دسترسی» آن، مستلزم این است که محققان، مراجعان و استفاده‌کنندگان اطلاعات، اسناد و مدارک از منابع موردنیاز و محل نگهداری آن آگاهی پیدا کنند. اسناد موجود در آرشیو ملی ما بیش از هرچیز بیانگر وحدت اقوام مختلف ایرانی در طول تاریخ پرفراز و نشیب کشور است. آسیب به اسناد ملی آسیب به تاریخ کشور است. امید است با توجه به اهتمام مسئولان دلسوز در این زمینه بتوانیم این مشکلات را مرتفع کنیم.



تولید و حفاظت اسناد در جامعه محلی در بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن

مینورو تاکاهاشی
ترجمه: نائوفومی آبه و امید رضائی

■ چکیده

روند تغییر از قرون وسطی، زمانی که سنت شفاهی رواج داشت، تا بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن [۱۶۰۰-۱۸۶۸ م.]، که همه چیز مبتنی بر اسناد بود، حاکی از این است که این جامعه وارد مرحله طرز انتقال مستندات و ثبت آن شده است. شیوه حکومت‌گری در بدو شکوفایی عصر مدرن، که به عنوان مدیریت بر پایه اسناد از آن یاد می‌شود، بر اساس سواد جامعه محلی بود، همچنان که، این جامعه برای استناد و مراجعات بعدی لازم می‌دید که از اسناد نگهداری کند. در ابتدای قرن نوزدهم میلادی به خاطر توسعه و رواج مراکز آموزشی و مکتب‌خانه‌های سنتی، روزبه‌روز تعداد باسوادان افزایش می‌یافت. پیامد افزایش فرصت‌های نوشتاری که برآمده از توسعه مبادلات تجاری بود، به این تحولات دامن زد. این عوامل سبب شد که جامعه مبتنی بر اسناد توسعه پیدا کند و نیز تعداد اسنادی که نیازمند حفاظت و نگهداری بودند، افزایش یابد.

این مقاله با توجه به ویژگی بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن و مدیریت بر پایه اسناد، «حکومت مبتنی بر اسناد» و «ساختار جامعه محلی در بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن، و موضوع نگهداری اسناد» را بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها

عصر مدرن ژاپن؛ سنت شفاهی؛ انتقال مستندات؛ عصر مدرن؛
نگهداری اسناد.

تولید و حفاظت اسناد در جامعه محلی در بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن

مینورو تاکاهاشی^۱ | ترجمه: نائوفومی آبه^۲ و امید رضائی^۳

مقدمه

این مقاله بررسی جامعی است درباره تاریخ حفاظت و نگهداری اسناد با تمرکز بر منطقه‌ای از ولایت هیتاچی کُکو شینتارو^۴، شهر اُشیکو^۵ امروزی از توابع استان ایباراگی^۶، که خود متکی بر مقالاتی است که نگارنده پیش از این در این باره نوشته بود^۷.

می‌توان گفت که بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن زمان اسناد و قبالات بوده است (Tsukamoto, 1992). جامعه قرون وسطی که عصر سنت شفاهی بود، وارد مرحله نیاز ضروری به اسناد شد. عناوین^۸، «کوچی گاکی»^۹ به معنی نوشته افواهی (گفتاری)، «شتادایی»^{۱۰} به معنی ارزش زبان و «کوجوگاکی»^{۱۱} به معنی اقرار کتبی در اسناد بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن، تداوم همان سنت شفاهی بود. روند تحول شفاهی به اسناد، حاکی از این است که این جامعه وارد مرحله قاعده انتقال مستندات و ثبت آن شده است.

با سکونت شوگون و حکام محلی در شهرها، مدیریت بر پایه اسناد امکان پذیر بود. زیرا در روستاها کسانی بودند که سواد داشتند. کارکرد اولیه اسناد، انتقال پیام و هم‌زمان به عنوان مستندات، جهت مراجعات بعدی بود.

چون رعایا قادر نبودند تا اسناد مربوط به عوارضات دیوانی و خدمات اجباری را بخوانند و یا بی‌خبر می‌ماندند، مباشرین روستا به بهانه نظر حاکم به آن‌ها احتجاف می‌کردند. بنابراین، اگر رعایا سواد نمی‌داشتند و فرصت خواندن اسناد هم پیدا نمی‌کردند، امکان داشت به شدت

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از متن

ژاپنی:

Takahashi, Minoru: "Kinsei chiikishakai ni okeru monjo no sakusei to kanri" (Creation and Management of Documents in Community in the Early Modern Ages), *Kokubungakukenkyu shiryokan kiyo archives kenkyuhen (The Bulletin of The National Institute of Japanese Literature Archival Studies)*, vol.8, March 2012: 1-16.

۲. دکترای تاریخ ایران. استادیار، دانشگاه توکیو.

Utsusemi1977@gmail.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ. کارشناس پژوهشی معاونت حقوقی اوقافی و امور مجلس، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.

rezaionmid@gmail.com

4.Hitachi-koku Shintaro

5.Ushiku

6.Ibaragi

۷. این مقاله بر اساس مقالات نگارنده

سابق زیر نوشته شده است:

Takahashi 1996; The National Institute of Japanese Literature Archives Studies (ed.) 2009

8.Hashiragaki

9.Kuchigaki

10.Shitadai

11.Kojogaki



خسارت ببینند (Takahashi, 1996). در سال بیست و یکم کانائی^۱ (۱۶۴۴م.) بود که حکومت مرکزی به نایبان محلی دستور داد که رعایا نیز باید اسناد و مدارک عوارضات دیوانی و خدمات اجباری را ملاحظه و معاینه کنند. این دستور یا دیگر اعلامیه‌های حکومتی آشکار می‌سازد که رعایا را در مجموع باسواد می‌دانست. اسناد و مدارک عوارضات دیوانی و خدمات اجباری در اصل، برای رعایا قابل‌رؤیت بوده‌اند، هرچند در عمل مقدار آن مشخص نیست.

بعد از شروع قرن نوزدهم میلادی بود که مراکز آموزش موسوم به «تراکویا»^۲ گسترش یافت و بر میزان باسوادان بیش از پیش افزوده شد. پیامد افزایش فرصت‌های نوشتاری که برآمده از توسعه مبادلات تجاری بود، به این تحولات دامن زد. این عوامل سبب شد که جامعه مبتنی بر اسناد، توسعه پیدا کند.

نگهداری اسناد مربوط به عوارضات دیوانی اگر فقط به عنوان مستندات پرداخت بود، تا چندین سال کافی بود. با وجود این، از آن‌ها برای مدت مدیدی حفاظت می‌شد. علت آن بود تا در صورت وضع توقعات دیگر بر اساس سوابق بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. علاوه بر این، می‌دانیم که رعایا برای حل منازعاتی که با همسایگان خود داشته‌اند توانسته‌اند از این اسناد استفاده کنند. البته باید از «سند سؤال و جواب» همان منازعه برای منازعه احتمالی بعدی نگه‌داری می‌شد.

به‌خاطر افزایش باسوادان و نیاز به اداره کردن رعایا، تعداد اسنادی که ضرورت داشت نگه‌داری شود، زیاد شدند. «مورایرییوچو»^۳ که دفتر ثبت مخارج مشترک رعایا بود، بعد از بازرسی مستندی شد مبنی بر اینکه مباشرین در امور مربوط، دخل و تصرف و کوتاهی نکرده‌اند. بنابراین، در بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن اهمیت مستندات افزایش یافت. تعداد زیادی از اسناد به عنوان مستندات مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

در بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن که به زمان طرح دعوا شهرت دارد دعوای گوناگون مطرح بود (Kimura, 1975). در این دوره هیچ روستایی وجود نداشت که بی‌دعوا باشد. برای دعوا، اسنادی مانند عریضه، مستند و شهادت کتبی لازم بود. بنابراین، از طریق تجربه مستقیم و غیرمستقیم دعوا، رعایا یاد گرفتند برای دعوا چه نوع سندی می‌تواند لازم و نتیجه‌بخش باشد. این نکته در نگه‌داری اسناد بسیار مؤثر بود.

تشکیلات گسترده دیوانی «هان»^۴ به معنی ولایت تحت نظر حاکم محلی، بخش‌های گوناگون داشت. مجموعه اسناد و مدارکی که در هر «هان» تولید و یا ثبت شده است، تشکیلات درونی هر هان را منعکس می‌کند. بنابراین، آشکار ساختن نظام درونی کل مجموعه اسناد، بدون فهم درست همان اسناد امکان‌پذیر نخواهد بود. گرچه با این کار سابقه مخازن حفظ و نگه‌داری مجموعه‌های اسناد و مدارک نیز روشن خواهد شد. برای درک این نوع نظام

۱. محققان امروزه بر حسب دوره حکومتی، یک دوره را اسم گذاری می‌کنند، همانند «دوره ادو» که برابر مدت حکومت خاندان توکوگاوا است، خاندانی که از در سال‌های ۱۶۰۰ الی ۱۸۶۸ حکومتشان ادامه داشت، مثل دوره صفویه یا قاجاریه در ایران که به اسم یک خاندان اشاره دارد. بعلاوه، در ژاپن از اواسط قرن هفتم میلادی، با تقلید از امپراتوری چین، اسم گذاری سال شمار شروع شد. اسم یک دوره بر اساس دوره یک امپراتور نبود بلکه هر از گاهی به خاطر حوادثی از قبیل زلزله شدید یا واگیر شدن وبا اسم سال را تغییر می‌دادند بدین امید که اسم دوره برای حکومت خوش‌یمن گردد. این اسم مثل دوره کانائی، دوره تمپو، دوره کان‌سنی، دوره شوتوکو، هوریکی، دوره بونستی، دوره می‌وا. اما بعد از اصلاحات میجی، مدت امپراتوری هر امپراتوری اسم دوره شد، همانند میجی، و شووا.

2.Terakoya

3.Mura iriyocho

4.Han



درونی، اسناد و مدارک تحقیقاتی در مورد سابقه حفظ و نگهداری اسناد انجام شده است.^۱ این مطالعات از حیث تاریخی، وضعیت و محیطی که اسناد و مدارک به سبب آن تا امروز باقی مانده‌اند، شیوه و محل و نظام نگهداری اسناد را آشکار ساخته‌اند که خود یکی از مهم‌ترین کارهای «آرشیوشناسی»^۲ است.

این مقاله با توجه به همان ویژگی‌های مذکور جامعه بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن و مدیریت بر پایه اسناد، «حکومت مبتنی بر اسناد» و «ساختار جامعه محلی در بدو شکوفایی عصر مدرن ژاپن، و موضوع نگهداری اسناد» را بررسی می‌کند.

به‌علاوه، خود پاسخی به انتقاد و نظر اخیر آقای کوئیچی واتانابه (Watanabe, 2000) بر مقاله نگارنده (Takahashi, 1996) است.^۳ از نظر ایشان، نگارنده بیش از حد به دنبال پیدا کردن منشأ نظام آرشیو امروزی متمرکز است.

۱- حکومت مبتنی بر اسناد و مدیریت بر پایه اسناد

۱-۱ نگهداری و حفظ دائمی اسناد

در آخر ماه هفتم سال سوم تمپو^۴ (برابر با سال ۱۸۳۲ م.) در روستای کامی‌اوتا، شهر اوشیکوی امروزی از توابع استان ایباراگی و سایر روستاهای ولایت هیتاچی که تحت سیطره شوگون بود، هیاشی‌کینگورو^۵ به نیابت از شوگون اطلاعیه‌ای مبنی بر انتصاب خود به‌جای نایب سابق و تفویض دارالحکومه به وی در روز بیست و هشتم همان ماه صادر کرد. به‌علاوه، دستور داد که رعایا اسناد مربوط به عوارضات دیوانی بیست سال قبل و دفتر حاوی سواد اسناد مربوط به پرداخت عوارضات ده سال قبل، دفتر ثبت دخل و خرج روستا، نقشه روستا و پروانه صلاح گرم را تا چهارم ماه هشتم به دارالحکومه تحویل دهند. (Ibaragi-ken Ushiku-shi Kamiota, 1997). (Aoyama Hideo ke monjo, No. II-11-2-1).

بر پایه این حکم روستای کامی‌اوتا به‌طور حتم از اسناد مربوط برای ارائه اسناد در مواقع لزوم حفاظت و نگهداری می‌کرده است. در حقیقت در دوره ادو^۶ (سال‌های ۱۶۰۰-۱۸۶۸ م.) همه روستاها نیازهایی از این قبیل داشته‌اند، از جمله برای اثبات حقوق و دعاوی خویش که سبب می‌شده از اسناد و مدارک به‌طور دائمی حفاظت و نگهداری کنند؛ به‌طور مثال اسناد مربوط به عوارضات دیوانی که همان سال پرداخت می‌شد و بعد از تحویل و دریافت اسناد مربوط در اصل، دیگر لازم نبود که به آن‌ها مراجعه شود، امکان داشت امحا شوند. طبق قاعده، رعایا حداکثر می‌بایست برای مدت معینی اسناد را حفظ می‌کردند اما آن‌ها به‌طور معمول با دقت زیاد اسناد را برای همیشه نگهداری می‌کردند تا اگر در زمانی نامشخص عوارضات افزایش می‌یافت بتوانند نسبت به آن اعتراض کرده و نسبت به کاهش آن اقدام کنند. بنابراین هدف رعایا از این کار، دفاع از حقوق و منافع‌شان بوده است (Ofuji, 1991).

۱. در مورد پیشینه تاریخ حفاظت و نگهداری اسناد به منبع زیر مراجعه شود: Takahashi 1996; Hosaka 2003; Tomiyoshi 2008; Mitsuno et al, 2008

2. Archives gaku

۳. انتقاد واتانابه این است که مطالعات

نگارنده بیش از حد به دنبال منشأ

سیستم آرشیو امروزی است. نظامی که

شامل مراحل سه‌گانه سند جاری (در

حال استفاده در اداره مربوط)، سند

نیمه‌جاری (بایگانی‌شده) و در نهایت

راکد (آرشیو کردن) است. با توجه به

نظر محققان حوزه تاریخ که هم برای

شکل اولیه موضوع و هم برای تغییر

شکل آن در طی زمان اهمیت قائل‌اند

پذیرفتن نظر نگارنده آسان نخواهد بود.

انتقاد آقای واتانابه این است که اسناد

مربوط به هر روستا دو دسته‌اند: یکی،

اسناد مربوط به اداره کردن خود روستا؛

دیگری، اسناد مربوط به اثبات هویت

آن روستا. نگهداری این دو نوع سند را

باید جدای از هم در نظر گرفت. اما نیاز

است که تحقیق شود که این دو دسته

اسناد چگونه با هم ارتباط داشته‌اند؟

به (Watanabe, 1997) مراجعه شود.

بطوری که آقای کازوتوشی تومیوشی

گفته‌اند، «تاریخ نگهداری اسناد از نگاه

آرشیوشناسی» و «تاریخ نگهداری اسناد

از نگاه آداب و رسوم و منشأیابی» باید

با هم تلفیق شوند (Tomiyoshi ۲۰۰۸).

اما اسناد مربوط به اثبات هویت را در

همه روستاها می‌توان به‌دست آورد. در

مطالعات راجع به تاریخ نگهداری اسناد

از نگاه آرشیوشناسی این دو حوزه را باید

با هم تلفیق کنیم. لذا بهتر است از عنوان

«تاریخ نگهداری اسناد از نگاه ساختار

سیستمی» استفاده کنیم.

4. Tempo

5. Kamiota-mura

6. Hayashi Kingoro

7. Edo



در واقع در میان اسناد روستاها، اسناد مربوط به مسائل دیوانی زیاد است چون «حکومت مبتنی بر اسناد» یعنی مدیریت بر پایه اسناد سبب می‌شد تا این اسناد تولید شود. برخی محققان می‌گویند از این‌رو، جامعه در دوره ادو به‌خوبی تحت سیطره حکومت بوده است. ولی این صرفاً نظریه‌ای بیش نیست. اسناد و مدارک گوناگون مثل همان اسناد عوارضات بعد از کارکرد اولیه‌ای که برای حکومت داشتند، مدتی مدید در همان روستا محفوظ می‌ماند تا دوباره به‌عنوان مستندی برای دفاع از حقوق و زندگی توسط خود رعایا مورد استناد قرار گیرند. این «تضمینی مبتنی بر اسناد» است.

۱-۲ حکومت مبتنی بر اسناد

بنا به گزارش «تمپوکيوچو»^۱ که مربوط به وضعیت روستاهای کل ممالک است، در دهه ۱۸۳۰م. شصت و سه هزار و پانصد و اندی روستا (در حدود روستاهای امروز) وجود داشته است. این روستاها منطقه به منطقه و یا روستا به روستا فرق دارند ولی میانگین محصول یک روستا، سیصد الی پانصد کُکو^۲ و تعداد خانه‌ها چهل الی شصت باب بوده است. در دوره ادو، رعایا را بر حسب واحد روستا زندگی و تولیدات محاسبه می‌کرده‌اند.

با دقت در جزئیات این روستاها متوجه می‌شویم که این روستاها همگی در یک سطح نبوده‌اند بلکه از حیث طبقات اجتماعی و سطح درآمد متفاوت بوده‌اند. البته در این روستاها به ندرت رعایایی ثروتمند با سطح زیرکشت بیشتر، خانواده فرعی، و خدمه زن و مرد هم وجود داشته‌اند. این رعایای متمول بر اساس طبقات، «اوتوناهیاکوشو»^۳ نامیده می‌شدند و از نظر اقتصادی به‌عنوان «شخص نجیب» به شمار می‌رفته‌اند. ایشان هم از نظر اقتصادی و هم از نظر طبقاتی در رأس هرم جامعه روستایی قرار داشتند. حکومت به‌واسطه آن‌ها بود که امور مربوط به اخذ عوارضات عمومی و اداره کردن رعایا را دنبال می‌کرد، این در حالی بود که رعایا خود بر یکدیگر نظارت داشتند. بنابراین یک نظام اداری داخلی روستایی مبتنی بر چنین نظارتی تشکیل شده بود تا «روستا» به‌عنوان یک «واحد حکومتی» عمل کند. در نتیجه هرچند حاکم به سبب قاعده دور نگه‌داشتن نظامیان از روستاها در آن‌جا حضور دائمی نداشت، می‌توانست از دور رعایا را زیر نظر بگیرد. این نظام، مبتنی بر نظارت حاکم بر رعایا از راه دور بود.

روستا در دوره ادو موظف بود خود نسبت به پرداخت عوارضات و خدمات گوناگون به‌طور کلی اقدام کند. اداره این نوع روستاها به نوعی «خودگردان» محسوب می‌شد. بنابراین روستاها سند موردنیاز خود را تولید، صادر و هم‌زمان، حفاظت و نگهداری می‌کردند. حاکم که خود شهرنشین بود به‌طور معمول، با روستا از طریق مکاتبه ارتباط داشت. روستای «کامی‌اوتا»^۴ی مزبور بخشی از اراضی شوگون بود که ناپیش مستقیماً بر آن روستا حکومت داشت. از آنجا که دارالحکومه

1. Tempokyocho

۲. Koku. ککوی ژاپن حدوداً ۱۸۰ لیتر است و معمولاً به میزان محصول برنج استفاده می‌شود. [مترجم]

3. Otonahyakusho



نایب در «ادو» بود در مواقع ضروری آن‌ها از طریق اسناد و مکاتبات با هم در ارتباط بودند. بنابراین، بنا بر «سیاست تکلیفی رعایا در صورت عدم حضور حاکم»، حاکم مجاز نبود مستقیماً نظر خود را بر رعایا اعمال نماید لذا در مواقع ضروری از طریق وصول و ارسال اسناد نظرات خود را اعمال می‌کرد، رعایا نیز هم. آن‌ها برای ارائه نظرات خود به حاکم می‌بایست از سند استفاده می‌کردند. در نتیجه این سیاست، حکومت، حکومتی مبتنی بر اسناد بود که در آن اسناد اهمیت زیادی داشتند. حکومت شوگون موظف کرد در کل کشور، اسناد با خط «آییه ریو»^۱ نگاشته شوند. گفتنی است یکی از محققان، نام این خط را به معنی «خط خاندان شوگون» دانسته است (Aoki, 1992).

بنابراین اگر روستا و یا رعایا سواد نداشتند و مدارک خود را حفظ نمی‌کردند امکان داشت که در یک حادثه گرفتار شوند و زیاد آسیب ببینند. در امور اقتصادی نیز همین حالت وجود داشت. به خصوص اداره کردن روستا بدون اسناد و مدارک قبلی به خوبی امکان‌پذیر نبود. بدین معنی که «حکومت مبتنی بر اسناد» به طور طبیعی از رعایا می‌خواست که به قول معروف «باید سواددار باشد» (Tanaka, 1996, p. 120)، لذا آن‌ها با سوادتر شدند. پس به سبب حکومت مبتنی بر اسناد، رعایا مجبور شدند از حروف استفاده کنند و سواد ضروری تر شد. در نتیجه افزایش سواد باعث شد که تا رعایا چاره‌ای برای گذر از چارچوب حکومت مبتنی بر اسناد پیدا کنند. فقط چنین نبود که رعایا برای مسائل حکومتی از سواد استفاده کنند بلکه با استفاده از سواد که کسب کرده بودند برای گسترش و توسعه امور اقتصادی و اجتماعی، دفاع از حقوق خود، و تولید آثار ادبی و فکری هم بهره می‌بردند.

بدین سبب، اسناد و مدارک برای انجام امور رسمی و یا مدیریت کشاورزی و یا زندگی خصوصی تولید، صادر و نگهداری می‌شد. در حال حاضر، از این نوع اسناد با عنوان «اسناد روستایی» (اسناد محلی / اسناد کدخدایی) نام برده می‌شود که در منزل کدخدایان و کارگزاران سابق روستاها باقی مانده است. احتمال می‌رود این نوع شکل‌گیری مجموعه اسناد در جهان به ندرت به دست آید. به علاوه، کیفیت و تعداد اسناد در بدو شکوفایی عصر مدرن در طول تاریخ ژاپن از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. این اسناد بر اساس رابطه عملی بین حکومت‌گر و حکومت شوندگان در بدو شکوفایی عصر مدرن به وجود آمده است.

۱-۳ افزایش تعداد اسناد بر اساس تقاضای روستای خودگردان

به دلایل زیر، کدخداها، اسناد و مدارک «روستا» را مهم می‌دانسته و حفظ می‌کرده‌اند. کدخدای روستا، کارهای زیادی داشت و هم‌زمان با این کارها، آن‌ها را به طور مجزا و با دقت ثبت و ضبط می‌کرد. کدخدا اسناد و مدارکی را که به دست می‌آورد به طور تقریبی روزانه

1. Oieryu



استنساخ می‌کرد. به‌علاوه، کارهای روزانه را ثبت می‌کرد که یادداشتی برای اداره روستا نیز محسوب می‌شد. این کتابچه را به‌طور معمول «گویوتودومه»^۱ یا «کویونیک»^۲ می‌نامیم. در نیمه دوم قرن هجدهم میلادی، روستاها یک نوع «خودگردانی» را شروع کردند. هم‌زمان با این روند اسنادی مربوط به دخل و خرج روستا و مربوط به امور گوناگون تولید می‌شد. این نتیجه افزایش کارهای عمومی رعایا و شکل‌گیری روستا به‌عنوان یک واحد اداری فعال بود (Yabuta, 1970). البته، کتابچه مربوط به عوارضات و اسناد مربوط به حکومت که از قبل وجود داشت را هم باید در نظر گرفت که به‌طور طبیعی، تعداد اسناد افزایش می‌یافت. ما بنا به تجربه می‌دانیم که بعد از نیمه دوم قرن هجدهم میلادی بیش از پیش اسناد به‌جا مانده است. این پدیده به‌خاطر توسعه خودگردان روستاها بوده که نتیجه آن افزایش تعداد نسبی اسناد شد. بنابراین، لازم شد که یک نظام رسمی برای نگهداری و تحویل اسناد به جانشین کدخدا طراحی شود (Kurushima, 1995). نتیجه آن شد که مجموعه ارزشمندی از اسناد روستاها که در دنیا بی‌نظیر است به‌وجود آید.

با به‌عهده گرفتن پرداخت عوارضات توسط خود روستا و خودگردانی اداره روستا، مدیریت مبتنی بر اسناد، توسعه یافت. توسعه و پیشرفت این نوع مدیریت، روستا را مجبور کرد که نگهداری و تحویل اسناد هدفی مهم برای روستا شود.

اسناد و دفاتر گوناگون روستا در صندوق و جعبه به‌خوبی نگهداری می‌شد و زمانی که کدخدا و ریش‌سفید روستا عوض می‌شد، فهرستی از اسناد و مدارک تهیه و بر اساس آن اسناد تحویل می‌شد. خوشبختانه، بعضی از اسناد تا امروز برجای مانده‌اند که هر یک از آن‌ها خود میراثی از روستاهای دوره ادو می‌باشد که راهی برای آشنایی با اجدادمان است.

۱-۴ دفاتر روستا

برای این که حاکم محلی بتواند بر رعایا حکومت داشته باشد، کارگزاران روستا، به‌خصوص کدخدا بسیار اهمیت داشت. کدخدا معمولاً، به‌طور روزانه وظیفه داشت اسنادی را که عبارت از دستورات و اعلامیه‌های حاکم محلی، عرایض به حاکم محلی، مذاکرات و تبادلات بین روستاها، اخبار و اطلاعات حوادث غیرمترقبه بودند استنساخ و نگهداری کند.

از میان اسناد خانواده موتوهاشی^۳ در روستای اوادا^۴، از سال هفتم تمپو (۱۸۳۶م.) الی سال بیست و هفتم میجی (۱۸۹۴م.)، هجده جلد «گویوتودومه» [(دفتر ثبت گزارشات)] وجود دارد. یکی از این گویوتودومه‌ها مربوط به سال هشتم تمپو (۱۸۳۷م.) است که عنوان آن «تمپو هاچی نن، تی‌چو، شوگاتسو گویوتودومه اوادا مورا یاگوبا»^۵ به‌معنی «دفتر ثبت گزارشات روستا در اداره روستای اوادا به‌تاریخ اولین ماه سال هشتم تمپو» است (Ibaragi-ken Ushiku-shi Owada-mura Yakuba

1. Goyotodome

2. Koyonikki

3. Motoha-shi

4. Owada-mura

5. Tempo Hachinen, Teichu Shogatsu, Goyotodome

Owada-mura Yakuba



1. (Kuno Owada, Motohashi Yoshikazu kemonjo, no. 1). در این مجلد اسنادی گوناگون به ثبت رسیده است. یکی از آن‌ها سندی است که کدخدا واسابورو^۲ نوشته است. دیگر سندی است که از طرف شوگون و حاکم محلی صادر شده است. دیگری اخباری از روستای مجاور و سندی مربوط به چاپارخانه است.

تولید اسناد و مدارک گوناگون به‌طور طبیعی، باعث می‌شد که اسناد ثبت شده روستا افزایش یابد.

بخشی از اسنادی که در همان روستا تولید و نگهداری شده است به‌طور رسمی محافظت می‌شد و از کدخدای سابق به جانشین وی منتقل می‌گردید. بخشی از این اسناد، دفاتر اصلی حاوی اطلاعات مربوط به اراضی و خانوارها بود و بخشی دیگر اسناد مربوط به دعاوی و منازعات. علاوه بر این، اسناد مربوط به امور روزمره و زراعی روستا بود که بر آن اساس به‌عنوان یک واحد اجتماعی مورد نیاز قرار گرفت. این نوع اسناد و مدارک، از این نظر حائز اهمیت و قابل نگهداری بودند که مردم فکر می‌کردند مصلحت روستا و رعایا به آن بستگی دارد. بنابراین، وقتی که کدخدای روستا عوض می‌شد، فهرست اسناد تحویلی را تنظیم می‌کرد و آن را به خود مجموعه می‌افزود و به نفر بعدی واگذار می‌کرد. انتقال و تحویل اسناد و مدارک در مرحله تعیین کدخدای جدید، با سفارش حاکم محلی صورت می‌پذیرفت تا اداره امور روستا مختل نشود. این موضوع نشان می‌دهد که حاکم محلی می‌خواسته انتقال اسناد بی‌اشکال صورت پذیرد تا اداره امور روستا خللی نیابد. اگرچه حاکم محلی مایل بوده که این انتقال به‌خوبی محقق شود اما قاعده نگهداری و انتقال و انواع معینی از اسناد مدنظر مشخص نبوده است. بنابر این، نقل و انتقال اسناد بنا به‌نظر خود آن روستا صورت می‌پذیرفت.

در ادامه چگونگی انتقال و تحویل اسناد را بررسی خواهد شد. به‌عنوان مثال، در اینجا گواهی‌نامه اسناد تحویلی مربوط به ماه اول از سال دهم میجی (۱۸۷۷ م.) که شامل دفاتر دوره ادو است معرفی خواهد شد (Ibaragi-ken Ushiku-shi Ushiku, Ijima Kumiko ke monjo, (No. A-1-11).

این گواهی که بعد از تغییر و تحول نظام اداره ولایات از بین سایمون کازوایشی^۳، کدخدای سابق روستای شینچی^۴ از توابع شهر اُشیکو، و چیزایمون ایجیما^۵، معاون جدید، تنظیم شده است. طرفین توافق کرده‌اند که دفاتر مربوط به امور روستا به معاون جدید انتقال یافته است. معاون جدید امور روستای شینچی را در اختیار گرفت.

دفاتری که در این گواهی‌نامه معرفی شده‌اند به قرار ذیل است:

- دفتر ثبت اراضی برنج‌کاری به تاریخ سال سوم می‌وا، یک جلد

- دفتر ثبت اراضی آبی غیربرنج‌کاری به تاریخ سال سوم می‌وا، یک جلد

۱. نگارنده در زمان نگارش تاریخ شهر اُشیکو از توابع استان ایباراگی اسناد مذکور را فهرست‌برداری و طبقه‌بندی کرده است. برای نگارش این مقاله لازم بود که شماره دستیابی آنها را بازبینی نماید. گفتنی است اسناد مذکور به کتابخانه شهرداری شهر مزبور منتقل شده بود که به آنجا مراجعه نمود. با توجه به اینکه مخزن کتابخانه فضای کافی برای نگهداری این مجموعه را نداشت از آنها موقتاً در ساختمان یک دبستان متروکه نگهداری می‌شود. بعد از نوشتن تاریخ آن شهر، از آن اسناد بطور منظم نگهداری می‌شد. بطوری که بی‌معطلی و به سرعت امکانات رؤیت و استفاده از آنها میسر شد. از این بابت لازم است از مسؤولان ذیربط تشکر نمایم.

2. Nanushi Wasaburo

3. Sa'emon Kazuishi

4. Shinchī-mura

5. Chiza'emon Ijima



- دفتر ثبت اسامی مالکین اراضی آبی غیربرنج کاری به تاریخ سال پنجم میجی، یک جلد
 - دفتر ثبت مساحت اراضی برنجکار و آبی غیربرنج کار به تاریخ سال پنجم میجی، یک جلد
 - دفترچه ثبت عوارضات دیوانی به تاریخ سال پنجم میجی، دو جلد
 - دفترچه وصول مالیات دیوانی به تاریخ سال نهم میجی، سه جلد
 - دفتر ثبت مساحت روستا، چهار جلد
 - نقشه روستا، یک ورق
 - دفتر طبقات اجتماعی روستا، چهار جلد
 - دفتر سرشماری خانوار روستا به تاریخ سال نهم میجی، یک جلد
 - دفتر کاهش و افزایش ماهانه درآمد روستا به تاریخ سال نهم میجی، سیزده جلد
 - دفتر امور مربوط به خانوارها به تاریخ سال نهم میجی، نه جلد
- کلیه اسناد و مدارکی که در آن وقت تحویل و دریافت شد، چهل جلد و یک ورق بود که اکثر آن‌ها مربوط به اراضی و عوارضات، به علاوه، دفاتر مربوط به خانوارها بود.

۱-۵ عمومی کردن اسناد و مدارک

در سال هجدهم «کانائی» برابر با سال ۱۶۴۱ م. است که حکومت شوگون «قانون روستا» را تصویب کرد. ماده یازدهم این قانون درباره طرز تهیه دفاتر مربوط به عوارضات روستا توسط کدخدا است. طی این ماده رعایای ملاک ملزم شده‌اند آن دفتر را تصدیق کنند. هدف از تصویب چنین قانونی این بود که از اختیارات کدخدا بکاهد و با موافقت رعایای ملاک عوارضات پرداخت شود. هم‌زمان لازم بود که کدخدا از دفاتر حفاظت و نگهداری کرده و به موقع آن‌ها را ارائه کند.

اسناد و مدارک روستا به‌خصوص اسناد مربوط به عوارض و خدمات، از سر ضرورت می‌یافت عمومی شوند. البته بمانند امروز به‌صورت قانون مدون در نیامد. ولی از ابتدای دوره ادو بود که قانون حکومت شوگون مربوط به امور روستا، تولید و حفاظت و عمومی کردن اسناد و مدارک تهیه و تدوین شد (Hosaka, 1991). با وجود این، در اجرا، لازم‌الاجرا نبود. به عبارت دیگر، کدخدا بنا به‌نظر خود سند را عمومی نمی‌کرد بلکه بنا بر ضرورت و حسب مطالبه غیر سند موردنیاز آن‌ها را ارائه می‌کرد.

علاوه بر این، معلوم نبود که کدخدا سند مطالبه‌ای را ارائه بکند. زیرا اگر کسی از رشوه‌خواری و تعدی کدخدا شکایتی داشت در دسترس نبودن اسناد مورد اعتراض واقع می‌شد و توقع این بود که اسناد عمومی شوند. می‌توان گفت که این طرز مطالبه اسناد خود روالی شایع در زمان دعوای رعایا بود. به‌عنوان نمونه، در ادامه به ماجرای از این دست می‌پردازم. در



سال هشتم تمپو/۱۸۳۷م. در روستای کامیگو تسوبو^۱ از توابع روستای کونو^۲، واقع در منطقه کونو در شهر اُشیکو کنونی، شکایتی در خصوص سوءاستفاده از امور عوارضات این روستا مطرح شد. یکی از رعایا به نام گوئمون^۳ به دولتخانه حاکم سکی‌یادو^۴، در ادو شکایت برد (Ibaragi-ken Ushiku-shi Kuno, Motohashi Kenju ke monjo, no. Hi-5-32). بر اساس این عریضه، ایچی امون^۵، کارگزار امور عوارضات، بیش از حد، تقاضای مالیات داشته است. بنابر این تقاضا کرد که مالیات مذکور را اصلاح کند. ولی کارگزار مذکور به این خواسته توجه نکرد. از این رو او از دولتخانه مذکور تقاضا می‌کند دفتر عوارضات و غیره را ارائه کرده تا با بررسی آن سوءاستفاده کارگزار مذکور آشکار شود. هرچند نتیجه این دعوا مشخص نیست با وجود این، به احتمال زیاد عمومی کردن و بررسی اسناد مربوط بر طبق درخواست شاکی به‌خوبی محقق شده باشد. در روستای کوساکا^۶، از توابع اُشیکو کنونی، نیز دعوای رعایای روستا بر سر امور مالی کدخدا به مدت چند سال ادامه داشته است. بنا به صلح‌نامه‌ای^۷ مورخه سال دوم کان‌سئی^۸ (۱۷۹۰م.) که بین روستاییان تنظیم شده است، در این روستا سه دفتر گزارش شده داشته است: یکی «دفتر معاملات اراضی برنج‌کاری و غیربرنج‌کاری و موات»، دو دیگر «دفتر پرداخت بدهی‌ها»، و سه دیگر، «دفتر پرداخت سه ساله عوارضات عمومی». بر اساس بازرسی، حساب مالی سالیانه روستا تسویه شد که موردتوافق همه رعایا قرار گرفت (Ushiku-shi shiryo, p. ۳۶۵). در سال بعد (سال سوم کان‌سئی)، به دنبال این ماجرا بود که به‌طور مستقیم به وزیر ماتسودایرا سادانابو^۹ شکایت برده شد. طی بررسی صورت‌گرفته کدخدا این دعوا را ناموجه دانست و ادعا کرد دفتر امور مالی روستا خود مؤید نظر اوست (Ushiku-shi shiryo, p. ۳۶۶). لذا درمی‌یابیم که برای طرفین، عمومی کردن و بررسی اسناد و مدارک امری غیر معمول تلقی نمی‌شده و در صورت لزوم انکارناپذیر بوده است.

البته بیشتر رعایا به کدخدای خود اطمینان داشتند و امور مالی روستا را کاملاً به او واگذار کرده بودند و حتی، گه‌گاه مهر خود را به کدخدا امانت می‌دادند. ولی اگر نسبت به کدخدا سوءظنی وجود داشت عمومی کردن مدارک مربوط مطالبه می‌شد. اما اگر این مطالبه پذیرفته نمی‌شد رعایا به مقامات بالاتر مراجعه می‌کردند. بنابر این اسناد و مدارک عمومی بررسی می‌شد و ماجرا به سامان می‌رسید.

البته شوگون و حکام محلی به‌منظور ادامه‌یافتن نظام روستای خودگردان مایل نبودند آشوب‌هایی از این دست برای امور مربوط به عوارضات و مالی مطرح شود. از این رو، از قدیم‌الایام به کدخدایان دستور داده بودند که نسبت به منع سوءاستفاده و عمومی کردن اسناد مربوط دقت نظر لازم را مبذول کنند. چنانکه در سال سوم شوئوکو^{۱۰} (۱۷۱۳م.)، حکومت شوگون به نایبان طرز عمومی کردن اسناد را با تأکید یادآور شد. علاوه‌براین، در سال سوم

1. Kamigotsubo

2. Kamigotsubo

3. Kuno-mura

4. Go'emon

5. Sekiyado

6. Ichi'emon

7. Kosaka-mura

8. Naisaishomon

9. Kansei

10. Roju Matsudaira

Sadanobu

11. Shotoku



هوریکی^۱ (۱۷۵۳م.) وزیر به مستوفی‌الممالک^۲ دستور داد که بیش از پیش اسناد و مدارک را عمومی کند (Takahashi, 1996). این قبیل دستورات دلایل گوناگونی داشت، از جمله، رشد و پیشرفت رعایای مَلاک، ادعای حق خود بر اساس آگاهی از حقوق خویش، و به تبع آن افزایش دعاوی و آشوب‌های روستایی. حکومت شوگون و حکام محلی برای تسهیل موارد مذکور و ثبات نظم، لازم دانستند که عوارضات و خدماتی را که خود منشاء دعاوی و آشوب بودند به‌صورت عادلانه درآورند، به‌علاوه، برای رفع سوءظن، عمومی کردن اسناد و مدارک را افزایش دهند. بدین‌منظور، نایبان شوگون که خود در اداره امور روستا نقش داشتند، رعایای مَلاک را ملزم کردند که تعهدنامه رعایا را مبنی بر عمومی کردن اسناد مربوط به روستا تسلیم کنند تا این کار بی‌اشکال محقق شود. به‌عنوان مثال، روستای اوتا^۳ از توابع اُشیکو کنونی، در سال دهم بونسئی^۴ (۱۸۲۷م.) موقتاً در اختیار نایب شوگون قرار گرفت. دارالحکومه نایب، دستوری هشت ماده‌ای صادر کرد که بنا بر یکی از مواد آن «در مورد خرج روستا همواره احتیاط کنند و هرچه کمتر خرج کنند و بی‌دخل و تصرف محاسبات انجام گیرد تا موجبات سوءظن رعایای مَلاک را فراهم نسازد و دفتر امور مالی روستا را که توسط رعایای مَلاک تصدیق گردیده به دارالحکومه نایب تسلیم کنند» (Ibaragi-ken Ushiku-shi Kamiota, Aoyama Hideo ke monjo, no.I-25). چنین عمومی کردن دفاتر امور مالی، خود یک امری سیاسی بود. مبنای چنین سیاستی این بود که آشوب‌های روستایی به سبب سوءظن دخل و تصرف در تعیین عوارضات روستاها فزونی یافته بود.

هرچند چنین قاعده و سیاستی در مناطق تحت حکومت شوگون اجرا شد ولی اصول این سیاست، مستقیماً یا غیرمستقیم بر حکام محلی اثرگذار بود. سطح عمومی کردن اطلاعات مربوط به روستا در دوره ادو قابل قبول بوده است.

۱-۶ امحاء اسناد و مدارک در حضور رعایای مَلاک

همان‌طور که گفته شد اسناد و مدارک و دفاتر مشترک رعایا بسیار حائز اهمیت است. این نوع دفاتر مربوط به مصالح همه رعایا بود از این‌رو لازم بود که نگهداری و حفاظت از آنها با دقت بسیار انجام پذیرد. بدین‌دلیل اگر از یک دفتر استفاده نمی‌شد و لازم بود امحاء شود حضور رعایای مَلاک الزامی بود.

در ماه سوم سال دهم تمپو (۱۸۳۹م.) در روستای کاشی‌وادا^۵ از توابع اُشیکو، رعایا مَلاک حضور یافتند و توافق ذیل را تصدیق کردند. این توافق‌نامه که طی آن امحاء اسناد پذیرفته شده، «کاشیوادا مورا سوهایکوشو تاچی‌آیی چوبارایی»^۶ نام دارد که توسط پنجاه و پنج نفر از رعایای مَلاک امضا و تصدیق شده است (Ibaragi-ken Ushiku-shi Kashiwada, Miyamoto)

- 1.Horeki
- 2.Kanjo Bugyo
- 3.Ota-mura
- 4.Bunsei
- 5.Kashiwada mura
- 6.Kashiwadamura
sohyakusho Tachiai
chobarai



(Takenori ke monjo, no.A-137). نص این سند چنین است:

«در مورد خرج سالانه، غیر از عوارضات حکومتی و نایب، با حضور رعایای مَلاک و کارگزار با دقت دفتر امور مالی روستا بررسی شد. سر موئی مبلغی زاید هزینه نشده است. پس رعایای بزرگ و کوچک برای امحاء دفاتر آن‌ها را با دقت بررسی کردند و همه متفق‌القول شدند که آن دفاتر را تا ماه دوازدهم امحاء کنند. رعایای مَلاک دربارهٔ امحاء، آگاهانه، این موضوع را پذیرفتند. بنابراین، بی‌شبهه‌ای می‌توان دفاتر مذکور را امحاء کرد. ما رعایای مَلاک این موضوع را امضاء کردیم.»

بر اساس این سند درمی‌یابیم که کارگزاران روستا و رعایای مَلاک محاسبات امور عوارضات و مخارج روستا را حضوری بررسی کرده‌اند و متوجه شده‌اند که هزینه‌ها مطابق ضرورت خرج شده است. بنابراین امحاء اسناد مربوط به سال گذشته امکان‌پذیر شده است.

مشخص است که این شیوهٔ رسیدگی برای پیشگیری از آشوب‌های ناشی از امور مالی روستا با نظارت رعایای مَلاک صورت گرفته است. حال سؤال این است که این نظام نظارت فقط منحصر به روستای کاشی‌وادا بوده است یا نه؟ تا جایی که ما اطلاع داریم نمونهٔ دیگری هنوز گزارش نشده است. ولی به احتمال زیاد این شیوه رواج داشته است. اگر این شیوه، منحصر به کاشی‌وادا باشد چرا در این روستا اجرا شده است؟ آیا این امر ناشی از بروز آشوب امور مالی در این روستا نبوده است؟ آیا برای پیشگیری از این نوع آشوب این روش وضع نشده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها باید در آینده تلاش کنیم.

به هر حال، ما فکر می‌کنیم که به‌جای امحاء اسناد مربوط در هر سال بهتر است که آن را تا چندین سال حفظ کنند ولی چنین توقعی امروزی است. در دورهٔ ادو کاغذ به نسبت گران بود. بدین‌خاطر دوباره، از ظهر اوراق دفاتر باطله استفاده می‌کردند. یا حتی اوراق باطله را بازیافت می‌کردند. در مجموع اوراق باطله با قیمت قابل توجهی به فروش می‌رسید. درآمد حاصله جزو امور مالی مشترک رعایا محسوب می‌شد. از این‌رو برای امحاء دفاتر باطله حضور رعایای مَلاک و تصدیق آن‌ها الزامی بود.

۲- ساختار جامعهٔ محلی در بدو شکوفایی عصر مدرن و نگاه‌داری اسناد

۲-۱ ساختار جامعهٔ محلی در بدو شکوفایی عصر مدرن و اسناد: حین رشد

جامعهٔ محلی

«نظام حکومت شوگون و حاکم محلی» در حین روند تحولات قرون وسطی تا بدو شکوفایی عصر مدرن به وجود آمد. پایه‌های این نظام یک واحد اجتماعی یعنی شهر و روستاهای خودگردان و خودمختاری بود که در دورهٔ فترت شکل گرفته بودند (Katsumata, 1979). هرچند این نظام



مبتنی بر عدالت و شفاف‌سازی بود ولی برای آن شروط و محدودیت‌هایی قائل می‌شد. این نظام دو قرن و نیم ادامه پیدا کرد. نفوذ این نظام ناشی از سخت‌گیری در مقابل بروز هرگونه اعتراض و فشار بر رعایا نبود، بلکه ناشی از مدارا، رسیدگی به دعاوی و توجه به پیشنهادات سازنده بود. تا به حال محققان نشان داده‌اند که روستا به عنوان یک واحد اجتماعی نظام اداری خودگردانی انحصاری داشته است (Mizumoto, 1987). به علاوه، می‌توان به مطالعاتی که درباره خصوصیت اداره مشترک جامعه محلی فراتر از یک روستا، نقش اتحادیه بین روستاها، ساختار فراگیر بین جوامع محلی صورت گرفته، اشاره کرد (Yabuta, 1994; Taniyama, 1992). محققان در سال‌های اخیر، علاقه مردم عادی این دوره به مسائل سیاسی کنکاش کرده‌اند (Mizumoto, 1993). بنابر آنچه گفته شده بعد از قرن هجدهم میلادی نظرات مردم عادی، بر شوگون‌ها و حکام محلی اثرگذار بوده است به طوری که آن‌ها نمی‌توانسته‌اند با نادیده گرفتن نظرات مردم، مسائل سیاسی را اجرا کنند (Hirakawa, 1996). پس نظرات مردم بر امور مؤثر بوده است. هر از گاهی، رعایا با پیشنهادهای سیاسی در امور سیاسی مشارکت می‌کردند. آخرین مطالعات نشان داده‌اند که برای طرح و به اجرا درآوردن یک سیاست سرنوشت‌ساز نیاز بود که میان طبقات مختلف شامل حکومت‌گران و حکومت‌شوندگان «توافقی» وجود داشته باشد (Yamamuro, 2011; Ito, 2011; Imamura, 2011).

همان رشد جامعه محلی بر شیوه و وضع حکومت شوگون و حاکم محلی تأثیر گذاشت و خود جامعه محلی هم دوباره از آن اثر گرفت. این‌طور بود که در مقطع بدو شکوفایی عصر مدرن، بین آن‌ها یک تبادل به وجود آمد (Fukaya, 2000).

به هر حال، می‌گویند رشد و توسعه ساختار اداری جامعه خودگردان محلی به بدو شکوفایی عصر مدرن اختصاص دارد. از این‌رو این رشد ساختار اداری در اصل، بر حفاظت و نگهداری اسناد تأثیر گذاشته است (Kurushima, 1995) و رشد و توسعه بیشتر اقتصادی و اجتماعی، گسترش سیاست حکومت شوگون و حکام محلی را به دنبال داشت، چون حکومت آن‌ها به عنوان یک «میانجی و مصلح» در امور و مسائل اجتماعی گوناگون بیش از پیش نقش داشته است. این موضوع سبب شد که تولید و صدور اسناد در دارالحکومه آن‌ها افزایش یابد (Ofuji, 2003).

این گونه تغییرات به طور طبیعی شیوه حکومت شوگون و حکام محلی را دگرگون می‌کرد. امور سیاسی که در آغاز در اختیار برخی افراد عالی‌رتبه بود به مرور در اختیار گروه‌های بروکراتیکی قرار گرفت که افراد عالی‌رتبه را هم شامل می‌شد. می‌توان گفت که این تغییر نظام حکومت از عدالت و ادامه حکومت ناشی می‌شد. این نظام جدید حکومتی، تغییر رویه حفاظت و نگهداری اسناد را به دنبال داشت.



حکومت شوگون در دوره اصلاحات کیوهو^۱، که در نیمه نخست قرن هجدهم میلادی رخ داد، با بازنگری در ساختار دفتر محاسبات، نظام نگهداری اسناد را پایه‌ریزی کرد. چنین اقدامی برای پایه‌گذاری نظام جدید حکومتی ضرورت داشت لذا حول محور هدف‌دهی عقلایی مبتنی بر قانون و منشیان صورت می‌پذیرفت (Oishi, 2003).

اصلاح شیوه ثبت اسناد و مدارک در حکومت فوکوآکا^۲ زمینه‌ساز یکسان‌سازی شیوه اجرای حکومت مبتنی بر قانون بود، همان‌طور که پیش از این حکومت شوگون عمل کرده بود. در واقع شیوه نگهداری اسناد و مدارک این بود که در هر یک از دفاتر دارالحکومه، اسناد همان دفتر نگهداری می‌شد. این شیوه بدین دلیل ایجاد شد تا جستجو و دستیابی اسنادی که روز به روز افزایش می‌یافت ممکن شود. برای اجرای حکومت منظم مبتنی بر قانون و ساختار اداری، لازم بود که هم‌زمان قوانین و نظام اداری ایجاد شود و همواره سوابق قابل‌بازبینی باشد. برای حل این مسئله اصلاح شیوه نگهداری اسناد و تنظیم مدارک در دستور کار قرار گرفت (Eto Eto, 1988; Fukuoka-shi, 2011).

به دنبال تحول اجتماعی یعنی رشد جامعه، هم حکومت شوگون و هم حکومت فوکوآکا می‌بایست قانون و ساختار اداری جدید را وضع می‌کردند، این نظام بر پایه تولید و نگهداری اسناد شکل گرفت که خود هدف اصلی این حکومت‌ها بود.

به‌خاطر توسعه ساختار اداری در حوزه‌های گوناگون بیش از پیش مدیریت بر پایه اسناد بر همه امور تأثیرگذار شد. گسترش روابط و ارتباط میان روستا، اتحاد روستاها، منطقه، دارالحکومه‌های حکام، همه از طریق اسناد امکان‌پذیر می‌شد که خود اسناد بیشتری را تولید می‌کردند و هم‌زمان یک شیوه جدید برای نگهداری و بازبینی اسناد را اقتضا می‌کرد.

چنان‌که تحولات جامعه و شیوه حکومت‌گری نیز بر یکدیگر اثر می‌گذارند. این امر خود سوءاستفاده از قدرت و سیاست ناهم‌سان را می‌زدود و عدالت، پایداری، و تداوم حکومت را ممکن می‌کرد. در نتیجه برای حفظ کیفیت عملکرد حکومت، نیازمند به نگهداری و دستیابی به اسناد افزایش می‌یافت. لذا حفظ و نگهداری و استفاده از اسناد یک هدف مشترک برای جامعه شد.

۲-۲ «عملکرد اداری» و نگهداری اسناد در جامعه منطقه تحت حکومت کوماموتو^۳

تحقق حکومت فراگیر و دائمی مبتنی بر قانون و منشیان و مستوفیان هدف این دوره بود. به‌علاوه، اینکه بر اساس عدالت و انصاف به‌طور کارآمدی باید اداره می‌شد. برای انجام این کارها لازم بود که اسناد و مدارک و سوابق در دسترس و به‌طور مشترک قابل‌دستیابی باشد.

1. Kyoho

2. Fukuoka Han

3. Kumamoto Han



بنابراین، در مورد حکومت کوماموتو که تحقیقات قابل توجهی صورت گرفته است راجع به حفظ و نگهداری اسناد و رابطه آن با حکومت را مورد بررسی قرار خواهیم داد (Inaba, 2007; Yoshimura, 2010a; Yoshimura, 2010b; Yoshimura, 2010c; Misawa, 2011; Imamura, 2011a; Imamura, 2011b).

روستاهای منطقه تحت حکومت کوماموتو از نیمه دوم قرن هجدهم میلادی به بعد در مواقع تصمیم‌گیرهای منطقه خود نقش داشتند و از طریق اسناد با حکومت و دارالحکومه گفتگو می‌کردند و در اجرای سیاست مشارکت می‌ورزیدند. جامعه محلی برای رفع مشکلات به دارالحکومه عرایض و مطالبات گوناگون یا پیشنهادهای خود را با تکمیل یک فرم از پیش طراحی شده ارائه می‌کرد. شعبه دارالحکومه این عریضه‌ها را از طریق «یک واحد اداری منطقه‌ای» یا «تاناگا»^۱ و «نایب منطقه» یا «گوندای»^۲ دریافت می‌کرد و آن‌ها را با نظر پیشنهادی خود کتباً به دفترخانه شعبه ارسال می‌کرد تا رسیدگی شود. در آن‌جا پاسخ اولیه تهیه می‌شد تا مسئول مربوطه در آن خصوص تصمیم‌گیری کند. پاسخ مذکور با تأیید این مسئول به گوندای ارسال می‌شد تا به تاناگا ارائه شود. در صورت پذیرش تاناگا بود که به صورت یک سیاست رسمی حکومت اجراء می‌شد. در ساختار حکومتی کوماموتو، نظام رسیدگی تاناگا در نیمه دوم قرن هجدهم میلادی تأسیس شد و از اوایل قرن نوزدهم میلادی به بعد مبنای سیاست محلی آن حکومت قرار گرفت.

علاوه بر این، در اواسط قرن هجدهم میلادی رویه بازرسی عملکرد کدخدا و کارگزاران روستا به وجود آمد. این نظام نشان می‌دهد که کدخدا و کارگزاران روستا جنبه اداری پیدا کرده بودند. با بررسی عرایض کدخدا و نایبان حکام مشخص می‌شود که «دفتر انتخابات» دارالحکومه عملکرد آن‌ها را بازرسی می‌کرده است. بر اساس این بازرسی انعام، جابه‌جایی و عزل کارگزاران تعیین می‌شد. در نتیجه جابه‌جایی کدخدا به طور مکرر انجام می‌شد (Yoshimura, 2001; Yoshimura, 2009). این نظام بازرسی شیوه‌ای بود که تاناگا نظرات رعایا را برای انتخاب کارگزاران روستا و کدخدا مهم تلقی می‌کرد. بنابراین، به دلیل وجود چنین شیوه‌ای بود که کدخدا در راستای منافع منطقه تاناگا تلاش خود را آغاز می‌کرد.

با آن‌که کدخدا در اصل، رعیت و کارگزاری اداری بود هم‌زمان منافع منطقه‌ای را هم دنبال می‌کرد. با محوریت او و کارگزارانش، تاناگا مصالح جامعه محلی را سامان می‌داد و برای کسب منافع مشترک کارهای عام‌المنفعه را پیشنهاد می‌کرد و بر طبق ضوابط به دارالحکومه ارائه می‌داد. نظامی حکومتی تشکیل شده بود که این پیشنهادها را در دارالحکومه بررسی می‌کرد و به عنوان یک سیاست محلی کوماموتو به اجرا می‌گذاشت. علاوه بر این، اگر تاناگا نمی‌توانست سیاست «هان» را بپذیرد چندین بار، تبادل اسناد به منظور اصلاح پیشنهاد انجام می‌شد تا

1. Tenaga

2. Gundai



بالاخره آن پیشنهاد پذیرفته می‌شد.

به دلیل شیوه حکومت‌گری دارالحکومه کوماموتو که عرایض و پیشنهادهای جامعه محلی را می‌پذیرفت تعداد عرایض به دفتر امور اجتماعی افزایش یافت. در قرن نوزدهم میلادی در منطقه تحت حکومت کوماموتو برگه‌ای از پیش طراحی‌شده به انضمام سند پیشنهادی دارالحکومه، بررسی و نهایی می‌شد و اسناد مرتبط برای نیازهای آتی به همان شکل حفظ می‌شد. این طرز نگهداری اسناد در دارالحکومه کوماموتو برقرار شد. نظام اداری مبتنی بر اسناد بین جامعه محلی و دارالحکومه و بین جوامع محلی پیشرفت کرد که خود سبب شد تا تعداد اسنادی که در جوامع محلی و دارالحکومه تولید و نگهداری و حفاظت می‌شد، زیاده‌تر شود (Yoshimura, 2008). بنابراین، خود جامعه محلی یک شیوه نگهداری و انتقال و تحویل اسناد به وجود آورد و هم‌زمان در دارالحکومه کوماموتو بخش مخصوصی برای اسناد تأسیس شد که نگهداری و بازپایی اسناد را به‌خوبی سازماندهی می‌کرد. در واقع، از نیمه دوم دوره ادو به بعد، در آنجا یک معاونت پرمشغله مبتنی بر یک شیوه چرخه حیات برای اسناد و مدارک ایجاد شد و یک کارگزار دفاتر^۱ که مسئول نگهداری اسناد بود، اضافه شد. او از معاونت‌های مختلف اسناد و مدارک را تحویل می‌گرفت و در مخزنی به اسم «اکورا»^۲ نگهداری می‌کرد. وی مسئول این امور بود (Takahashi, 2008).

این طرز نگهداری اسناد نه تنها در دارالحکومه کوماموتو و منطقه تحت حکومت آن اجرا می‌شد بلکه با تفاوت‌هایی در دیگر مناطق مربوط نیز در بدو شکوفایی عصر مدرن وجود داشت. به‌نظر می‌رسد این خود یکی از عناصر مدرنیزاسیون جامعه ژاپن و شکل‌گیری دولت مدرن بوده باشد.

۳-تداوم و تحول در عصر مدرن

در مجموع در بدو شکوفایی عصر مدرن، درکی مشترک وجود داشت که سند موردنیاز را تولید، نگهداری و حفاظت و تا سطح مشخصی آن را عمومی می‌کرد. هر ساختار اداری و هر طبقه اجتماعی برای نگهداری اسنادش، سبکی منحصر برای خود داشت. برای محقق کردن «حکومت مبتنی بر اسناد» و «تضمینی مبتنی بر اسناد»، نگهداری از اسناد یک درک مشترک بود. بر اساس این ادراک، شیوه و سبک‌های مختلفی وجود داشت. این وضعیت نگهداری اسناد در بدو شکوفایی دوره مدرن در ژاپن بود.

در جامعه روستایی تحولی بر اساس منطق عمومی کردن اسناد روستایی، به‌طور کلی، مشترک‌سازی اسناد روستایی رخ داد. یعنی تحولی از «اسناد خانواده» مشخص رعایای پیشتاز آبادگر^۳ به «اسناد روستا» الی «اسناد مشترک روستا» صورت پذیرفت. در اصل، این گونه اسناد

1. Shochogata

2. Okura

3. Kusawake hyakusho



مشترک روستا بر حسب خواهرش رعایا می‌بایست عمومی شده باشد. این موضوع سبب شد تا در این دوره حفظ و نگهداری اسناد در جامعه روستایی نظم و سازماندهی یابد. در نتیجه سطح عمومی شدن اسناد نگهداری شده فزونی یافت (Takahashi, 1996).

اما این نظام در دوره مدرن تداوم یافت و یا نه؟ در این خصوص دو دیدگاه مطرح شده است. بر اساس دیدگاه نخست، این نظام در دوره مدرن متوقف شد (Ofuji 1990). اما بنا به دیدگاه دیگر، نمی‌توانیم بگوییم که این نظام متوقف شده است (Otomo, 1992). نگارنده در مقاله (Takahashi, 1996) موضوع را چنین تبیین کرده است که به اختصار از این قرار است:

«یک اجماع عمومی وجود داشت مبنی بر این که اسناد متعلق به روستا و اسناد مربوط به کارگزاران، عمومی و مشترک بود، پس نگهداری از آن‌ها ضرورت داشت. از این نظر بین بدو شکوفایی عصر مدرن با خود دوره مدرن یک پیوستگی وجود دارد. بدین معنی که نمی‌توان گفت که اصل نظام و اصول تفکر تا حدودی به دوره میجی منتقل نشده است. از آن‌جا که زمان زیادی سپری نشده بود، لذا طرز نگهداری اسناد یک تشکیلات و یا گروه آن چنان دگرگون نشده بود. بین اسناد روستا با اسناد کدخدای موروثی تمایز وجود نداشت، حتی بین مسائل رسمی با مسائل شخصی هم این دیدگاه وجود داشت. اما دولت جدید میجی با شعار مدرنیزاسیون کشور تلاش داشت که بین این اسناد و مسائل تمایز قائل شود. دولت جدید، به‌خصوص، قصد داشت در زمانی کوتاه به این امر دست زند. در اعلامیه‌های صادره از دولت آن‌ها بر از بین بردن مسائل شخصی به شدت پافشاری داشتند. به‌علاوه، دولت میجی روشی را که برای نگهداری اسناد وضع کرد ابتدایی بود. یعنی فقط اسنادی باید حفظ می‌شدند که در نظام جاری اداری بدان آن‌ها نیاز بود، مابقی، امحاشدنی می‌بودند. این شیوه جدید با شیوه قدیم، که گاهی کارگزاران روستا و خانواده‌های متنفذ اسناد را مورد دخل و تصرف قرار می‌دادند، تفاوت‌های چشمگیری داشت. تعداد اسناد تحویلی و انتقالی در دوره میجی کم شد. زیرا مراجعه به دفاتر مربوط به دوره ادو کاهش یافت. اوایل دوره میجی زمان منسوخ کردن تشکیلات قدیم و نوسازی تشکیلات جدید بود. در این دوره که «دوره شناخت خود» نام دارد دولت میجی برای شناخت جنبه‌های گوناگون خود به روستاها و مناطق، با شتاب دستوراتی صادر کرد. استان‌ها نیز رویه مشابهی داشتند. بر این اساس دفاتر جدید با سرعت تهیه شدند و بدین‌خاطر مراجعه به دفاتر قدیمی، به نسبت گذشته از بین رفت. بنابراین اگر نیازی هم بود بسیار کوتاه مدت بود.

اگر بخواهم بیشتر توضیح دهم باید بگویم یکی از عوامل تأثیرگذار این بود که بر اساس تفاوت اصول مملکت‌داری سند تولید شده با سند موردنیاز در مقایسه با دوره قبل اندک‌اندک تفاوت پیدا کرد. به‌عنوان مثال، در دوره میجی در پرداخت مالیات تحولی رخ داد. در دوره قبل

مبنای واحد پرداخت روستا بود، اما در دوره جدید افراد بر حسب مالکیت شخصی مالیات خود را پرداخت می‌کردند. به خاطر تحولاتی از این دست بود که نوع اسناد روستا هم متحول شد. به‌هرحال شیوه نگه‌داری اسناد اداری در دوره میجی مثل اسناد روستایی دوره قبل مبهم نبود. تشکیلات اداری که با سرعت در حال اجرای مدرنیزاسیون بودند هرچه را نیاز نداشت نگه نمی‌داشت. در عوض آنچه را نیاز داشت، مشخص می‌کرد، نگه‌داری می‌کرد و انتقال می‌داد.^۱ نگارنده همچنان به نظرات خود پای‌بند است. ولی لازم است این موضوع به‌صورت گسترده‌تر موردبررسی قرار گیرد. در اینجا به‌عنوان نمونه، موردی ارائه خواهد شد که نشان می‌دهد تفکر عمومی کردن اسناد دگرگون شده بود.

سطح دسترسی عمومی به اسناد از ۱۸۸۰م. به بعد به کلی تغییر کرد. تا قبل از این سال، اصلاحات اوایل دوره میجی تحقق یافته بود. بعد از سال ۱۸۸۰م. نظام اداره ولایت دگرگون شد. با گسترش حوزه اختیارات اداره محلی و اصلاح نظام، از این پس نگه‌داری اسناد از «اسناد کل روستا» به «اسناد اداره‌جات» تغییر یافت. نمونه خاصی در این خصوص وجود دارد که به ماجرای مربوط می‌شود که در سال هفدهم میجی (۱۸۸۴م.) در دفتر کدخدای روستای تامازوکوری^۲، شهر اوبوکاتا^۳ از توابع ایباراگی کنونی، به‌دنبال عمومی کردن اسناد رخ داده است (Ibaragi-ken Ubukata-shi Tamazukuri, Oba ke monjo, A 624, A625). متن سند به قرار زیر است:

اخبارنامه

در روز سی‌ام ماه نهم سال هفدهم میجی وقتی که این جانب در دفتر اداری کدخدای تامازوکوری حضور داشت در ساعت نه صبح آن روز بود که مردی به نام هایاتو موتوجی^۴ ما از اهالی همان روستا آمد و از کدخدا خواهش کرد که صورت‌جلسه را نشان بدهید. کدخدا پاسخ داد که به خاطر گرفتاری کارهای اداری فرصت چنین کاری ندارم. هایاتو با تندی گفت: اگر نمی‌توانی به تقاضای مردم رسیدگی کنی کدخدا نیستی. پس استعفا بده. چه بخواهی چه نخواهی من آن را سند را بالاخره خواهیم دید. چرا آن را به من نشان نمی‌دهی؟ علتش را بگو؟ کدخدا جواب داد: بنا به حقی که دارم تشخیص می‌دهم که قابل ارائه کردن نیست. هایاتو گفت: من فکر نمی‌کنم کدخدا هم چنین حقی داشته باشد. ظاهراً خودتان را نایب دادستان می‌دانید. این‌جا معاون کلانتر داریم. هیچ‌کس شما را به‌عنوان دادستان نمی‌شناسد. هایاتو همان وقت مدارکی را که کدخدا تازه نوشته بود برداشت. کدخدا آن مدارک را از دست او کشید. هایاتو گفت: چرا شما سند را نمی‌دهی، شاید چون دزدی و از مردم مالیات زیادی می‌گیری؟ تا وقتی که سند را نبینم همین‌جا هستم. هایاتو با خشم به او نزدیک شد و پشت سر هم می‌گفت:

1. Tamazukuri-mura
2. Ubukata-shi
3. Motojima, Hayato



سند را بده. سند را بده. و کدخدا گفت: ممکن نیست. هایتو داد زد و گفت: اینجا را به آتش می‌کشم. کدخدا ساکت ماند و هیچ نگفت. هایتو گفت: شما لالی یا کری؟ هایتو به طرف کارمند دفتر به اسم سی‌نوسکه واکامیزو^۱ رفت و گفت: تو منشی هستی؟ کدخدا که گفت دفتر را نشان نمی‌دهم پس تو این کار را بکن. سی‌نوسکه جواب داد: من مستخدمم اجازه چنین کاری ندارم. هایتو به طرف کارمند دیگری به نام ناویوکی سوگای^۲ رفت و به او گفت که شما هم مستخدمی؟ او نیز جواب داد: بله. هایتو گفت بنابراین بالاخره آن را خواهیم دید و رفت.

حقیقت

این جانب ایسابورو اوبا^۳ کدخدا به عنوان مدعی اعلام می‌دارد مدعی‌علیه، هایتو ناری‌شیمای [کذا]، ساعت نه صبح روز سی‌ام ماه نهم همان سال ناگهان به دفتر من آمد و به من گفت که کل صورت جلسه شورای روستا را نشان بده. این جانب پاسخ داد که به سبب گرفتاری کاری فرصت این کار را ندارم. مدعی‌علیه گفت: گرفتاری کار شما چیست؟ من چیزی که نیاز ندارم نمی‌خواهم ببینم. مدرک مورد نیاز مردم را باید نشان بدهی. تو کار کدخدا را بلد نیستی؟ اگر نمی‌دانی برای تو توضیح بدهم. چه بخوای چه نخواهی من آن را سند را بالاخره می‌بینم. زودباش همین الان نشان بده. بعد با عصبانیت به طرف من آمد و داد زد و گفت: چرا الان آن را نشان نمی‌دهی؟ علتش را بگو؟ گفتم: بنا به حقی که دارم تشخیص می‌دهم که قابل ارائه کردن نیست. مدعی‌علیه گفت: حق چیست؟ کدخدا هم چنین حقی ندارد. تو خودت را نایب دادستان می‌دانی؟ اینجا معاون کلانتر داریم. هیچ‌کس شما را به عنوان نایب دادستان نمی‌شناسد. آن زمان این جانب داشتم پاسخ عریضه آقای جیسوکه سایتو^۴، از اهالی روستای تاماسوکوری، را می‌نوشتیم. مدعی‌علیه به‌طور زنده‌ای آن سند را از زیر دست من کشید. این جانب به زور از او پس گرفتم. مدعی‌علیه به‌طور توهین‌آمیز گفت: کدخدا، به خاطر اینکه تو دزدی و از مردم مالیات زیادی می‌گیری، سند و مدرک را نشان نمی‌دهی؟ تا وقتی که سند را نبینم همین‌جا هستم و هزینه‌های این‌جا ماندنم را کدخدا می‌دهد. این جانب پاسخ دادم که نمی‌توانم به شما نشان دهم. مدعی‌علیه داد زد و گفت: این‌جا را به آتش می‌کشم. تو نباید اینطور حرف بزنی. زودباش نشان بده. نشان بده. این جانب سکوت کردم و هیچ نگفتم. مدعی‌علیه به‌طور توهین‌آمیز گفت: لالی یا کری؟ یالا نشان بده. مدعی‌علیه ادامه داد: بنابراین بالاخره آن را خواهیم دید. مدعی‌علیه با این کلمات به این جانب توهین کرد.

شهادت کتبی شهود

شهادت کتبی سی‌نوسکه واکامیزو و چهار نفر که وقتی که مدعی‌علیه، هایتو ناری‌شیمای، به

1. Wakamizu, Seinoseke

2. Sugai, Na'oyuki

3. Oba, Isaburo

4. Sayato, Jisuke



کدخدا توهین کرد در دفتر کدخدا حاضر بوده‌اند.

بر اساس حقیقت بالا و شهادت کتبی، رفتار مدعی علیه بنا به ماده ۱۴۱ قانون جزا، جرم محسوب می‌شود و بر اساس ماده ۹۳ قانون رسیدگی به جرایم از دادگاه تقاضا دارد که به موضوع رسیدگی کند.

چنانکه ملاحظه شد در این ماجرا «یک روستایی از کدخدا خواهش کرد که صورت جلسه را ببیند اما کدخدا سر باز زد». بدین خاطر مدعی علیه عصبانی شده و می‌گوید که «آنچه مردم می‌خواهند ببینند موظفی که اجابت نمایی و با خشم به کدخدا می‌گوید: «به آتش می‌کشم» از سال هفدهم میجی (۱۸۸۴م.) نظامی وضع شد که طی آن کدخدا به طور مستقیم از طرف دولت انتخاب و تعیین می‌شد. این ماجرا چند ماه پس از وضع این نظام بوده است. از این ماجرا متوجه می‌شویم که «اسناد و مدارک مشترک روستا» به «اسناد دفتر اداری روستا» تغییر نام پیدا کرد و وضعیت عمومی کردن اسناد دگرگون و ناپدید شد و اسناد دیگر قابلیت عمومی شدن نداشتند.

دفتر کدخدا، دفتری مربوط به روستاها بود که همزمان، این دفتر با تشکیلات اداری استان و دولت هم مرتبط بود. بدین خاطر این دفتر کدخدا، اداره‌ای «وابسته» شد که دستورات مقامات عالی تر محلی و دولت را اجرا می‌کرد. بنابراین، اداره کردن جامعه محلی از «رسمی» به «دولتی» تبدیل شد. به عبارتی «رسمی» در «دولتی» ادغام شد. همزمان اسناد «رسمی»، «دولتی» شدند. در نتیجه، نظام دسترسی دچار تغییر شد بدین صورت که اسناد «دولتی» فقط در محل اداری و آن هم در انحصار کارمند ذی ربط قرار داشت.^۱

«اسناد مشترک روستا»، که «عمومی» و قابل دسترسی بود، در «انحصار» دستگاه‌های دولتی قرار گرفت. این تغییر به سادگی انجام نشد. باید عناصری گوناگون نظیر روند تحول از نظام قدرت‌های پراکنده محلی در دوره ادو به دولت مقتدر متمرکز جدید، گسترش یافتن شعبات اداری نسبت به قبل، افزایش و سرعت امور اداری، رتبه‌بندی تشکیلات اداری و افزایش امور وابسته را در مجموع در نظر بگیریم.

به نظر نگارنده نمونه‌ای که در این جا معرفی شد تحولی را که از بدو شکوفایی عصر مدرن تا دوره مدرن اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد. سوای این مورد باید از جنبه‌های مختلف روی تفکر اسناد «رسمی»، «دولتی»، طرز عمومی کردن اطلاعات، وضعیت نظام آرشیو، مراحل تشکیل آرشیو و موردی از این قبیل تحقیق کرد.

همان طور که در مقاله قبلی^۲ اشاره کرده‌ام «نیاز داریم که ارزش فرهنگی و تاریخی اسناد را که از بدو شکوفایی عصر مدرن تا دوره مدرن تولید و نگهداری شده است، درک کنیم. تا

۱. مثلاً، در دستورالعمل دفتر استان در سال بیست و هشتم میجی آمده است که «اسناد مربوط» فقط برای امور جاری اداری است و قابل ارائه به اشخاص غیر ذی ربط نخواهد بود.
2. c.f. Takahashi, 1996.

وقتی که جامعه شهروندی به خوبی گسترش پیدا نکند، نگهداری و استفاده از اسناد به خوبی انجام نخواهد شد. ژاپن که در قرن نوزدهم هنوز کشوری عقب افتاده بود طی چه برنامه‌ای توانست سیاست‌های مدرنیزاسیون را اجرا کند؟ و چگونه جامعه شهروندی را تشکیل داد؟ موارد مذکور در شکل‌دهی نگهداری اسناد و تشکیلات آرشیوی مؤثر بوده است. لازم است موضوعات مذکور در آینده بررسی شوند.

فهرست منابع

- Aoki, Michio, "Kinsei no chihomonjo to kinseishi kenkyu" *Kozaninon kinsesi* 10: *Kinseishi eno shotai*, Yuhikaku, 1992.
- Aoyama, Hideyuki and Ando, Masato (eds.) *Kirokushiryō no kanri to monjokan*, Hokkaidodai gaku toshokankokai, 1996.
- Eto, Akihiko, "Fukuoka-han ni okeru kirokushiho no kaikaku: Ho no chikuseki to horei niyoru shihai," *Seinanchiiki kenkyukai* (ed) *Seinanchiiki no shiteki kenkyu: Kinseihen*, Shibunkaku shuppan, 1988;
- Fukaya, Katsumi, *Edojidai*, Iwanami shoten, 2000.
- Hirakawa, Arata, *Hunso to seron: Kinsei minshu no seiji sanku*, Tokyodaigaku shuppankai, 1996.
- Hosaka Hiro'oki, "Murakata sodo to monjo no sakusei-kanri system: Musashi-koku Chichibu-gun Kaminaguri-mura o jirei toshite" *Gakushu'in daigaku shigakuka kiyō*, no. 6, 1991.
- Hosaka Hirooki, "Kaisetsu: Kirokushiryō no sakusei, denrai ron," *Zenkoku rekishi shi-shiryō hozonriyō kikan renraku-kyōgikai* (ed.) *Nihon no archives ron*, Iwata shoin, 2003.
- Ibaragi-ken Ubukata-shi Tamazukuri, Obakemonjo, A 624, A625.
- Ibaragi-ken Ushiku-shi Kamiota, Aoyama Hideo ke monjo, no.I-25.
- Ibaragi-ken Ushiku-shi Kamiota, Aoyama Hideo-ke monjo, No. II-11-2-1.
- Ibaragi-ken Ushiku-shi Kashiwada, Miyamoto Takenori ke monjo, no.A-137.
- Ibaragi-ken Ushiku-shi Kuno, Motohashi Kenju ke monjo, no. Hi-5-32.
- Ibaragi-ken Ushiku-shi Kuno Owada, Motohashi Yoshikazu kemonjo, no.1.
- Ibaragi-ken Ushiku-shi Ushiku, Ijima Kumiko ke monjo, no. A-1-11.



Imamura Naoki, "19 seiki no soshoyasei to chiikishakai," Imura, Hiroshi and Yoshida, Nobuyuki (ed.) *Kinsei no chiiki to chukan kenryoku*, Yamakawa shuppansha, 2011a.

Imamura, Naoki, "Kinseikoki hanryokoku no gyosei system to chiiki shakai no "seiritsu": Kumamoto-han o jirei ni," *Rekishigakukenyu*, no. 885, 2011b.

Inaba, Tsuguharu, "Nihon chuseikinseishi kenkyu ni okeru "chiikishakai ron" no shatei" *Nanakuma shigaku*, no. 8, 2007.

Ito, Akihiro "Kinsei koki no hanryokoku ni okeru shihonjungan kozo to hanzaisei" *Rekishigakukenyu* no. 885, 2011.

Katsumata, Shizuo, *Sengokuho seiritushiron*, Tokyodaigaku shuppankai, 1979.

Kimura, Motoi "Tosan to so" *Iwanamikoza nihonrekishi* 10 *Kinsei* 2, Iwanami shoten, 1975.

Kurushima, Hiroshi, "Hyakusho to murano henshitsu," *Iwanami koza nihontsushi: Kinsei* 5, no. 15, Iwanami shoten.

Misawa, Jun, "Ishin henkakuki ni okeru minsei to minshu," Meiji ishin shigakukai (ed.) *Meiji ishinshi kenkyu no ima o tou*, Yushisha, 2011.

Mitsuno, Yukinori et al. (ed.) "Hoho toshiteno kinseikomono ron," Oishi Manabu (ed.) *Kinseikomono ron: Komono system no susei to hatten*, Iwata shoin, 2008.

Mizumoto, Kuniyuko, *Kinsei kyosonjichi to gyosei*, Tokyodaigaku shuppankai, 1993.

Mizumoto, Kuniyuko, *Kinsei no murashakai to kokka*, Tokyodaigaku shuppankai, 1987.

Ofuji, Osamu, "Kinsei no shakai-soshiketai to kiroku; Kinsei monjo no tokusei to sono rekishiteki haikai," Kokubungakukenyushiryokan (ed.) *Archives no kagaku*I, Kashiwa shobo, 2003.

Ofuji, Osamu, "Kinseimonjo ron josetsu (jo)," *Shiryokankenyu kiyō*, no. 22, 1991.

Ofuji, Osamu, "Shiryō to kiroku shiryōgaku," *Kiroku to shiryō*, no. 1, 1990.

Oishi, Manabu, "Kanryo system no seibi: Ho, kanryo, komonjo," Oishi,



Manabu (ed.) *Kyohokaikaku to shakai hen'yo*. Yoshikawa kobunkan, 2003.

Otomo, Kazuo, "Kinsei shakai ni okeru monjo no kanri to monjo ninshiki: Minokoku kamogun hachiyamura o jireini," *Shiryokan kenkyukiyo*, no. 23, 1992.

Shinshu Fukuokashishi: Shiryohen kinsei 1, Ryoshu to hansei, Fukuoka-shi, 2011.

Takahashi, Minoru "Kinse ni okeru monjo no kanri to hozon," Aoyama, Hideyuki and Ando, Masato (eds.) *Kirokushiryo no kanri to monjokan*, Hokkaidodaigaku toshokankokai, 1996.

Takahashi, Minoru "Kumamoto-han monjo kanri no tokushitsu," Kokubungaku kenkyu shiryokan archives kenkyukei (ed.) *Hansei archives no kenkyu*, Iwata shoin, 2008.

Takahashi, Minoru, "Kinsei ni okeru monjo no kanri to hozon," Ando, Masato and Aoyama, Hideyuki (eds.) *Kiroku shiryo no kanri to monjokan*, Hokkaidodaigaku toshokankokai, 1996.

Takahashi, Minoru, "Kumamoto-han no monjokiroku kanri system to sono tokushitsu, no.1 and no. 2," *Kokubungaku kenkyu shiryokan kiyo archives kenkyu hen*, no. 2 and 3, 2006, 2007.

Tanaka, Kyugu (Murakami, Tadashi, ed.) *Minkan shoyo*, p. 120, Yurindo, 1996.

Taniyama, Masamichi, *Kinsei minshuundo no tenkai*, Takashina shoten.

The National Institute of Japanese Literature Archives Studies (ed.) *Chukinsei Archives no takokukan hikaku*, Iwata shoin, 2009.

Tomiyoshi, Kazutoshi, "Murakata monjo kanrishi kenkyu no genjo to kadai," Kokubungakukenkyushiryokan archives kenkyukei (ed.) *Hansei archives no kenkyu: Kinsei ni okeru monjokanri to hozon*, Iwata shoin, 2008.

Tsukamoto, Manabu, "Toshi bunka tono koryu," Tsukamoto, Manabu (ed.) *Nihon no kinse dai 8 kan: Mura noseikatsubunka*, Chuokoron sha, 1992.

Watanabe, Ko'ichi, "Jo: Nihonkinsei shiryogakukenyu no genjo to kadai," Takagi Shunsuke and Watanabe Ko'ichi (ed.) *Nihonkinsei shiryogakukenyu: Shiryokukanron enotabidachi*, Hokkaidodaigaku toshokankokai, 2000.



- Yabuta, Yutaka, *Kokuso to hyakushoikki kenkyu*, Koso shobo, 1992.
- Yabuta, Yutaka, “Kinai ni okeru bakuhansei shihai to sonraku noshotokusei” *Rekishigaku kenkyu*, Bessatsu tokushu, 1970.
- Yamamuro, Kyoko, “Oedo no tomi no sahaibun” *Nihon rekishi*, no. 763, 2011.
- Yoshimura, Toyo’o, *Hanseika no murato zaicho*, Ichinomiyacho, 2001.
- Yoshimura, Toyo’o, “Kinsei chihogyosei ni okeru hanchō bukyoku no ringisei to nosonshakai” *Kokubungaku kenkyu shiryokan archives kenkyukei* (ed.) *Hansei archives no kenkyu*, Iwata shoin, 2008.
- Yoshimura, Toyo’o, “Nihon kinsei ni okeru hyōka hoshō system to shakai shokaisō: 19 seiki kumamoto-han jūmin hyōka hoshō kiroku “chōzai” no seiritsu-hensei to tokushitsu,” Yoshimura, Toyo’o, Misawa Jun and Inaba Tsuguaki (eds.) *Kumamoto-han no chiikishakai to gyōsei: Kindaishakai keiseino kiten*, Shibunkaku shuppan, 2009.
- Yoshimura, Toyo’o, “Hansei kaikakuzō no saikochiku,” *Rekishihoron*, no, 707, 2010a.
- Yoshimura, Toyo’o, “Edojidaini umareta “nihon no kindai,”” Kumamotodaigaku bungakubu kenkyusokushin chiikirenkei iinkai (ed.) *Ekkyosuru seishin to gakusaiteki shiko*, Kumamoto shuppanbunkakaikan, 2010b.
- Yoshimura, Toyo’o, “kindaika eno gyōseiteki kiten toshiteno horeki, an’eiki: kumamoto-han o jireini,” *Bungakubu ronso* (Kumamotodaigaku bungakubu) no. 101, 2010c.



استاندارد آرشیو ملی انگلستان برای مخازن اسنادی

آرشیو ملی انگلستان
مترجم: اعظم سادات حسینی

■ چکیده

در سال ۱۹۹۰ کمیسیون نسخ خطی تاریخی به نمایندگی از جامعه گسترده آرشیوی، برای اولین بار استاندارد را برای مخازن آرشیوی با موضوع ساختار و امور مالی، کارکنان، دریافت و آماده سازی، دسترسی، ذخیره سازی و نگهداری منتشر کرد. اداره اسناد عمومی در سال ۱۹۹۴ به طور جداگانه در کتاب، «فراسوی اداره اسناد عمومی»، راهنمایی هایی را درباره استانداردهای مخازن اسناد عمومی منتشر کرد. پس از ادغام اداره اسناد عمومی و کمیسیون نسخ خطی تاریخی در آوریل سال ۲۰۰۳ و تشکیل آرشیو ملی، قرار شد از انجام خدمات مشاوره ای و نظارتی موازی یا تکراری جلوگیری شود. به علاوه استانداردها و رهنمودهای هر دو اداره از فراگیری لازم برای مخازن عمومی و خصوصی برخوردار نبود. بالاخره در سال ۲۰۰۴ پس از مشورت با طرف های ذی نفع و با تأیید جامعه آرشیوی، استاندارد جدید آرشیو ملی برای مخازن آرشیوی منتشر شد. توصیه های این استاندارد به آرشیو داران، ادارات اسناد، کتابخانه ها، موزه ها و سایر مؤسسات اسنادی مورد مراجعه پژوهشی مربوط می شود. این استاندارد با تکیه بر استاندارد قبلی، راهکارهایی را نیز برای نگهداری از اسناد رقمی و الکترونیکی ارائه می کند.

کلیدواژه ها

جامعه آرشیوی؛ آماده سازی؛ دسترسی؛ ذخیره سازی؛ نگهداری؛
مخازن اسناد.

استاندارد آرشیو ملی انگلستان برای مخازن اسنادی^۱

آرشیو ملی انگلستان | مترجم: اعظم سادات حسینی^۲

مقدمه

در سال ۱۹۹۰ کمیسیون نسخ خطی تاریخی^۳ به نمایندگی از جامعه گسترده آرشیوی، برای اولین بار استاندارد را برای مخازن آرشیوی با موضوع ساختار و امور مالی، کارکنان، دریافت و آماده سازی، دسترسی، ذخیره سازی و نگهداری منتشر کرد. این استاندارد اطلاعاتی درباره اقدامات مناسب در مخازن عمومی، مشابه آنچه که در موزه ها مطابق با طرح ثبت کمیسیون نگارخانه ها و موزه ها انجام می شد، به دست می داد. این استاندارد پیوستی داشت حاوی مسائل مورد توافق آرشیو ملی انگلستان (اداره اسناد عمومی)، اداره اسناد اسکاتلند و کمیسیون نسخ خطی تاریخی در سال ۱۹۸۹، که بر اساس استاندارد انگلیسی «توصیه های نگهداری و نمایشگاهی اسناد آرشیوی»^۴ نوشته شده بود و برای نظارت بر مخازن اسناد رعایت می شد (این پیوست در چاپ سوم در داخل متن گنجانده شده است). از اداره کنندگان مخازن دعوت شد تا در این استاندارد مشارکت کنند که البته بسیاری به این دعوت پاسخ مثبت دادند. اداره اسناد عمومی در سال ۱۹۹۴ به طور جداگانه در کتاب، «فراسوی اداره اسناد عمومی»^۵، راهنمایی هایی را درباره استانداردهای مخازن اسناد عمومی منتشر کرد. همچنین اصول مندرج در «توصیه های نگهداری و نمایشگاهی اسناد آرشیوی» به طور خاص به واحدهای خدمات آرشیوی مسئول نگهداری این گونه اسناد (مورد تأیید رئیس مجلس اعیان) مربوط می شد.

پس از ادغام اداره اسناد عمومی و کمیسیون نسخ خطی تاریخی در آوریل سال ۲۰۰۳ و

۱. این مقاله ترجمه ای است از:

The National Archives' standard for record repositories; www.nationalarchives.gov.uk/.../archives/standard2005.pdf

۲. کارشناس اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

3. HMC

4. BS 5454

5. Beyond the PRO



تشکیل آرشیو ملی، قرار شد از انجام خدمات مشاوره‌ای و نظارتی موازی یا تکراری جلوگیری شود. به علاوه استانداردها و رهنمودهای هر دو اداره از فراگیری لازم برای مخازن عمومی و خصوصی برخوردار نبود. بالاخره در سال ۲۰۰۴ پس از مشورت با طرف‌های ذی‌نفع و با تأیید جامعه آرشیوی، استاندارد جدید آرشیو ملی برای مخازن آرشیوی منتشر شد. این استاندارد اساس کارهای مشاوره‌ای و نظارتی مخازن آرشیوی را تشکیل می‌دهد.

توصیه‌های این استاندارد به آرشیوداران، ادارات اسناد، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و سایر مؤسسات اسنادی مورد مراجعه پژوهشی مربوط می‌شود. این استاندارد با تکیه بر استاندارد قبلی، راهکارهایی را نیز برای نگهداری از اسناد رقمی و الکترونیکی ارائه می‌کند. مخازنی که سازمان‌های اداره‌کننده آن‌ها این استاندارد را قبول کنند و اصول آن را از هر نظر رعایت کنند، مورد تأیید قرار می‌گیرند. این استاندارد، شیوه‌های تأیید اداره اسناد عمومی و کمیسیون نسخ خطی تاریخی را در چارچوب قانون، هماهنگ می‌سازد.

مؤسسات اسنادی که این استاندارد را به طور کامل رعایت نکنند، ممکن است بر اساس الزامات قانونی خاص، مجاز به نگهداری برخی رده‌های اسنادی باشند، اما به عنوان مکان مناسب نگهداری اسناد آرشیوی و نسخ خطی یا اسناد تیول‌داری به رسمیت شناخته نمی‌شوند. البته بسیاری از مخازن تخصصی و خصوصی برای نگهداری اسناد آرشیوی نیازی به تأیید رسمی ندارند. آرشیو ملی آن‌ها را به رعایت و کاربرد این استاندارد ترغیب می‌کند. آرشیو ملی به همه مؤسسات دارای آرشیو، اعم از خصوصی و عمومی، که در راستای ارتقا شرایط نگهداری و دسترسی خود، مایل به رعایت این استاندارد هستند، خدمات مشاوره‌ای رایگان ارائه می‌دهد. مخازنی که این استاندارد را رعایت می‌کنند، از همه الزامات قانونی مربوط به اداره و خدمات‌رسانی بی‌نیاز نمی‌شوند. همچنین استاندارد مخازن آرشیوی جایگزین استانداردها و دستورالعمل‌های کاربردی کتابخانه‌ها و موزه‌ها از جمله الزامات کسب مجوز رسمی مندرج در «طرح و برنامه مجوز رسمی شورای آرشیو و کتابخانه موزه»^۱ در انگلستان، مصوب سال ۲۰۰۴ مربوط به موزه‌ها و نگارخانه‌ها، نیست.

استاندارد حاضر شامل مسائل مدیریت اسناد نمی‌شود؛ این موارد به طور جداگانه در استاندارد ISO 15489-1:2001، اطلاعات و مستندسازی – مدیریت اسناد به عنوان بخشی از چارچوب استانداردهای آرشیو ملی^۲ آمده است.

شرح و توضیح اصطلاحات

اصطلاحات به کار رفته در این استاندارد در زیر شرح داده شده است:

Records

1. Museum, Library and Archive Council's Accreditation Scheme for Museums in the United Kingdom: 2004.



اسناد؛ هر گونه سند آرشیوی، سند یا مستند، به صورت منفرد، ردیف یا مجموعه و در هر قالب یا روی هر حاملی.

Record repository

مخزن اسناد؛ هر اداره اسناد، کتابخانه، موزه یا سایر مؤسساتی که از اسناد نگهداری می کنند و تحت نظارت عمومی هستند (شایان ذکر است، در استاندارد ۵۴۵۴، «مخزن» یعنی فقط محل و ساختمان ذخیره سازی و نگهداری).

Finding aids

فهرست راهنما؛ کارها و آثار مرجع مثل راهنماهای کلی، فهرست ها، دفاتر ثبت یا صورت برنامه اسناد، که در آن ها اسناد به صورت مجموعه یا منفرد توصیف شده اند.

Preservation

حفظ و نگهداری؛ حفاظت و مراقبت از اسناد در برابر آسیب یا زوال.

Conservation

حفاظت و مرمت؛ کاربرد اقدامات درمانی فنی یا مرمتی برای شکل فیزیکی اسناد آسیب دیده یا زوال یافته (فاسد شده).

Professionally qualified archivists and conservators

آرشیوداران و مرمتگران حرفه ای و متخصص؛ افرادی آموزش دیده و دارای تخصص یا تجربه کافی، مورد تأیید جامعه آرشیوداران^۱ (در صورت لزوم می توان اطلاعات دقیق تر را از این مرکز به دست آورد).

بخش ۱: ساختار قانونی و امور مالی

۱-۱ هدف از ایجاد یا ابقای مخزن اسناد دستیابی به محلی دائمی با مدیریت صحیح و ضمانت های مالی محکم، برای مراقبت و نگهداری از اسناد است.

۱-۲ منبع اعتبار یا قدرت مخزن اسناد باید در یکی از متون قانونی زیر ذکر شده باشد:

الف) قانون مجلس؛

ب) فرمان سلطنتی؛

ج) تصمیم یا قطعنامه رسمی ثبت شده در صورت جلسات شورا، هیئت، یا کمیته مرکزی

اداره مسئول مخزن؛

د) سند یا آیین نامه خیریه مصوب اعضای عالی رتبه دولت در کمیسیون خیریه.

۱-۳ آرشیودار مسئول^۲ مخزن اسناد، یا اداره مربوط یا شورا، هیئت یا کمیته مسئول باید

اهداف و خدمات مخزن را در بیانیه ای به وضوح شرح دهند.

1. Society of Archivists.

۲. وظیفه و مسئولیت آرشیودار

مسئول در بعضی مخازن که بخشی

از يك مجموعه بزرگتر هستند، ممکن

است به عهده کتابدار مسئول یا رئیس

موزه باشد.



۴-۱ اداره مسئول باید برای مدیریت مخزن، مذاکره مستقل با صاحبان اسناد، انتقال اسناد، پاسخ‌گویی به درخواست‌ها و اجرای سیاست‌های مربوط به مخزن به رئیس مخزن (آرشیودار مسئول) زیر نظر و با هدایت آن اداره اختیار دهد.

۵-۱ آرشیودار مسئول باید ارتباط مؤثری با اداره اصلی داشته و از جایگاه مناسبی در ساختار اداری برخوردار باشد تا بتواند مخزن اسناد را در جهت نیل به اهداف تعیین‌شده به‌خوبی هدایت کند (به بند ۳-۱ مراجعه کنید).

۶-۱ آرشیودار مسئول باید برای بودجه تعیین‌شده مخزن در مقابل اداره اصلی پاسخ‌گو باشد.

بخش ۲: کارکنان

۱-۲ اداره مسئول برای تکمیل ظرفیت کارکنان در مخزن اسناد باید ضمن توجه به اهداف تعیین‌شده (به بند ۳-۱ مراجعه کنید) الزامات^۱ زیر را در نظر بگیرد:

الف) تأمین سلامت اسناد و در دسترس قرار دادن آن‌ها (به بند ۴ مراجعه کنید)؛

ب) ارائه مشاوره به ادارات دولتی (در صورت نیاز) و سایر صاحبان اسناد و تهیه فهرست راهنمای مناسب برای اسناد (به بند ۷-۴ مراجعه کنید)؛

ج) انجام همه مراحل ضروری برای حفظ و نگهداری و مرمت اسناد؛

۲-۲ مخازن اسناد، البته غیر از مخازن خیلی کوچک، به خدمات افراد زیر نیاز دارند:

الف) یک یا چند آرشیودار حرفه‌ای آموزش‌دیده و دارای تجربه در خصوص اسناد موجود در مخزن؛

ب) یک یا چند متخصص حفاظت و مرمت حرفه‌ای؛

ج) یک یا چند آرشیودار غیرحرفه‌ای یا کمک کارشناس اسناد و تعدادی کارمند دفتری کارآمد؛

د) نیروهای پشتیبانی مثل ماشین‌نویس، منشی، باربر و نظافت‌چی.

۳-۲ در مخازن کوچک که متخصصان کارآمد در دسترس نیستند، اداره مسئول باید به‌طور رسمی از آرشیوداران حرفه‌ای سایر مخازن یا آرشیو ملی در زمینه دریافت، ذخیره‌سازی، حفاظت و مرمت و فهرست‌نویسی خدمات مشاوره‌ای منظم دریافت کند.

۴-۲ تعداد و رده‌های کارکنان شاغل در هر مخزن باید با مقدار و ماهیت اسناد موجود در آن و میزان استفاده از آن‌ها متناسب باشد.

۵-۲ هنگام عدم حضور کارکنان، برای انجام هرگونه خدمات از جمله نظارت، مجوز لازم است (به بند ۹-۴ مراجعه کنید).

۱. برخی از مهارت‌های لازم برای انجام وظایف موارد (الف) و (ب) ممکن است، در مخازن کوچک‌تر، در یک نفر وجود داشته باشد. مهارت لازم برای مورد (ج) از دیگر موارد متمایز بوده و برای کسب آن باید دوره‌های آموزشی مشخصی را گذراند. هر دو مهارت برای مراقبت صحیح از اسناد آرشیوی لازم هستند.

۲. این کار ممکن است مستلزم تنظیم قرارداد با مخزن دیگر یا با متخصص حفاظت و مرمت خصوصی باشد.

بخش ۳: دریافت

۱-۳ در مرحله دریافت اسناد باید همه تلاش خود را به کار بست، تا اختلاف یا تضادی با سیاست‌های جمع‌آوری سایر مخازن پیش نیاید.

۲-۳ آرشیودار یا اداره مسئول باید سیاست‌های جمع‌آوری^۱ را دقیقاً تبیین و تصویب کند و در این سیاست‌ها محدوده موضوعی اسناد دریافتی، قلمرو جغرافیایی مؤثر بر دامنه اسناد گردآوری‌شده و واسطه‌های مختلفی که تجهیزات نگهداری و دسترسی خاص لازم دارند را مشخص کند (به بند ۳-۹ مراجعه کنید).

۳-۳ متن این سیاست در صورت لزوم باید مورد بازبینی اداره مسئول قرار گیرد، تا تغییرات لازم را در آن اعمال کند.

۴-۳ متن این سیاست باید در دسترس عموم باشد و یک نسخه از آن به آرشیو ملی (خدمات مشاوره‌ای) ارسال شود.

۵-۳ دریافت اسناد نباید خارج از اصول سیاست جمع‌آوری صورت گیرد.

۶-۳ آرشیودار مسئول هنگام دریافت اسناد باید دقت کند که این مخزن از نظر سرپرستی، مشاوره و رعایت اصل حفظ یکپارچگی^۲، مکان مناسبی برای نگهداری از آن‌ها باشد.

۷-۳ هیچ سندی نباید برخلاف قوانین جاری به‌ویژه قانون اسناد عمومی، قانون اسناد تیول‌داری و عشریه و اسناد و دفاتر ثبت کلیسایی^۳ دریافت یا انتقال داده شود.

۸-۳ دریافت یا انتقال اسناد نباید بدون رضایت صاحب آن‌ها یا بدون مشورت با آرشیودار مسئول یا اداره مسئول مخزن صورت گیرد.

۹-۳ اسنادی که دارای قالب یا حامی هستند که برای خواندن یا مراجعه به تجهیزات خاصی نیاز دارند (مثل ریزفیلم، ریزفیش، اسناد دیداری-شنیداری، اسناد ماشین‌خوان و الکترونیکی)، فقط در صورتی دریافت می‌شوند که مخزن این تجهیزات را در اختیار داشته باشد یا به زودی آن‌ها را تهیه کند یا بتواند امکان استفاده از آن‌ها را در مکانی دیگر (البته با مراقبت و نظارت لازم) به‌منظور تأمین دسترسی عمومی فراهم کند.

۱۰-۳ آرشیودار مسئول قبل از پذیرش اسناد باید مطمئن شود که انتقال‌دهنده اسناد مجوز یا مدرک لازم برای این کار را دارد یا خیر^۴.

۱۱-۳ هنگام اهدا یا قرض‌گیری اسناد، اداره مسئول مخزن و اهداکننده یا صاحب اسناد می‌توانند هرگونه قید و شرطی که مایلند، به قرارداد انتقال اضافه کنند.

۱۲-۳ اطلاعات ضروری درباره ماهیت و شرایط دریافت اسناد به‌صورت جداگانه در یک دفتر ثبت (چه دست‌نویس و چه رایانه‌ای) یادداشت می‌شود، که باید به‌خوبی از آن نگهداری کرد؛ اطلاعاتی مانند: تاریخ و شرایط انتقال، نام و نشانی انتقال‌دهنده، شرح مختصری از اسناد

۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

Christopher Kitching and Ian Hart, Collection policy statements (Journal of the Society of Archivists, 16 no.1 (1995), pp. 7-14).

۲. اسناد باید بر اساس نظم اولیه خود نگهداری شوند و نباید تقسیم شوند یا بخشی از آن‌ها جدا شود؛ مگر مواردی که خود مجموعه از قسمت‌های کاملاً جداگانه تشکیل شده باشد. در این صورت باید از خدمات مشاوره‌ای آرشیو ملی استفاده کرد.

۳. مراجعه کنید به:

AAH Knightbridge, Archive legislation in the United Kingdom (Society of Archivists Information Leaflet 3, 1985).

۴. به‌ویژه اقدامات حقوقی لازم باید در خصوص اسنادی که احتمالاً به‌صورت غیر قانونی وارد انگلستان می‌شوند، انجام گیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به «راهنمای اقدامات حقوقی موزه‌ها، کتابخانه‌ها و آرشیوها هنگام دریافت مواد فرهنگی» (Due diligence guidelines for museums, libraries and archives when acquiring cultural material) مراجعه کنید (انتشارات وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش).

و هر شماره ارجاعی که برای ردیابی و بازیابی سند و مستندات مربوط به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۱۳ خبر هرگونه دریافت جدید و محدودیت‌های مربوط به دسترسی به آن باید در اولین فرصت به اطلاع عموم برسد.

۳-۱۴ اگر آرشیودار مسئول تصمیم بگیرد رونوشت یا سند دارای ارزش موقت را نابود کند یا به صاحب یا اهداکننده آن بازگرداند، این مطلب را باید حتماً در هنگام انتقال قید کند. ۳-۱۵ هرگونه اقدام برای انتقال اسناد تحت سرپرستی مخزن غیر قانونی است، مگر اینکه: الف) مشخص شود این اسناد متعلق به مجموعه اسناد موجود در مخزن دیگر هستند که در این مورد با رضایت صاحب اسناد و اطلاع اداره‌های مسئول هر دو مخزن و با رعایت ضوابط قانونی انتقال صورت می‌گیرد.

ب) مخزن به هر دلیلی، موقت یا دائمی، قادر به تأمین شرایط مناسب برای نگهداری اسناد نباشد که در این صورت با رعایت ضوابط مورد توافق و رضایت صاحب اسناد و ادارات مسئول، اسناد به مخزن مشابه و مناسب انتقال می‌یابد. ج) صاحب اسناد تقاضای بازگشت آن‌ها را داشته باشد.

بخش ۴: دسترسی

نکته: استاندارد دسترسی به آرشیو، حاصل کارگروه کیفیت خدمات عمومی و به‌عنوان بخشی از چارچوب استانداردهای آرشیو ملی، حاوی سیاست‌های دسترسی مناسب برای انواع مخازن است. این استاندارد راهنمایی لازم‌الاجرا در زمینه دسترسی به اسناد عمومی ارائه می‌کند که جزئیات آن در اینجا ذکر نمی‌شود.

۴-۱ اداره مسئول باید فضای مناسب مطالعاتی را برای پاسخ‌گویی به درخواست‌های دسترسی عمومی به اسناد و بررسی و نظارت بر آن‌ها اختصاص دهد.

۴-۲ در هنگام دسترسی باید سلامت و امنیت عمومی تأمین شود.

۴-۳ اقدامات مناسب باید برای پاسخ‌گویی به نیازهای خاص معلولین و افراد کم‌توان انجام گیرد و بهتر است در این زمینه تبلیغات لازم صورت گیرد.

۴-۴ اداره مسئول باید تجهیزات فنی ضروری برای استفاده از اسناد را (مناسب هر نوع و هر مقدار سند) تهیه و نگهداری صحیح از آن‌ها را تضمین کند (به بند ۳-۹ مراجعه کنید).

۴-۵ اداره مسئول باید قوانین دسترسی را همراه با الزامات رسمی و قانونی مرتبط با آن به اطلاع عموم برساند.

۴-۵-۱ باید ساعات کار مخزن به‌صورت دقیق و منظم مشخص شود. در این مورد بخش



خدمات آرشیو باید نیاز مراجعه کنندگان خود را در نظر بگیرد.

۴-۵-۲ شرایط دریافت بلیط مراجعه و مطالعه (در صورت کاربرد) باید بیان شود.

۴-۵-۳ مراجعه کنندگان باید قبل از دسترسی به اسناد منحصربه فرد، برگه مربوط به تشخیص هویت خود را کتبا پر کنند.

۴-۵-۴ محدودیت‌های کلی دسترسی، مثل محرمانگی مدت‌دار قانونی یا مرسوم اسناد، یا استثنائات یا رفع محرمانگی (مثل موارد مربوط به قانون آزادی اطلاعات یا حفاظت داده‌ها) باید در مقررات دسترسی توضیح داده شود. تغییرات قانون کلی در مورد رده‌های خاص اسناد یا اسناد منفرد باید در فهرست راهنمای مربوط توضیح داده شود.

۴-۵-۵ مراجعه کنندگان نباید در اتاق مطالعه کت یا کیف به همراه داشته باشند.

۴-۵-۶ مراجعه کنندگان باید فقط از مداد استفاده کنند و هرگز نباید مستقیماً روی اسناد علامت بگذارند یا چیزی بنویسند.

۴-۵-۷ مقررات مربوط به حفاظت از اسناد در مقابل دزدی یا آسیب دیدگی هنگام مراجعه عمومی و یا جلوگیری از دسترسی غیر مجاز به اسناد باید تدوین شود.

۴-۶ اداره مسئول باید از طریق فرایندهای موجود ثبت نام بازدید کنندگان، کاربران را از قوانین، مقررات و سایر موارد لازم برای برخورداری از خدمات آرشیوی مطلع سازد.

۴-۷ همه اسنادی که دسترسی آن‌ها برای عموم آزاد است، باید در فهرست‌های راهنمای عمومی به وضوح توصیف شده باشند. همه فهرست‌های راهنمای جدید باید با استانداردهای ملی و بین‌المللی مصوب مطابقت داشته باشند و یک نسخه از آن‌ها برای بخش خدمات مشاوره‌ای آرشیو ملی ارسال شود تا مورد استفاده آرشیوهای وابسته (اسکاتلند) نیز قرار گیرد. فهرست‌های موقت، در شرایطی که برای تهیه فهرست‌های راهنمای دقیق‌تر زمان بیشتری لازم است، مناسب هستند. هرگاه فهرست راهنمای الکترونیکی از طریق شبکه رایانه‌ای در دسترس کاربران دور از مرکز قرار گیرد، باید به آرشیو ملی و آرشیوهای وابسته اطلاع داده شود. بهتر است رونوشت این فهرست‌ها به سایر مخازن اسناد و کتابخانه‌ها نیز فرستاده شود.

۴-۸ اداره مسئول موظف است شرایط و امکانات لازم برای بررسی اسناد در فضاهای اختصاصی مطالعاتی را فراهم آورد؛ البته بدون تأخیر و بدون اینکه آسیبی به اسناد وارد شود.

۴-۹ هنگام حضور مراجعه کنندگان در اتاق مطالعه باید چند تن از کارکنان زیر نظر آرشیودار متخصص^۱ به‌طور دائم مراقب باشند.

۴-۱۰ بهتر است، مطابق با تعهدنامه اسناد عمومی (به پیوست مراجعه کنید)، امکانات و تجهیزات لازم برای تهیه عکس یا رونوشت از اسناد، با رعایت قانون حق چاپ، در مخزن یا در محل مناسب دیگری فراهم شود. در صورتی که سند درخواستی طوری شکننده و آسیب‌پذیر

۱. در مؤسسات دارای اسناد آرشیوی و مواد کتابخانه‌ای یا موزه‌ای، این نظارت به‌عهده کتابدار یا موزه‌دار متخصص نیز قرار می‌گیرد.



باشد که طبق نظر متخصصان تحمل رونوشت‌برداری را نداشته باشد، نباید از آن رونوشت تهیه کرد. همچنین باید تمهیدات لازم برای معتبرسازی و تصدیق رونوشت‌ها برای مقاصد حقوقی و یا سایر مقاصد وجود داشته باشد.

بخش ۵: ذخیره‌سازی و نگه‌داری: دستورالعمل دریافت مجوز رسمی برای مخازن

۵-۱ موارد کلی

۵-۱-۱ این دستورالعمل‌ها حاوی شرایطی است که مخازن - به‌عنوان یک ساختمان مستقل یا بخشی از یک ساختمان دیگر- باید داشته باشند، تا موفق به دریافت مجوز رسمی شوند. مخازن برای تجهیز و تنظیم مکان ذخیره‌سازی باید بر اساس استاندارد ۵۴۵۴، یعنی توصیه‌های ذخیره‌سازی و نمایشگاهی اسناد آرشیوی، عمل کنند. رونوشت‌های این استاندارد و شرح و تفسیر آن^۱ قابل‌تهیه است^۲. با اینکه بیشتر توصیه‌های زیر برگرفته از استاندارد ۵۴۵۴ است، اما نباید جایگزین اصول این استاندارد شود.

۵-۱-۲ مقررات حفظ و نگه‌داری اسناد رقمی و الکترونیکی در حال تغییر است. استانداردها و دستورالعمل‌های زیر تا زمانی که استاندارد جامعی تهیه شود، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۵-۱-۳ انتقال و نگه‌داری واسط/حامل ذخیره‌سازی رقمی باید بر اساس استاندارد انگلیسی ۴۷۸۳ با عنوان «ذخیره‌سازی، انتقال و نگه‌داری واسط‌ها برای استفاده در پردازش داده و ذخیره‌سازی اطلاعات»^۳ انجام شود.

۵-۱-۴ آرشیو ملی، کتاب راهنمایی برای حفظ و نگه‌داری رقمی منتشر ساخته که در نبود استاندارد ملی در این زمینه قابل استفاده است. این کتاب چهار جلد دارد و با یک عنوان واحد چاپ شده است: الزامات همگانی حفظ اطلاعات الکترونیکی در طول زمان^۴ (۲۰۰۳).

۵-۲ وضعیت / موقعیت

۵-۲-۱ مخزن باید مستقل باشد، یعنی حتی اگر در ساختمانی قرار دارد که با دیگر واحدهای سازمانی مشترک است، کار آن نباید هیچ‌گونه تداخلی با سایر فعالیت‌ها داشته باشد.

۵-۲-۲ خطرات احتمالی ناشی از منابع بیرونی، مثل همسایه‌ها و سایر واحدها باید به‌دقت برآورد و اقدامات مناسب برای مقابله با آن‌ها پیش‌بینی شود. در استاندارد ۵۴۵۴ به خطرات خاصی، که اقدامات احتیاطی لازم دارند، اشاره شده است.

۵-۳ نوع سازه

۵-۳-۱ مخزن و به‌ویژه قسمت ذخیره‌سازی آن باید با سازه‌های آجری، سنگی یا بتونی

1. (PD 0024:2001).
2. Customer Services, BSI, 389 Chiswick High Road, London W4 4AL (telephone 020 8996 9001, fax 020 8996 7001).
3. BS 4783 Storage, transportation and maintenance of media for use in data processing and information storage.
4. The Generic Requirements for Sustaining Electronic Information over Time (2003).



محکم و تقویت شده ساخته شود. سقف‌ها، کف، دیوارها، طبقات، درها و پنجره‌ها باید در مقابل آتش‌سوزی، سیل و نفوذ رطوبت ایمن شوند. همچنین باید از نفوذ گرد و غبار، آلاینده‌ها و حشرات به ساختمان جلوگیری شود.

۵-۳-۲ طبقات باید تحمل وزن اسناد را داشته باشند، که بسته به نوع قفسه (ثابت یا متحرک) متفاوت است.

۵-۳-۳ لوله‌کشی‌ها، فاضلاب و گیاهان باید از اتاق‌های امن دور باشد و بازبینی‌ها و کارهای خدماتی نباید از طریق این اتاق‌ها انجام شود، مگر اینکه کاری ضروری در داخل خود اتاق لازم باشد.

۵-۳-۴ باید از کم‌ترین وسایل و رنگ‌های آتش‌زا استفاده کرد.

۵-۳-۵ مخزن باید طوری طراحی شود که نه تنها به مدت ۱۵ تا ۲۰ سال قابلیت پذیرش اسناد و مواد جدید را داشته باشد، بلکه در صورت پر شدن، امکان گسترش آن در محل فعلی یا در مکانی دیگر وجود داشته باشد.

۵-۴ امنیت

۵-۴-۱ همه قسمت‌ها و اطراف مخزن باید در مقابل دسترسی غیر مجاز و سرقت محافظت شود.

۵-۴-۲ درهای بیرونی و در اتاق‌های امن باید کاملاً محکم و به قفل‌های دارای کام و زبانه امنیتی مجهز باشند.

۵-۴-۳ دسترسی به کلیدها باید محدود و تحت نظارت دقیق کارکنان آرشیو باشد.

۵-۴-۴ اگر اتاق امن پنجره‌ای در سطح طبقه همکف یا هر سطح سهل‌الوصول دیگر دارد، باید کاملاً مسدود یا به وسیله میله یا توری‌های محکم محافظت شود. همچنین برای امنیت بیشتر باید از دزدگیر استفاده کرد.

۵-۴-۵ هنگام عدم حضور و تعطیلی کارکنان، برای محافظت از مخزن و به‌ویژه اتاق امن باید از سامانه‌های هشداردهنده و دزدگیر استفاده کرد. این سامانه‌ها باید به ایستگاه پلیس یا مراکز امنیتی متصل باشند.

۵-۴-۶ دسترسی به اتاق‌های امن باید مختص به کارکنان آرشیو و سایر اشخاص مجازی باشد که با آن‌ها همراه هستند.

۵-۴-۷ اتاق تحقیق در زمان مراجعه عمومی باید به‌طور دائم تحت نظر باشد.

۵-۵ محافظت در مقابل آتش‌سوزی

۵-۵-۱ اتاق‌های امن، شامل درها، دیوارها، کف و سقف باید قابلیت مقاومت در برابر



۴ ساعت آتش‌سوزی را داشته باشند. این مدت فقط در صورتی قابل‌کاهش است که برنامه ارزیابی خطر آتش‌سوزی کاملاً تحت نظارت مأمور امنیتی متبخر باشد و راهبرد مقابله با آتش از اعتبار بسیار بالایی برخوردار باشد.

۵-۵-۲ حس‌گرهای دود باید در اتاق‌های امن، اتاق تجهیزات، قسمت‌های مجاور و در کل مخزن در جای مناسب نصب شوند. این حس‌گرها ترجیحاً باید قابلیت تشخیص آتش را در مراحل اولیه داشته باشند و زنگ‌های هشدار آن‌ها به ایستگاه آتش‌نشانی و مراکز امنیتی متصل باشد.

۵-۵-۳ صرف‌نظر از اینکه اسناد در چه سطح و طبقه‌ای نگهداری می‌شوند، باید تمهیدات لازم برای خارج کردن آب و دود در زمان خاموش کردن آتش فراهم شود.

۵-۵-۴ هر مخزن باید به تعداد کافی خاموش‌کننده‌های دستی آبی و غیر آبی داشته باشد که نوع و محل قرارگیری آن‌ها طبق نظر متخصص آتش‌نشانی تعیین می‌شود؛ چه مخزن به سامانه اطفاء حریق خودکار مجهز باشد، چه نباشد.

۵-۵-۵ تجهیزات الکتریکی و کلیدهای برق اصلی باید بیرون از محل مخزن باشد. سیم‌های برق باید از مواد جدید باشند و داخل سیم‌راه‌ها یا لوله‌های فلزی قرار گیرند. نورها باید لوله فلئورسنت و پخش‌گر نور (نورافشان) داشته باشند. پریزهای برق ضروری برای جاروبرقی یا رطوبت‌زداها باید در داخل اتاق امن تعبیه شود.

۵-۵-۶ آسانسورها و بالابرهای کتاب باید به در ضد آتش مجهز باشند.

۵-۵-۷ مواد شیمیایی آتش‌زا و خطرناک باید در شرایط امن و مناسب مطابق با استاندارد اجرایی سلامت و ایمنی نگهداری شوند.

۵-۵-۸ استعمال دخانیات در اتاق امن و سراسر مخزن اکیداً ممنوع است، مگر در فضاهایی که برای این کار تجهیز شده باشند.

۵-۶ محیط و فضای ذخیره‌سازی: پوست و کاغذ

۵-۶-۱ در اتاق‌های امن ساختمان‌های جدید یا مخازن تحت نظارت، برای نگهداری اسنادی که به‌طور مکرر مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید دما ثابت و بین ۱۶ تا ۱۹ درجه سلسیوس (± 1 درجه) باشد؛ یا (در صورتی که جداسازی و تشخیص در این زمینه ممکن باشد) برای اسنادی که کمتر مورد مراجعه هستند، دمای ۱۳ تا ۱۶ درجه سلسیوس و رطوبت نسبی ثابت بین ۴۵٪ تا ۶۰٪ (± 5 ٪) مناسب است (البته اسنادی که در این دما نگهداری می‌شوند، قبل و بعد از استفاده به فرایند «سازگارسازی و خوگیری به دمای محیط» نیاز دارند).

۵-۶-۲ در ساختمان‌هایی که قبل از انتشار استاندارد ۲۰۰۰: ۵۴۵۴ تجهیز شده‌اند، شرایط

محیطی ثابت با دمای بین ۱۳ تا ۱۸ درجه سلسیوس و رطوبت نسبی بین ۵۵٪ تا ۶۵٪ نیز قابل قبول است، البته در صورتی که تأثیر مخربی بر اسناد نداشته باشد.

۵-۶-۳ دما و رطوبت نسبی باید در همه قسمت‌های بایگانی به‌طور منظم، مداوم و با دقت ثبت شود. اگر شرایط از استاندارد ۵۴۵۴ خارج شد، باید اقدامات اصلاحی لازم صورت گیرد. ۵-۶-۴ در مخزن باید هوا به خوبی رد و بدل شود تا ضمن جلوگیری از سکون هوا، گازهای متصاعدشده از مواد آلی را برطرف کند.

۵-۶-۵ قفسه‌بندی باید محکم و دارای بست‌های قوی باشد. اسناد باید در داخل جعبه‌های آرشیوی بدون اسید و رنگ‌نشده روی قفسه‌ها نگهداری شوند. مجلدات، اسناد و نقشه‌های بزرگ‌اندازه باید تحت حفاظت ویژه قرار گیرند.

۵-۶-۶ استاندارد ۵۴۵۴ دستورالعمل ویژه‌ای برای بسته‌بندی و ذخیره‌سازی ارائه می‌کند.

۵-۷ محیط و فضای ذخیره‌سازی: عکس‌ها

۵-۷-۱ عکس‌ها باید بر اساس توصیه‌های ارائه‌شده در استاندارد ۵۴۵۴ (ضمیمه الف بند ۱۱) درباره دما، رطوبت نسبی و مقابله با گرد و غبار و آلاینده‌های گازی نگهداری شوند.

۵-۸ محیط و فضای ذخیره‌سازی: فیلم

۵-۸-۱ فیلم‌ها را نباید در مخازن معمولی نگهداری کرد، مگر اینکه بتوان شرایط محیطی مناسب برای نگهداری آن‌ها را در اتاق یا فضایی جداگانه تأمین کرد. فیلم‌ها را باید درون قوطی‌های فلزی غیرقابل نفوذ نسبت به غبار یا قوطی‌های پلاستیکی بسیار محکم و خنثی، به‌صورت افقی روی قفسه‌های فلزی قرار داد. ضمیمه الف استاندارد ۵۴۵۴ دستورالعمل مربوط به دما و رطوبت نسبی مناسب برای انواع فیلم را ارائه می‌کند. ۵-۸-۲ فیلم‌های نیترات سلولزی که ماهیتی ناپایدار دارند، نباید در مخزن نگهداری شوند، بلکه باید آن‌ها را در محلی خاص با شرایط ویژه مطابق با استاندارد اجرایی سلامتی و ایمنی^۱ ذخیره کرد.

۵-۹ محیط و فضای ذخیره‌سازی: نوار مغناطیسی

۵-۹-۱ نوار مغناطیسی باید از نظر شرایط محیطی در محلی مشابه اتاق تحقیق نگهداری شود. در ضمیمه استاندارد ۵۴۵۴ توصیه‌های لازم درباره دما و رطوبت نسبی مناسب برای نگهداری صفحات گرامافون، لوح‌ها، نوارهای مغناطیسی، نوارهای ویدئویی و انواع واسطه‌های الکترونیکی آمده است.

1. The Health and Safety Executive

۵-۹-۲ دستگاه‌های الکترونیکی تولیدکننده جریان مغناطیسی و میله‌های برق‌گیر که باعث پاک‌شدن مواد ضبط‌شده می‌شوند، نباید در محیط بایگانی یا در مجاورت نوارها قرار گیرند.

۵-۹-۳ نوارها باید در داخل محفظه‌های آلومینیومی، مقوایی بدون اسید، یا پلاستیکی محکم و خنثی نگهداری شوند و به‌صورت عمودی روی قفسه‌های فلزی قرار گیرند.

۵-۱۰ محیط و فضای ذخیره‌سازی: اسناد رقمی و الکترونیکی

۵-۱۰-۱ واسطه‌های ذخیره‌سازی باید با به‌کارگیری روش‌های نگهداری مناسب و فرایندهای توصیه‌شده از طرف تولیدکنندگان به‌طور منظم بازرینی شوند. این کار موجب نوسازی به‌موقع واسطه‌ها (کاربرد روش‌های مهاجرت و انتقال داده) و جلوگیری از خرابی و نابودی داده‌ها می‌شود.

۵-۱۰-۲ با به‌کارگیری روش‌های پشتیبان‌گیری و ذخیره‌سازی هم‌زمان مناسب می‌توان از تهیه و مدیریت صحیح رونوشت‌های متعدد و وجود نسخ پشتیبان سالم و قابل‌استفاده اطمینان یافت. روش‌های پشتیبان‌گیری باید به‌گونه‌ای باشد که کارکنان مجاز بتوانند در هنگام لزوم، داده‌ها را بازیابی و دوباره ذخیره‌سازی کنند؛ به‌این‌ترتیب، از نابودی یا خرابی داده‌ها جلوگیری می‌شود و ارائه خدمات در این زمینه تداوم خواهد داشت. فعلاً توصیه می‌شود حداقل چهار رونوشت از داده‌ها تهیه شود- دوتا از آن‌ها به‌صورت برخط و برون‌خط در خارج از وبگاه و در محلی مطمئن و تحت نظارت محیطی مناسب.

۵-۱۰-۳ طرح‌های پیشنهادی برای مهاجرت و تبدیل قالب‌های پرونده نرم‌افزاری به‌منظور مقابله با کهنگی و از رواج افتادن قالب‌های اولیه باید با نظارت دقیق انجام شود. در این خصوص باید مطالب مربوط به لزوم انجام مهاجرت، دلیل انتخاب قالب جدید، اقدامات اجرایی موردتوافق و فرایند عملی انجام و آزمایش مهاجرت، مکتوب و مستند شود.

۵-۱۰-۴ آرشیوهای رقمی باید مطابق با استاندارد انگلیسی ۱۷۷۹۹ دربارهٔ «اصول عملی و ویژگی‌های مدیریت امنیت اطلاعات»^۱ در امنیت کامل نگهداری شوند. همه کارهایی که در سامانه‌ها انجام می‌گیرند، باید کاملاً قابل‌ارزیابی و ردیابی باشند. اقداماتی مانند:

فرایندهای ورود و خروج

• مهاجرت‌ها

• جایگزینی رونوشت‌های خراب

• تغییرات فراداده مثل تغییرات مجاز یا حاشیه‌نویسی اسناد موجود در آرشیو.

1. Code of Practice and Specification for Information Security Management

۵-۱۱ برنامه مقابله با حوادث و خطرات

۵-۱۱-۱ باید برنامه‌ای روزآمد در دسترس کارکنان آرشیو باشد.

۵-۱۲ حفاظت و مرمت

۵-۱۲-۱ در هر زمان که اسناد نیاز به مرمت داشته باشند، باید اقدامات مناسب در این زمینه چه در داخل مخزن و چه در خارج از آن انجام گیرد.

۵-۱۲-۲ حفاظت و مرمت شامل اقدامات درمانی برای پایدارسازی یا ارتقا شرایط فیزیکی و شیمیایی اسناد آرشیوی است که حتماً باید به‌دست افراد متخصص و متبحر در این زمینه انجام شود.

پیوست: اسناد عمومی انگلستان و مکان‌های سپارش

اسناد عمومی، چنان‌که در قانون اسناد عمومی سال ۱۹۵۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن آمده است، مشمول نظارت قانونی و زیر نظر رئیس اسناد عمومی (رئیس کل آرشیو ملی) و رئیس مجلس اعیان (رئیس کل امور قانونگذاری یا رییس قوه قضائیه) است. بسیاری از این اسناد در مخازن عمومی، مورد تأیید رئیس آرشیو، نگهداری می‌شوند. مخازن باید شرایط و الزامات خاصی را برای مدیریت، مراقبت و دسترسی اسناد رعایت کنند. سازمان‌های دارای مخزن باید مراقب اسناد تحت سرپرستی خود باشند و آن‌ها را با توجه به «قانون اسناد عمومی ۱۹۵۸ و ۱۹۶۷»^۱، «قانون حفاظت از اطلاعات ۱۹۹۸»^۲ و «قانون آزادی اطلاعات ۲۰۰۰»^۳ در دسترس عموم قرار دهند.

الزامات حفاظت و دسترسی به این اسناد که مخازن موظف به رعایت آن‌ها هستند تا مورد تأیید آرشیو ملی قرار گیرند، برای سهولت دسترسی مخازن در اینجا آمده است. سایر دستورالعمل‌های مربوط به این اسناد در پایگاه آرشیو ملی موجود است.

قانون اسناد عمومی سال ۱۹۵۸

نکته: در این قانون هر جا که به «اداره اسناد عمومی» اشاره شده است، منظور آرشیو ملی از سال ۲۰۰۳ به بعد است؛ ارجاعات مربوط به رئیس اسناد عمومی اکنون برای رئیس کل آرشیو ملی نیز به کار می‌رود.

انتخاب مکان مخازن و اجرای برنامه‌های مربوط به آن در بخش ۴(۱) این قانون آمده است: «اگر برای رئیس مجلس اعیان (رئیس قوه قضائیه) محرز شود، مکانی خارج از اداره اسناد عمومی، تجهیزات مناسب برای نگهداری و مراقبت از اسناد و دسترسی عمومی به آن‌ها را دارد، با موافقت مقام مسئول آن اسناد، آن مکان به عنوان مخزن مورد تأیید برای نگهداری اسناد عمومی و دارای ارزش دائمی بر اساس این قانون، انتخاب می‌شود».

مکان‌های سپارش اسناد (مخازن) به یکی از چهار دلیل زیر انتخاب می‌شوند:

- به صورت محلی ایجاد شده باشند و مورد علاقه عمومی یا دارای منفعت خاصی برای آنجا باشند.
- اطلاعات موجود در آن‌ها ماهیتی تخصصی یا فنی داشته باشد که برای ارائه یا تفسیر آن‌ها مهارت خاص لازم باشد.
- برای نگهداری قالب اسناد موجود در آن‌ها مهارت‌های تخصصی ویژه‌ای لازم باشد که در آرشیو ملی موجود نباشد.
- واحدهای اسنادی خاص (مثل موزه‌های ملی یا نگارخانه‌ها) که از نظر اداری به آرشیو

1. Public Records Acts 1958 and 1967
2. Data Protection Act 1998
3. Freedom of Information Act 2000

داخلی نیاز دارند.

بخش‌های بعدی این قانون (۱۹۵۸) به کارایی و اقدامات این مخازن پرداخته است. بخش (۴) ۳: «اسناد عمومی دارای ارزش دائمی مشمول این قانون باید سی سال پس از زمان تولید به اداره اسناد عمومی یا مخازن مورد تأیید رئیس مجلس اعیان (رئیس قوه قضائیه) منتقل شوند». این اختیارات در حال حاضر به رئیس کل آرشیو ملی واگذار شده است. بخش (۵) ۵: رئیس مجلس اعیان باید طبق این قانون همه تمهیدات لازم را برای بررسی و بازبینی عمومی اسناد موجود در اداره اسناد عمومی و سایر مخازن مورد تأیید فراهم آورد. بخش ۶ این قانون در باره انتقال احتمالی اسناد عمومی مخازن توضیح می‌دهد: اگر برای رئیس اداره اسناد عمومی محرز شد که اسناد موجود در اداره اسناد عمومی و یا مخازن مورد تأیید آن، رونوشت اسناد دائمی هستند، یا دلیل قانع‌کننده دیگری برای انتقال آن‌ها وجود دارد، با تصویب رئیس مجلس اعیان، وزیر مربوط و یا هر کسی که رئیس مجلس اعیان تشخیص دهد با این اسناد مربوط است، مجوز انتقال این گونه اسناد صادر می‌شود. اطلاعات بیشتر در باره مراقبت، مدیریت، قرض‌دهی، اهدا و انتقال اسناد عمومی در وبگاه آرشیو ملی انگلستان موجود است.

معرفی مرکز اسناد آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها - قم

نیره خدادادشهری^۱

مقدمه

در متون مختلف، آرشیو در سه معنا به کار رفته است:

۱. اسنادی که دیگر استفاده جاری ندارند و به خاطر ارزش حقوقی یا اطلاعاتی نگهداری می شوند.

۲. محلی که منابع آرشیوی در آن نگهداری می شود.

۳. سازمان یا بخشی از سازمان اداری که وظیفه اصلی آن انتخاب و قابل دسترس کردن اسناد آرشیوی است.

لازمه آشنایی با آرشیو، آشنایی با مراکز و مؤسسات دارنده آن در سطح هر کشور و دنیاست. چنانچه شیوه عملکرد و نحوه ارائه خدمات آن مشخص باشد، علاقه مندان می توانند به هنگام نیاز به آن مراکز مراجعه کنند. دست کم اطلاع از وجود این مراکز بسیار ضروری است. لذا رسالت پژوهشگران در این تحقیق، معرفی مرکز اسناد آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) به اهل تحقیق و پژوهش است که در این راستا، ابتدا تاریخچه و معرفی مختصری از آستان مقدس قم ارائه شده و سپس مرکز اسناد این آستان مقدس معرفی می شود.

تاریخچه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها:

۱. کارشناس ارشد مطالعات آرشیوی
دانشگاه الزهراء، آرشیودار مرکز اسناد
آستان مقدس قم
Shahri.Lib.65@Gmail.Com

حضرت معصومه (س) در ذی القعدة سال ۱۷۳ق. در شهر مدینه به دنیا آمد و در سال ۲۰۱ق. به شوق دیدار برادرش که در مرو به سر می برد، به همراه برادران و برادرزادگان، راهی ایران



شد و در ساوه بیمار شده و دستور داد او را به قم ببرند. آن حضرت در قم، در منزل «موسی بن خزرج اشعری» سکونت گزید و ۱۷ روز بعد، بر اثر بیماری، در دهم ربیع‌الثانی سال ۲۰۱ ق. در بیست و هشت سالگی در قم وفات کرد و در باغ بابلان مدفون شد. باغ بابلان، باغی متعلق به موسی اشعری بود که وی پس از خاکسپاری حضرت معصومه (س) باغ را برای گورستان عمومی وقف کرد. این باغ کنار رودخانه و بیرون از شهر واقع شده بود.

ورود این بانوی مکرمه به قم و حرم مطهر ایشان در این شهر، موجب تحولات تازه و مؤثر در استحکام و گسترش تشیع شد. فرزندان امامان و شیعیان کم‌کم به قم آمدند و در قم اقامت گزیدند، به طوری که قم مأوای فاطمیان و علویان شد که وجود امامزاده‌های متعدد در قم، نشان‌دهنده آن است.

آستان مقدس حضرت معصومه (س) ابتدا اوقافی نداشته جز باغ موسی بن خزرج که وقف مقبره پاک حضرت معصومه (س) شد و طبعاً متولی نداشته است و بعد از اینکه زینب دختر امام جواد (ع) برای اولین بار در نیمه دوم قرن سوم، قبه و بارگاهی بر روی تربت پاک حضرت بنا کرد، ابتدا توسط خادم اداره می‌شد. اگر نگوییم در قرن چهارم، مطمئناً در قرن پنجم و ششم قمری آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) دارای اوقاف و متولی و شکوه و جلال بوده است.

از دیرباز املاک و رقباتی، وقف آستان حضرت معصومه (س) بوده است. در طی سالیان، از سوی مردم و فرمانروایان بر این موقوفات افزوده شد تا امروز که املاک و مستغلات بسیاری جزو موقوفات آستانه شده است.

در اوقاف آستان مقدس حضرت معصومه (س) متولی آن بدین صورت بوده که واقفان املاک به آستانه مقدسه فردی را از سادات رضوی قم نام برده و یا مشخصاتی را برای اولاد و نسل آن‌ها ذکر کرده و به آن‌ها واگذار کرده‌اند. قدیمی‌ترین سند در این باره، فرمان جهان‌شاه از شاهان ترکان قراقویونلو در سال ۸۶۷ ق. است که طی آن تولیت موقوفات آستانه مقدسه و مناصبی دیگر را به سید نظام‌الدین سلطان احمد رضوی از سادات بزرگ قم واگذار کرده است و آن طبق دستور سابق شاهان گذشته و «شرط واقف» می‌باشد. در وقف‌نامه شاه بیگی بیگم، همسر شاه اسماعیل صفوی، در سال ۹۲۹ ق. که طی آن املاک زیادی را در قم و سلطانیه به آستانه مقدسه وقف کرده است و تولیت آن را به سید مرشدالدین رشیدالاسلام از سادات رضوی قم واگذار کرده است.

اسناد بسیاری درباره امور مربوط به موقوفات آستانه در دست است. بیش از یک‌صد طغرا سند مربوط به موقوفه تبرته و شریف‌آباد در دست دو خاندان سرکشیک معصومی و بهاء‌الدینی قم هست. چند صد طغرا نیز در باب کاروانسرا و دکاکین موقوفه میرزا ابوالقاسمی در اختیار

خاندان مستوفی قم است.

تشکیلات آستان مقدس در دوره صفویه، نظم خاصی گرفت. ابنیه آستانه در این زمان شامل حرم مطهر، ایوان طلا، صحن عتیق و به مرور زمان، مقابر شاهان صفوی تشکیل می‌دادند. تعداد خدمتگزاران آستانه قم در اوایل دوره صفویه، پنجاه نفر بوده و سپس در همین عصر با گسترش تشکیلات آستانه، هفتاد نفر بر این شمار افزوده شد. پس از آن در اواخر دوره قاجار، شماره خدام به صد و هشتاد تن رسید که در سه کشیک هشت‌ساعته انجام وظیفه می‌کردند، آنان فرمان مسئولیت خود را از شاه می‌گرفتند و برای آن اعتباری بود.

بی‌شک بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به‌عنوان دومین قطب زیارتی کشور، بستر ساز و محور حوزه علمیه عظمی و پایگاه مرجعیت و روحانیت و عنصر برجسته در تبدیل شهر مقدس قم به خاستگاه انقلاب شکوهمند اسلامی و ایفاکننده نقش بی‌بدیل در حفظ و گسترش فرهنگ تشیع، نهادی کم نظیر است.

معرفی مرکز اسناد آستان مقدس قم

میراث اسنادی موجود آستان مقدس، بخش وسیع و گسترده‌ای از اطلاعات در حوزه‌های مختلف را در بر می‌گیرد و در فضای بیرونی آن نیز، علاوه بر امکان اطلاع‌رسانی و معرفی هویت، کارکردها و دستاوردها و خدمات خادمان و کارکنان این بارگاه نورانی و برکات وجودی شخصیت بانوی کرامت، نشانگر بخش عظیمی از تمدن ایران اسلامی و رشد فرهنگی و اجتماعی، کشور و تشیع به‌شمار می‌آید.

اهتمام و توجه به ایجاد، طبقه‌بندی و نگهداری انواع اسناد ارزشمند آستان مقدس قم و توجه به مزایای این مهم، کم‌وبیش در دوره‌های تولیتی قبل و بعد از انقلاب این بارگاه نورانی وجود داشته است و در نگاه ابتدایی توجه به اصل ثبت و ضبط و نگهداری اسناد در طول سده اخیر این آستان، انسان را به تحسین و امید دارد. با این وجود التفات جدی به این حوزه و مستندسازی وقایع و فعالیت‌ها، تولید نظام‌مند اسناد و مدارک مکتوب و تصویری، سازماندهی، صیانت و حفاظت استاندارد و بهره‌برداری کافی و لازم از این منابع اطلاعات در آستان مقدس تا حدی مورد غفلت واقع شده یا به‌نوعی در اولویت نبوده است.

از این‌رو علی‌رغم وجود حدود سه میلیون سند مکتوب در محدوده زمانی قبل از انقلاب (دوره پهلوی اول و دوم) و صدها هزار سند و مدرک مختلف از وقایع و فعالیت‌های آستان مقدس بعد از انقلاب در بایگانی مرکز سازمان، می‌توان ادعان داشت که بسیاری از حوادث، اقدامات و تحولات آستان مقدس قم در گذشته یا ثبت نشده و یا به‌صورت ناقص مطرح و بدان اشاره شده است.



با این حال زوایای بسیاری از حوادث و فعالیت‌های انجام‌گرفته در آستان یا موضوعات مرتبط با آن، برای نسل امروز، پنهان مانده است. این مسئله به همراه تأخیر آستان مقدس از ورود به عرصه سازماندهی و بهره‌برداری هدفمند از میراث اسنادی خود، امروزه یک رسالت و مأموریت مهم و تاریخی برای متولیان این حوزه تعریف کرده که با توجه و عزم همگانی در مجموعه آستان مقدس و حمایت‌های برون سازمانی، از عهده جبران این عقب ماندگی؛ احیاء و بهره‌برداری از این میراث گران‌بها برخواند آمد.

اهمیت حفاظت از اسناد آستان مقدس

نباید فراموش کرد که اسناد، حافظه تاریخی ارزشمند بسیار آسیب‌پذیری هستند. بسیاری از اسناد با ارزش و منحصر به فرد و حتی مجموعه‌های کامل آرشیو اسناد، در طول تاریخ و با گذشت زمان بر اثر حوادث مختلف، از میان رفته‌اند و یا به دلیل غفلت و فراموشی صاحبانشان یا متولیان، ناقص یا فرسوده شده‌اند و یا در چنان شرایط بدی نگهداری می‌شوند که هر لحظه امکان نابودی آن‌ها وجود دارد. بی‌تردید امروزه بخش قابل‌توجهی از میراث اسنادی آستان مقدس نیز در سطوح ملی و استانی و سازمانی به دلایلی مانند اسیدی‌شدن کاغذ، نوع چرم، پوست، فیلم و نوارهای مغناطیسی نور خورده، گرما، رطوبت و گرد و غبار، از بین رفته‌اند. از همین‌رو، برای در امان نگاه‌داشتن و صیانت پایدار اسناد از حوادث و اتفاقات انسانی، اقدامات پیشگیرانه هدفمند و مناسب بسیار ضروری و فوری است.

بایستگی ایجاد بانک جامع اطلاعات اسنادی

باتوجه به لزوم به‌روزرسانی و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین جهت ارتقای امنیت، کیفیت و سرعت در ثبت و نگهداری اسناد و تسریع و تسهیل بهره‌برداری هم‌زمان از اطلاعات آن‌ها، ایجاد بانک جامع الکترونیکی اسناد آستان مقدس یکی از کارهای ویژه، مهم و اولویت‌دار است؛ محملی که قرار است ارزشمندترین دارایی‌های آستان مقدس که همان اسناد و مدارک و تاریخ‌شفاهی آن هستند، را ذخیره و نگهداری و آماده بهره‌برداری کند. این امر در واقع زمینه‌ساز ارائه اطلاعات دقیق کاربردی و آثار اسنادی آستان، از نسل‌های پیشین به نسل‌های بعدی بوده و امری ضروری تلقی می‌شود.

بنابراین راه‌اندازی یک آرشیو مرکزی جامع اسناد و مدارک (مکتوب و رقمی) آستان، جهت ایجاد حافظه تاریخی پویای آستان مقدس برای صیانت از هویت و دستاوردهای آستان مقدس اجتناب‌ناپذیر است. زیرا بدون شناخت، تقویت و حفظ هویت، کارکردها، دستاوردها و آثار سازمان آستان مقدس، رسالت‌ها و مأموریت‌ها و اولویتهای آن به‌خوبی شناسایی نشده و



بالتبع برنامه و عملکرد مطلوب نیز، جامه عمل نخواهد پوشید.

آرشیو جامع مرکزی (به صورت سنتی و الکترونیکی)، در تصمیم سازی و تصمیم گیری صحیح براساس سوابق و شواهد تاریخی، به متولیان، مسئولان و کارشناسان آستان مقدس کمک شایانی می کند و در واقع می تواند بازوی اطلاعاتی و فکری مستند و معتبر برای برنامه ریزان و مدیران به شمار آید. زیرا اسناد می توانند در برنامه ریزی های کلان و راهبردی آستان و در تشخیص مقوله های مختلف، به ویژه در برنامه های جدید و توسعه ای و ... به مثابه بانک اطلاعات قوی و کارآمد، به عنوان پیشینه، مبنا و الگو، مورد استفاده قرار بگیرند.

نحوه تأسیس و شکل گیری مرکز

با توجه به چشم انداز مصوب آستان مقدس، اگرچه تأسیس نهادی در مجموعه آستان مقدس برای انجام امور اسنادی آن، دیر هنگام به نظر می رسد لکن در صورت التفات به مأموریت سنگین و مهم آن و اهتمام درخور و کافی به تأمین نیروی انسانی، زیرساخت های سخت افزاری و تعریف سازوکارها و برنامه های کاربردی و مناسب و هم چنین همیاری و تعامل همه بخش های آستان مقدس، این عقب ماندگی در این عرصه قابل جبران و تبدیل به فرصت و دستاوردهای کلان خواهد شد.

آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) یقیناً در بین نهادهای دارای اسناد و مدارک ارزشمند، در خصوص تأسیس مرکزی برای امور اسنادی خود، از مواردی است که اگر از مهم ترین ها نباشد، از کم اهمیت ها نیست؛ اگرچه تاکنون نیز اطلاعات و اسناد آن، به صورت پراکنده در بخش های مختلف آستان مقدس وجود داشته و کم و بیش حفظ شده است. خوشبختانه تولیت وقت، حضرت آیت الله حاج سید محمد سعیدی - دامت توفیقاته - با درک ضرورت ها و اهمیت بالای موضوع موافقت کرده اند؛ واحد مستقلی در نظام اداری آستان مقدس با عنوان «مرکز حفظ، پژوهش و نشر اسناد آستان مقدس» در راستای تحقق سند چشم انداز آستان، در سال ۱۳۹۱ تأسیس شد و فعالیت رسمی خود را تحت حوزه فرهنگی آغاز کرد.

اهداف و برنامه های کلی مرکز:

۱. شناسایی، جمع آوری و حفاظت از اسناد؛
۲. تنظیم و توصیف و رقی سازی اسناد در سامانه نرم افزاری؛
۳. مستندسازی وقایع آستان مقدس قم و تدوین تاریخ شفاهی آستان مقدس قم؛
۴. پژوهش، تدوین و تولید آثار اسنادی مختلف.

گستره مأموریت مرکز

این مرکز، در پیگیری و عملیاتی کردن اهداف مذکور محدودیتی به لحاظ حجم و گستردگی پیش‌رو ندارد، از این‌رو، هم در امر شناسایی و جمع‌آوری اسناد و مدارک (مکتوب، شفاهی، شنیداری و دیداری، الکترونیکی و رقمی) و تدوین تاریخ شفاهی در گستره داخل و خارج آستان حتی در سطح ملی و هم در امور پژوهش و تولید آثار اسنادی در تمامی حوزه‌ها با برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی مناسب، می‌تواند اقدام کند.

به لحاظ گستره زمانی نیز مأموریت مرکز، از تاریخ ورود حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها به شهر قم و قدمت ساخت حرم مطهر و برهه‌های زمانی قبل و بعد انقلاب اسلامی تاکنون را شامل می‌شود و همچنین اسناد و مدارکی که همواره در طول فعالیت مرکز، در آستان مقدس تولید می‌شود، را در بر می‌گیرد.

رویکردها و چشم انداز مرکز

راهبردها و رویکردها

- تعریف و اعمال شاخص‌های یکسان و استاندارد در ایجاد انواع اسناد جاری (مکتوب و غیرمکتوب) در سطح آستان مقدس؛
- اتخاذ برنامه‌ها و رویکردهای اصولی مبتنی بر فعالیت تخصصی، علمی و استاندارد برای پیشبرد اهداف مرکز؛
- فراهم‌آوری اسناد شفاهی آستان مقدس در راستای تدوین تاریخ شفاهی آن و تکمیل و اتقان آثار اسنادی مرکز؛
- توسعه فضای ساختمانی، تأمین و تجهیز امکانات اداری و سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مرکز اسناد؛
- ایجاد و ترویج فرهنگ وقف، اهدا و امانت‌سپاری اسناد و مدارک از سوی افراد و مراکز به مرکز اسناد آستان مقدس؛
- جذب و پرورش نیروی انسانی خبره با ویژگی‌های تخصصی، پژوهش‌گری، فعال، مسئولیت‌پذیری، دارای وجدان کاری، دلسوز و امین به امور اسناد آستان و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی؛
- تدوین و تصویب قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به حوزه اسناد برای داخل مرکز و دوائر آستان مقدس؛
- برون‌سپاری حداکثری طرح‌ها و پروژه‌های اسنادی و بهره‌گیری از ظرفیت خدمت‌افزایی با رعایت ملاحظات خاص این حوزه؛

- تشکیل آرشیو جامع رقمی و سنتی انواع اسناد و مدارک و ایجاد سامانه نرم‌افزاری مرجع اسناد آستان مقدس؛
- فرهنگ‌سازی و ترویج خاطره‌نگاری و ثبت مشاهدات، رویدادها و فعالیت‌ها در واحدهای سازمانی آستان مقدس؛

چشم‌انداز مرکز

در راستای سند چشم‌انداز آستان مقدس و با درک رسالت‌ها و جایگاه ویژه مرکز حفظ، پژوهش و نشر اسناد آستان مقدس، که با میلیون‌ها برگ سند و هزاران محمل‌های اطلاعاتی ارزشمند دیگر، منبع رفیع و معتبر و دارای گنجینه غنی و ارزشمند از سوابق و اطلاعات و مدارک قابل بهره‌برداری این آستان ملکوتی به‌شمار می‌آید، برآنیم تا با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطلوب، گام‌هایی بلند و اساسی در این عرصه برداریم. مجاهدت و پویایی را در انجام فعالیت‌ها و برنامه‌ها سرمشق خود قرار دهیم و با تمام همت خویش را در جهت کسب دستاوردهای مطلوب و تولید آثار فاخر اسنادی معطوف بداریم تا در آینده نزدیک، به جبران عقب‌ماندگی و تأخیر از ورود به این عرصه مهم دست یابیم.

- تلاش و فعالیت مستمر اسنادی در راستای پاسداری از هویت اسلامی، ملی و فرهنگی آستان مقدس و ایران اسلامی در راستای هویت‌سازی و ارتقا جایگاه اثرگذاری ملی و فرا ملی آستان مقدس؛
- رسیدن به مرجعیت اسنادی مطمئن در تأمین نیازهای اسنادی و مطالعاتی پژوهشگران و مورخان در حوزه آستان مقدس جهت ترغیب آنان به پیشینه‌پژوهی آستان مقدس و ترویج معصومه‌شناسی (سلام الله علیها)؛
- ایجاد تعامل سازنده و همکاری‌های اسنادی با مراکز و نهادهای اسنادی به‌ویژه مراکز هم‌سو با آستان مقدس در سطح ملی و فراملی؛
- گردآوری و نسخه‌برداری از کلیه اسناد و مدارک مرتبط با آستان مقدس موجود در مراکز و افراد حقیقی و حقوقی؛
- بهره‌گیری از شیوه‌های جدید و فناوری نوین و کارآمد در امر ساماندهی، فهرست‌نویسی و پردازش اطلاعات؛
- نهادینه‌سازی و تثبیت مرکز در نظام اداری آستان و کسب جایگاه شایسته در میان مراکز اسنادی مشابه؛
- اولویت‌بخشی به پروژه‌های مستندسازی و طرح‌های کاربردی پژوهشی و تولید آثار اسنادی معطوف به مأموریت‌های مرکز و اهداف راهبردی آستان مقدس.

قلمرو فعالیت اسنادی

مرکز برای تحقق اهداف تعریف‌شده خود، در همه عرصه‌های اسنادی نیز برنامه‌ریزی می‌کند، بنابراین در همه حوزه‌ها و موضوعات زیر ورود خواهد داشت:

- اسناد مالی (هزینه‌ها و درآمدها)
- اسناد اداری (موجود در کلیه دوائر و واحدهای سازمانی آستان)
- اسناد فرهنگی (آموزشی، قرآنی، تبلیغاتی، هنری و ...)
- اسناد ملکی (املاک و موقوفات)
- اسناد ساختمانی و عمرانی (تأسیس، توسعه و تحولات)
- اسناد مربوط به (مؤسسات تابعه فعال در بخش‌های؛ اقتصادی، فرهنگی، خدماتی و ...)
- اسناد تاریخی (تحولات سیاسی، اجتماعی، اداری آستان مقدس)

واحدهای سازمانی مرکز

- ریاست مرکز و دفتر ریاست
- شورای علمی و ارزیابی اسناد
- واحد شناسایی دریافت
- واحد تنظیم و فهرست‌نویسی
- واحد تدوین و نشر

ریاست مرکز اسناد

بالاترین جایگاه مدیریتی و تصمیم‌گیری است برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ساماندهی و مدیریت امور اسناد آستان مقدس، هدایت، کنترل و ارزشیابی و ایجاد هماهنگی و بهره‌وری نیروی انسانی مرکز، در جهت نیل به اهداف سازمانی است.

دفتر ریاست مرکز

بخشی است کارآمد و دقیق که با تسهیل ارتباط متقابل بخش‌های داخلی مرکز با ریاست مرکز، تنظیم برنامه‌ها و تسریع فعالیت‌های ریاست مرکز، انجام امور دفتری و دبیرخانه‌ای و پیگیری ارتباطات و مکاتبات مرکز، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف مرکز ایفا می‌کند.

شورای علمی و ارزیابی مرکز

جایگاه علمی و مشورتی است که مسئولیت کارشناسی امور تخصصی اسناد و ارائه مشاوره

علمی و فکری به ریاست مرکز را برعهده دارد. این شورا از مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف مرکز تشکیل شده و مسئولیت اصلی پیگیری امور جلسات و مصوبات آن بر عهده دبیر منتخب این شورا است.

واحد شناسایی و دریافت

مجموعه اجرایی و عملیاتی است که با بهره‌گیری از روش‌های اصولی و جدید، مسئولیت اداره و نظارت بر امور جمع‌آوری و گردآوری، پیش‌آرشیوی و حفاظت استاندارد از اسناد را بر عهده دارد و در راستای پیگیری اهداف کلان مرکز اسناد نقش اولیه و پایه‌ای ایفا می‌کند. شامل بخش‌های زیر است:

بخش منابع مکتوب

تعریف اسناد مکتوب: اسنادی که حاوی اطلاعات ارزشمند نوشتاری هستند، «اسناد مکتوب» قلمداد می‌شوند. در بین انواع سند از اعتبار و اهمیت بالایی برخوردار بوده و مبنای اصلی تحقیقات اسنادی و امور اداری و حقوقی هستند.

بخش منابع غیرمکتوب

به منابع معتبری که حاوی اطلاعات ارزشمندی در به‌صورت صوت شامل: عکس‌های تاریخی، نقشه‌ها، پوسترها، بنرها و پلاکاردها و مانند آن‌ها و نوارهای ریلی، فیلم‌ها و نوارهای صوتی از برنامه‌های گوناگون فرهنگی تبلیغی، آموزشی آستان و ...، محتوی مذاکرات، نشست‌ها و جلسات مختلف هستند «اسناد شنیداری و دیداری» اطلاق می‌شود که در سامانه جداگانه‌ای نگهداری می‌شوند.

واحد تنظیم و فهرست نویسی اسناد

معرفی واحد: از واحدی عملیاتی و تخصصی در مرکز اسناد است که با بهره‌مندی از نیروهای محقق و دارای مهارت‌های رایانه‌ای، مسئولیت انجام امور فهرست‌نویسی (دستی و رایانه‌ای) و پیگیری پردازش اطلاعات اسناد را بر عهده داشته و در جهت تحقق اهداف مرکز نقش بسیار مهم و مؤثری ایفا می‌کند.

مدیریت اسناد مشتمل بر مدیریت فرم‌های اداری، گزارش‌ها، آیین‌نامه‌ها، مکاتبات، پرونده‌های جاری، و بایگانی راكد است. به عبارت دیگر، مدیریت اسناد به مدیریت تولید، حفاظت و نحوه استفاده و در دسترس قرار دادن اسناد می‌پردازد و موضوع آن اسنادی است

که به هر عنوان و در هر قالب (نظیر کاغذ، ریزفیلم، نوار ویدئو، عکس، و لوح رایانه‌ای و الکترونیکی) در سازمان تولید و یا از سایر مؤسسات دولتی و خصوصی دریافت می‌شوند.

پس از مجموعه‌سازی و گردآوری منابع آرشیو، اساسی‌ترین فعالیت آرشیوداران، سازماندهی این منابع است؛ فعالیتی که با چالش‌های متعدد برای آرشیوداران همراه است. زیرا دستورالعمل و استاندارد خاصی برای یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی فعالیت‌ها در این زمینه وجود نداشته یا حداقل به موارد کلی اشاره شده است.

جهت توصیف اسناد نیز مرکز اسناد آستان مقدس به کاربرگ‌های جهت ثبت و توصیف خصوصیات سند نیاز داشت. به دلیل خصوصیات خاص و ویژگی‌های منحصر به فرد اسناد این مرکز، لزوم طراحی کاربرگ‌های اختصاصی نیاز بود که با توجه شاخص‌های زیر با التفات و دقت نظر ویژه‌ای طراحی شد.

در این راستا اولین قدم، مطالعه و در نظر گرفتن استاندارد جهانی تنظیم و توصیف آرشیوی^۱ بود. استاندارد جهانی تنظیم و توصیف آرشیوی، بر شناسایی و توصیف همه عناصر ضروری که برای نظام توصیف آرشیوی مورد نیاز است، تمرکز دارد. پس از شناسایی این استاندارد مهم، کاربرگه مورد استفاده سازمان اسناد ملی بررسی شد. سپس با توجه به آنچه استانداردهای جهانی گفته بودند و آنچه سازمان اسناد ملی انجام می‌داد و مهم‌تر از همه در نظر گرفتن ویژگی‌های بومی و خاص مرکز اسناد آستان مقدس قم، کاربرگ‌های جهت توصیف اسناد طراحی شد.

در ادامه از کارشناسان و متخصصان و صاحب‌نظران حوزه نظرسنجی شد و پی از اجرای مرحله آزمایشی و رفع خطاها کاربرگه نهایی به تصویب مرکز اسناد رسید. شیوه‌نامه‌ای نیز در جهت تکمیل کاربرگه نگاشته شد تا اعمال سلیقه در این زمینه به حداقل برسد و کار فهرست‌نویسان تا حد امکان یک‌دست باشد.

بخش ورود اطلاعات به سامانه اسناد:

معرفی بخش: بخشی فنی و عملیاتی در واحد آرشیو مرکز است که با بهره‌گیری از فناوری‌های رقمی، مسئولیت ساماندهی و انجام کلیه امور نرم‌افزاری و رایانه‌ای مرکز را بر عهده داشته و در راستای تحقق اهداف مرکز نقش تسهیل‌کننده، تکمیلی و ارتقایی ایفا می‌کند. نام سامانه‌ای که در این حوزه به کار گرفته شده «نرم‌افزار کتابخانه‌ای پارس آذرخش» است که البته براساس کاربرگه دستی توصیف اسناد این مرکز، به‌روزرسانی و بومی شده است؛ به‌نحوی که فیلدهای موجود در نرم‌افزار آذرخش ابتدا با کاربرگه استاندارد دستی تطبیق داده شده و سپس فیلدهای جایگزین و مکمل در پایگاه اسناد نرم‌افزار تعریف و کاربرگه رایانه‌ای

1. General International
Standard Archival
Description: ISAD (G)

اسناد طراحی و بازتعریف شد. لازم به ذکر است که کتابخانه و موزه آستان مقدس نیز تحت مدیریت فرهنگی، جهت ساماندهی منابع خود از این سامانه نرم‌افزاری بهره می‌گیرند.

مستندسازی اصطلاحات:

مستندسازی توصیف‌گرها، بخش بسیار مهم و اساسی در فرایند طراحی و بومی‌سازی نرم‌افزار آذرخش بود. زیرا بدون انجام این کار، فرایند ورود اطلاعات و رقمی‌سازی اسناد، به صورت استاندارد و با قابلیت کاربری‌های پژوهشی و خدماتی، به فرجام نمی‌رسید.

از همین روی، کارشناسان مرکز اسناد آستان مقدس قم پس از بررسی سرعنوان‌های موضوعی، اصطلاحنامه اصفا، و ... که در حوزه اسناد موجود و قابل استفاده است، به نتیجه رسیدند که این ابزارها به طور کامل مقصود و اهداف مرکز را برآورده نمی‌کنند، بنابراین نیاز به تعریف و مستندسازی اصطلاحات خاص مفاد و ادبیات اسناد آستان مقدس قم وجود دارد. در این راستا، پس از احصا حداکثری و استقرا واژه‌های به کار رفته در انواع اسناد موجود در مرکز، این اصطلاحات را تجمیع و پالایش شده و واژگان زیادی در قالب توصیف‌گرهای اشخاص، اماکن جغرافیایی، تنالگان، موضوعی، نمایه مقابر و ... مستندسازی معتبر انجام شد. تاکنون بیش از یک‌هزار واژه اسنادی مستندشده در سامانه تعبیه شده است.

واحد تدوین و نشر

معرفی واحد: مجموعه‌ای است پژوهشی و ستادی که با بهره‌مندی از نیروهای خبره و محقق، مسئولیت برنامه‌ریزی و اقدام برای پژوهش و تدوین اسناد، تدوین تاریخ شفاهی آستان مقدس با هدف تولید و انتشار آثار و محصولات اسنادی در عرصه‌های مختلف بر اساس اولویت‌های مصوب را بر عهده داشته و در راستای اهداف نشر و اطلاع‌رسانی اسنادی مرکز، نقش اصلی و محوری ایفا می‌کند.

بخش مستندنگاری و تدوین اسناد

معرفی بخش: بخشی است تحقیقاتی و ستادی که در حیطه اهداف تعیین شده، مسئولیت انجام طرح‌های مستندنگاری و پژوهش، همچنین تدوین اسناد را بر عهده داشته و در راستای اهداف تولید اسناد و آثار اسنادی نقش مؤثر و محوری ایفا می‌کند.

بخش تدوین تاریخ شفاهی

- راه‌اندازی و مدیریت بخش تدوین تاریخ شفاهی آستان مقدس با هدف جمع‌آوری، ثبت



و نگهداری و طبقه‌بندی اطلاعات و خاطرات شفاهی مربوط به آستان از طریق انجام مصاحبه؛

- ایجاد بخش فهرست‌نویسی و آرشیو تاریخ‌شفاهی آستان مقدس با رسالت ذخیره و ساماندهی اطلاعات شفاهی؛
- تدوین تاریخ سیاسی و اجتماعی، تاریخ اداری و تشکیلاتی و تاریخ رجال آستان مقدس با بهره‌گیری از دستاوردهای تاریخ‌شفاهی و اسناد دیگر موجود؛
- راه‌اندازی و مدیریت گروه‌های مستندسازی متشکل از مصاحبه‌گر، عکاس و فیلم‌بردار، کارگردان هنری و ...؛
- ثبت و دسته‌بندی و پردازش ایده‌ها و طرح‌های پیشنهادی، تجربیات، خاطرات شخصی و کرامات و مشاهدات و ...؛ تدوین و تولید آثار تاریخ‌شفاهی آستان مقدس از طریق روش مصاحبه، ثبت وضبط و پردازش آن؛
- راه‌اندازی و مدیریت بخش تدوین تاریخ‌شفاهی آستان مقدس با هدف جمع‌آوری، ثبت و نگهداری و طبقه‌بندی اطلاعات و خاطرات شفاهی مربوط به آستان از طریق انجام مصاحبه.

• بخش نشر و اطلاع‌رسانی

تعریف بخش: واحدی عملیاتی و اجرایی است که با بهره‌مندی از نیروهای کارشناس و خبره، مسئولیت تنظیم، آماده‌سازی، تولید و انتشار، توزیع و عرضه آثار اسنادی مرکز را بر عهده داشته و در راستای اهداف نشر و اطلاع‌رسانی اسنادی نقش مؤثر و پیشگامی را ایفا می‌کند.

طرح‌ها و برنامه‌های کلان مرکز:

۱. فهرست‌نویسی و رقمی‌سازی اسناد کاغذی در میان مدت
باتوجه به لزوم به‌روزرسانی و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین جهت ارتقا امنیت، کیفیت و سرعت در ثبت و نگهداری اسناد و همچنین تسریع و تسهیل بهره‌برداری هم‌زمان از اطلاعات آن‌ها، ایجاد بانک جامع الکترونیکی اسناد آستان مقدس یکی از کارهای ویژه، مهم و اولویت‌دار است؛ محملی که قرار است ارزشمندترین دارایی‌های آستان مقدس که همان اطلاعات اسناد و مدارک آستان هستند را ذخیره و نگهداری و آماده بهره‌برداری کند. در واقع وجود یک سامانه جامع اسناد به‌صورت رقمی، در کنار آرشیو سنتی و فیزیکی اسناد، ضمن بالابردن ضریب امنیت و حفاظت از اسناد و اطلاعات آستان مقدس، زمینه‌ساز ارائه اطلاعات دقیق کاربردی و قابل‌جستجو برای پژوهشگران اسنادی و دیگر کاربران بوده و راهبردی

عملیاتی ضروری در حوزه اسناد آستان مقدس محسوب می‌شود.

این سامانه دارای قابلیت جستجوی سند و مفاد آن، بی‌تردید در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری صحیح بر اساس سوابق و شواهد تاریخی، به متولیان، مسئولان و کارشناسان آستان مقدس کمک شایانی می‌کند و در واقع بازوی اطلاعاتی و فکری مستند و معتبر برای برنامه‌ریزان و مدیران تلقی می‌شود؛ زیرا اسناد می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های کلان و راهبردی و در تشخیص مسائل و مقوله‌های مختلف، به‌ویژه در برنامه‌های جدید و توسعه‌ای، به‌مثابه منبع و پشتوانه اطلاعاتی قوی و کارآمد، به‌عنوان پیشینه، مبنا و الگو، مورد بهره‌برداری واقع شده و سرچشمه دستاوردهای مطلوبی برای آستان مقدس قرار بگیرد.

اینک باتوجه به ضرورت صرفه‌جویی حداکثری در هزینه‌های مالی و نیروی انسانی این طرح بسیار بزرگ و دارای بار مالی بالا، لازم است با درنظر گرفتن اهداف اصلی مرکز و تعیین مدت زمان مناسب و مطلوب، یک شیوه عملیاتی متناسب و منطقی برای «فرایند فهرست‌نویسی و پردازش اطلاعات اسناد» اتخاذ شود؛ زیرا این فرایند پایه و محور اصلی در ایجاد سامانه رقمی می‌باشد.

این مرکز درصدد بررسی راهکارهای موجود و گزینه‌های ابتکاری و روش‌های سرعت‌بخش به فرایند فهرست‌نویسی و پردازش اطلاعات اسناد و تحلیل تأثیر شیوه‌های مختلف بر هزینه‌ها و زمانبندی‌هاست تا زمینه اتخاذ یک تصمیم راهبردی درست و منطقی، قابل‌دستیابی و دارای بسترهای کنترل و ارزیابی این فرایند فراهم کند و دریک یک برنامه میان‌مدت تمامی اسناد مکتوب یا کاغدی موجود آستان مقدس را فهرست‌نویسی و رقمی‌سازی کند.

اهداف مرکز از رقمی‌سازی اسناد:

- افزایش ضریب حفاظت اسناد و مدارک از طریق تصویربرداری از اسناد و نگهداری آن‌ها در بایگانی رقمی.
- امکان فهرست‌نویسی رایانه‌ای اسناد (بازخوانی و بازنویسی اطلاعات اسناد در کاربرگ‌ها)
- جهت کاهش هزینه‌ها و صیانت از مفاد اسناد و سهولت دسترسی به آن‌ها در قالب نرم‌افزار.
- نیل به اهداف پژوهشی و امکان بهره‌برداری متمرکز و همزمان از اطلاعات اسناد توسط پژوهشگران و کاربران دیگر.

مزایا و امکانات سامانه رقمی اسناد

۱. تشکیل بایگانی الکترونیکی جهت نگهداری از تصاویر اسناد و بی‌نیازی از بایگانی سنتی و فیزیکی؛



۲. فراهم آوردن امکان جستجوی واژگانی و موضوعی اسناد برای پژوهشگران و کاربران دیگر؛
۳. امکان آرشیو انواع سند (عکس، فیلم، صوت و اسناد مربوط به تاریخ شفاهی و ...) در کنار تصاویر اسناد مکتوب در سامانه؛
۴. تسریع و تسهیل بهره‌برداری پژوهشگران و کاربران دیگر و جامعیت بخشیدن به تحقیقات و آثار اسنادی؛
۵. امکان‌دهی پیشنهادشناسی موضوعی برای مدیران و کارشناسان آستان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی؛
۶. امکان به‌روزرسانی و تکمیل کاربرگه‌های مربوط از روی تصاویر اسناد براساس اولویت‌بندی موضوعی؛
۷. پایین‌بودن اعمال سلیقه، ابهامات و اشتباهات انسانی مثل ناخوانا بودن خط و ... نسبت به عملیات اسنادی دستی.

مراحل اجرایی ایجاد سامانه جامع رقیمی اسناد:

۱. برنامه‌ریزی و طراحی پروژه ایجاد سامانه و طی مراحل تصویب؛
۲. طراحی و تهیه نرم‌افزار سامانه رقیمی اسناد؛
۳. تهیه امکانات سخت‌افزاری لازم (کارساز^۱ و رایانه)؛
۴. تأمین نیروی انسانی موردنیاز طبق برنامه مصوب در قالب پروژه؛
۵. فهرست‌نویسی (بازخوانی و بازنویسی اسناد در کاربرگه‌ها)؛
۶. تصویربرداری از اصل اسناد؛
۷. ورود اطلاعات کاربرگه‌های فهرست‌نویسی و تعبیه تصاویر اسناد در نرم‌افزار.

۲. طرح بزرگ «تدوین تاریخ شفاهی آستان مقدس»

پژوهش در تاریخ آستان مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها در حوزه‌های مختلف و از زوایای پیدا و پنهان آن برای تدوین تاریخ این بارگاه ملکوتی و تولید آثار علمی و اسنادی از این رهگذر، یکی از رسالت‌های اولیه آستان مقدس محسوب می‌شود و این مأموریت مهم بی‌تردید کاری بسیار ارزشمند و البته بسی با دشواری است که بر دوش مرکز اسناد نهاده شده است. دشواری آن نه به جهت کمبود منابع مکتوب و یا عدم امکان بهره‌برداری بهینه از اسناد مکتوب به‌جای‌مانده از گذشته است؛ بلکه بیشتر از این جهت که بسیاری از رویدادها، فعالیت‌ها و خدمات این آستان شریف در هیچ قالبی ثبت و ضبط نشده و به‌مرور به‌دست فراموشی سپرده شده است.

1. Server



چه بسیار بودند متولیان، مدیران و خادمان این درگاه الهی که در گذشته، اطلاعات و خاطرات ارزشمندی از این بارگاه نورانی و سیر تحولات عمرانی، فرهنگی و خدمات زیارتی آن در سینه داشته‌اند که نه به رشته تحریر درآمده، نه در اسناد مکتوب و غیر مکتوب موجود منعکس شده و نه قالب دیگری به ما منتقل شده است.

این نقیصه، پژوهش‌های تاریخی آستان مقدس را همواره با مشکل و خلأ اطلاعاتی روبه‌رو کرده است. از همین رو مرکز اسناد بر خود فرض می‌داند از روش تدوین «تاریخ شفاهی» که یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است - که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی آستان مقدس بر اساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و گفته‌های شاهدان، ناظران و فعالان و خادمان آن در گذشته می‌پردازد- برای تکمیل برنامه‌های تحقیقاتی خود بهره‌برداری کند. البته از آنجایی که متون این تاریخ (شفاهی) در صورت مکتوب‌شدن، خصلتی گفتاری و جذب‌کننده دارد، امروزه دارای جذابیت فوق العاده‌ای است و لذا می‌توان به‌صورت طرح مستقل و به‌عنوان یک هدف اصلی آن را دنبال کرده و از طریق برگزاری مصاحبه‌های هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده به تدوین تاریخ شفاهی آستان مقدس دست یافت و نسل کنونی و آیندگان را از برکات و دستاوردهای آن پرنسیب ساخت.

گفتنی است یکی از بخش‌های مهم واحد تدوین و نشر مرکز اسناد آستان، بخش تاریخ شفاهی پیش‌بینی‌شده که انتظار می‌رود برای نیل به اهداف مذکور، با تهیه فهرست جامع و کاملی از افراد مطلع و شایسته برای مصاحبه، در بازه زمانی میان‌مدت، این توفیق بزرگ را نصیب خود گرداند.

دراین راستا، بخش مذکور، اقدام به برنامه‌ریزی برای مصاحبه با متولیان، مدیران و مسئولان، کارکنان و خادمان، بازنشستگان، علما و بزرگان، خیرین و حتی زائران و مجاوران و همه افرادی که به نوعی با این آستان مرتبط بوده‌اند یا خدمتی ارائه کرده یا خاطره و اطلاعاتی در این خصوص دارند، می‌کند و به موازات آن محتوای مصاحبه‌ها را تنظیم و تدوین کرده و به‌عنوان اسناد و تاریخ مکمل دیگر آثار اسنادی یا به‌صورت مستقل در اختیار علاقه‌مندان به این آستان مبارک قرار می‌دهد. بی‌شک این مسیری طولانی است؛ در طی چند سال آینده می‌بایست با همتی مضاعف آن را پیمود و برای آیندگان هموار کرد و برکاتش را به‌ودیعہ گذاشت.

امید است که مجموعه همۀ تلاش‌ها و مجاهدت‌ها منجر به این شود که یک «حافظه قوی، جامع و کامل» در آستان مقدس داشته باشیم تا ضمن بهره‌برداری پایدار در مجموعه آستان، مورد استفاده اهل علم و دانش‌پژوهان و مورخان نیز قرار گیرد و در پاسداری از هویت اسلامی، ملی و فرهنگی آستان مقدس و ایران اسلامی نقش‌آفرینی کند و همواره فرمایش

حکیمانه مقام معظم رهبری را سرلوحه کارها قرار دهیم که فرمودند: «بزرگ‌ترین بلا برای یک ملت، این است که بخش‌هایی از فرهنگ و تمدن خودش به‌مرور زمان از حافظه‌اش پاک شود.»

منابع

- رضایی، حمید (۱۳۸۴). تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام. قم: زائر.
- قریشی‌کرین، حسن (۱۳۸۹). قم از ابتدای دوره قاجار تا مشروطه. قم: زائر.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی. تهران: سمت.
- نظری، محمد- مشکاتی، باقر (۱۳۹۲). میراث آستان کرامت. قم: زائر آستان مقدس.
- برگرفته از مصاحبه نگارندگان، با محمدنظری، ریاست مرکز اسناد آستان مقدس قم (۱۳۹۳).
- برگرفته از مصاحبه نگارندگان با ابوذر مهدی پور، مسئول واحد آرشیو مرکز اسناد آستان مقدس قم (۱۳۹۳).
- برگرفته از مصاحبه نگارندگان با فضل‌الله طاهری، مسئول واحد فهرست‌نویسی مرکز اسناد آستان مقدس قم (۱۳۹۳).
- بر اساس گزارش خودنوشت نیره خدادادشهری، سرپرست بخش ورود اطلاعات مرکز اسناد آستان مقدس قم (۱۳۹۳).
- بر اساس گزارش خودنوشت باقر مشکاتی، مسئول واحد تدوین و نشر مرکز اسناد آستان مقدس قم (۱۳۹۳).
- نظری، محمد؛ مشکاتی، باقر؛ طاهری، فضل‌الله؛ پورابوذر، مهدی. مجموعه آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مرکز اسناد (۱۳۹۳).

معرفی کتاب

دستنامه فهرستنویسی توصیفی منابع غیرکتابی

منصوره کشاورز افشار^۱



کتاب «دستنامه فهرستنویسی توصیفی منابع غیرکتابی»، تألیف سهیلا فعال^۲، از انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در سال ۱۳۹۵، در ۲۱۱ صفحه و با قیمت ۱۵۰۰۰ تومان منتشر شده است. کتاب در ۱۲ فصل تهیه شده و دارای واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و نمایه الفبایی است. این کتاب با هدف یک‌دستی فهرستنویسی منابع غیرکتابی در کتابخانه ملی، مراکز، سازمان‌ها، آرشیوها و کتابخانه‌هایی که اقدام به سازماندهی منابع غیرکتابی می‌کنند، منتشر شده است. این دستنامه با استفاده از ویرایش دوم قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن^۳ و با درنظر گرفتن

سیاست‌ها و تصمیم‌های اتخاذشده در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهیه شده است.

در دو فصل ابتدایی کتاب، کلیاتی در مورد انواع منابع غیرکتابی، تعریف، لزوم فهرستنویسی این منابع و اقدامات انجام‌شده و روند سازماندهی این منابع در سازمان اسناد و کتابخانه

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. کارشناس بخش منابع غیرکتابی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، m-keshavarz@nlai.ir

۲. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و رئیس گروه سازماندهی منابع غیرکتابی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

3. Anglo American Cataloging Rules, Second Edition (AACR2)

ملی ایران اشاره شده است. در ادامه پس از معرفی استاندارد توصیف کتابشناختی و قواعد فهرستنویسی انگلوماریکن، راهنمایی برای استفاده از ویرایش دوم این قواعد ارائه شده است. بحث اصلی کتاب از فصل ۳ آغاز می‌شود، در این فصل قواعد کلی توصیف که برای تمامی منابع مشترک است، به تفکیک هر ناحیه و در قالب عبارتهای کلیدی بیان می‌شوند. در این فصل قواعد کلی مربوط به ناحیه‌های عنوان و شرح پدیدآور، ویراست، وضعیت نشر، تولید، توزیع و جز آن، فروست، مشخصات ظاهری و یادداشت بیان می‌شود. این قواعد تقریباً در توصیف تمامی منابع غیرکتابی کاربرد یکسان دارند. فصل ۴ تا ۱۲ نحوه فهرستنویسی توصیفی انواع منابع غیرکتابی را در گروه‌های خاص و در قالب مثال‌های فارسی ارائه می‌دهند. در این فصل‌ها، قواعد مربوط به منبع اصلی اطلاعات و ناحیه‌های داده‌های ویژه، مشخصات ظاهری و یادداشت که در گروه‌های مختلف منابع غیرکتابی به‌صورت خاص و ویژه کاربرد دارند، بیان می‌شوند. گروه‌های منابع به‌ترتیب فصل‌های مربوط به منابع غیرکتابی در ویرایش دوم قواعد فهرستنویسی انگلوماریکن ذکر شده‌اند. این گروه‌ها به‌ترتیب شامل منابع چاپی (استاندارد، اعلامیه، بروشور، بریده جراید، پایان‌نامه، تقویم، جزوه، طرح پژوهشی و گزارش)، منابع جغرافیایی (اطلس، کره جغرافیایی، نقشه جغرافیایی و نقشه معماری)، منابع شنیداری (گرامافون، لوح‌فشرده، نوار حلقه، نوار کارتریج و نوار کاست)، منابع ویدئویی و پروژکتوری (اسلاید، ترانسپرنسی، فیلم، فیلم‌استریپ، ویدئودیسک، ویدئوکارتریج و ویدئوکاست)، منابع گرافیکی (برچسب، بنر، پاکت، پوستر، تمبر، خوشنویسی، رسم فنی، طرح قالی، عکس، فلش‌کارت، کارت، کاریکاتور، کنتاکت، لوحه آموزشی، نقاشی، نگاتیو و نمودار)، منابع الکترونیکی، منابع سه‌بعدی (بازی، پازل، پرچم، تندیس، سکه، مدل، مهر و نشان)، ریزفرم‌ها (میکروفیش و میکروفیلم)، منابع چندرسانه‌ای است.

استفاده از مطالب این کتاب به کلیه کتابداران، آرشیوداران و اساتید و دانشجویان مربوط به این رشته‌ها پیشنهاد می‌شود.

فصلنامه علمی - دانشجویی آرشیو

دانشگاه الزهرا^(س)

مینا کرمی^۱



نشریات علمی از جمله رسانه‌های مؤثر در ارتقای علوم و انتقال دانش میان اساتید، پژوهشگران و دانشجویان هستند. این نشریات محل جستجوی پیشرفت‌های نوین علوم می‌باشند. حوزه آرشیو نیز دارای نشریات متعددی است. در میان این نشریات نقش آرشیو به‌عنوان سازمان مستقل و علم روز دنیا خیلی پررنگ نیست، بلکه بسیاری از این نشریات مطالب خود را به سندپژوهی و تاریخ اختصاص می‌دهند؛ به‌عبارتی‌دیگر، از منظر تاریخ به آرشیو می‌نگرند. البته نشریات خوبی هم در این عرصه حضور دارند که به آرشیو به‌صورت تخصصی پرداخته‌اند. در

میان این نشریات وجود نشریه‌ای که مقالات دانشجویان و اساتید را که فاقد ساختار وزارت علوم باشد در حوزه مطالعات آرشیوی پشتیبانی کند، به‌شدت احساس می‌شود.

نشریات دانشجویی خاستگاه ایده‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌های دانشجویانی است که به اعتلای فرهنگ و توسعه علمی این مرز و بوم می‌اندیشند. این نشریات پیوند عمیقی میان علم و فرهنگ برقرار می‌کنند و آینه فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی و ... دانشجویان هستند.

۱. کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
mi-karami@yahoo.com



فصلنامه علمی-دانشجویی آرشیو دانشگاه الزهراء(س)، در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ به همت جمعی از دانشجویان مطالعات آرشیوی و یاری اساتید گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)، با هدف ایجاد فضایی متفاوت، برای بیان مشکلات و مسائل حرفه‌ای در کنار مباحث علمی رشته مطالعات آرشیوی بنیان نهاده شد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه الزهراء(س) زیر نظر اداره کل امور فرهنگی دانشگاه، صاحب امتیاز فصلنامه علمی-دانشجویی آرشیو، است. تاکنون ۱۰ شماره از

این فصلنامه منتشر شده است و شماره یازدهم نیز در دست انتشار است. فصلنامه شامل مباحثی چون: معرفی کتاب، معرفی نشریات، معرفی مراکز آرشیوی به‌همراه ارائه گزارش بازدید از مراکز آرشیوی، بیان دغدغه‌های حرفه‌ای با عنوان «در جستجوی ارزش»، ارائه گزارش از فعالیت‌های آرشیوهای دنیا، مقالات علمی، مصاحبه با افراد صاحب‌نظر، معرفی متخصصان، چهره‌ها و مشاهیر و معرفی همایش‌های آرشیوی و فراخوان، معرفی پایان‌نامه‌های حوزه آرشیوی و در انتها اخبار آرشیو است. مطالب این فصلنامه هر سه ماه یک‌بار به‌صورت فصلی چاپ می‌شود. هم‌چنین این نشریات به‌صورت الکترونیکی در وبلاگ نشریه به نشانی <http://alzahra-archive-journal.blog.ir> در دسترس است.

فهرست مطالب فصلنامه به‌ترتیب شماره‌ها به قرار زیر است:

شماره ۱ و ۲ فصلنامه شامل: شکل‌گیری مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات آرشیوی در ایران؛ نوشته‌های آرشیوی‌الدوله (پایان‌نامه‌های سردرگم)؛ آشنایی با تاریخ شفاهی؛ شورای جهانی آرشیو و بایگانی و آرشیو.

شماره ۳ فصلنامه شامل: معرفی ایرج افشار؛ بهره‌داری از شبکه‌های اجتماعی در آرشیو؛ نگاهی به آرشیو ملی آمریکا؛ معرفی پایان‌نامه‌ای در حوزه آرشیو؛ معرفی وبگاه آرشیویست تعاملی؛ اخبار حوزه آرشیو و معرفی کتاب.

شماره ۴ فصلنامه شامل: سخن حکیم‌الملوک؛ معرفی چهره‌ها؛ معرفی سازمان آرشیوی داخلی؛ معرفی سازمان آرشیوی خارجی؛ مقاله؛ به بهانه زمستان؛ معرفی سایت آرشیوی؛



دست‌خط شیخ بهایی؛ نوشته‌های آرشیوالدوله؛ معرفی پایان‌نامه‌ای در حوزه آرشیو و اخبار.

شماره ۵ فصلنامه شامل: سر مقاله؛ مقاله؛ آشنایی با مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ معرفی آرشیو ملی استرالیا؛ آشنایی مختصر با محسن روستایی و گفتگو با محسن روستایی.

شماره ۶ فصلنامه شامل: معرفی کتاب اطلس قارچ‌شناسی؛ گفتگو با آقای محسن روستایی؛ معرفی نشریه پیام بهارستان؛ بازیابگرهای الکترونیکی؛ در جستجوی ارزش.

شماره ۷ فصلنامه شامل: معرفی کتاب عوامل میکربی آسیب‌رسان به منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای؛ بررسی رویکرد مجلس شورای ملی (دوره ۲۱ و ۲۲) نسبت به آرشیوها؛ معرفی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

شماره ۸ فصلنامه شامل: چکیده اولین پایان‌نامه‌های آرشیوی دفاع شده در دانشگاه الزهراء(س)؛ زمان تشکیل انجمن آرشیوداران ایران فرا رسیده است (مصاحبه با جناب آقای دکتر سعیدرضایی شریف‌آبادی)؛ گزارش همایش مهرشناسی و آیین افتتاح موزه کتاب؛ معرفی کتب و نشریات آرشیوی؛ معرفی سازمان‌های آرشیوی؛ شبی در آرشیو ملی؛ در جستجوی ارزش.

شماره ۹ فصلنامه شامل: روش‌های بهره‌وری انرژی در ساختمان کتابخانه‌ها و آرشیوها در چین؛ سفر یک روزه به قم؛ گزارش بازدید از کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی؛ نقش شبکه‌های اجتماعی در افزایش تعاملات آرشیویست‌ها با کاربر آرشیو و در جستجوی ارزش.

مطالب شماره ۱۰ فصلنامه شامل: معرفی کتاب دائرةالمعارف علوم آرشیوی (Encyclopedia of Archival Science)؛ معرفی نشریات تخصصی آرشیوهای دیداری-شنیداری؛ آلت‌متریکس؛ گزیده‌های از پایان‌نامه‌های رشته آرشیو (کارشناسی ارشد و دکتری) نمایه شده در ۲۰۱۶- پایگاه پروکوئست ۲۰۱۴؛ معرفی وبگاه آرشیو و کتابخانه ملی کانادا؛ در جستجوی ارزش.





گزارشی از نمایشگاه‌های سیار برگزارشده، اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات (گروه ارتباطات آرشیوی) در تابستان ۱۳۹۵

اکبر فالاحی^۱ و فریبا امیری^۲

از سالیان گذشته و به‌منظور معرفی اسناد و گسترش جامعه مخاطبان عام‌وخاص، برگزاری نمایشگاه‌های اسناد در فرهنگسراها، مکان‌های پرتردد و دانشگاه‌ها شکل گرفته است. برای انجام این مهم پوشه‌های آماده‌سازی‌شده اسناد، برای شعبه‌های سازمان و سازمان‌ها و نهادهای درخواست‌کننده داخلی و خارجی ارسال می‌شود.

به‌مناسبت ۱۴ تیر، روز شهرداری و دهیاری، اسنادی برای برگزاری نمایشگاه، هم‌زمان در ۱۲ نمایندگی استانی و منطقه‌ای، با ۳۰ عنوان و معرفی ۴۳ برگ سند مربوط به دوره پهلوی، آماده‌سازی و ارسال شد. در اسناد نمایشگاه، مباحثی هم‌چون ابلاغ آئین‌نامه تکالیف کدخدایان در امور مربوط به نظام‌وظیفه، پرداخت دستمزد کدخدایان، دستور به بخشداران برای آموزش کدخدایان، وظایف و شرایط دهیاری، حکم کدخدائی، پذیرش دانش‌آموز در رشته دهیاری، آموزش‌های لازم به کدخدایان، ابلاغ قانون واگذاری وصول مالیات مستغلات، مکاتبه مبنی بر عریضه مالکان اتوبوس‌های شهری راجع به گرانی اتومبیل و وسایل آن، تعیین مبالغ جدید برای تاکسی‌ها، سواد قانون واگذاری قراولخانه و اراضی بائر و دایره دولتی مورد استفاده شهرها به بلدی‌های محل و غیره آمده است.

سالروز تأسیس «مجلس تجارت» در ۱۳ مرداد ۱۳۲۶ ش. مناسبت دیگری است که گروه ارتباطات آرشیوی، نمایشگاهی در این زمینه، شامل ۲۳ فهرست با معرفی ۳۹ برگ سند آماده‌سازی و با هدف برگزاری نمایشگاه هم‌زمان، برای ۱۱ نمایندگی استانی و منطقه‌ای

۱. دانشجوی دکتری تاریخ علم دوره
اسلامی، رئیس گروه ارتباطات آرشیوی،
falahi1354@yahoo.com
۲. کارشناس برنامه‌ریزی و بررسی اسناد
و مدارک
amirifariba42@yahoo.com



آماده‌سازی و ارسال کرد. سواد صورت مجلس اتاق تجارت بارفروش، درباره انحلال اتاق تجارت آن شهر و ممه‌ور کردن آن و تهیه صورت ریز از اثاثیه در تاریخ ۱۳۰۹/۳/۷ ش.، قدیمی‌ترین سند و مکاتبه نایب‌رئیس اتاق بازرگانی شیراز با استانداری فارس درباره اعلام نرخ گندم در تاریخ ۱۳۴۷/۱۰/۴ ش. جدیدترین سند معرفی شده در این نمایشگاه بود.

نمایشگاه اسناد المپیک، به مناسبت برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو، با محدوده زمانی دوره پهلوی و انقلاب اسلامی، در قالب ۲۵ عنوان با معرفی ۴۵ برگ آماده‌سازی و جهت برگزاری نمایشگاه هم‌زمان، برای ۱۱ نمایندگی استانی و منطقه‌ای ارسال شد. درخواست از ریاست کل معارف مبنی بر اعزام نماینده به المپیک هلند برای آگاهی از انواع بازی‌ها و برنامه المپیک بعدی و تهیه وسایل ارتباط المپیک ملی با کمیته المپیک و مخالفت معارف به دلیل نبود اعتبار، ۱۳۰۶/۱۰/۱۷ ش.؛ نامه وزارت معارف به وزارت امور خارجه، درخصوص مقرون‌بودن شرکت در المپیک هلند و ابراز امیدواری برای حضور در المپیک ۱۹۳۲، ۱۳۰۶/۱۰/۱۹ ش.؛ تشکیل «کمیسیون انتشارات و تبلیغات المپیک» در کمیته ملی المپیک برای اطلاع‌رسانی نتایج المپیک لندن و راهنمایی ورزشکاران ایرانی در آن بازی‌ها، [۱۳۲۶ ش.]; تشکیل اردوگاه در تهران به منظور تمرین و آمادگی ورزشکاران جهت شرکت در المپیک لندن و بخشنامه وزیر کشور به استانداری هفتم برای اعزام قهرمانان برجسته به اردوگاه یاد شده، ۱۳۲۷/۴/۶ ش.؛ فهرست هزینه‌های لازم برای شرکت در المپیک ۱۹۴۸ لندن، ۱۳۲۷/۶/۳۰ ش.؛ صورت‌جلسه کمیسیون رسیدگی به حساب‌های ارزی کمیته المپیک ایران برای بررسی هزینه‌های المپیک لندن، ۱۳۲۷/۷/۲۷ ش.؛ ورزشگاه ومبلی، محل برگزاری مسابقات المپیک ۱۹۴۸ لندن؛ [۱۳۲۷ ش.]; اسامی اعضای کمیته بین‌المللی المپیک و مسئولان المپیک ۱۹۴۸ لندن، [۱۳۲۷ ش.]; رکوردهای ورزشکاران رشته‌های مختلف در بازی‌های المپیک، [۱۳۲۷ ش.]; ترجمه بخشنامه کمیته بین‌المللی المپیک درخصوص منع استفاده از واژه و علامت المپیک در غیر از بازی‌های المپیک، آوریل ۱۹۵۰ م. / فروردین یا اردیبهشت ۱۳۲۹ ش.؛ برنامه استقبال از ورزشکاران قهرمان پس از بازگشت از المپیک ملبورن؛ آذر ۱۳۳۵ ش.؛ اطلاعات بولتن رسمی کمیته المپیک ایران از دهکده المپیک ۱۹۶۰ رم، ۱۳۳۹/۳/۲۵ ش.؛ نامه وزارت امور خارجه به وزارت فرهنگ، مبنی بر برگزاری نمایشگاه نقاشی کودکان هم‌زمان با المپیک توکیو و درخواست آگاهی از اقدام‌های صورت‌گرفته، ۱۳۴۲/۱۰/۱۹ ش.؛ امکانات بهداشتی و پزشکی گرونوبل برای برگزاری بازی‌های المپیک زمستانی ۱۹۶۸، ۱۳۴۶ ش.؛ ورزشگاه یکصد هزار نفری «آرتک»، محل برگزاری بازی‌های المپیک ۱۹۶۸ مکزیک، [۱۳۴۷ ش.]; برنامه نوزدهمین دوره بازی‌های المپیک ۱۹۶۸ مکزیک، [۱۳۴۷ ش.]; مهمترین تصمیم‌های اجلاس شصت و هشتم کمیته بین‌المللی المپیک در ورشو، ۷ ژوئن ۱۹۶۹ م. / ۱۳۴۸/۳/۱۷ ش.؛ برنامه مسابقات المپیک ۱۹۷۲ مونیخ، [۱۳۵۰ ش.]; دسترسی خبرنگاران به مدرن‌ترین تجهیزات رادیویی و تلویزیونی



برای ارسال اخبار المپیک ۱۹۷۲ مونیخ، [۱۳۵۱ ش.]; گزارش سفر گروه اعزامی آموزش و پرورش از المپیک بارسلون، [۱۳۷۱ ش.]; تصاویری از سالن‌های ورزشی و امکانات المپیک بارسلون، [۱۳۷۱ ش.] از جمله عنوان‌های اسناد نمایشگاه بود.

قیام مسجد گوهرشاد یکی از وقایع مهم در تاریخ سیاسی کشور محسوب می‌شود که گروه ارتباطات آرشیوی به درخواست مدیریت اسناد و کتابخانه ملی خراسان رضوی، نمایشگاهی را در این زمینه آماده و به آن مدیریت برای برگزاری نمایشگاه ارسال داشت. بیشتر اسناد منتخب در این نمایشگاه به رویدادهای بعد از قیام بر می‌گردد. مهم‌ترین اسناد عبارت است از: دستور حکومت تربت‌حیدریه به نظمیه، مبنی بر مراقبت کامل از تغییر کلاه و تعقیب متخلفان؛ گزارشی از منبر رفتن سیدعلی معروف به اصفهانی یا یزدی در تربت حیدریه و کاشمر و اظهارات وی در خصوص حرم رضوی [پس از قیام مسجد گوهرشاد] و اقدامات حکمران برای دستگیری وی و جلوگیری از اغتشاش در شهر؛ گزارش حکومت تربت حیدریه به ایالت خراسان در خصوص روند تغییر کلاه پس از اتفاقات مشهد و تلاش نظمیه برای دستگیری عوامل اغتشاشگر؛ درخواست انجام اقدامات لازم برای اعزام دو نفر از زندانیان [قیام مسجد گوهرشاد] به چشم‌پزشکی؛ اداره آگاهی و رسیدگی محاکمات ارتش به پرونده وی؛ نامه سیدعبدالکریم نواب احتشام رضوی به فرزندش سیدعلی احتشام رضوی [از متهمان قیام مسجد گوهرشاد] برای اعلام سلامتی و اوضاع خود و خانواده؛ دستور شهربانی جهت اعزام ۵ نفر از زندانیان [قیام مسجد گوهرشاد] برای بازجویی؛ اعلام وضعیت محکومیت حاجی سیدعبدالعظیم حائری میرهاشمی، از متهمان قیام گوهرشاد؛ گزارش تحویل ۵ نفر از زندانیان به لاتکلیف [قیام مسجد گوهرشاد] به اداره سیاسی؛ دستگیری و تحویل پنج نفر از محکومان قیام گوهرشاد به اداره سیاسی؛ اسامی زندانیان بازجویی شده و درخواست حذف آن‌ها از فهرست؛ دستور رئیس اداره محاکمات و دعوای ارتش، مبنی بر اعزام متهمان قیام مسجد گوهرشاد به دیوان حرب؛ حکم دیوان حرب ثانی، در خصوص محکومیت متهمان قیام مسجد گوهرشاد؛ اسامی زندانیان تحویلی [قیام مسجد گوهرشاد] به اداره سیاسی برای انجام اقدامات لازم؛ نامه شیخ محمدتقی بهلول از زندان افغانستان به دوستان خود در سبزوار، مبنی بر اعلام شرایط خود در زندان و آگاهی از اوضاع آشنایان در ایران؛ گزارش وزارت امور خارجه، مبنی بر آزادی شیخ بهلول از زندان افغان‌ها، اعزام وی به مزارشریف و تکریم وی از سوی افغان‌ها.

گفتنی است، نمایشگاه یادشده در قالب ۴۳ عنوان و معرفی ۵۵ برگ سند تهیه و تنظیم شده است. گروه ارتباطات آرشیوی به مناسبت هفته دولت و بزرگداشت سالروز شهادت دو تن از بهترین یاران امام خمینی (ره)، محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، به درخواست مدیریت اسناد و کتابخانه ملی مازندران و قزوین، اسنادی را به‌منظور برگزاری نمایشگاه تهیه و به آن مدیریت‌ها

ارسال کرد. این نمایشگاه شامل ۱۷ عنوان و معرفی ۲۳ برگ سند و ۱۸ قطعه عکس بود. قدیمی‌ترین این اسناد مربوط به درخواست محمدجواد باهنر، از مدرسان حوزه علمیه قم مبنی بر صدور گواهی اشتغال به تحصیل وی در آن حوزه به منظور ارائه به حوزه علمیه نجف در تاریخ ۱۳۳۷/۷/۱۲ ش. و جدیدترین آن بخشنامه محمدعلی رجائی، نخست‌وزیر، به مناسبت سومین سال تأسیس جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۱۵ ش. است. که در آن نخست‌وزیر توصیه‌هایی به کارمندان و روسای سازمان‌ها جهت حفظ و پاسداری از خون شهدا کرده است. افزون‌براین، به مناسبت هفته دولت، اسنادی هم باهدف ارسال به موزه سازمان واقع در ساختمان کتابخانه آماده‌سازی و ارسال شد. این اسناد مربوط به دولتمردان قبل از انقلاب بود و شامل ۹ عنوان و ۱۵ برگ سند به صورت اصل سند در اختیار علاقه‌مندان و مراجعان قرار گرفت. گفتنی است که، حکم وثوق‌الدوله، «رئیس‌الوزرا» برای موافقت با استعفای مسیو «هنسنس» از ریاست خزانه‌داری کل و انتصاب منتخب‌الدوله به کفالت خزانه‌داری در تاریخ ۱۳۳۴ ق. / ۱۲۹۵/۴/۲۷ ش. قدیمی‌ترین سند و ترمیم کابینه امیرعباس هویدا «نخست‌وزیر»؛ در سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۵۴ ش. جدیدترین سند نمایش‌داده در موزه سازمان بود. دیگر اسناد معرفی‌شده نیز عبارتند از: نامه به مشیرالممالک در یزد برای اعلام اوضاع داخلی، تغییر کابینه وزراء، انتصاب ناصرالملک به سمت رئیس‌الوزرا و اعلام اسامی برخی از وزیران؛ گزارش درباره استعفای رئیس‌الوزرا، شایعه موردنظر بودن افرادی چون مشیرالدوله، مستوفی‌الممالک و ... برای نخست‌وزیری، ورود کشتی‌های جنگی روس به انزلی و ورود نیرو به غازیان و ایجاد کمیته در آستارا با تحریک آنان؛ تلگراف قوام‌السلطنه به فرمانفرمایان ایالات و حکام ولایات پس از پذیرش مسئولیت تشکیل کابینه و اعلام اسامی وزیران معرفی‌شده به شاه و مجلس شورای ملی؛ ابلاغ تلگراف مستوفی‌الممالک به حکام و فرمانفرمایان در مورد تشکیل هیئت دولت و معرفی به مجلس شورای ملی؛ بخشنامه، مبنی بر انتصاب علی منصور به سمت وزیر صنعت و معادن و ابوالقاسم فروهر به سمت وزیر داخله؛ ابلاغ بخشنامه حاوی معرفی کابینه علی سهیلی؛ سیاهه اسامی وزیران کشور از سال ۱۳۲۰ به بعد. نمایشگاه انقلاب مشروطه در گیلان یکی دیگر از نمایشگاه‌هایی است که به درخواست مدیریت اسناد و کتابخانه ملی گیلان، در قالب ۲۶ عنوان با معرفی ۲۲ برگ سند و ۹ قطعه عکس آماده‌سازی و ارسال شد. دستخط محمدعلی‌شاه، مبنی بر انتصاب محمدولی‌خان تنکابنی به ریاست کل قشون آذربایجان، قدیمی‌ترین سند مربوط به تاریخ جمادی‌آخر ۱۳۲۶ ق. / تیر یا مرداد ۱۲۸۷ ش. و جدیدترین آن گزارش تلگرافی حکومت گیلان و طوالش، مبنی بر ورود احمدخان میرشکار و دو نفر همراه به رشت و تأمین از سوی روس‌ها و کسب تکلیف در این زمینه با تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۳۰ ق. / ۱۳۹۱/۲/۱۸ ش. بود.



وزارت جنگ

تاریخ ۱۸ / ۸ / ۱۳۱

پوست

اداره زندان مرکزی

اداره

دائرة

شماره

۹۹۸

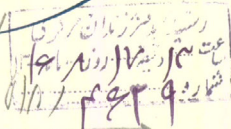
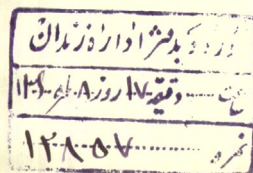
مقتضی است قدغن فرمائید اشخاص نامبردگان باین متهمین

غائله مشهد را .

سیدعلی نواب احتشام حسن اردکانی محمدعلی کهرائی
شیخ حسین اردبیلی شیخ عباسعلی محقق سیدرضای کلبی
شیخ خلیل تصویری میر محمد حسین حسینی اصفهانی
شیخ سیفاله سیفی غلامعلی خداداد حاج رفیع سنجری
حاج محمد حسین صبوری زین العابدین بربر سید محمد شریعت
شیخ محمد تقی شاهرودی علی مخصوص کاتب سیداسدالله بابکی
فتح الله یغمائی .

برای یوم سه شنبه هیجدهم ماه جاری ساعت (۹) صبح تحت المراقبه
بدیوان حرب متشکله در اداره محاکمات و دعاوی ارتش اعزام دارند .

رئیس اداره محاکمات و دعاوی ارتش = سرتیب افخمی



۱۵/۸/۱۳۱

۱۵/۸/۱۳۱

۱۵/۸/۱۳۱

دستور رئیس اداره محاکمات و دعاوی ارتش، مبنی بر اعزام متهمان قیام مسجد گوهرشاد به دیوان حرب؛
۱۳۱۶/۸/۱۶ ش.

شناسه سند: ۲۹۴-۲۰۱-۲

منشأ: آرشیو ملی ایران





از طهران برشت				اداره تلگرافی دولت علیه ایران		صفحه
مره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات	
		روز	ساعت	دقیقه		

عموم حکام ولایات و ایالات ممالک محروسه بالقاب و عناوین هریک تلگراف شود چون لازم بود خاطر محترم شمارا از مدلول قضایا مشتمول دستخط انجمن نقط مبارک مستحضر و حسب الامر عینا درج و ابلاغ نماید جناب مشیرالسلطنه رئیس الوزراء چنانکه بر احدى پوشیده نیست بواسطه ایجاد انجمنهایی که بدون نظرنامه تشکیل و در امور دولتی که از وظایف اهالی خارج است مضر دخال می نمودند بطوریکه رشته انتظام امور را از دست اولیای دولت خارج و بمیل خود میخواستند امور مملکتی را حل و عقد نمایند و نزدیک بود هرج و مرج عظیمی در کبیه مملکت رویداده موجب اضمحلال دولت قدیم قویم ایران گردد

از طرف دیگر اطباء و فاطمین بواسطه انکاء بانجمنها بمد اخلال و اعتشاش کلیه امور شده بود از آنجا که رشته امور مملکتی باید در تحت توجه مخصوص ما در دست مدودی از عللا بوده باشد هر قدر خواستیم که انجمنها را بوظایف خود ملتفت نموده از تخطیات فساد آمیز آنها جلوگیری نماییم بجهت انکالی که بر مجلس شورای ملی داشتند نت خالص ما پیشرفت نموده و علاوه برای نیل مقاصد مضره خود بعضی مفسدین و آفتاب طلب که همیشه طالب هرج و مرج بودند مانع از جریان امور در مجاری صحیحه بودند عاقبت بجهت حفظ و اساس این ملک که از طرف حضرت باری تعالی جل شانه یکم کفایت ما تقویض شده است و برای امنیت و رفاهیت فاطبه اهالی که بمنزله فرزندان ما هستند خواستیم مفسدین را دستگیر نموده

و از نتایج وخیمه اعمال و حرکات ناشایسته آنها جلوگیری نماییم بمجرد اینکه در این امر اقدام نمودیم از طرف مجلس از آنها حمایت شده و جمع کثیری از اشرار و مفسدین مجلس را پناهگاه قرار داده در مقابل قشون دولتی سنگرها بسته و باستعمال نارنجک و مواد ناریه اقدام نمودند

لهذا مجبور شدیم که از تاریخ امروز بمدت سه ماه مجلس شورای ملی را منفصل کرده و پس از این مدت وکلای متدین صحیح دولت و ملت پرست منتخب شده بامجلس سناء که موافقت قانون اساسی است توانا مفتوح شود مقرر آنکه عبارت همین دستخط را بحکام ولایات مخابره نمایند که فاطبه اهالی از نیات خسروانه ما در آسایش و رفاهیت عامه وجده جهدی که پیوسته در انتظام امور داریم منتظر و امیدوار باشند ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۶ عموم اهالی را از مدلول دستخط مبارک مطلع نماید

(مشیرالسلطنه)

بتاریخ	شهر	ساعت	دقیقه	نیل	سنة
					۱۳۲

تلگراف فرمان محمدعلی شاه از سوی مشیرالسلطنه به رشت در خصوص اعلام نارضایتی شاه از عملکرد انجمنها، انفصال مجلس شورای ملی به مدت سه ماه و آغاز به کار همزمان آن با مجلس سنا و انتخاب نمایندگان جدید؛ ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۶ ق. ۱۲۸۷/۴/۳۰ ش.

شناسه سند: ۲۹۶۰۱۸۶۴۲

منشأ: آرشیو ملی ایران